



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
پوهنتون البیرونی

مجله علمی - تحقیقی البیرونی

سال پنجم، شماره بیست و یکم، خزان ۱۴۰۱ هـ ش (۱۴۴۴ هـ ق)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجلة علمی - تحقیقی البیرونی

صاحب امتیاز: پوهنتون البیرونی

مدیر مسؤول: پوهندوی دکتور محبوب الرحمن صافی

مهتمم: جواد رحیمی

نوبت چاپ: سوم - ۱۴۰۱ هـ ش

صفحه آرا: مدیریت اجرائی مجله

نشانی الکترونیکی: jawadrahimi2030@gmail.com

vc.academic@au.edu.af

تلفون: +93777118025 - +93797100896

اعضای هیأت تحریر:

پوهنمل شفیع الله مصلح، معاون امور علمی

پوهنوال فضل الرب آریا، استاد پوهنهی زراعت

پوهندوی دکتور عبدالرافع علیمی، استاد پوهنهی شرعیات

پوهندوی دکتور سید تسلیم کاویان، استاد پوهنهی زبان وادبیات

پوهندوی عبدالمتمین حقین، استاد پوهنهی انجنیری

پوهندوی داکتر فریدون فرزام، استاد پوهنهی طب

پوهنمل دکتور احمد حنیف حنیف، استاد پوهنهی حقوق وعلوم سیاسی

پوهنمل داکتر احمد مصطفی رحیمی، استاد پوهنهی طب

پوهنمل عبدالقهار قرلق، استاد پوهنهی زراعت

پوهنیار روح الله فجر، استاد پوهنهی تعلیم و تربیه

پوهنیار اسد الله آریا، استاد پوهنهی ژورنالیزم

یادداشت:

- مقاله‌های ارسالی به مجله علمی-تحقیقی البیرونی باید علمی، جدید و برابر با معیارهای اکادمیک باشد.
- مقاله‌های ارسال شده به این مجله باید در نشریه دیگر نشر نشده یا برای نشر فرستاده نشده باشد.
- مقاله ارسالی جهت مرور به مرورگران فرستاده می شود. مرورگران مقاله را به صورت دقیق مطالعه نموده و در مورد آن تصمیم اتخاذ می نمایند.
- هیأت تحریر مجله که متشکل از اعضای کادر علمی است، طبق پالیسی مجله، در مورد نشر مقاله تصمیم اتخاذ می نماید و مدیریت اجرایی مجله تصمیم هیأت تحریر را به آگاهی نویسنده می رساند.
- تمام مسئولیت محتوای مقاله به عهده نویسنده/نویسنده ها و مرورگران (تقریظ دهندگان) می باشد.

تمامی حقوق این اثر برای پوهنتون البیرونی محفوظ است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیام رئیس پوهنتون البیرونی	۱
رهنمود نوشتن مقاله برای مجله علمی-تحقیقی البیرونی.....	۵
بررسی اثر پروبیوتیک، (لکتوبسیل رامنوزوس)، بر کاهش قند خون در موش‌های سوری دیابتی نر نژاد Balb/c (پوهنمل رحیمی و پوهنیار رستم پور).....	۹
تأثیر پروبیوتیک (لکتوبسیل رامنوزوس) بالایی چربی‌های خون در موش‌های سوری نر تغذیه شده با رژیم غذایی پر چربی (پوهنمل رحیمی و پوهنیار رستم پور).....	۲۳
جنسیت و شباهت جنین از نظر اسلام و علوم معاصر (پوهنمل محمدی و پوهندوی دکتور علیمی)....	۴۱
خروج شوری از افغانستان و تأثیر آن بر اوضاع سیاسی و امنیتی این کشور (پوهنیار اکبری و پوهنمل دکتور حنیف).....	۵۷
مطالعه تطبیقی مسؤولیت مبتنی بر تقصیر در نظام حقوقی افغانستان و ترکیه (پوهنیار موسوی و پوهنمل آراین)	۷۷
ریشه‌های منازعه فلسطین و اسرائیل (پوهنمل حشمت و پوهنیار حمید)	۹۹
بررسی جرم اختلاس و مجازات آن در احکام شریعت اسلام و کد جزای ۱۳۹۶ هـ ق (پوهنیار صدیقی و پوهنمل محمدی).....	۱۱۵
بازتاب حقوق و آزادی‌های عمومی در قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان (پوهنمل دکتور حنیف و پوهنوال ضیایی).....	۱۳۵
بررسی حکمت‌های امامت پیامبر ص در شب معراج (پوهنیار جلیلی و پوهندوی دکتور علیمی).....	۱۵۵
نقش جنسیت در اعتبار شهادت (پوهنمل صمیم و پوهندوی دکتور علیمی).....	۱۷۷

پیام رئیس پوهنتون البیرونی

الحمد لله وكفى الصلاة والسلام على عباده الذين اصطفى و من بهديهم اهتدى امابعد: فأعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم قال الله تعالى في محكم كتابه وهو أصدق القائلين: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ [سورة احزاب، آية ۳۳].

و در خانه‌های تان بنشینید و آرام گیرید (و بی حاجت و ضرورت از منزل بیرون نروید) و مانند دوره‌ی جاهلیت پیشین با آرایش و خودآرایی بیرون نیایید و نماز برپا دارید و زکات (مال به فقیران) بدهید و از امر خدا و رسولش اطاعت کنید. خدا چنین می‌خواهد که هر رجس و آلاشی را از شما خانواده (نبوت) ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند.

برای خانواده‌ها بهترین نمونه زندگی، زندگی ازواجِ مُطَهَّرات می‌باشد که عفت و پاکدامنی و مقام والای آن‌ها را خود قرآن تأیید کرده است و برای آبد روشن نموده که این افراد از طریق وحی تربیت و پرورش یافته‌اند و چون شایستگی آن‌ها از فطرتِ اولیه در سرشت آن‌ها بوده، لذا خداوند متعال آن‌ها را برای پیغمبر آخرالزمان برگزید و فرمود که گفتار و کردار شما زنان پیامبر تا قیامت نمونه و راهنمای امت محمدیه علیه الصلوٰة والسلام خواهد بود. خداوند اوامر خود را نازل نمود و آن‌ها در سایهٔ مرحمتِ فخر عالم جبه آن اوامر عمل کرده و برای امت روشن کردند که احکام خدا برای همهٔ گویندگان «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» واجب و وسیلهٔ نجات است.

این حکم اگرچه ظاهراً خاصّ به ازواجِ مطهرات معلوم می‌شود، اما به اعتبار دلالتِ خطاب و حفاظت و عفت که برای زن‌ها بیشتر از هرچیز مطلوب است، شامل همهٔ زنان مسلمان می‌شود، همانطور که «ابن کثیر» در کتاب تفسیر خویش به نقل از مقاتل آورده است: «ثم عمت نساء المؤمنین فی التبرج» ابن کثیر. (سپس همهٔ زنان مؤمنین را شامل می‌شود در خارج شدن از خانه). و معترضین چنین سؤالی را مطرح می‌کنند که: آیا معنی آیات این است که زنان تمام عمر در چهار دیواری خانه محبوس و در بند باشند؟ آیا برای کارهای دینی هم نباید از خانه خارج شوند؟ نه، ابداً چنین نیست و بر این عقل و دانش بیاید گریست.

قبلاً هم ذکر کردیم که طبق قول و عمل رسول اکرم، زن‌ها می‌توانند به حج بروند و به عیادت مریض‌ها و تعزیت خویشاوندان بروند و در جنگ‌ها و غزوات حاضر شوند. بنابراین، اعتراض از این جهت، صحیح نمی‌باشد و معنی آیه شریفه این است که: زن‌های پیامبر و مسلمانان نباید مثل زن‌های دوره جاهلیت خود را بی‌حجاب کنند و با زرق و برق آرایش نمایند و لباس‌های ابریشمی بپوشند و در بازارها به گردش بپردازند و این معنی در آیه ۳۲ و ۵۹ سوره احزاب بیشتر روشن می‌شود.

دلیل قولی حدیثی است که مسلم روایت کرده که پیامبر علیه السلام فرمود: «إِنَّهُ قَدْ أُذِنَ لَكُنَّ أَنْ تَخْرُجْنَ لِحَاجَتِكُنَّ» [رواه مسلم] یعنی هرآینه اجازه داده شده است شما را که برای حاجت خود بیرون روید.

امارت اسلامی حاکمیت افغانستان را به میراث خون هزاران شهید گرفته و در این راستا قربانی‌های بی‌ظیری را داده است که در قرن‌های نزدیک و بعید، نظیر آن وجود ندارد. بنابراین، مجاهدین امارت اسلامی برای حفظ ضروریات دین و ارزش‌های اسلامی، با جان، مال و زبان رزمیده‌اند. به‌خاطر حاکمیت اسلام واحکام الهی عملیات استشهدادی، خون و جان دادند. بندی‌خانه و شکنجه‌های فراوان و هزار نوع تعذیب‌های طاقت‌فرسا را متحمل شده‌اند. این همه و همه از برای هدف اساسی و اصلی که همانا تحکیم شریعت اسلامی و ختم فتنه و اشغال از چنگال بیگانگان بوده است که لله‌الحمد مجاهدین پیروز شدند.

حال در ابتلای بزرگ دیگری که همانا تطبیق شریعت اسلامی است، مسوولیت پذیر شدند که لله‌الحمد، بابزرگان متبحر و با درایت تحکیم و تطبیق شریعت به‌مرور زمان حکم‌فرما خواهد شد و مجاهدین در این مسیر رسالت و مسوولیت دارند و آن را تطبیق خواهند کرد.

در همین روزها طبق فیصله‌ی کابینه‌ی محترم امارت اسلامی افغانستان، تاحکم ثانی دروس محصلین اناث معطل قرار داده شده است و این امر را سیکولاران و بی‌دینان طوری وانمود ساختند که گویا امارت اسلامی با تعلیم و تعلم دختران مخالفت دارد و بعضی ساده‌اندیشان و مغفلین را به این بهانه شکار نمودند؛ لیکن حقیقت‌الامر چنین نیست، که الله نخواسته امارت به همراه تعلیم دختران مشکلی دارد. امارت اسلامی در رأس کابینه‌اش همه علمای ممتاز و جید و مجاهدین و مخلصین قرار دارند «اساساً باید

به آن بزرگان اعتماد داشته باشیم». چراکه این بزرگان کسانی اند که برای حفظ ناموس مردم افغانستان، فرزندان خود را قربانی داده اند. ایشان امری یا کاری خلاف شریعت را نمی کنند، بلکه یگانه هدف شان تطبیق واقعی اسلام است که برای تطبیق آن هزاران عالم دین حفاظ کرام و جوانان مسلمان، خون خود را فدای این راه نموده اند. هیچ گاه درست نیست که گویا امارت با تعلیم دختران مخالفت دارد و این موضوع که امارت اسلامی با ادامه ی تحصیل دختران مخالف است، دروغ محض بوده و هرگز قرین واقعیت نبوده و نیست.

برای بیان حقیقت امر در مورد تعلیم دختران، امارت اسلامی افغانستان، بر احکام اسلامی تمرکز دارد و هیچ گاه از اسلام که امر به تاکید اعتدال در آن شده است، افراط و تفریط نکرده و نخواهد کرد و مطابق شریعت اسلامی اجراءات خواهند نمود.

موقف امارت اسلامی را به شناختن نکات ذیل، نسبت به تعلیم به طور اعم و نسبت به تعلیم زن به طور اخص ضروری می دانم.

۱- نظام امارت اسلامی قبل از همه تمثیل کننده ی واقعی مسلمانان افغانستان است و هم چنان جماعت راستینی که از اسلام نمایندگی می کنند؛ پس ضروری است که از فرهنگ و عنعنات و ارزش های اسلامی و غیرت ایمانی هموطنان گرامی خود، در قرائت و فرامین خویش دفاع نمایند. این فرامین چه فرامین تعلیمی باشد و یا هم غیر تعلیمی.

۲- نظام امارت اسلامی در قضایا و امور، فکر سطحی ندارد؛ بلکه آن را در عمق قضایا مطالعه نموده و در مطابقت با احکام شرعی حکم می کند. بنا قضیه ی تعلیم دختران قضیه ی طلب کننده ی فکر عمیق است و هیچ گاه بر فکر ورأی یک نفر مبنی نیست، بلکه این امر من حیث مشوره و شورای کابینه مطرح شده است.

۳- نظام امارت اسلامی، حفظ کننده ی همه حقوق زن و مرد مسلمان است، اعم از حقوق دینی و تعلیمی و هیچ کس و یا فردی آن را گرفته نمی تواند و هر حکمی شرعی، طبق نصوص شریعت اسلامی تطبیق و اجرا می گردد.

۴- نظام امارت اسلامی با عقلانیت و درایت کامل می‌داند که امر تعلیم زن و دختر از حقوق اسلامی و انسانی آن‌ها بوده و این یک امر بدهی و واضحی است که انکار از آن به هیچ وجه درست نیست. لیکن همین تعلیم ایشان مشروط به حجاب اسلامی و امور دیگری است. طوری نیست که هدف تعلیم به هر وسیله‌ای که مشروع باشد و یا هم نامشروع، طلب گردد.

از آن جمله جدایی صنوف دختران و پسران است، چه در مدارس و پوهنچی‌ها و پوهنتون‌ها. لذا مشروعیت وسیله‌ی تعلیم، امر مهم و ضروری است. از همین رو، ناجائز بودن آن را مقصودیت تعلیم، براءت داده نمی‌تواند. کسانی که در مدارس و پوهنچی‌ها، درس مشترک خوانده‌اند، مشکلات درس‌های مختلط و فساد اخلاقی در آن‌جا را خوب می‌دانند.

هم‌چنان ضروری است که نصاب، به‌طور کل از منهج غربی‌ها عاری باشد و بر منهج اسلامی استوار و به حالات و نیاز دختران سازگار باشد تا همه نیازهای جامعه‌ی اسلامی و همه جوانب دینی و اخلاقی در آن در نظر گرفته شده باشد. اینجاست که می‌دانیم، امارت اسلامی با تعلیم دختران طبق شرایط یادشده، هیچ مشکلی ندارد. اگر کسی این را فهمید، خوب و اگر نفهمید، مشکل در عقلش، در فکرش و در درایتش است و ممکن ملحد و بی‌دین و سیکولار باشد، که دین را به واسطه‌ی دین رد و تحریف می‌کند. لذا چنین شخصی در نصوص دین تحریف می‌کند و عناد با دین اسلام و امارت اسلامی افغانستان دارد.

مشکل امارت با تعلیم مختلط، بدون حجاب و با نصاب غربی است که عقیده، اخلاق و عفت خواهر مسلمان را از بین می‌برد و از همه مزایای اخلاقی اسلامی آن را عاری می‌سازد و بر ضد دین از ایشان کار می‌گیرد و آن‌ها را به بی‌دینی سوق می‌دهد که در واقع این افراد و حامیان‌شان اصلاً با دین الله عزوجل مقابله دارند، نه به امارت اسلامی. در این صورت وظیفه‌ی امارت اسلامی است که از کلام الله و دین الله حفاظت کند و هر راه که منجر به هتک حرمت الله شود، معطل قرار داده شود تا وفق شرایط دینی، زمینه مساعد گردد.

وفقنی الله و إياکم لما یحب و یرضی

پوهندوی دکتور احسان الحق نیازی

رهنمود نوشتن مقاله برای مجله علمی - تحقیقی البیرونی

مجله علمی - تحقیقی پوهنتون البیرونی مقالات معیاری را به زبان‌های رسمی کشور و شماره‌های ویژه به زبان‌های انگلیسی و عربی، در بخش‌های گوناگون علمی - تخصصی، به نشر می‌سپارد. روش نگارش مقاله‌های مجله از عنوان الی ضمایم طبق روش APA صورت می‌گیرد.

نوع خط برای نگارش مقاله‌ها B Zar، اندازه خط ۱۲، فاصله میان خط‌ها ۱،۱۵ و پاراگراف‌ها با ۰،۵، انچ فرورفتگی (indent) نوشته می‌شود. به زبان پشتو، خط نازو و برای زبان انگلیسی از خط عادی (Times New Roman) فونت ۱۲ استفاده می‌شود. برای زبان عربی از خط مناسب طبق لزوم دید متن و محتوای مقاله استفاده گردد. ارقام به کاررفته در متن باید مطابق زبان متن عیار گردد. فاصله میان پاراگراف‌ها در نظر گرفته نمی‌شود.

تعداد برگ‌های مقاله از ۱۵ بیشتر نبوده و هر مقاله باید دارای حد اقل ۱۰ منبع باشد که از جمله حد اقل ۵۰ درصد آن در علوم تجربی از ۱۰ سال اخیر و در علوم اجتماعی طبق لزوم دید تنظیم گردد. از جدول‌ها و شکل‌ها برای تشریح و توضیح مفاهیم استفاده می‌شود. شکل‌ها باید کیفیت خوب داشته باشند. اندازه خط برای عناوین شکل‌ها و جدول‌ها ۱۱ در نظر گرفته شود. مقاله‌ها به اندازه قطع وزیری یا B5 نگاشته می‌شود. حاشیه مقاله از چهار سو به اندازه ۱ انچ در نظر گرفته شود. مجله البیرونی در هر ربع یکبار نشر می‌شود. مقاله‌های کوتاه (short communication) که الی ۵ برگ باشند، نیز برای نشر پذیرفته می‌شود. هرگاه متن مقاله به زبان فارسی دری ویا پشتو باشد، ترجمه انگلیسی چکیده آن نیز وجود داشته باشد. هرگاه مقاله به زبان‌های بین‌المللی باشد، ترجمه چکیده به زبان فارسی دری تهیه گردد. شماره گذاری صفحه در اخیر صفحه صورت می‌گیرد.

یکتن از نویسنده‌ها (معمولاً نویسنده نخست) مسئولیت ارتباطات و مکاتبه را به عهده می‌گیرد که به آن نویسنده مسؤول گفته می‌شود. ایمیل و شماره تماس نویسنده مسؤول در مقاله ذکر می‌گردد.

نویسنده‌های محترم مقاله‌های خود را پیش از فرستادن به آدرس مجله، باید طبق این رهنمود آماده سازند. مقاله‌های که به مجله علمی - تحقیقی البیرونی فرستاده می‌شوند نباید در نشریه‌های دیگر به نشر رسیده باشند و یا جهت نشر فرستاده شده باشند. مقاله‌ها به صورت رسمی به آدرس مدیریت مجله

فرستاده می‌شوند. همچنان سافت کامل مقاله‌ها به ایمیل آدرس مدیر مسئول و مدیریت اجرایی مجله فرستاده شده و معاونیت امور علمی نیز CC گرفته شود.

مدیر مسئول مجله: پوهندوی دکتور محبوب الرحمن صافی m.f.safi15@gmail.com

مدیر اجرایی مجله: جواد رحیمی jawadrahimi2030@gmail.com

معاونیت امور علمی: پوهنمل شفیع الله مصلح shafiullah.muslah793@gmail.com

مقاله‌های ارسالی در گام نخست توسط هیأت تحریر مجله که تطبیق‌کننده پالیسی نگارش مجله اند، بررسی می‌گردد. هیأت تحریر مجله متشکل از اعضای کادر علمی میباشد. مقاله‌ها پس از بررسی ابتدائی توسط هیأت تحریر به مرورگران رشته مربوطه (تقریظ دهنده) جهت مرور (Review) فرستاده می‌شود. مرورگران در مورد اعتبار علمی مقاله تصمیم اتخاذ می‌کنند و نتایج بررسی خود را به هیأت تحریر مینگارند. مسئولیت محتوای مقاله به عهده‌ی نویسنده/ نویسنده‌ها و مرورگران (تقریظ دهندگان) مقاله می‌باشد.

هیأت تحریر بر مبنای تصمیم مرورگران و پالیسی نشراتی مجله، درخصوص نشر مقاله تصمیم نهائی اتخاذ می‌کنند. هیأت تحریر مجله ماه یک بار جلسه‌های منظم را برگزار می‌کند. برعلاوه جلسه‌های عادی، جلسه‌های ویژه نیز در صورت نیاز برگزار می‌گردد.

مجلة علمى - تحقيقى
البيرونى
بخش علوم تجربى

بررسی اثر پروبیوتیک، (لکتوبسیل رامنوزوس)، بر کاهش قند خون در موش‌های سوری دیابتی نر نژاد Balb/c

پوهنمل داکتر احمد مصطفی رحیمی^{(۱)*}

پوهنیار داکتر محمدحسین رستم پور^(۱)

(۱) استاد پوهنهی طب، پوهنتون البیرونی.

(۱) * نویسنده مسؤول-ایمیل: hussainrustampoor@gmail.com شماره تماس: ۰۷۹۷۰۶۸۹۵۱

چکیده

دیابت یکی از مهم‌ترین اختلال‌های متابولیک است که شیوع آن به سرعت رو به گسترش بوده و می‌تواند مشکلات درمانی فراوانی را سبب گردد. عدم وجود تداوی مناسب برای این مریضی سبب شده، استفاده از پروبیوتیک‌ها در تداوی و وقایه از این مرض مورد توجه قرار گیرد. در این تحقیق تأثیر لکتوبسیل رامنوزوس به عنوان پروبیوتیک بر بهبود قند خون در موش‌های سوری نژاد Balb/C مدل دیابتی بررسی شد. ۲۴ موش سوری نر، نژاد Balb/C بصورت تصادفی در سه گروه طور ذیل تقسیم شدند: کنترل منفی، کنترل مثبت دیابتی و پروبیوتیک. پس از ۲۱ روز موش‌ها به اثر دوا بیهوش و پس از خون‌گیری از قلب حیوان، اندازه قند خون، در هر گروه تعیین شد. در پی توسعه دیابت، سطح قند خون در موش‌ها افزایش یافته و مصرف پروبیوتیک کارایی بالایی در کنترل قند خون داشت، سبب کاهش معنادار در قند خون موش‌های دیابتی شد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از پروبیوتیک لکتوبسیل رامنوزوس می‌تواند در کنترل قند خون مبتلایان به دیابت مفید باشد.

واژه‌های کلیدی: پروبیوتیک، قند خون، اختلال متابولیک، دیابت، لکتوبسیل رامنوزوس.

Abstract

Diabetes is one of the most important metabolic disorders with rapidly increasing prevalence that can create plenty of therapeutic problems. The lack of a satisfactory treatment for the disease has led to probiotic being considered as a potential therapeutic and preventive measure. In this study, *Lactobacillus rhamnosus* was used as a probiotic to improve blood sugar in diabetic models of Balb/C strains of Syrian mice. 24 Syrian mice of Balb/C strain were randomly divided in the following three groups: Control negative, Control positive diabetic group, and probiotic. After 21 days, mice were made unconscious by anesthesia, blood was taken from their hearts and blood sugar levels were determined in each group. After the development of diabetes, which increased blood sugar levels in mice, the consumption of probiotic had high efficiency in controlling blood sugar of diabetic mice; resulted in significant decrease in blood sugar of diabetic mice. The results of this study indicate that the use of probiotic *Lactobacillus rhamnosus* can be helpful in controlling blood sugar of diabetic patients.

Keywords: Probiotic, Blood sugar, Metabolic disorder, Diabetes, *Lactobacillus rhamnosus*

پوهنمل داکتر احمد مصطفی رحیمی

مقدمه

دیابت یک اختلال در سوخت و ساز (متابولیسم) بدن است، که در این بیماری یا انسولین در بدن وجود ندارد و یا انسولین موجود قادر نیست وظیفه خود را به درستی انجام دهد و در نتیجه به علت وجود مقاومت در برابر آن، قند خون بالا می‌رود (بازجو و همکاران، 2016). میلیون‌ها انسان در سراسر دنیا از این مرض رنج می‌برند (Sadat et al., 2020).

انسولین هورمونی است که توسط حشرات بیتا واقع در پانکراس ترشح می‌شود و وظیفه آن کاهش قند خون است (Tyagi et al., 2013).

بلند بودن قند خون در درازمدت باعث بروز عوارض در سیستم قلب و اوعیه، گرده‌ها، چشم و اعصاب می‌گردد. آمار نشان می‌دهد که دیابت شیرین یکی از علل عمده ابتلا، مرگ و ناتوانی در آینده نزدیک در جامعه بشری است (Papadopoulos et al., 2007).

پروبیوتیک‌ها، میکروارگانیسم‌های غیر مرضی می‌باشد که اگر به تعداد کافی و به صورت زنده مورد استفاده قرار گیرند، از راه ایجاد تعادل میکروبی در روده، اثرات مفید و سلامتی‌بخشی بر میزبان خود اعمال می‌نمایند به همین دلیل جزء غذاهای مفید محسوب می‌شوند. باکتری‌های مولد لک‌تیک اسید، بخصوص لکتوباسیلوس‌ها و بیفیدوباکتریوم‌ها، به طور عادی جز از اکوسیستم جهاز هضمی هستند و پروبیوتیک محسوب می‌شوند (Homayouni Rad, 2008). از جمله فایده‌های پروبیوتیک‌ها، کمک به تداوی عدم تحمل لکتوز، اسهال، قبضیت، حساسیت‌ها، امراض التهابی روده، سندرم روده تحریک پذیر، زخم معده، تحریک سیستم معافیت و جلوگیری از امراض اتوایمیون، کاهش کلسترول و خاصیت ضدسرطانی آنها می‌باشد (Goldin et al., 2008; Homayouni Rad, 2008; Kaur et al., 2009).

پیشینه

تاکنون در چندین تحقیق حیوانی اثر پروبیوتیک‌ها در کاهش قندخون و به تاخیر انداختن بروز افزایش قندخون و مقاومت انسولینی در موش‌های دیابتی گزارش شده است (Yadav et al., 2007). پروبیوتیک‌ها مانند مایکروفلورای نارمل عمل کرده و متابولیسم بدن و سیستم معافیت را

پوهنمل داکتر احمد مصطفی رحیمی

تقویت می کنند. جزایر لانگرهاس به دلیل تضعیف سیستم معافیت، از بین می روند و این احتمال وجود دارد که پروبیوتیک ها بتوانند در تداوی دیابت استفاده شوند (Derosa et al., 2004). بعضی از انواع خاص پروبیوتیک ها با تأثیر بر ترکیب فلور میکروبی روده و بهبود کارکرد روده می توانند موجب نهی انتقال اندوتوکسین های باکتریایی به جریان خون و کاهش لیپوپلی ساکارایدها و سایتوکین های پیش التهابی در گردش خون شوند و از این راه موجب کاهش التهاب و در نتیجه کاهش مقاومت انسولینی و جلوگیری از تخریب حجرات بیتای پانکراس شوند (Laitinen et al., 2008; Lye et al., 2009). پروبیوتیک ها از راه ممانعت از تولید گونه های واکنش گر اکسیجن از تخریب حجرات بیتای پانکراس پیش گیری می کنند. خاصیت آنتی اکسیدانسی و افزایش زیست-دسترسی به دواهای دیابتی نیز می تواند در کنترل قند خون مؤثر باشد (Harisa et al., 2009).

با توجه به شیوع روز افزون دیابت و مشکلات موجود فراراه تحقیقات انسانی در رابطه به تأثیر پروبیوتیک (لکتوسیل رامنوزوس) در تداوی مریضان دیابتی، این تحقیق با هدف بررسی تأثیر پروبیوتیک (لکتوسیل رامنوزوس) بر شاخص های قند خون و در موش های مبتلا به دیابت انجام شد. نتایج این تحقیق می تواند ما را یک گام به پاسخ به سوالات آتی نزدیک سازد: آیا پروبیوتیک (لکتوسیل رامنوزوس) می تواند سطح قند خون را در مریضان دیابت کاهش دهد؟ ، آیا پروبیوتیک (لکتوسیل رامنوزوس) می تواند برای درمان یا وقایه دیابت مورد استفاده قرار گیرد؟ آیا می توان پروبیوتیک (لکتوسیل رامنوزوس) را به عنوان جایگزین برای داروهای مروج ضد دیابت پیشنهاد نمود؟ با توجه اطلاعات موجود، آنچنانیکه در پیشینه تذکار رفت، دو تا فرضیه ذیل را مطرح ساختیم:

فرضیه صفر: مصرف روزانه پروبیوتیک (لکتوسیل رامنوزوس) تأثیر معناداری بر کاهش سطح قند خون در موش های سوری نر نژاد Balb/C نخواهد داشت.

فرضیه خلاف: مصرف روزانه پروبیوتیک (لکتوسیل رامنوزوس) سطح قند خون را در موش های سوری نر نژاد Balb/C کاهش میدهد.

مواد و روش کار

این تحقیق از تاریخ ۲۴ فروری ۲۰۲۰ تا ۲۴ اگست ۲۰۲۰ در دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه تهران انجام یافت. برای انجام این تحقیق ابتدا ۲۴ رأس موش سوری نر نژاد Balb/C در محدوده وزنی ۲۰-۲۵ گرم از حیوان خانه دیپارتمنت فزیولوژی دانشگاه علوم پزشکی تهران به طور تصادفی انتخاب گردید. در قفس‌های استاندارد در درجه حرارت 25 ± 2 و در شرایط ۱۲ ساعت تاریکی و ۱۲ ساعت روشنایی نگهداری شدند. در طی این مدت موش‌ها دست رسی آزاد به آب و مواد غذایی استاندارد داشتند. بعداً موش‌ها به طور تصادفی به سه گروه هفت تایی قرار ذیل تقسیم شدند:

گروه کنترل منفی: موش‌های سالم روزانه ۱ میلی لیتر از بفر PBS با pH معادل ۷/۲ دریافت می‌کردند.

گروه کنترل مثبت: موش‌های دیابتی روزانه ۱ میلی لیتر از بفر PBS دریافت می‌کردند.

گروه پروبیوتیک: موش‌های دیابتی روزانه ۱ میلی لیتر از بفر PBS حاوی $10^9 \times 2$ cfu از پروبیوتیک لکتوسیل رامنوزوس به صورت گاواژ دریافت می‌کردند.

جهت کشت باکتری از محیط de Man, Rosa and Sharpe (MRS) agar استفاده شد. ۱۰ مایکرولیتر از محلول باکتری روی محیط (MRS) agar تلقیح شد. پلیت باکتری به محفظه بی-هوازی منتقل شد. بعد از ۴۸ ساعت انکوبیشن در درجه حرارت ۳۷ درجه سانتی گراد پلیت باکتری از محفظه خارج گردید. جهت تهیه محلول با غلظت $10^9 \times 2$ cfu/mL از پلیت دوم کالونی خالص را با آنس معقم برداشته و به سیروم معقم تلقیح شد. بعد از ورتکس، OD محلول باید در طول موج ۶۲۰ نانومتر معادل ۰/۱ می‌بود.

برای ایجاد مدل دیابت در موش‌ها، استرپتوزوتوسین با دوز ۵۵ میلی گرام فی کیلو گرام وزن بدن به صورت تزریق داخل صفاقی به تمام حیوانات به جز گروه کنترل منفی، تزریق شد (Roberfroid, 2000). پس از گذشت ۵ الی ۷ روز علائم دیابت مانند پرنوشی، پرادراری، کاهش وزن در حیوانات ظاهر گردید. جهت اطمینان بیش‌تر از دیابتی شدن، میزان گلوکوز خون این حیوانات با گلوکومتر

پوهنمل داکتر احمد مصطفی رحیمی

اندازه گیری شد. ملاک دیابتی شدن، میزان گلوکوز خون این حیوانات بالاتر از ۲۰۰ میلی گرم بر دسی لیتر بود (بازجو و همکاران، ۲۰۱۶).

پس از ایجاد دیابت، گروه‌های مداخلوی با پروبیوتیک گاوژ شدند در حالی که گروه کنترل منفی سالم فقط با بفر و گروه کنترل مثبت دیابتی نیز فقط با بفر گاوژ شدند.

پس از ۲۱ روز موش‌ها با استفاده از کیتامین و زایلوزین بی‌هوش و بلافاصله خون‌گیری از قلب آن‌ها به عمل آمد. در حدود ۵ میلی لیتر خون گرفته شده از هر موش در تیوب سانتریفیوژ کد گذاری شده ریخته شد. تیوب‌ها در ۵۰۰۰ rpm در درجه 4°C به مدت ۱۰ دقیقه سانتریفیوژ و سیروم آن‌ها جدا گردید. سیروم‌ها در فریزر با درجه حرارت 20°C نگهداری و در اسرع وقت جهت تعیین اندازه قند خون از کیت پارس آزمون استفاده شد.

اندازه گیری قندخون

جهت تعیین اندازه قند خون از سیروم بدون همولایز یا پلازما ی هپارینه استفاده شد. برای این منظور ابتدا ۵۰ میکرولیتر در یک تیوب اپندورف ریخته شد. در تیوب دیگر ۵۰ میکرو لیتر از محلول ستندرد ریخته و سپس به محتویات هر دو تیوب ۲۰ میکرولیتر معرف گلوکوز افزوده شد. هر دو تیوب به مدت ۱۰ دقیقه در درجه حرارت 37°C یا به مدت ۲۰ دقیقه در درجه حرارت 25°C قرار داده شدند. سپس جذب نور نمونه‌ها آزمایش شده و ستندرد در مقابل بلانک در طول موج ۵۰۰ nm خوانده شد.

مشخصات ابزار جمع آوری اطلاعات و نحوه آنالیز آن

دیتاها با استفاده از ANOVA One-way آنالیز شدند و به صورت $\text{Mean} \pm \text{S.D.M}$ بیان شد. $P < 0.05$ سطح معناداری در نظر گرفته شد. تحلیل دیتاها با استفاده از نرم افزار SPSS version 14 انجام گردید.

نتایج و یافته ها

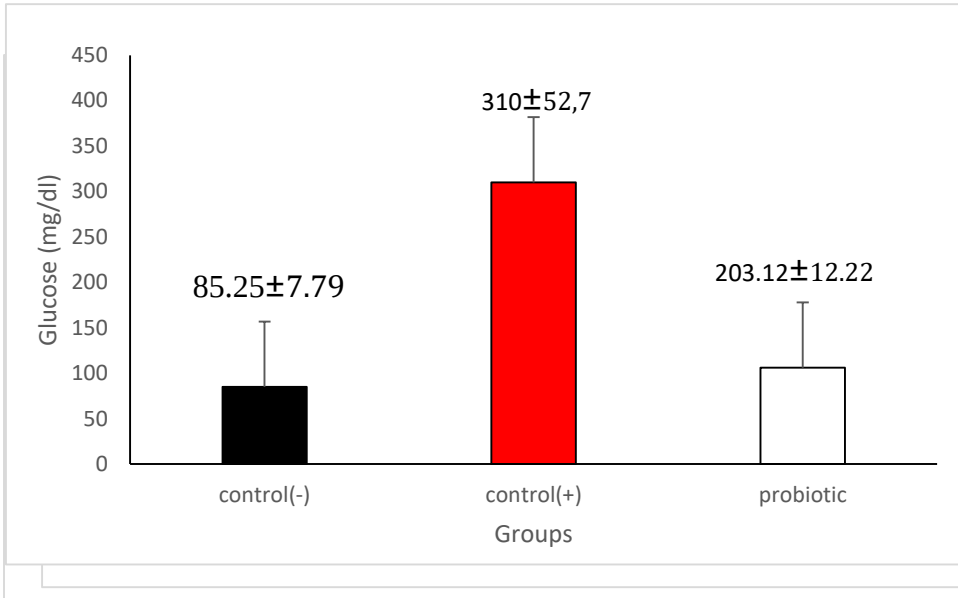
در جدول (۱) میانگین و انحراف معیار حاصله از تعیین قند خون در گروه‌های مختلف نشان داده شده است.

اندازه قند خون	گروپ ها
۸۵,۲۵±۷,۷۹	کنترل منفی
۳۱۰±۵۲,۷	کنترول مثبت دیابتی
۲۰۳,۱۲±۱۲,۲۲	پروبیوتک (لکتوبسیل رامنوزوس)

جدول-۱: میانگین و انحراف معیار قند خون در گروپ‌های مختلف مورد مطالعه

در شکل (۱) نیز مشاهده می‌گردد که با تزریق استرپتوزوتوسین میزان قندخون به صورت معناداری در گروپ دیابت (۵۲,۷±۳۱۰) نسبت به گروپ کنترل منفی (۷,۷۹±۸۵,۲۵) افزایش یافته بود ($p \text{ value} < 0.05$).

در گروپ مصرف‌کننده پروبیوتیک (۱۲,۲۲±۲۰۳,۱۲). قند خون در گروپ‌های مورد تجربه به صورت معناداری نسبت به گروپ دیابت کاهش یافته بود ($p \text{ value} < 0.05$). لازم به ذکر است که مصرف این مواد سبب نشده که قند خون به حالت طبیعی باز گردد.



شکل ۱: گراف مقایسه میزان قندخون در گروپ‌های مختلف مورد مطالعه

مناقشه

مرض دیابت از جمله امراض عصر نوین است که منجر به مشکلات زیاد صحتی از جمله بندش رگ‌های قلب می‌گردد. ۷۵ درصد افراد دیابتی بنابر این مشکل زنده گی‌شان را از دست می‌دهند (Tabuchi et al., 2003).

پروبیوتیک میکروب‌های موجود در جهاز هضمی هستند که از خصوصیات مفید آنها می‌توان تعدیل سیستم معافیت (Settanni et al., 2010)، کاهش انتانات جهاز هاضمه (Alvarez-Olmos et al., 2001)، کاهش حساسیت‌های جلدی و هضمی (Furrie, 2005)، کاهش عفونت‌های راجعه گوش و اسهالات مزمن و مسافرتی (De Vrese et al., 2010) را نام برد.

پوهنمل داکتر احمد مصطفی رحیمی

لالی و همکاران گزارش کردند که غذای تخمیر شده محلی نایجریایی به نام (نونو) حاوی لاکتوبسیل، در بهبود دیابت موش‌های که با آلوکسان دیابتی شده بودند به طور قابل ملاحظه‌ای موثر می‌باشد (Laleye et al., 2008).

در تحقیق دیگر که در سال ۲۰۰۳ توسط میهوکو تابوچی و همکاران انجام شد، مشخص گردید که لکتوبسیلوس GG خوراکی، که به موش‌های صحرایی دیابتی شده با استرپتوزوتوسین داده شده بود، به طور قابل توجهی اندازه گلوکوز خون را پایین آورده و در نتیجه توانایی مقابله با دیابت را دارد (Cani et al., 2007). در تحقیق که یادا و همکاران روی موش‌های آزمایشگاهی انجام دادند، دیده شد که شیر تخمیر شده با لکتوبسیلوس اسیدوفیلوس و لکتوبسیلوس کازئی می‌تواند شروع اختلال در سوخت و ساز گلوکوز را در موش‌هایی که با رژیم فروکتوز بالا تغذیه می‌شدند، به تأخیر بی‌اندازد و اثرات ضد دیابتی داشته باشد (Yadav et al., 2008).

کئی و همکاران نشان دادند ترکیب میکروفلورای روده در تعیین میزان التهاب که در دیابت نقش دارد، مؤثر است (Cani et al., 2007). به این صورت وقتی تعادل میکروفلورای روده از بین برود و نسبت باکتری‌های گرام مثبت به گرام منفی در روده کاهش یابد میزان دسترسی به لیپوپولی-ساکارایدها و سایر مالکول‌های پیش التهابی و انتقال آن‌ها به دوران خون افزایش می‌یابد و همین موضوع موجب افزایش ترشح سایتوکاین‌ها، فعالیت ماکروفاژها و در نهایت بروز التهاب در بدن می‌شود. سایتوکاین‌های التهابی پیام رسانی از راه آخذہ‌های انسولین را دچار اختلال می‌کنند و موجب ایجاد مقاومت انسولینی می‌شوند. هم‌چنان ترشح انسولین را کاهش داده و موجب القاء مرگ برنامه ریزی شده حجرات بیتای پانکراس می‌شوند. به طور کلی عدم تعادل مایکروفلور روده در پیشرفت بیماری دیابت نقش دارد. غلظت لیپوپولی ساکارایدها در پلازما با جمعیت بیفیدیوباکتریوم در روده ارتباط معکوسی دارد. بیفیدیوباکتریوم می‌تواند سطح اندوتوکسین داخل روده را کاهش دهد، عمل کرد سطح مخاطی روده را بهبود بخشد و از این طریق التهاب روده را کاهش دهد (Cani et al., 2008).

یافته‌های تحقیقی ال-سلامی و همکاران نشان داد که پروبیوتیک‌ها زیست-دسترسی و جذب دواهای گلائیکوزاید که نوعی سولفونیل یوری می‌باشد، را افزایش می‌دهند و از این راه قندخون

موش‌های را که توسط الوکسان دیابتی شده بودند را به طور معنا داری کاهش دادند. گلایکولوزاید بدون مصرف پروبیوتیک‌ها اثری بر قند خون موش‌های دیابتی نداشته است. این پژوهش مشخص کرد که مصرف همزمان پروبیوتیک با داروهای ضد دیابت اثر مساعدی بر کنترل دیابت دارد (Al-Salami et al., 2008).

به طور خلاصه، می‌توان نتیجه گرفت که مصرف این باکتری علاوه بر ارتقای سطح معافیت و افزایش مقاومت در برابر عوامل مرضی، با هدف کاهش اثرات مخرب دیابت می‌تواند در افراد دیابتی به کار گرفته شوند.

نتیجه گیری

در این تحقیق گاوژ روزمره پروبیوتیک در موش‌های دیابتی نر توانست قند خون را ۳۴٫۵٪ کاهش دهد. استفاده از پروبیوتیک (لکتوبسیل رامنوزوس) می‌تواند جایگزین دواهای که جهت تداوی مرض شکر استفاده می‌گردند شود، زیرا عوارض جانبی نداشته و از لحاظ اقتصادی هزینه کمتر را مریضان متقبل می‌شوند.

پیشنهادهات

- از آنجائی که درمان دیابت به وسیله پروبیوتیک (لکتوبسیل رامنوزوس) در موش‌های آزمایشگاهی، نتایج مثبت معناداری را در پی داشت انجام تحقیقات بالینی بالای یک گروه کوچکی از انسان‌های داو طلب را پیشنهاد می‌نماییم.
- پس از انجام تحقیقات بالینی بالای یک گروه کوچک از مریضان داو طلب، استفاده از این پروبیوتیک را در سطح بزرگتر از دو گروه از مریضان: طوریکه یک گروه ادویه مروج ضد دیابتی موجود و گروه دومی فراورده از این پروبیوتیک را مصرف کنند، پیشنهاد می‌کنیم.
- در صورتی که نتایج درمانی در گروه درمان شده با پروبیوتیک بیشتر یا برابر با گروه درمان شده با ادویه مروج ضد دیابتی باشد، می‌توان مصرف این باکتری را به عنوان یک فراورده فرا سودمند پیشنهاد نمود.

منابع

بازجو، آتنا، جعفری، و پروانه. (۲۰۱۶). بررسی اثر پروبیوتیک بومی ایران، باسیلوس سوبتی لیس JQ61819 و عصاره زیره سبز بر کاهش قند در رت نر نژاد ویستار دیابتی. *مجله تازه های بیوتکنولوژی سلولی-مولکولی*، ۶(۲۲)، ۸۳-۹۰.

Al-Salami, H., Butt, G., Fawcett, J. P., Tucker, I. G., Golocorbin-Kon, S., & Mikov, M. (2008). Probiotic treatment reduces blood glucose levels and increases systemic absorption of gliclazide in diabetic rats. *European journal of drug metabolism and pharmacokinetics*, 33(2), 101-106.

Alvarez-Olmos, M. I., & Oberhelman, R. A. (2001). Probiotic agents and infectious diseases: a modern perspective on a traditional therapy. *Clinical infectious diseases*, 32(11), 1567-1576.

Cani, P. D., Bibiloni, R., Knauf, C., Waget, A., Neyrinck, A. M., Delzenne, N. M., & Burcelin, R. (2008). Changes in gut microbiota control metabolic endotoxemia-induced inflammation in high-fat diet-induced obesity and diabetes in mice. *Diabetes*, 57(6), 1470-1481.

Cani, P. D., Neyrinck, A. M., Fava, F., Knauf, C., Burcelin, R. G., Tuohy, K. M., . . . Delzenne, N. M. (2007). Selective increases of bifidobacteria in gut microflora improve high-fat-diet-induced diabetes in mice through a mechanism associated with endotoxaemia. *Diabetologia*, 50(11), 2374-2383.

De Vrese, M., & Offick, B. (2010). Probiotics and prebiotics: effects on diarrhea *Bioactive Foods in Promoting Health* (pp. 205-227): Elsevier.

Derosa, G., Cicero, A. F., Gaddi, A., Ragonesi, P. D., Fogari, E., Bertone, G., . . . Piccinni, M. N. (2004). Metabolic effects of pioglitazone and rosiglitazone in patients with diabetes and metabolic syndrome treated with glimepiride: a twelve-month, multicenter, double-blind, randomized, controlled, parallel-group trial. *Clinical therapeutics*, 26(5), 744-754.

Furrie, E. (2005). Probiotics and allergy. *Proceedings of the Nutrition Society*, 64(4), 465-469.

Goldin, B., & Gorbach, S. (2008). Clinical indications for probiotics: an overview. *Clinical infectious diseases*, 46(Supplement_2), S96-S100

Harisa, G., Taha, E., Khalil, A., & Salem, M. (2009). Oral administration of *Lactobacillus acidophilus* restores nitric oxide level in diabetic rats. *Aust J Basic Appl Sci*, 3(3), 2963-2969.

Homayouni Rad, A. (2008). Therapeutical effects of functional probiotic, prebiotic and synbiotic foods. *Tabriz: Tabriz University of Medical Sciences*, 17-22.

Kaur, I. P., Kuhad, A., Garg, A., & Chopra, K. (2009). Probiotics: delineation of prophylactic and therapeutic benefits. *Journal of medicinal food*, 12(۳), 219-235.

Laitinen, K., Poussa, T., & Isolauri, E. (2008). Probiotics and dietary counselling contribute to glucose regulation during and after pregnancy: a randomised controlled trial. *British Journal of Nutrition*, 101(11), 1679-1687.

Laleye, S., Igbakin, A., & Akinyanju, J. (2008). Antidiabetic effect of Nono (a Nigerian fermented milk) on alloxan-induced diabetic rats. *American Journal of Food Technology*, 3(6), 394-398.

Lye, H.-S., Kuan, C.-Y., Ewe, J.-A., Fung, W.-Y., & Liong, M.-T. (2009). The improvement of hypertension by probiotics: effects on cholesterol, diabetes, renin, and phytoestrogens. *International journal of molecular sciences*, 10(9), 3755-3775.

Papadopoulos, A. A., Kontodimopoulos, N., Frydas, A., Ikonomakis, E., & Niakas, D. (2007). Predictors of health-related quality of life in type II diabetic patients in Greece. *BMC Public Health*, 7(1), 186.

Roberfroid, M. B. (2000). Prebiotics and probiotics: are they functional foods? *The American journal of clinical nutrition*, 71(6), 1682S-1685S.

Sadat, H., Alami, K., & Mousavi, S. Y. (2020). Effect of Afghan Senjed (*Elaeagnus Angustifolia* L.) Leaves Aqueous alcoholic Extract on Blood Glucose Level of Diabetic Rats. *Pharmacognosy Journal*, 12(6), 235-238.

Settanni, L., & Moschetti, G. (2010). Non-starter lactic acid bacteria used to improve cheese quality and provide health benefits. *Food Microbiology*, 27(6), 691-697.

Tabuchi, M., Ozaki, M., Tamura, A., Yamada, N., Ishida, T., Hosoda, M., & Hosono, A. (2003). Antidiabetic effect of Lactobacillus GG in streptozotocin-induced diabetic rats. *Bioscience, biotechnology, and biochemistry*, 67(6), 1421-1424.

Tyagi, H., Modgil, V., & Nath, M. (2013). Metabolic syndrome: the prevalence of mounting public health problem in Ghaziabad India. *JPAST*, 3(2), 86-88.

Yadav, H., Jain, S., & Sinha, P. (2007). Antidiabetic effect of probiotic dahi containing Lactobacillus acidophilus and Lactobacillus casei in high fructose fed rats. *Nutrition*, 23(1), 62-68.

Yadav, H., Jain, S., & Sinha, P. R. (2008). Oral administration of dahi containing probiotic Lactobacillus acidophilus and Lactobacillus casei delayed the progression of streptozotocin-induced diabetes in rats. *Journal of Dairy Research*, 75(2), 189-195.

تأثیر پروبیوتیک (لکتوبسیل رامنوزوس) بالایی چربی‌های خون در موش‌های سوری نر تغذیه شده با رژیم غذایی پرچربی

پوهنمل داکتر احمد مصطفی رحیمی^{(۱)*}

پوهنیار داکتر محمدحسین رستم پور^(۱)

(۱) استاد پوهنچی طب، پوهنتون البیرونی

(۱) * نویسنده مسؤول-ایمیل: hussainrustampoor@gmail.com شماره تماس: ۰۷۹۷۰۶۸۹۵۱

چکیده

با مطالعات ثابت گردیده است که باکتری‌های پروبیوتیک نقش مؤثر را در سلامتی انسان‌ها و حیوانات دارند. پروبیوتک ها می‌توانند باعث جلوگیری از رشد میکروب‌های مؤلّد مرض در جهاز هاضمه، بهبود مصرف چربی‌ها و تقویت سیستم معافیتی گردند. در تحقیق فعلی تأثیر باکتری پروبیوتیک (لکتوبسیل رامنوزوس) بالای سطح چربی خون بررسی گردیده است. موش‌های سوری نر نژاد Blab/C به مدت دو هفته پروبیوتیک (لکتوبسیل رامنوزوس) را به دوز (CFU/mL) 12×10^9 توسط گاواژ، به حجم 1mL فی‌روز برای هر موش، دریافت کردند. بعد از دو هفته گاواژ مداوم (هرروزه) سطح کلسترول، تراى گلیسیراید، HDL و LDL به روش طیف‌سنجی و با استفاده از اسپکتروفوتومتر اندازه‌گیری شد. نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان داد که سویه کلسترول و تراى گلیسیراید در حیواناتی که رژیم غذایی پرچرب و پروبیوتیک را دریافت کرده بودند، به‌طور معناداری نسبت به گروه حیوانات که تنها با رژیم غذایی پرچرب تغذیه شده بودند، کاهش یافته بود.

واژه‌های کلیدی: پروبیوتیک، چربی خون، کلسترول، تراى گلیسیراید، لکتوبسیل رامنوزوس.

Abstract

Studies have been indicated that probiotic bacteria have an effective role in the wellbeing of humans and animals. Probiotics can prevent growth of pathogenic bacteria in digestive tract, improve the consumption of fats and strengthen the immune system. In this research, the effects of bacteria (*Lactobacillus rhamnosus*) on blood lipid level was evaluated. The probiotic (*Lactobacillus rhamnosus*) was fed by gavage to Balb/C strains of male Syrian mice in a dose of (12×10^8 CFU/mL) in a volume of 1mL per each mouse. After two weeks of continuous (daily) gavage, levels of cholesterol, triglyceride, HDL, and LDL were measured by spectrophotometer. The results obtained from this study revealed that levels of cholesterol and triglyceride were significantly reduced in animals that were fed by high fat diet and probiotic compared to the group of animals that were fed only by high fat diet.

Keywords: Probiotic, Blood lipid, Cholesterol, Triglyceride, *Lactobacillus rhamnosus*

مقدمه

بلند بودن سطح چربی خون یکی از مشکلات جدی است، که ارتباط مستقیم با امراض قلبی-وعایی مانند اتیروسکلروز، امراض شراین اکللی قلب و سکتته‌های مغذی دارد. دواهای که فعلاً جهت تداوی در دسترس اند از لحاظ اقتصادی قیمت بوده، عوارض جانبی را به همراه دارند، و اثرات قابل قبول طولانی مدت را نیز در قبال ندارند. بناءً ضرورت جدی احساس می‌گردد که راهکارهای بهتری جهت تداوی بلند بودن چربی خون جستجو گردند (Singh et al., 2015).

درده اخیر شاهد تغییرات چشم‌گیری در درک نقش غذاها در ارتقاء سطح سلامت انسان می‌باشیم. تحقیقات علمی از بررسی نقش غذا به‌عنوان منبع انرژی و نقش ساختمانی در بدن، به بررسی فعالیت بیولوژیکی غذاها در ارگان‌های مختلف تغییر جهت داده است (Fuller, 1991; Molin, 2001).

پروبیوتیک‌ها موجودات زنده‌ای هستند که برای سلامت انسان مفید می‌باشند. این موجودات زنده به‌طور طبیعی در مواد غذایی تخمیر شده (مثل ماست، شیر، پنیرهای تخمیر شده و غیره) وجود دارند، و خواص مفید فراوانی برای انسان دارند (Fuller, 1989).

پیشینه

اثرات مفید پروبیوتیک‌ها در مطالعات مختلفی به اثبات رسیده است. مطالعات اپیدمیولوژیکی نشان داده است که مصرف غذاهای حاوی پروبیوتیک‌های فعال سبب کاهش خطر ابتلا به سرطان، بهبود سلامت قلب، تحریک سیستم ایمنی، کاهش علائم یائسگی، بهبود سلامت سیستم هضمی و بولی، بروز اثرات ضدالتهابی، ضد میکروبی و ضد ویروسی می‌شود (Gardiner et al., 1999; Goktepe et al., 2005; Shah, 2000).

معمول‌ترین میکروارگانیسم‌های پروبیوتیک به سه گروه: باکتری‌ها، فنگس‌ها و مخمرها تقسیم می‌شوند. از بین گروه‌های فوق امروزه توجه بیشتری به باکتری‌ها، در جهت شناسایی و تولید محصولات پروبیوتیک می‌شود. مطالعات قبلی فعالیت پروبیوتیک بعضی از باکتری‌های موجود در لبنیات مانند: باکتری‌های لکتوباسیلوس، بیفیدوباکتریوم و ائتروکوک را نشان داده است

(Gelsomino et al., 2001; Saavedra et al., 2003). باکتری‌های مولد لکتهیک‌اسید، به ویژه لکتوباسیلوس‌ها و بیفیدوباکتریوم‌ها به طور عادی جزئی از اکوسیستم جهاز هاضمه هستند و پروبیوتیک محسوب می‌شوند (اجتهد هانیه السادات و همکاران، ۲۰۱۲). در مطالعات متعدد که در رابطه به اثرات پروبیوتیک و چربی خون انجام شده، ثابت گردیده است که پروبیوتیک‌ها بنابر کاهش دادن چربی خون در اثر کاهش جذب چربی از طریق روده، اثر ضدچاقی دارند (Li et al., 2016).

پروبیوتیک‌ها از طریق مکانیزم‌های احتمالی دیکانجوگیشن اسیدهای صفراوی توسط انزایم هایدرولیز و توقف چرخش روده‌ای-کبدی اسیدهای صفراوی (اجتهد هانیه السادات و همکاران، ۲۰۱۲)، قابلیت اتصال کلسترول به دیوار حجرات پروبیوتیک‌ها و ترکیب کلسترول با غشای حجره‌وی باکتری و در نتیجه جلوگیری از جذب کلسترول مواد غذایی (Goktepe et al., 2005; Liong et al., 2005) و جلوگیری از سنتیز کبدی کلسترول توسط اسیدهای شحمی با زنجیر کوتاه، ناشی از تخمر توسط پروبیوتیک‌ها (Pereira et al., 2002) از توانایی کاهش کلسترول خون برخوردار هستند.

پروبیوتیک‌های لکتوبسیل بصورت گسترده در مطالعات مختلف روی امراض گوناگون از جمله (سرطان، امراض میتابولیک، امراض جهاز هضمی، امراض التهابی و غیره) نزد انسان‌ها و حیوانات مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این مطالعات، اثرات لکتوباسیل رامنوزوس بر چربی‌های خون در موش‌های سوری نژاد Balb/C بررسی شده است. خاصیت کاهندگی کلسترول پروبیوتیک‌ها در افراد با کلسترول نارمل و کلسترول بلند مورد سنجش قرار گرفته است، ولی نتایج این مطالعات ضد و نقیض است و بسته به گونه و دوز باکتری‌های پروبیوتیک مصرفی، طول مداخله، حجم نمونه، طراحی مطالعه و ویژگی‌های بالینی افراد مورد مطالعه، اثرات متفاوتی گزارش شده است (Jafari et al., 2009; Vaghef-Mehrabany et al., 2017).

با توجه به ناهمگونی نتایج مطالعات انجام شده بالای تأثیر پروبیوتیک‌ها بر چربی‌های خون، در این مطالعه اثرات لکتوبسیل رامنوزوس را روی چربی‌های خون مطالعه نمودیم. نتایج این مطالعه می‌تواند پاسخ به سوالات آتی را فراهم سازد: آیا تغذیه با لکتوبسیل رامنوزوس به عنوان یک پروبیوتیک می‌تواند باعث کاهش چربی‌های خون در موش‌های سوری شود، که با غذای پرچرب تغذیه میشوند؟

پوهنمل داکتر احمد مصطفی رحیمی

تغذیه با لکئوسیل رامنوزوس باعث کاهش کدام نوع از چربی خون در موش های سوری میشود؟ و بالاخره آیا می توان لکئوسیل رامنوزوس را به عنوان یک عامل کاهش دهنده چربی خون برای انسان ها توصیه نمود؟ با توجه به اطلاعات موجود دوتا فرضیه ذیل را مطرح ساختیم:

فرضیه صفری: استفاده از لکئوسیل رامنوزوس به عنوان پروبیوتیک اثری بر کاهش چربی های خون ندارد.

فرضیه خلاف: استفاده از لکئوسیل رامنوزوس به عنوان پروبیوتیک موجب کاهش معنادار چربی های مضر خون میشود.

هدف از این مطالعه دریافت راه حل مؤثر و بدون عوارض جانبی برای تداوی بهتر چربی خون و و قایه از پیامدهای ناگوار ناشی از بلند بودن چربی خون در درازمدت نزد افراد می باشد.

مواد و روش کار

نگهداری از حیوانات

این تحقیق از تاریخ ۲۴ اگست ۲۰۱۹ تا ۲۴ فروری ۲۰۲۰ در دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه تهران انجام یافت. در این مطالعه به تعداد ۳۲ رأس موش سوری نر نژاد Balb-C از حیوان خانه دیپارتمنت فزیولوژی دانشگاه علوم پزشکی تهران به صورت تصادفی انتخاب گردیدند. حیوانات به چهار گروپ که هر گروپ متشکل از ۸ رأس موش در محدوده وزنی (25 ± 3) گرام و سن (۴-۶) هفته بودند، به طور تصادفی تقسیم گردیدند و در قفس های ستنرد و درجه حرارت 25 ± 2 و در شرایط ۱۲ ساعت تاریکی و ۱۲ ساعت روشنایی نگهداری شدند. در طی این مدت موش ها دسترسی آزاد به آب و مواد غذایی ستنرد داشتند.

گروپ بندی حیوانات

گروپ های حیوانات تحت مطالعه قرار ذیل بودند:

گروپ کنترل منفی: موش ها غذای عادی دریافت می کردند و به مدت ۲۱ روز تحت مراقبت قرار

داشتند.

گروپ کنترل مثبت: موش‌ها روزانه غذای پرچربی را به مدت ۲۱ روز دریافت می‌کردند.

گروپ پروبیوتیک: موش‌ها بر علاوه غذای پرچربی، روزانه ۱ میلی لیتر از بفر PBS حاوی 12×10^9 CFU از پروبیوتیک لکتوسیل رامنوزوس را به صورت گاواژ به مدت ۲۱ روز دریافت می‌کردند.

گروپ سلین: موش‌ها بر علاوه غذای پرچربی، روزانه ۱ میلی لیتر از محلول سلین را به صورت گاواژ دریافت می‌کردند.

پروتوکول رژیم غذایی

موش‌های کنترل منفی ۵ گرم در هر صدگرم وزن بدن، غذای عادی را هر روز به مدت ۱۰ هفته دریافت نمودند (Smiljanic et al., 2013). در گروپ‌های کنترل مثبت، سلین و پروبیوتیک موش‌ها ۵ گرم در هر ۱۰۰ گرم وزن بدن (۲۱۰ کیلوکالوری) در روز رژیم غذایی پرچربی را به مدت ۱۰ هفته دریافت کردند (Sahin et al., 2013). رژیم غذایی طوری در نظر گرفته شده بود که ضروریات تغذیه موش‌های بالغ را مطابق به طرزالعمل انسیتیوت تغذیه آمریکا (AIN-93M) مرفوع نماید. رژیم‌های غذایی عادی و پرچربی در شرکت به پرور (تهران-ایران) تهیه گردیده بود. ترکیب هر رژیم در جدول (۱) ارایه شده است.

جدول-۱: ترکیب انواع رژیم‌های غذایی استفاده شده در مطالعه

ترکیب مواد غذایی (g/100 g DM)	رژیم غذایی عادی	رژیم غذایی پر چربی
پروتین خام	۸,۲	۸,۲
چربی خام	۵,۳	۳۵,۲
فایبر خام	۴۷	۴۷
کلسیم	۱	۱
سودیم کلوراید	۵	۵
رطوبت	۱۰	۱۰
میتونین - سیستین	۱,۵	۱,۵
سکروز	۱۰	۱۰
لایزین	۵	۵
ویتامین مخلوط AIN-93M	۱	۱
منرال مخلوط AIN-93M	۳,۵	۳,۵
روغن سویا	۷	۷
تالو	۰	۱۵

آماده‌سازی پروبیوتیک

جهت کشت باکتری‌ها از محیط agar (MRS) de Man, Rosa and Sharpe استفاده شد. ۱۰ میکرولیتر از محلول باکتری روی محیط (MRS) agar تلقیح شد. پلیت باکتری‌ها به محفظه بی‌هوای منتقل شد. بعد از ۴۸ ساعت انکوبیشن در درجه حرارت ۳۷ درجه سانتی گراد پلیت باکتری‌ها از محفظه خارج گردید. جهت تهیه محلول با غلظت 12×10^9 cfu/mL از پلت دوم

پوهنمل داکتر احمد مصطفی رحیمی

کالونی خالص را با آنس معقم برداشته و به سیروم معقم تلقیح شد. بعد از ورنکس، OD محلول باید در طول موج ۶۲۰ نانومتر معادل ۰/۱ می‌بود.

خون‌گیری از حیوانات و نگهداری نمونه

پس از ۱۰ هفته موش‌ها با استفاده از کیتامین و زایلوزین بی‌هوش و بلافاصله خون‌گیری از قلب آن‌ها به عمل آمد. در حدود ۵ میلی‌لیتر خون گرفته شده از هر موش در تیوب سانتریفیوژ کودگذاری شده ریخته شد. تیوب‌ها در ۵۰۰۰ rpm در درجه حرارت 4°C به مدت ۱۰ دقیقه سانتریفیوژ و سیروم آن‌ها جدا گردید. سیروم‌ها در فریزر به درجه حرارت 20°C - نگهداری و برای اندازه‌گیری فکتورهای سیرومی استفاده شدند.

اندازه‌گیری وزن بدن و چربی خون

در روز اول و ختم هفته سوم، جهت اندازه‌گیری سطح کلسترول، LDL، HDL و تری‌-گلیسیرایدها از کیت‌های انزیماتیک ساخت شرکت پارس‌ژن استفاده گردید و غلظت‌ها بر اساس تغییر رنگ با استفاده از دستگاه اسپکتروفتومتر اندازه‌گیری شد.

مشخصات ابزار جمع‌آوری اطلاعات و نحوه تحلیل آن

نتایج بدست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل گردید و آزمون آماری آنالیز واریانس یک‌طرفه جهت بررسی تفاوت بین گروپ‌ها، مورد استفاده قرار گرفت و داده‌ها به صورت $\text{Mean} \pm \text{S.E.M}$ بیان شد. $P < 0.05$ تفاوت معنادار در نظر گرفته شد.

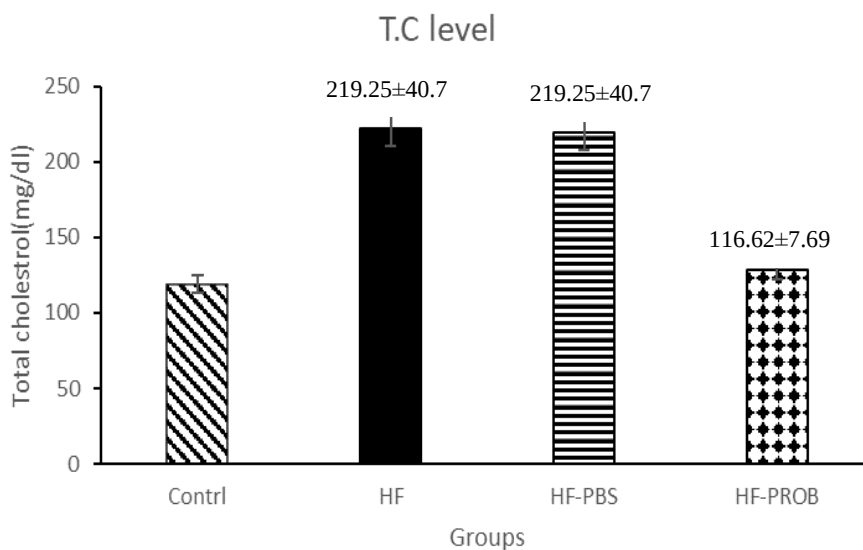
نتایج و یافته‌ها

میانگین مقدار کلسترول تام و تری‌گلیسرید بعد از ۳ هفته در گروپ‌های تحت مطالعه و کنترل مورد بررسی قرار گرفت.

در موافقت با فرضیه ما، سویه کلسترول در حیواناتی که از رژیم غذایی پرچرب تغذیه شده بودند و گروپی که رژیم غذایی پرچرب و پروبیوتیک را دریافت کرده بودند، به ترتیب $219,25 \pm 4,87$ و

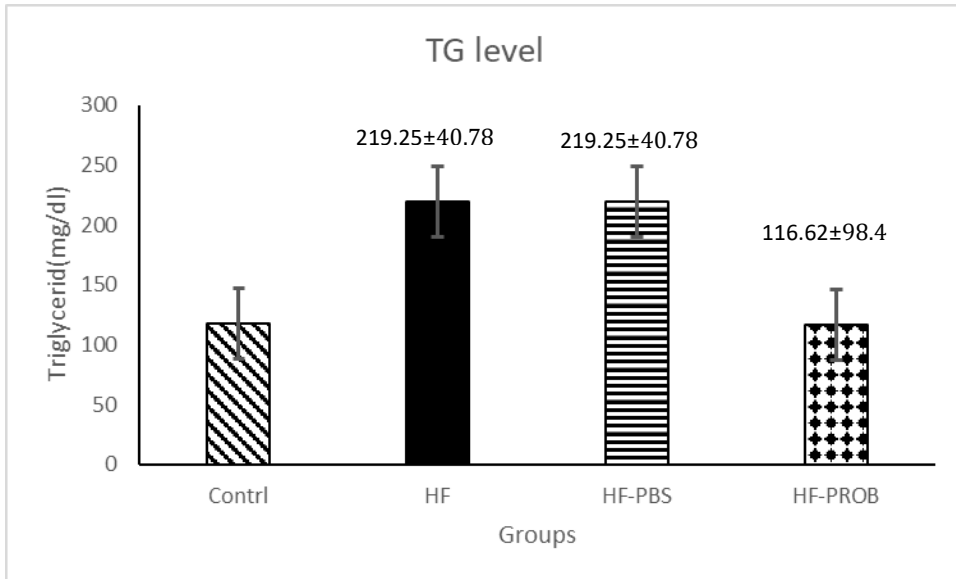
پوهنمل داکتر احمد مصطفی رحیمی

۷,۶۹±۱۱۶,۶۲ ملی گرام در دیسی لیتر بود، که تفاوت معناداری بین این دو گروپ دیده شد ($p < 0.05$) گراف (۱).



گراف - ۱: میانگین سطح کلسترول خون در گروپ‌های مورد مطالعه در ۳ هفته.

سویه برای گلیسراید در حیوانات مورد مطالعه نیز در گروپ تغذیه شده با رژیم غذایی پرچرب و در گروپ که برعلاوه رژیم غذایی پرچرب پروبیوتیک نیز دریافت کرده بودند، بالترتیب ۴,۸۷±۲۱۹,۲۵ و ۱۱۶,۶۲±۹۸,۴ ملی گرام در دیسی لیتر بود، که بیانگر تفاوت معنادار بین این دو گروپ می‌باشد ($p < 0.05$) گراف ۲.



گراف-۲: میانگین سطح ترای گلیسراید خون در گروپ‌های مورد مطالعه در ۳ هفته.

مناقشه

نتایج به دست آمده از این مطالعه نشان می‌دهد که ۳ هفته تجویز پروبیوتیک (لکتوبسیل رامنوزس)، همراه با رژیم غذایی پرچرب منجر به کاهش چربی‌های خون (کلسترول و ترای گلیسراید) می‌گردد.

سویه بلند چربی‌های خون خطر امراض قلب ناشی از آفات شرائین اکلیلی را افزایش داده و سبب تشوشت کشنده شرائین در اعضای حیاتی می‌گردد. استفاده از باکتری‌های پروبیوتیک به منظور کاهش چربی‌خون در سال‌های اخیر توجه محققین را به خود جلب کرده است (Huang et al., 2013).

در مطالعه حاضر، جهت تعمیم نتایج مطالعه به جامعه انسانی سعی گردید تا راهکار بهتر با هزینه و عوارض جانبی کمتر در راستای کاهش دادن چربی‌خون ارائه گردد، تا جایگزینی برای دواهای

پوهنمل داکتر احمد مصطفی رحیمی

کیمیای باشد. در مطالعه مشابه که توسط چو و همکاران انجام گرفت مشخص شد که مصرف سه گونه لکتوبسیلوس پلانتاروم (NTU 102)، لکتوبسیلوس اسیدوفیل (BCRC 17010) و لکتوبسیلوس پاراکازائی (NTU 101) چربی سیروم و کبد هامسترهای تغذیه شده با جیره غذایی پرچرب (۵۰ گرم/کیلوگرم) را به طور معنادار کاهش می دهد (Chiu et al., 2006).

در حال حاضر مکانیزم اثر پروبیوتیک ها بر روی الگوی لیپیدی خون بطور دقیق مشخص نبوده و مورد بحث و بررسی می باشد. مطالعات متعددی که درخصوص مکانیزم اثر سویه های مختلف انجام گرفته، نشان داده اند که این پروبیوتیک ها از طریق مکانیزم هایی همچون افزایش دفع کلسترول در مواد غایطه، محدود کردن تبدیل کلسترول به اسیدهای صفراوی و در نتیجه عدم ذخیره آن ها در کبد، تعدیل بازجذب نمک های صفراوی متصل به کلسترول و اصلاح دفع کلسترول خون توسط مواد غایطه موجب کاهش کلسترول سیروم خون و کبد می شود (Rasmussen, 2008).

مطالعه که توسط Huang و همکاران در سال ۲۰۱۰ انجام شده نشان داده است که پروبیوتیک های لکتوبسیل جذب کلسترول را از طریق مهار بیان ژن NPC1L1 در حجرات Caco-2 کاهش می دهد (Huang et al., 2010).

در دو مطالعه که توسط Nguyen و همکاران در سال ۲۰۰۷ و Fazeli و همکاران در سال ۲۰۱۰ انجام شده بود، معلوم شد که لکتوبسیل پلانتاریوم منجر به کاهش سطح کلسترول، تری-گلیسرید و LDL در موش های صحرایی که با رژیم غذایی پرچرب تغذیه شده بودند، می گردد (Fazeli et al., 2010; Nguyen et al., 2007). لیونگ و همکاران نشان دادند که لکتوباسیلوس کازئی ASCC-292 بخصوص در محیط کشت حاوی مالتودکسترین تا حدود ۶۲/۶٪ از کلسترول موجود در محیط را حذف می نماید (Liong et al., 2005). در مطالعه سومان کاپیلا و همکاران روی ارزیابی تأثیرات انتی اکسایدتیف و کاهش کلسترول خون لکتوبسیلوس کازئی، به مدت ۹۰ روز در موش های صحرایی ویستار آلینو با جیره غذایی پرچرب حاوی ۲۰٪ روغن سویا، ثابت گردید که منجر به کاهش ۲-۱۱ درصد کلسترول تام و LDL-C پلازما می شود (Kapila et

پوهنمل داکتر احمد مصطفی رحیمی

al., 2006). در مطالعه که توسط Katarzyna Skrypnik و همکاران در سال ۲۰۱۸ انجام شد بود، دیده شد که استفاده از پروبیوتیک سویه ترای گلیسراید خون را به طور معنادار در گروپی از موش های صحرایی که به مدت ۶ هفته پروبیوتیک دریافت کرده بودند، نسبت به گروپ کنترل کاهش می دهد (Aminlari et al., 2019).

نتیجه گیری

مصرف روزانه پروبیوتیک (لکتوبسیل رامنوزوس) سویه چربی های خون را کاهش داده، و از عوارض ناگوار ناشی از آن جلوگیری می کند. جهت تعمیم نتایج این تحقیق به جامعه انسانی انجام تحقیق مشابه بر روی انسان ها ضروری می باشد.

پیشنهادهات:

- از آنجائی که درمان افزایش چربی خون به وسیله پروبیوتیک (لکتوبسیل رامنوزوس) در موش های آزمایشگاهی، نتایج مثبتی را در پی داشت انجام تحقیقات بالینی بالای یک گروه کوچکی از انسان های داو طلب را پیشنهاد می نمایم.
- پس از انجام تحقیقات بالینی بالای یک گروه کوچک از مریضان داو طلب، استفاده از این پروبیوتیک رادر سطح بزرگتر بالای دو گروه از مریضان: طوریکه یک گروه ادویه مروج کاهش دهنده چربی خون موجود و گروه دومی فراورده از این پروبیوتیک را مصرف کنند، پیشنهاد می کنیم.
- در صورتیکه نتایج درمانی در گروه درمان شده با پروبیوتیک بیشتر یا برابر با گروه درمان شده با ادویه مروج کاهش دهنده چربی خون باشد، می توان مصرف این باکتری را به عنوان یک فراورده فرا سودمند پیشنهاد نمود.

منابع

السادات، ا. ه.، جواد، م. ن.، عزیز، ه. ر.، میترا، ن.، محمد، ا. ج.، و وحید، م. (۲۰۱۲). اثرات مصرف ماست پروبیوتیک بر فشار خون و سطح لیپیدهای سیروم در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲: کارآزمایی بالینی تصادفی. *مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران* ۶ (۴)، ۰-۰.

Aminlari, L., Shekarforoush, S. S., Hosseinzadeh, S., Nazifi, S., Sajedianfard, J., & Eskandari, M. H. (2019). Effect of probiotics *Bacillus coagulans* and *Lactobacillus plantarum* on lipid profile and feces bacteria of rats fed cholesterol-enriched diet. *Probiotics and antimicrobial proteins*, 11(4), 1163-1171 .

Ataie-Jafari, A., Larijani, B., Majd, H. A., & Tahbaz, F. (2009). Cholesterol-lowering effect of probiotic yogurt in comparison with ordinary yogurt in mildly to moderately hypercholesterolemic subjects. *Annals of Nutrition and Metabolism*, 54(1), 22-27 .

Chiu, C.-H., Lu, T.-Y., Tseng, Y.-Y., & Pan, T.-M. (2006). The effects of *Lactobacillus*-fermented milk on lipid metabolism in hamsters fed on high-cholesterol diet. *Applied Microbiology and Biotechnology*, 71(2), 238-245 .

Fazeli, H., Moshtaghian, J., Mirlohi, M., & Shirzad, M. (2010). Reduction in serum lipid parameters by incorporation of a native strain of *Lactobacillus Plantarum* A7 in Mice. *Journal of Diabetes and Metabolic Disorders*, 9, 22 .

Fuller, R. (1989). Probiotic in man and animals. *J. Appl. Bacteriol.*, 66, 131-139 .

Fuller, R. (1991). Probiotics in human medicine. *Gut*, 32(4), 439 .

Gardiner, G. E., Ross, R. P., Wallace, J. M., Scanlan, F. P., Jägers, P. P., Fitzgerald, G. F., Stanton, C. (1999). Influence of a probiotic adjunct culture of *Enterococcus faecium* on the quality of cheddar cheese. *Journal of agricultural and food chemistry*, 47(12), 4907-4916 .

Gelsomino, R., Vancanneyt, M., Condon, S., Swings, J., & Cogan, T. (2001). Enterococcal diversity in the environment of an

Irish Cheddar-type cheesemaking factory. *International journal of food microbiology*, 71(2-3), 177-188 .

Goktepe, I., Juneja, V. K., & Ahmedna, M. (2005). *Probiotics in food safety and human health*: CRC Press.

Huang, Y., Wu, F., Wang, X., Sui, Y., Yang, L., & Wang, J. (2013). Characterization of *Lactobacillus plantarum* Lp27 isolated from Tibetan kefir grains: a potential probiotic bacterium with cholesterol-lowering effects. *Journal of dairy science*, 96(5), 281, 2825-6.

Huang, Y., & Zheng, Y. (2010). The probiotic *Lactobacillus acidophilus* reduces cholesterol absorption through the down-regulation of Niemann-Pick C1-like 1 in Caco-2 cells. *British Journal of Nutrition*, 103(4), 473-478 .

Kapila, S., & Sinha, V. P . (2006) .Antioxidative and hypocholesterolemic effect of *Lactobacillus casei* ssp *casei* (biodefensive properties of lactobacilli). *Indian journal of medical sciences*, 60(9), 361-370 .

Li, Z., Jin, H., Oh, S. Y., & Ji, G. E. (2016). Anti-obese effects of two *Lactobacilli* and two *Bifidobacteria* on ICR mice fed on a high fat diet. *Biochemical and biophysical research communications*, 480(2), 222-227 .

Liong, M., & Shah, N. (2005). Acid and bile tolerance and cholesterol removal ability of lactobacilli strains .*Journal of dairy science*, 88(1), 55-66 .

Liong, M. T., & Shah, N. P. (2005). Optimization of cholesterol removal by probiotics in the presence of prebiotics by using a response surface method. *Applied and environmental microbiology*, 71(4), 1745-1753 .

Mahsa Harir Foroush M.Sc., L. S. P. D. M. M. D. (2018). Prevalence of Genes Encoding Aminoglycoside Modifying Enzymes in Clinical Isolates of *Klebsiella Pneumoniae* in the Hospitals of Borujerd *I J M L*, 5(1), 35-41 .

Molin, G. (2001). Probiotics in foods not containing milk or milk constituents, with special reference to *Lactobacillus plantarum* 299v. *The American journal of clinical nutrition*, 73(2), 380s-385s .

Nguyen, T., Kang, J., & Lee, M. (2007). Characterization of *Lactobacillus plantarum* PH04, a potential probiotic bacterium

with cholesterol-lowering effects. *International journal of food microbiology*, 113(3), 358-361 .

Pereira, D. I., & Gibson, G. R. (2002). Effects of consumption of probiotics and prebiotics on serum lipid levels in humans. *Critical reviews in biochemistry and molecular biology*, 37(4), 259-281 .

Rasmussen, H. E. (2008). *Biological functions of a blue-green alga, Nostoc commune var. sphaeroides Kützinger (N. commune)*: The University of Nebraska-Lincoln.

Saavedra, L., Taranto, M. a. P .a., Sesma, F., & de Valdez, G. F. (2003). Homemade traditional cheeses for the isolation of probiotic *Enterococcus faecium* strains. *International journal of food microbiology*, 88(2-3), 241-245 .

Sahin, K., Tuzcu, M., Orhan, C., Sahin, N., Kucuk, O., Ozercan, I. H., Komorowski, J. R. (2013). Anti-diabetic activity of chromium picolinate and biotin in rats with type 2 diabetes induced by high-fat diet and streptozotocin. *British Journal of Nutrition*, 110(2), 197-205 .

Shah, N. (2000). Probiotic bacteria: selective enumeration and survival in dairy foods. *Journal of dairy science*, 83(4), 894-907 .

Singh, T. P., Malik, R. K., Katkamwar, S. G., & Kaur, G. (2015). Hypocholesterolemic effects of *Lactobacillus reuteri* LR6 in rats fed on high-cholesterol diet. *International journal of food sciences and nutrition*, 66(1), 71-75 .

Smiljanic, K., Vanmierlo, T., Djordjevic, A. M., Perovic, M., Loncarevic-Vasiljkovic, N., Tesic, V., . . . Kanazir, S. (2013). Aging induces tissue-specific changes in cholesterol metabolism in rat brain and liver. *Lipids*, 48(11), 1069-1077 .

Vaghef-Mehrabany, E., Vaghef-Mehrabany, L., Asghari-Jafarabadi, M., Homayouni-Rad, A., Issazadeh, K., & Alipour, B. (2017). Effects of probiotic supplementation on lipid profile of women with rheumatoid arthritis: a randomized placebo-controlled clinical trial. *Health promotion perspectives*, 7(2), 95 .

مجلة علمى - تحقيقى
البيرونى
بخش علوم اجتماعى

جنسیت و شباهت جنین از نظر اسلام و علوم معاصر

پوهنمل زمری محمدی^(۱)*

پوهندوی دکتور عبدالرفع علیمی^(۱)

(۱) استاد پوهنهی شرعیات، پوهنتون البیرونی.

(۱) * نویسنده مسؤول-ایمیل: Zemaray79@gmail.com شماره تماس: ۰۷۹۶۴۱۲۲۷۹

خلاصه

مقاله هذا پیرامون اعجاز علمی یکی از آیات قرآن کریم و دو حدیث نبوی است که در مورد جنسیت طفل بحث می نماید، و بیان می نماید که اسپرم های مرد تعیین کننده جنسیت طفل می باشد، همین گونه دو حدیث شریف را به بحث گرفتیم که در آن ها سخن از شباهت طفل به طرف اقارب آن می نماید.

بیان اعجاز علمی قرآن و سنت می تواند سبب تقویه ایمان انسان شده و راه را برای دعوت انسان های متفکر جهت دریافتن حق هموار سازد، لهذا این بحث به هدف بیان اعجاز علمی یکی از آیات قرآن کریم و دو حدیث از احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم است صورت گرفته است که تعلق اساسی با بعضی از مسائل اجتماعی و خشونت های فامیلی نیز دارد، و میتواند در کاهش این خشونت ها نقش اساسی را داشته باشد، در این مقاله با رعایت امانت علمی بحث مقایسوی میان دانش دینی و علوم تجربی البته نه از باب مقارنه و مقایسه بلکه از باب اظهار ظرافت ها و معارف دقیق دینی صورت گرفته است و هدف این بحث بر ملاسازی حقانیت اسلام بوده تا دلیل محکم برای دعوت گران راه حق در راستای اقامه دلیل بر منهج حس گرایی دعوت باشد.

واژه های کلیدی: جنین، ژن، جنسیت، طفل، شباهت.

Abstract

Discussing the scientific miracles of the holy Quran and Sunnah in the current era can be a good recourse to defend the holy Quran and Sunnah, and on the other hand, it can be for those who invite the righteous a good way to convince the audience, especially in the field of argument,

So that they can satisfy their invitees in the field of argument, on the other hand, the false claim of those who emphasize the opposition between science and religion should be a scientific answer, so that they realize that Islam is a scientific religion and the foundation of civilization is science, In the current discussion, the research method of a library is a comparison between religious and scientific knowledge with the aim of exposing scientism and the truths of dear Islam and its superiority in expressing issues, and knowing that this religion was not made by human but came from Allah, which centuries ago without Technology has expressed scientific narrowness in different fields of science, In several hadiths, male and female dominance over each other has been mentioned, which we have found with the help of experimental science that it means dominance, predominance, and elevation, the prominence of genes, which causes the child to resemble the relatives of the father or mother. Similarly, according to the holy Quran and scientific knowledge, the gender of the child is belong to the father's sperm, and the mother has no role in the gender of the child, In this article, we focus on two miracles from the Qur'an and Sunnah, one is the gender of the child and the second is the cause of the child's resemblance to the mother or father; therefore, we ask other scientists and masters of the pen to write on other parts of the scientific miracles of the Quran and the Sunnah, so that a service for the religion can be done, and on the other hand, people's thoughts and minds will be enlightened regarding scientific and religious issues.

Key words: Fetus, Gene, Gender child and Similarity.

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على من بعثه الله رحمة للعالمين سيدنا ونبينا محمد الأمين وعلى آله الطيبين الطاهرين وعلى اصحابه اجمعين.

بيان مسئله: مقاله علمی ما که تحت عنوان جنسیت و شباهت جنین از نظر اسلام و علوم معاصر می باشد به بیان اشارات علمی قرآن و سنت در مورد جنسیت، و شباهت جنین می پردازد؛ موضوع جنسیت و شباهت جنین وعدم درک مردم از اصل واقعیت های علمی آن مشکلات عدیدی را از انکار نسب شروع تا خشونت های خانوادگی علیه زنان را به دنبال دارد؛ بنا بر این در این مقاله می خواهیم پاسخ به کسانی ارایه نماییم که با برداشت سطحی فکر میکنند پیشگویی های قرآن و سنت با علوم جدید در تناقض است، از طرف دیگر مشکلات یاد شده فوق باید راه حل آن برای مردم از جانب دین اسلام ارایه گردد.

اهمیت موضوع: اهمیت این مسئله از آن جا مهم است، که توأمت قرآن، سنت و علوم معاصر را نشان میدهد، زیرا یکی از دلایل حقانیت و نبوت پیامبر صلی الله علیه وسلم همین موضوعات علمی قرآن و سنت است که در قرن هفتم میلادی به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفته شده است، که بشر اصلاً این مسایل را نمی دانست لکن علم قرن ها بعد به کشف آن پرداخت، فهم این گونه مسایل از یک طرف در ساختار عقیده مسلمان نقش اساسی دارد از جانب دیگر می تواند یکی شیوه های دعوت به اسلام نیز می باشد، تا با طرح همچون مسایل ذهن کاوش گر انسان تسلیم شود که این گونه مسایل علمی از کدام مرجع و منبع به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفته شده؟ در حالیکه هنوز نهاد های علمی و تحقیقاتی آن عصر قادر به فهم این مسایل نبود.

سوالات تحقیق: در تعیین جنسیت طفل نقش اساسی از مرد است یا از زن؟

علل شباهت فرزندان به اقارب مادر به کدام دلیل است و دیدگاه علم ساینس و شرع در این خصوص چه می باشد؟

فرضیه تحقیق: از اینکه منبع قرآن و سنت الله متعال است، و الله متعال از همه سر و اسرار مخلوقات اش آگاه است، به نظر می رسد که علوم تجربی در صورتیکه از حد فرضیه بیرون باشد و به حد قضیه ثابت

پوهنمل زمري محمدی

شده علمی برسد و تجربه حقیقت آن را ثابت کند، با پیشگویی های قرآن و سنت مطابقت می داشته باشد.

جنسیت طفل در شکل دختر یا پسر به نظر می رسد به نقش پدر یا مادر بسته گی داشته باشد همین گونه شباهت جنین به طرف هریک از پدر یا مادر و یا اقارب آنها ممکن در اثر عوامل ژنتیکی یا عوامل دیگری باشد.

اهداف تحقیق: یکی از اسالیب دعوت به سوی اسلام در عصر حاضر بیان اعجاز علمی قرآن و سنت است لذا بیان اعجاز علمی قرآن و سنت می تواند برای دعوت گران راه حق وسیله خوبی برای اقناع مخاطبین و مدعوین آنها باشد، همین گونه در عصر کنونی بعضی اشخاص کم اطلاع نسبت به اسلام بر طبل مخالفت اسلام با علم می کوبند، بنده می خواهم جهت تردید این نظریه اصول و اساسات یا اشارات علمی قرآن و سنت را که در قرن هفتم بیان نموده اند و علم عصری اکنون به آن نتیجه رسیده است را به شرح و تفسیر بگیریم تا بتواند از یک طرف جواب اشکالات آنها باشد از طرف دیگر سبب بیداری نسل حاضر نسبت به اسلام شود.

هدف تحقیق بنده این است که مضمون قرآن و علوم معاصر در سمستر هفتم تدریس می گردد، از این که فرصت کافی وجود ندارد تا همه مسایل علمی ای را که قرآن به آن اشاره نموده است در لکچرنت ها بگنجانیم و در صنف درسی آنها به بحث بگیریم ایجاب می کند تا بعضی مسایل علمی را ضمن مقالات علمی و ارایه کانفرانس ها به خوانندگان و تشنه گان تقدیم نمایم، و در ضمن این اهداف بتوانیم شرایط ترفیع علمی خویش را در مطابقت به قانون تحصیلات عالی نیز پوره نمایم.

پیشینه موضوع

احادیث نبوی در خصوص مسایل علمی ژنتیک توجه دانشمندان علوم اسلامی و ساینسی را به خود جلب نموده است، طوریکه پیامبر صلی الله علیه وسلم در چند حدیث اشاره به نقش پدر و مادر درجنسیت و شباهت فرزند نموده است، که دانشمندان اسلامی مانند: امام ابن حجر عسقلانی در فتح الباری شرح صحیح بخاری، به آن پرداخته و مراد از علو، و سبق را غلبه میدانند. (العسقلانی، ۱۳۷۹ ه: ج ۷ ص ۲۷۳).

امام نووی در شرح صحیح مسلم فرموده است که علما گفته اند مراد از علو در حدیث پیش انزال شدن و کثرت وقوت منی است (النووی، ۱۳۹۲ ه: ج ۳ ص ۲۲۳).

امام ابن القیم الجوزیه برخلاف گفته امام ابن حجر رحمه الله میفرماید که کثرت حجم منی باعث تعیین جنسیت میشود و غلبه منی باعث شباهت فرزند میشود. (الجوزیه، ۱۹۷۱ م: ۲۲۱).

علامه شاه انورشاه کشمیری در فیض الباری به آن اشاره نموده اند که مراد از غلبه قوت و مراد از سبق پیش انزال شدن است. (الکشمیری، ۱۴۲۶ ه: ج ۱ ص ۳۱۹).

لاکن آنها طوریکه اکنون علوم به پخته گی خویش رسیده و این موضوعات را بسط و توسعه داده است و آنها را از کلیات تا جزئیات به بحث گرفته باشد بحث نکرده اند، دانشمندان علوم تجربی به این بخش توجه جدی کرده اند و تا حدودی همه اسرار آنها بیان کرده اند لکن هیچ گونه پیوندی با قرآن و سنت آنها نداده اند، از این لحاظ تحقیق بنده جمع میان آرای علمای قدیمه علوم حدیثی و علوم تجربی می باشد.

مواد و روش کار

تحقیق و پژوهش در هر حوزه تحقیقی از خود دارای اسالیب و مناهج خود میباشد؛ شیوه تحقیق ما در این موضوع به گونه مختلط بوده که هم به شکل کتابخانه ای، می باشد؛ بنده ابتداء توجه به کلمات قرآن کریم و احادیث، نمودم سپس جهت فهم آنها به کتب تفسیر و شروح حدیث مراجعه نمودم، بعد از فهم تعلیقات و تفسیرات محدثین و مفسرین، شروع به تطبیق آرای آنها با علوم تجربی نمودم، که در این زمینه از دوستان و استادان گران مایه دانشگاه البیرونی خواستار کتاب، توضیحات، و جواب به سوالاتی که نمیدانستم نمودم، بعدا بنده به ترتیب و تدقیق معلومات پرداخته آنها تدوین نمودم، و سپس به مقایسه و مقارنه پرداخته و در یافتن، آنچه را که وحی الهی در قالب قرآن و سنت بیان کرده است با علوم جدید همخوانی داشته و مطابقت دارد.

تاریخچه بحث پیرامون تعیین جنسیت

عدنان اوکتار دانشمند ترکی با نام مستعار هارون یحیی مینویسد که مردم تا قرن بیستم باور داشتند که جنسیت طفل توسط زن تعیین میگردد و بعضاً فکر می شد که ممکن هر دو در تعیین جنسیت نوزاد نقش داشته باشند. (یحیی. ۱۳۸۵ ه: ۷۶).

از میان دانشمندان قدیم ارسطو هم به این نظر بود که هم مرد و هم زن داری منی بوده که از ترکیب هر دو طفل به میان می آمد اما برعکس نظریه ارسطو نظریه جالینوس بود که موجودیت منی در وجود زن را رد میکرد و میگفت که در وجود زن ترشحات مهلی است و تنها مرد است که دارای منی میباشد. (الکشمیری، ۱۴۲۶ ه: ج ۱ ص ۳۱۹).

با در نظر داشت این موضوع میخواهیم این مسئله با در نظر داشت آیات قرآنی و روایات نبوی پی گیری نماییم که اینکه به ترتیب ذیل بحث خود را آغاز میکنیم:

اول: قرآن کریم

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که امروزه از منظر علم پزشکی و ژنتیک، میتوانند جالب توجه باشند و آن آیاتی است که اشاره به نقش سلول جنسی مرد در تعیین جنسیت جنین میکنند .
دسته ای از این آیات عبارتند از: ﴿وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ (۴۵) مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى﴾ [النجم: ۴۵، ۴۶] و اوست که دو زوج نر و ماده را آفرید از نطفه ای که (در رحم) می ریزد.
همانطور که قبلاً درباره اصطلاح نطفه در قرآن کریم گفتیم، با توجه به قرینه [إِذَا تُمْنَى] مشخص می شود که منظور از از نطفه در اینجا سلول جنسی مرد (اسپرم) می باشد؛ از این رو قرآن بیان می کند که خداوند متعال، دو زوج مذکر و مؤنث انسانی را از سلول جنسی مرد، خلق کرده است.

دسته دیگر از این آیات عبارتند از: ﴿أَلَمْ يَكُنْ مِنْ مَنِيَّ مُمْنَى (۳۶) أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنِيَّ مُمْنَى (۳۷) ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى (۳۸) فَجَعَلَ مِنْهُ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى﴾ [القیامة: ۳۶ - ۳۹] آیا انسان گمان

می کند بی هدف رها می شود؟! آیا او نطفه ای از منی که در رحم ریخته می شود نبود؟! سپس به صورت علقه در آمد، و خداوند او را آفرید و موزون ساخت و از آن دو زوج مرد و زن آفرید. در اینجا، ضمیر به کار رفته در (مِنْهُ) به (مَنْیِّ یُنِّی) برمیگردد که منظور از آن همان سلول جنسی مرد می باشد.

طوریکه امام قرطبی میفرماید: «تُصَبُّ فِي الرَّحِمِ». یعنی آنچه در رحم ریخته می شود. (القرطبی، ۱۹۶۴: ج ۱۷ ص ۱۱۸).

از دید علم ژنتیک، هر انسانی در سلولهای خود دارای ۲۳ جفت کروموزوم است که ۲۲ جفت از آنها کاملاً هم شکل بوده و یک جفت آن می تواند همشکل باشد یا نباشد. این یک جفت را زوج جنسی (sex pair) میگویند که تعیین کننده نر یا ماده بودن جنین هستند. در جنس ماده این زوج جنسی به صورت XX است، یعنی از دو کروموزوم مشابه تشکیل شده است و در جنس نر به صورت XY است، یعنی از دو کروموزوم غیر مشابه تشکیل شده است. سلولهای جنسی اسپرم و تخمک، دارای ۲۳ عدد کروموزوم هستند یعنی نصف تعداد کروموزوم های سلول معمولی، که آنها را از پدر و مادر می گیرند و در ترکیب با هم در سلول تخم، ۲۳ جفت کروموزوم را ایجاد میکنند. (اکرمی، رضایان. ۱۳۹۴ ه: ص ۴۷-۵۵).

از آنجا که سلولهای مادر به صورت XX است، تخمک همواره دارای تک کروموزوم X خواهد بود. اما اسپرم از پدر یا کروموزوم X یا کروموزوم Y را اخذ می کند. پس اگر اسپرمی که دارای کروموزوم X است با تخمک لقاح کند، سلول تخم، دارای زوج کروموزوم XX شده و جنین، دختر خواهد شد و اگر اسپرم دارای کروموزوم Y با تخمک لقاح کند، تخم دارای زوج کروموزوم XY شده و جنین، پسر خواهد شد. (دیان، قرقوز، احمد، ۱۳۹۰ ه: ص ۳۱).

دوم: سنت نبوی

در چندین حدیث از رسول الله صلی الله علیه وسلم اشاراتی به باریکی های علم ژنتیک صورت گرفته است لکن معنی و مفهوم آن آنقدر متبادر و واضح نیست تا از مطالعه ظاهر حدیث به آن پی برد

ناگزير استيم مسئله را در مطابقت به علوم جديده به كنكاش و كاوش بگيريم تا مقصد نبوي از موضوع درك شده و اعتراضات وارده بي اساس از ساحت مقدس نبوي دور گردد؛ فلهاذا در ابتدا به نوشتار احاديث و ترجمه آنها گردهاخته بعدا آراي علمای اعجاز را در زمينه ذكر مينماييم:

1- عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: بَلَغَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ مَقْدَمُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَدِينَةَ فَأَتَاهُ، فَقَالَ: إِنِّي سَأَلْتُكَ عَنْ ثَلَاثٍ لَا يَعْلَمُهُنَّ إِلَّا نَبِيٌّ قَالَ: مَا أَوَّلُ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ؟ وَمَا أَوَّلُ طَعَامٍ يَأْكُلُهُ أَهْلُ الْجَنَّةِ؟ وَمِنْ أَيِّ شَيْءٍ يَنْزِعُ الْوَلَدُ إِلَى أَبِيهِ؟ وَمِنْ أَيِّ شَيْءٍ يَنْزِعُ إِلَى أَحْوَالِهِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «خَبَرَنِي بَيْنَ آيَتَا جِبْرِيلَ» قَالَ: فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ ذَاكَ عَدُوُّ الْيَهُودِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَمَّا أَوَّلُ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ فَنَارٌ تَخْشُرُ النَّاسَ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ، وَأَمَّا أَوَّلُ طَعَامٍ يَأْكُلُهُ أَهْلُ الْجَنَّةِ فَرِزَادَةُ كَبِدِ حَوْتٍ، وَأَمَّا الشَّبَبَةُ فِي الْوَلَدِ: فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا عَشِيَ الْمَرْأَةُ فَسَبَقَهَا مَاءُوهُ كَانَ الشَّبَبَةُ لَهُ، وَإِذَا سَبَقَ مَاءُوهَا كَانَ الشَّبَبَةُ لَهَا» قَالَ: أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ. (البخاري، ١٤٢٢: ج ٤ ص ١٣٢).

يعنى: خبر تشریف فرمایى رسول الله صلى الله عليه و سلم به مدینه به عبد الله بن سلام رسید او نزد ایشان رفت و گفت: سه چیز از شما می پرسم که غیر از پیامبران، کسی دیگر آنها را نمی داند:

نخستین علامت قیامت چیست؟

نخستین غذایی که بهشتیان می خورند، چیست؟

به چه دلیل، فرزند به پدرش، شباهت دارد و چرا به دایی هایش، شباهت دارد؟

رسول خدا صلى الله عليه و سلم فرمود: هم اکنون، جبریل مرا از این امور، با خبر ساخت: عبد الله گفت: از میان فرشتگان، او دشمن یهود است رسول الله صلى الله عليه و سلم فرمود: نخستین علامت قیامت، آتشی است که مردم را از مشرق بسوی مغرب، سوق می دهد و نخستین غذایی که بهشتیان می خورند، زایدۀ جگر ماهی است اما در مورد شباهت فرزند، اگر هنگام همبستری، آب مرد سبقت گیرد، فرزند، شبیه او خواهد شد و اگر آب زن، سبقت بگیرد، فرزند شبیه او خواهد شد عبد الله گفت: گواهی می دهم که تو پیامر خدا هستی.

٢- به روایت عایشه رضی الله تعالی عنها «إِذَا عَلَا مَاءُهَا مَاءَ الرَّجُلِ، أَشْبَهَ الْوَلَدُ أَحْوَالَهُ، وَإِذَا عَلَا مَاءُ الرَّجُلِ مَاءَهَا أَشْبَهَ أَعْمَامَهُ» (نيسابوری، ب تا: ج ١ ص ٢٥١).

یعنی: هرگاه آب زن بر آب مرد غالب شد، فرزند شبیه دایی هایش خواهد شد، و هرگاه آب مرد بر آب زن غالب گردید، فرزند شبیه عموهایش خواهد شد.

۳- اما در روایت از ثوبان رضی الله عنه که در صحیح مسلم آمده، بجای تشابه فرزند به والدینش، از سبب جنسیت جنین گفته شده، چنانکه ثوبان از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کند که ایشان فرمودند: «مَاءُ الرَّجُلِ أَطْيَبُ، وَمَاءُ الْمَرْأَةِ أَضْفَرُ، فَإِذَا اجْتَمَعَا، فَعَلَا مِثْلُ الرَّجُلِ مِثْلُ الْمَرْأَةِ، أَذْكَرَا بِإِذْنِ اللَّهِ، وَإِذَا غَلَا مِثْلُ الْمَرْأَةِ مِثْلُ الرَّجُلِ، آتَنَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» (نيسابوری، ب تا: ج ۱ ص ۲۵۲). یعنی: آب مرد سفید و آب زن زرد رنگ است، هرگاه این دو با هم ترکیب یافتند و منی مرد بر منی زن غالب شد، پس به اذن الله تعالی جنین مذکر خواهد شد، و هرگاه آب زن بر منی مرد غالب گردید به اذن الله تعالی جنین مونث خواهد شد (پس باید متوجه این نکته هم باشیم که احادیث فقط به تشابه فرزند اشاره نکرده اند، بلکه جنسیت جنین هم مطرح شده است)

با در نظر داشت احادیث فوق میبینیم که عمدتاً چند مسئله اینجا قابل تأمل است:

ارضا شدن هریک از زن و مرد و نقش زود ارضاء شدن آنها در جنسیت طفل چه نقش دارد؟

غلبه آب مرد و زن و نقش غلبه در مشابهت طفل چه مفهوم دارد؟

آیا رنگ آب مرد سفید و از زن زرد است؟

مراد از آب زن

علم امبریولوژی برای ما میگوید که هر طفل مونث نوزاد که تولد میشود دارای ۵۰۰ عدد تخمک نارسیده در تخم دانهای کنار رحم میباشد و بعد از بلوغیت یا هنگام بلوغیت بعد از عادت ماهوار معمولاً یک تخمک و ندرتاً چندین تخمک رسیده را آزاد کرده و هرگاه در خلال بیست و چهار ساعت و قبل از عبور از تیوب رحمی این تخمک ها با اسپرم مرد تلقیح نشود از بین میرود؛ (برنایار، ۱۳۹۰ ه: ۳۹).

روی این اساس نظر به علم امبریولوژی منی یا آب زن نقشی در تشکیل جنین ندارد؛ پس چطور میتوانیم بین علوم جدید و فرموده نبوی که ریب در آن نیست توافق ایجاد نماییم فلذا باید به کلمات استعمال شده در حدیث توجه کرده و نقش هردو زوج را در تشکیل جنین بدانیم.

ابتداً به بیان علمای شارح حدیث پرداخته بعداً در صدد تشریح ساینسی حدیث میپردازیم:

پوهنمل زمري محمدی

- ۱- امام نووی رحمه الله میفرماید: که علما گفته اند جایز است که علو به معنی پیش انزال شدن معنی شود و همچنین جایز است که مراد از آن کثرت و قوت منی مرد و زن بر حسب کثرت شهوت یکی از آنها تعبیر شود. (النووی، ۱۳۹۲ ه: ج ۳ ص ۲۲۳).
- ۲- امام ابن حجر العسقلانی رحمه الله میفرماید: مراد از علو در حدیث عایشه رضی الله تعالی عنها را کثرت حجم منی میداند که شباهت را بار میارد و مراد از سبق را غلبه تعبیر کرده که باعث تعیین جنسیت میشود. (العسقلانی، ۱۳۷۹ ه: ج ۷ ص ۲۷۳).
- ۳- امام ابن قیم رحمه الله تعالی برخلاف گفته امام ابن حجر رحمه الله میفرماید که کثرت حجم منی باعث تعیین جنسیت میشود و غلبه منی با عث شبهات فرزند میشود. (الجوزیه، ۱۹۷۱ م: ۲۲۱).
- ۴- طوریکه علمای علم امبریولوژی به همین نظر اند که هر قدر تعداد اسپرم کمتر گردد شانس القاح کمتر خواهد بود و هرگاه تعداد اسپرم در هر سی سی کمتر از ۲۰ ملیون باشد مرد عقیم خواهد بود. (برنایار، محمد فرید. ۱۳۹۰ ه: ۳۶).

جنسیت نوزاد در پرتو سنت

ثوبان از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کند که ایشان فرمودند: «مَاءُ الرَّجُلِ أَبْيَضُ، وَمَاءُ الْمَرْأَةِ أَصْفَرُ، فَإِذَا اجْتَمَعَا، فَعَلَا مَنِي الرَّجُلِ مَنِي الْمَرْأَةِ، أَذْكَرًا بِإِذْنِ اللَّهِ، وَإِذَا عَلَا مَنِي الْمَرْأَةِ مَنِي الرَّجُلِ، آتْنَا بِإِذْنِ اللَّهِ» (نیسابوری، ب تا: ج ۱ ص ۲۵۲). یعنی: آب مرد سفید و آب زن زرد رنگ است، هرگاه این دو با هم ترکیب یافتند و منی مرد بر منی زن غالب شد، پس به اذن الله تعالی جنین مذکر خواهد شد، و هرگاه آب زن بر منی مرد غالب گردید به اذن الله تعالی جنین مونث خواهد شد.

طوریکه در فوق تذکر دادیم کروموزوم های جنسی در زن XX است و از مرد XY است روی این اساس زن در تعیین جنسیت کدام نقش ندارد پس منظور علو و سبق در حدیث چه بوده میتواند؟ به منظور دریافت این پاسخ باید به مسایل علمی ذیل توجه نماییم:

- ۱- شارژ روی سطح تخمک موجود در اطراف تخمک می تواند تا حدودی در جذب اسپرماتوزوئید پسر و دختر نقش داشته باشد؛ آزمایش روی گونه های مختلف پستانداران نشان داده

است که غشاء تخمک در دوره های زمانی مختلف، آمادگی پذیرش یکی از اسپرم های حاوی X یا Y را بیشتر از دیگری دارد.

در سر هر اسپرم ، ناحیه ای وجود دارد که به بار الکتریکی حساس است و نقش اصلی در جذب اسپرم به طرف تخمک دارد و به محض ورود اسپرم به داخل تخمک القاح انجام شده و در اطراف تخمک غشایی مقاوم ایجاد می شود که اجازه ورود اسپرم های دیگر را به تخمک نمی دهد.

۲- احتمالا این باشد که هرگاه اسپرمی از نوع صفت زنانه یعنی (X) بر اسپرمی با صفت مردانه یعنی (Y) غلبه کند و در بارور کردن تخمک سبقت گیرد، در آنصورت جنین حاصل دختر خواهد شد، و اگر اسپرمی از نوع صفت مردانه یعنی (Y) بر اسپرمی از نوع صفت زنانه یا (X) غلبه کند و در بارور کردن تخمک زن سبقت گیرد، در اینصورت جنین حاصل پسر خواهد شد.

۳- مراد از آب زن در حدیث فوق ترشحات مهلی است که این ترشحات گاهی اسیدی بوده و گاهی هم قلوی و آب مرد همیشه قلوی است پس اگر مقدار ترشحات مهلی اسیدی در اثر مقاربت زیاد باشد اسپرم های کروموزوم جنسی Y از اینکه دارای سر کوچک بوده و در محیط اسیدی قادر به زنده بودن نمیباشند که در نتیجه کروموزوم های Y تضعیف شده شانس بارور سازی تخمک توسط کروموزوم جنسی X مرد با تخمک زن مساعد میشود. هر قدر نسبت $\text{potential of hydrogen } [pH]$ به پوتانسیل هایدوجن اشاره دارد و در واقع یک کمیت لگاریتمی برای غلظت آیون های در آب است و میزان اسیدی بودن و قلوی بودن را نشان می دهد [به طرف عدد (۱) نزدیک باشد محیط اسیدی است و هر قدر به طرف عدد (۱۴) نزدیک باشد محیط قلوی است. معمولا طیف مناسب آن بین (۰-۱۴) میباشد، pH کمتر از (۷) نشان دهنده اسیدی بودن و pH بالاتر از (۷) نشان دهنده قلوی بودن می باشد. یک pH سالم باید بین ۳ عشاریه ۸ تا ۴ عشاریه ۵ باشد در چنین حالت می توان گفت یک مهبل در سالم ترین میزان قلیایی و اسیدی خویش قرار دارد.

۴- مراد از آب ترشحات مهلی نبوده است بلکه مراد آن تخمک است زیرا اگر مراد از آب زن ترشحات مهلی را بگیریم در حدیث آمده است که آب زن دارای رنگ زرد و از مرد دارای رنگ سفید است در حالیکه ترشحات مهلی زرد و غلیظ نبوده بلکه شفاف و رقیق است فلذا گفته میتوانیم

که مراد آن تخمک زن است نه ترشحات مهبل؛ زیرا آبی که در اطراف تخمک وجود دارد زرد رنگ است به همین ترتب پوش تخمک نیز داری رنگ زرد مییابد از این لحاظ گفته میتوانیم در صورتیکه تخمک داری شارژ برقی مثبت باشد کروموزوم جنسی Y را به خود جذب میکند اما در صورتیکه دارای شارژ برقی منفی باشد کروموزوم جنسی X را به خود جذب میکند که ممکن اشاره نبوی به همین موضوع باشد. <http://relationships.blurtit.com/107249/what-would-cause-a-thick-white-discharge-during-sex>

۵- مراد از آب مرد وزن اشاره به کروموزوم های جنسی X و Y یعنی اگر اسپرم دارای کروموزوم خصوصیت جنسی مردانه وارد تخمک شد جنسیت جنین مذکر است و هرگاه کروموزوم ایکه دارای خصوصیت جنسی زنانه است وارد تخمک شد جنین پسر خواهد بود؛ با این تقدیر مراد حدیث از آب زن کروموزوم جنسی X و مراد از آب مرد کروموزوم جنسی Y مییابد که هر دو در اسپرم مرد موجود است و مراد اصلی به اعتبار کروموزومها منظور است نه مرد و زن.

<http://www.dailymail.co.uk/health/article-1025956/Pictured-The-moment-human-egg-emerged-ovary.html>

شبهات فرزند

سیده عایشه رضی الله تعالی عنها روایت میکند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِذَا عَلَا مَاءُهَا مَاءَ الرَّجُلِ، أَشْبَهَ الْوَلَدُ أَحْوَالَهُ، وَإِذَا عَلَا مَاءُ الرَّجُلِ مَاءَهَا أَشْبَهَ أَعْمَامَهُ» یعنی: هرگاه آب زن بر آب مرد غالب شد، فرزند شبیه دایی هایش خواهد شد، و هرگاه آب مرد بر آب زن غالب گردید، فرزند شبیه عموهایش خواهد شد. (نیسابوری، ب تا: ج ۱ ص ۲۵۱).

طوریکه قبلا ذکر نمودیم که هر انسان دارای ۲۳ جوره کروموزوم بوده که از جمله آن فقط یک جوره کروموزوم جنسی است که در جنث مؤنث یک جوره کروموزوم جنسی XX و در جنس مذکر کروموزومهای جنسی XY است متباقی کروموزومها به نام کروموزومهای عادی یاد میشوند که هر کدام وظیفه خاص خود را دارد.

زمانیکه گمیت های مذکر و مؤنث (اسپرم و تخمه) در هنگام جوانی در جنین مذکر و مؤنث تشکیل می گردد از جمله ۲۳ جوره کروموزوم (۴۶ عدد) ۲۳ عدد آن در تقسیمات حجروی میوسس به

دو گمیت انتقال مینماید یعنی کروموزوم ها از شکل جوړه ای دیپلوئید که (2n) نشان داده می شود به هیپلوئید که به (1n) نشان داده می شود تبدیل میگردد.

حجرات جنسی یا گمیت ها دارای نصف تعداد کروموزوم های جسمی بوده که به نام حجرات هیپلوئید (1n) حجرات یاد می شوند.

زمانیکه جنس مذکر و مؤنث با همدیگر نزدیکی مینمایند اسپرم هاییکه در خصیه ها ذخیره گردیده بودند آزاد شده و با تخمه یکجا میگردند که در نتیجه کروموزوم هاییکه در هنگام تشکیل گمیت ها (حجرات جنسی) طاقه گردیده بودند دو باره باهم یکجا میگردند؛ یعنی دوباره ۴۶ عدد میگردند بناً با در نظر داشت اظهارات فوق در نتیجه گفته میتوانیم که انتقال کروموزوم های پدری و مادری ۵۰/۵۰ میباشد و چون کروموزوم ها متشکل از ژن ها و ژن مسؤل انتقال خواص ارثی اند پس گفته میتوانیم که در انتقال خواص ارثی ۵۰٪ پدر و ۵۰٪ مادر نقش دارند؛ ولی در بعضی حالات ممکن است ژن یکی از والدین بارز و ژن دیگری مخفی گردد که این بارز بودن و مخفی بودن به عوامل متعددی بستگی دارد که در ذیل به چند عامل اشاره مینماییم:

۱- خود اثر بارزیت: هر ژن از خود اثر بارزیت دارد مثلاً در نبات نخود؛ قد بلند نبات؛ بالای قد کوتاه بارز است.

۲- میوتیشن ها: هنگامیکه میوتیشن صورت میگیرد ممکن است همان ژن که قرار است بارز گردد، تخریب گردیده و اثر بارزیت آن از بین میرود.

۳- تسلسل نسل: هرگاه نسل ها تسلسل نمایند بعضی از ژن ها که مخفی بودند بارز میگردد و بعضی ها که بارز بودند مخفی میشوند.

(Divid, J, 1982: 39) -1

۴- محیط: محیط بالای صفات موجودات حیه تاثیر داشته و باعث تغییرات در آنها می شود. (سوزان الرود، ویلیام دی استنسفیلد: 1387 ه: 147-150).

۵- ادویه: بعضی از ادویه ها است که تاثیر مستقیم بالای ژن ها دارد، که آنها را صدمه رسانده و ضعیف می سازد.

روی این اساس گفته می توانیم که مراد از کلمه [إِذَا غَلَا مَأْثُهَا] که محدثین آن را غالب ترجمه کرده اند، یعنی وقتی که آب مرد بالای آب زن غلبه کرد، مراد آن ظاهر شدن زن ها باشد، یعنی وقتی زن های پدر ظاهر و زن های مادر مخفی شد طفل مشابه خواص ارثی پدر یا کسانی که پدر زن ها از وی گرفته می گردد و زمانی که زن های پدر مخفی شد و زن های مادر بارز و ظاهر شد، طبعاً که طفل مشابه به کسانی خواهد بود که مادر آن زن ها را از آن ها به ارث برده است.

نتیجه گیری

با در نظر داشت آنچه بیان کردیم علوم جدید به این نتیجه رسیده است که جنسیت جنین مربوط به کروموزوم های جنسی مرد است و زن در تعیین جنسیت کدام نقش ندارد؛ اما قرآن کریم این مسئله را چهارده قرن قبل بیان کرد که مؤنث و مذکر را از نطفه ای چون فروریزد می آفرینیم و فروریختن تنها در اسپرم های مرد صادق است به همین ترتیب علوم جدید به بحث میکند که شباهت فرزند مربوط به زن های میشود و بعضاً زن در اثر عوامل مخفی بوده و احیاناً ظاهر یا غالب میشوند و این بارزیت و مخفی بودن زن های بسته گی به علل و عوامل مختلف دارد.

پیشنهادهات

بحث پیرامون اعجاز علمی قرآن و سنت یکی از مباحث مهم و اساسی جهت برملا سازی دانش دینی در خصوص علوم تجربی می باشد بنده به اندازه توان خود در این زمینه به بحث پرداختم صرف در یک آیه کوتا از قرآن و دو حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم بحث نمودم لهذا پیشنهاد می نمایم که پژوهش گران و نویسندگان دیگر روی، اعجاز تشریعی، تاریخی، ادبی، اقتصادی، سیاسی و دیگر میادین علمی بحث و تحقیق نمایند.

مراجع

القرآن الكريم

۱. أمالى، محمد أنور شاه بن معظم شاه الكشميرى الهندى ثم الديوبندى. (الطبعة: الأولى، ۱۴۲۶ هـ - ۲۰۰۵ م). فيض البارى على صحيح البخارى. المحقق: محمد بدر عالم الميرتهى، أستاذ الحديث بالجامعة الإسلامية بداهيل. الناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان. (۱/ ۳۱۹)
۲. اكرمى، حسين و اكرمى رضايان. (۱۳۹۴ ه ش). ژنتيك از كلاسيك تا ژنوميك. خانه زيست شناسى: تهران.
۳. العسقلانى، أحمد بن على بن حجر أبو الفضل العسقلانى الشافعى، (۱۳۷۹). فتح البارى شرح صحيح البخارى. الناشر: دار المعرفة - بيروت. (۷/ ۲۷۳).
۴. البخارى، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى. (الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲ هـ). صحيح البخارى. الناشر: دار طوق النجاة (۴/ ۱۳۲)
۵. القرطبى، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبى بكر بن فرح الأنصارى الخزرجى شمس الدين القرطبى (الطبعة: الثانية، ۱۳۸۴ هـ - ۱۹۶۴ م). الجامع لأحكام القرآن المسمى بتفسير القرطبى. تحقيق: أحمد البردونى وإبراهيم أطفيش. الناشر: دار الكتب المصرىة - القاهرة. ج ۱۷ ص ۱۱۸.
۶. النووى، أبو زكريا محيى الدين يحيى بن شرف النووى (الطبعة: الثانية، ۱۳۹۲). المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج المسمى بشرح النووى على مسلم. الناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت. (۳/ ۲۲۳)
۷. برنابار، محمد فريد. (۱۳۹۰ ه ش). امبريولوژى طبى. كابل: انتشارات عازم. ص 39.
۸. ديان، عبد الحميد. قرقوز، احمد (۱۳۹۰ ه ش). طب در قرآن. انتشارات آراس: تهران. ص ۳۱
۹. سوزان الرود، ويليام دى استنسفيلد. (۱۳۷۸ ه ش). مبانى و مسائل ژنتيك. مترجمان، رضا محمدى... وديگران. آبيژ: تهران.
۱۰. قياسوند، نورمحمد، اسماعيلى، فرخنده پور. (۱۳۸۷ ه ش). مقدمات علوم پايه ۲ جنتيك. انتشارات: دانشگاه شهيد بهشتى. صص 2-16.
۱۱. نيسابورى، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيرى النيسابورى (ب. تا). صحيح مسلم. المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي. الناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت (۱/ ۲۵۱)

12. هارون يحيی. (۱۳۹۵ ه ش). اعجاز قرآن در پرتو ساینس و تکنالوژی معاصر. انتشارات میوند: J.Divid,Lippincotts.(1982).principle of Genetic.page395-401
13. <http://relationships.blurtit.com/107249/what-would-cause-a-thick-white-discharge-during-sex>
14. <http://www.dailymail.co.uk/health/article-1025956/Pictured-The-moment-human-egg-emerged-ovary.html>

خروج شوروی از افغانستان و تأثیر آن بر اوضاع سیاسی و امنیتی این کشور

پوهنیار عنایت‌الله اکبری^(۱)*

پوهنمل دکتور احمد حنیف حنیف^(۱)

(۱) استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون البیرونی.

(۱) * نویسنده مسؤول: ایمیل: Enayatullah.akbari2@gmail.com – تلفون: ۹۳۷۹۶۱۹۲۵۳۰+

چکیده

افغانستان با توجه به موقعیت ویژه جغرافیایی آن همواره و به گونه مکرر مورد هجوم قدرت‌های جهانی قرار گرفته و اما هربار، آن‌ها به طرز بدی شکست خورده اند. موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیکی افغانستان، این کشور را به "زمین بازی امپراتوری‌ها" و به عبارت دیگر "قبرستان امپراتوری‌ها" تبدیل کرده است. یکی از این قدرت‌ها اتحاد جماهیر شوروی بود که در ۶ جدی ۱۳۵۸ مصادف به ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ بالای افغانستان هجوم آورده و سرانجام به تاریخ ۱۵ فیروزی ۱۹۸۹ زیر فشارهای ملی، منطقه‌ای و جهانی، طبق کنوانسیون ژنو، به اشغال ۹ ساله و یک ماه و ۱۹ روزه این کشور پایان داد. اهمیت این پژوهش در آن است که با استفاده از روش کیفی مبتنی بر کتاب‌خانه‌ای دریافته است که با شکست شوروی در افغانستان و سپس فروپاشی آن، دوره جنگ سرد و نظام دوقطبی در جهان به پایان رسید و آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت جهان در صحنه باقی ماند. در سطح داخلی نیز شیرازه سیاسی و امنیتی کشور افغانستان بیشتر از پیش از هم پاشیده و زمینه جنگ‌های داخلی مساعد گردید. نتایج حاصله تحقیق نشان‌دهنده آن است که خروج خفت‌بار اتحاد جماهیر شوروی سابق، هرچند که در نتیجه رشادت و جان‌فشانی‌های افغان‌ها صورت گرفت، اما غربی‌ها بیشتر از آن نفع بردند زیرا افغانستان دچار بی‌ثباتی سیاسی، هرج و مرج و جنگ داخلی گردید که تبعات آن برای مردم افغانستان بسیار ناامید کننده و زیان‌آور بود و در نتیجه زمینه مداخله نظامی ایالات متحده آمریکا در این کشور مساعد گردید.

واژه‌های کلیدی: افغانستان، توافق، تهاجم، جنگ، خروج، شوروی، مداخله.

Abstract

Due to its special geographical location, Afghanistan has been repeatedly invaded by world powers, but each time they were badly defeated. Its unique geopolitical location has made it a "playground for empires", in other words, a "graveyard of empires". One of these powers was the Soviet Union or Union of Soviet Socialist Republic (USSR) which invaded Afghanistan on December 27, 1979, and finally under national, regional, and international pressure and in accordance with the Geneva Convention ended its occupation on 15 February 1989, after nine years, one month and nineteen days. The importance of this research lies in the fact that, using a library-based qualitative method, it has been found that with the defeat of the Soviet Union in Afghanistan and then its collapse, the period of the Cold War and the bipolar system in the world ended, and the United States remained the only superpower in the world. At the domestic level, the political and security situation of Afghanistan has fallen apart more than before and the ground for civil wars has become favorable. The results of the research show that although the tragic withdrawal of the former Soviet Union was a result of the bravery and sacrifices of the Afghans, the Westerners benefited more because Afghanistan suffered political instability, chaos and civil war, which had very disappointing and harmful consequences to the people of Afghanistan, and as a result, the ground for the military intervention of the United States of America became favorable. In order to prevent the fall of governments in the future, it is suggested that the rulers should respect the will and consent of the people and refrain from dependence on foreign powers as well as provide the basis for the formation of internal and political consensus with the political wisdom so that with the support of the people and establishing relations with foreign powers the national interests can be realized better.

Keywords: Afghanistan, agreement, invasion, intervention, war, withdrawal, Soviet.

مقدمه

افغانستان از نگاه جغرافیایی در مرکز آسیا قرار داشته و محل اتصال چهار منطقه مهم میان آسیای مرکزی، آسیای جنوبی، خاورمیانه و خاور دور می‌باشد. با توجه به همین موقعیت جغرافیایی ویژه، این کشور همواره و به گونه مکرر مورد هجوم جهان گشایان قرار گرفته و حرص و آرز آنها را تحریک نموده است (غبار، ۱۳۹۰: ۱۳۱).

اهمیت موقعیت افغانستان زمانی برای رسیدن به شبه قاره هند و در خط مقدم رویارویی دو بلوک ایدئولوژیک شرق و غرب در جنگ سرد بود و در حال حاضر نیز در مرکز ملاحظات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک قرار دارد (پیشگاهی فرد و رحیمی، ۱۳۸۷). موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیکی افغانستان، این کشور را به "زمین بازی امپراتوری‌ها" یا "قبرستان امپراتوری‌ها" تبدیل کرده است. در گذشته‌های دور قدرت‌های بزرگ جهانی، مانند اسکندر مقدونی و چنگیز مغلی بالای این سرزمین یورش آورده اند. طی قرون معاصر نیز کشور افغانستان چندین بار مورد هجوم قدرت‌های استعماری جهان قرار گرفته است. چنانچه امپراتوری بریتانیا در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، شوروی در دهه هشتاد میلادی و سرانجام آمریکایی‌ها در سال ۲۰۰۱ بالای این کشور حمله کردند، اما هر بار به طرز بدی شکست خوردند. طوری که انگلیس‌ها از ۱۸۳۹ الی ۱۹۱۹ با انجام سه جنگ و متحمل شدن تلفات زیاد مجبور به ترک افغانستان شدند. همین‌طور شوروی‌ها می‌خواستند افغانستان را تحت نفوذ خود درآورند ولی با مقاومت مردم افغانستان مواجه شدند. مجاهدین افغان با جنگ‌های چریکی و دریافت کمک‌های تسلیحاتی، مالی و لجستیکی از آمریکا و عده دیگری از کشورها در جنگ علیه شوروی پیروز شدند. شوروی بعد از ۹ سال اشغال افغانستان و متحمل شدن تلفات سنگین مالی و جانی (بیش از ۱۳۰۰۰ هزار کشته و حدود ۴۰۰۰۰ زخمی و نیز هزینه ۵۰ میلیارد دالر) (Nawaz Khan, 1990: 102) (Kalinovsky, 2011) مجبور به عقب نشینی گردید.

بنابراین، یکی از موضوعات مهم در تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی معاصر افغانستان تهاجم ابر قدرت‌ها مانند انگلیس، شوروی و ایالات متحده آمریکا به این کشور می‌باشد که پس از چندین سال حضور و ناکامی بالاخره شکست خورده و مجبور به ترک این کشور گردیده اند. شکست و خروج این

پوهنپار عنایت الله اکبری

ابر قدرت‌ها متاسفانه پیامدهای جدی و مهم بر افغانستان داشته که این نوشتار با استفاده از روش کتابخانه‌ای و رویکرد واقع‌گرایی اصولی در صدد یافتن پاسخ به این سوال است که "خروج شوروی از افغانستان چي تأثیری بر اوضاع سیاسی و امنیتی این کشور داشته".

روش تحقیق

اطلاعات مورد نیاز این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نیز دنیای مجازی و انترنت جمع‌آوری گردیده است. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است که بر اساس رهیافت واقع‌گرایی اصولی تبیین شده است.

پیشینه تحقیق

با مرور بر ادبیات موضوع، به نظر می‌رسد که در رابطه به خروج شوروی سابق از افغانستان و تأثیرات آن بر اوضاع سیاسی و امنیتی این کشور تا هنوز کدام تحقیق خاص صورت نگرفته، ولی پیرامون موضوعات مرتبط با تهاجم شوروی به افغانستان کتاب‌ها و مقالات زیادی تحریر یافته است. چنانچه Artemy M. Kalinovsky در کتاب خویش تحت عنوان (خداحافظی طولانی: خروج شوروی از افغانستان) یا (A Long Goodbye: The Soviet Withdrawal from Afghanistan) که در سال ۲۰۱۱ توسط دانشگاه هاروارد به چاپ رسیده، به دلایل تهاجم شوروی به افغانستان، پالیسی حکومت گورباچوف در قبال افغانستان، مصالحه ملی، درگیر شدن شوروی‌ها با امریکایی‌ها و نیز خروج نظامی از افغانستان پرداخته ولی مشخصاً در مورد پیامدهای این خروج بر اوضاع سیاسی و امنیتی آن وقت افغانستان بحث نکرده است. اثر دیگری که مرتبط با موضوع نوشته شده، مقاله آقای David G. Fivecoat زیر عنوان (خروج از گورستان: خروج اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان) یا (Leaving the Graveyard: The Soviet Union's Withdrawal from Afghanistan) است که در سال ۲۰۱۲ توسط فصل‌نامه کالج جنگ ارتش ایالات متحده آمریکا به نشر رسیده است. ایشان در مقاله خویش چهار جنبه کلیدی خروج شوروی از افغانستان همچون: رهبری، استراتژی نظامی، طرح انتقال و اقتصاد را بررسی و ارزیابی نموده است. ولی در مورد پیامدهای سیاسی و امنیتی این خروج بر افغانستان چیزی نگفته است. همین‌طور نویسنده دیگری بنام خالد نواز خان در تیزس ماستری خویش زیر

نام "منافع شوروى در افغانستان و پيامدهاى خروج از آن" به منافع شوروى در افغانستان، دلايل تهاجم، سالهاى اشغال افغانستان و پيامدهاى خروج از افغانستان بر شوروى، پاكستان و ايران پراخته است. هرچند آقاى خالد طور بسيار كوتاه به آينده افغانستان پس از خروج شوروى نيز اشاراتى دارد ولى تاثيرات خروج شوروى بر اوضاع سياسى و امنيتى افغانستان را بررسى ننموده است. پيامدهاى سرخ يك خروج، مقاله‌اى ديگرى است كه توسط على قادري نوشته شده و در سال ۱۳۹۲ در روزنامه افغانستان به نشر رسيده است. نويسنده در اين مقاله از مجموع پيامدهاى خروج شوروى سابق از افغانستان تنها آن‌هم به صورت فشرده و كوتاه به پيامدهاى اجتماعى و اقتصادى خروج شوروى از افغانستان پرداخته است. نويسنده ضمن آن‌كه به پيامدهاى سياسى و امنيتى خروج شوروى از افغانستان اشاره نكرده، آنچه‌را نوشته نياز مبرم به شرح و انكشاف مزيد دارد.

متن فوق در عين حال كه بينش مهمى را در مورد دخالت شوروى به افغانستان ارائه مى‌دهد، در مورد تاثيرات سياسى و امنيتى خروج شوروى از افغانستان چيزى نو بدست نمى‌دهد. بنابراين، ضرورت واضح است تا به اين خلاى علمى آن‌ها پرداخته شود تا باشد از وابستگى مفرط افغانستان به قدرت‌هاى خارجى در آينده جلوگيرى شده و برقرارى هرگونه روابط سياسى با آن‌ها در محور منافع ملي، داشتن حمايت مردمى و نيز در ك موقعيت جغرافيايى اين كشور صورت گيرد.

۱. علل تهاجم شوروى به افغانستان

بحث در خصوص خروج شوروى سابق از افغانستان بدون بررسى دلايل تجاوز و منافع شوروى در افغانستان و ماسواى آن ناممكن خواهد بود. تهاجم شوروى به افغانستان در مواجهه با اين ترس صورت گرفته بود كه مبدا افغانستان به يكى از پاىگاه‌هاى امريكا تبديل شود. رهبران شوروى به اين عقيدة بودند كه افغانستان پس از انقلاب ايران (۱۹۷۹) و از دست دادن نفوذ ايالات متحده در خليج فارس ممكن بود به هدف وسوسه‌انگيز براى ايالت متحده تبديل شود. بنابراين، شوروى در يك اقدام پيشگيرانه به افغانستان حمله نمود تا ضمن ختنى كردن اين پلان احتمالى از هدف قرار دادن تاسيسات شوروى در آسياى مركزى، كه فاصله چندانى با افغانستان ندارد، جلوگيرى كند (Kalinovsky, 2011). گسترش بنيادگرآيى و بى ثباتى فزاينده در مرزهاى شوروى و تاثير آن بر ۵۰ ميليون مسلمان

پوهنیاړ عنايت الله اکبری

ساکن جمهوریت‌های مسلمان‌نشین اتحاد جماهیر سابق (تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان) از دیگر نگرانی‌های اتحاد جماهیر شوروی بود (York, 2013:14). شورش مسلمانان در طول سال ۱۹۷۹ در افغانستان، شورش مذهبی در پاکستان و ترکیه و پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) به‌عنوان شاخص‌های گسترده بیداری جدید اسلامی تلقی می‌شد و شوروی احتمالاً در هراس بود که اگر بنیادگرایی اسلامی در ایران و افغانستان شگوفا شود، مستقیماً گرایش‌های پان‌اسلامیک را در آسیای مرکزی و در ماوراءالنهر تحریک خواهد نمود (Nawaz Khan, 1990:89). بنابراین، مداخله نظامی تبدیل به یگانه گزینه مؤثر برای تأمین امنیت مرزهای جنوبی شوروی شد.

علاوه بر آن، افغانستان یکی از کشورهای جهان‌سومی غیر کمونیستی بود که اتحاد جماهیر شوروی با آن رابطه دوستانه داشت. اتحاد جماهیر شوروی، از دهه پنجاه میلادی به شدت از افغانستان حمایت اقتصادی، نظامی و سیاسی نمود. این حمایت‌ها پس از انقلاب ثور (اپریل ۱۹۷۸) و به قدرت رسیدن کمونیست‌های افغان، البته به حمایت اتحاد جماهیر شوروی سابق، بیشتر گردید و از آن پس اتحاد جماهیر شوروی خود را حامی یک دولت انقلابی نوپا می‌دانست. بنابراین، در صورت فروپاشی آن دولت، شوروی خود را در معرض آسیب احتمالی ایدئولوژیک می‌دید. ازینرو، با نزدیک شدن دولت امین به سوی سقوط، مداخله نظامی به‌عنوان بهترین راه برای بازیابی وضعیت روبه‌وخامت و در نتیجه تضمین نفوذ شوروی در افغانستان تلقی می‌شد (Kalinovsky, 2011:34). ملاحظات ژئواستراتژیک بدون شک از دیگر دلایل تجاوز شوروی به افغانستان بود. چون تسلط بر افغانستان ضمن آنکه می‌توانست در حرکت شوروی به سمت خلیج فارس نفت‌خیز کمک کند، به عنوان پایگاهی برای نمایش قدرت شوروی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و ایدئولوژیک در منطقه عمل می‌کرد و حائل حیاتی در کنار مناطق آسیب‌پذیر جنوب آسیا را فراهم می‌نمود.

مزید بر آن، از بین بردن حفیظ الله امین که به مخالفان شوروی وقت تمایل پیدا کرده بود و ایجاد ائتلاف خلق و پرچم به رهبری ببرک کارمل، بازدارندگی شورشیان (Nawaz Khan, 1990:82)، هراس از ایجاد یک حکومت اسلامی در افغانستان، چشم داشت به منابع زیر زمینی، توسعه طلبی و دیدگاه‌های ایدئولوژیکی... از دیگر موارد مهم عوامل تجاوز شوروی بر افغانستان به حساب می‌آید.

۲،۱ تهاجم

تهاجم شوروی به افغانستان، اولین حمله شوروی به کشوری خارج از شرق اروپا (Nawaz Khan, 1990:11) و به گفته کالینوفسکی (۲۰۱۱) یکی از خونین ترین درگیری های جنگ سرد بود. اتحاد شوروی در ۶ جدی ۱۳۵۸ مصادف به ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ به افغانستان تجاوز نمود. در نتیجه آن، حفیظ الله امین کشته شد و در ۲۸ دسامبر ۱۹۷۹، دولت جدید تحت رهبری ببرک کارمل (گفته شده که همان روز توسط یک پرواز روسی از روسیه به کابل انتقال یافته بود) روی کار آمد (Nawaz Khan, 1990:85). در طول اشغال، روس ها توانستند از سه هدف تعیین شده - خلع حفیظ الله امین، ایجاد ائتلاف جدید خلق و پرچم و ترساندن یا بازدارندگی شورشیان با نمایش قدرت نظامی گسترده - اما در عمل فقط دو مورد اول را بدست آورده و در تحقق هدف سومی ناکام ماندند.

تا سال ۱۹۸۵ که گورباچف هنوز به قدرت نرسیده بود، سیاست کلی شوروی در افغانستان متمرکز به اصول زیر بود: ۱) مبارزه با مخالفان و همزمان آموزش و توسعه ارتش افغانستان. ۲) تقویت رژیم در کابل و ایجاد جذابیت بیشتر برای مردم از طریق کمک های اقتصادی و قیومیت سیاسی و ۳) انجام دیپلماسی که به رسمیت شناخته شدن رژیم کابل و توقف کمک های خارجی به مخالفان دولت را کمک کند (Kalinovsky, 2011:16). گرباچوف پس از به قدرت رسیدن در مارچ ۱۹۸۵، سعی کرد از طریق ابزارهای نظامی مستقیم راهی برای خروج جستجو کند. میخائیل گورباچف به دولت های شوروی و افغانستان اطلاع داد که آنها یک سال فرصت دارند تا در افغانستان پیشرفت قاطع کنند (Rubin, 1995). از آن پس اقدام نظامی علیه مجاهدین و غیر نظامیان افغان تشدید یافت. گورباچف با اعتقاد به اینکه پیروزی نظامی تنها راه حل است، از استراتژی تأکید بر انواع ابزارهای نظامی حمایت کرد. چنانچه از نظر نظامی، شوروی قدرت ارتش چهلیم را با افزایش ۲۶۰۰۰ سرباز به ۱۰۸۰۰۰ نفر افزایش داد (Fivecoat, 2012:43). همزمان با عملیات نظامی، عملیات ضد شورش نیز به شدت جریان داشت چنانچه پلیس مخفی، خدمات اطلاعات دولتی (خاد) متشکل از حدود ۲۶۷۰۰ مامور شورشیان را دستگیر و بازجویی می نمود.

تشدید اقدام نظامی شوروی هم‌زمان بود با افزایش کمک‌های مخفی ایالات متحده آمریکا به مجاهدین که حدود ۶۰۰ میلیون دالر در سال می‌رسید. به عنوان مثال، ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۶ با فرستادن موشک‌های استینگر به مجاهدین توانست عملیات هوایی ارتش شوروی را خنثی نماید (Nawaz Khan, 1990:95). اگرچه از عربستان سعودی، پاکستان، چین، ایران و سایر کشورهای اسلامی به مجاهدین کمک می‌شد، اما در این میان ایالت متحده کمک کننده اصلی بود که به تنهایی در سال ۱۹۸۸ به‌طور متوسط ماهانه ۱۰۰ میلیون دالر تسلیحات ارائه می‌کرد. بنابراین، هر قدر که فشار نظامی شوروی بیشتر می‌گردید، به همان تناسب کمک‌های مالی و تسلیحاتی آمریکا به مجاهدین افزایش می‌یافت. گورباچف که قادر به دستیابی به یک راه حل نظامی نبود، جنگ در افغانستان را "زخم خونین" (Kalinovsky, 2011:89) توصیف کرد و به راه حل سیاسی از طریق مذاکرات زیر نظارت سازمان ملل روی آورد (Holloway, 1989:79).

۳,۱ خروج

شوروی‌ها با شکست در جبهه نظامی، به مذاکرات صلح رو آوردند. قابل تذکر است که روند صلح قبلاً زیر نظر سازمان ملل در سال ۱۹۸۱ با مذاکرات غیر مستقیم میان پاکستان و رژیم دموکراتیک خلق افغانستان آغاز گردیده بود. این مذاکرات به‌طور رسمی بر اساس قطع‌نامه مجمع عمومی سازمان ملل در نوامبر ۱۹۸۱ برگزار شد که در آن چهار اصل اساسی برای یک راه‌حل سیاسی ذکر شده بود:

- (۱) حفظ حاکمیت، تمامیت ارضی، استقلال سیاسی و شخصیت غیر متعهد دولت افغانستان؛
- (۲) تأکید بر حق مردم افغانستان برای تعیین شکل حکومت خود و انتخاب نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود فارغ از مداخله، اجبار و براندازی؛
- (۳) خروج فوری نیروهای خارجی از افغانستان؛ و
- (۴) ایجاد شرایط لازم که پناهندگان افغان را قادر بسازد تا داوطلبانه با احساس امنیت و افتخار به خانه‌های خود بازگردند.

مذاکرات تا سال ۱۹۸۵ به طول انجامید ولی به دلیل اختلاف نظر در مورد جدول زمانی خروج نیروهای شوروی، پایان دادن به ارسال تسلیحات برای مجاهدین و نیز تعریف شکل حکومت پس از خروج هیچ پیشرفتی حاصل نشد (Amstutz, 1986: 295). گورباچف پس از به قدرت رسیدن در سال ۱۹۸۵، سعی کرد از طریق ابزارهای نظامی مستقیم راهی برای خروج جستجو کند که با افزایش کمک‌های مخفی تسلیحاتی آمریکا به مجاهدین مواجه گردید که این کمک‌ها به طور ناگهانی مذاکرات تقریباً مرده ژنو را احیا کرد که بار دیگر بر خروج نیروهای نظامی شوروی به عنوان اصلی ترین راه ممکن متمرکز بود. بنابراین، در بهار ۱۹۸۸ زمانی که شوروی آشکارا محاسبه نمود که هزینه‌های ادامه اشغال افغانستان از دست آوردهای احتمالی آن بیشتر است، در نتیجه، در ۲۵ حمل ۱۳۶۷ مصادف به ۱۴ اپریل ۱۹۸۸ توافق‌نامه ژنو را امضا نمود (Nawaz Khan, 1990:96).

توافق ژنو از چهار بخش مجزا تشکیل شده بود. از این میان، پاکستان و افغانستان سه توافقنامه دوجانبه با هدف پایان دادن به جنگ در افغانستان امضا کردند. سند چهارم، "اعلامیه ضمانت‌های بین المللی" به امضای ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی به عنوان کشورهای ضامن رسید. "اعلامیه ضمانت‌های بین المللی" ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی را متعهد به عدم مداخله در امور افغانستان می‌نمود. در این توافقنامه تصریح شده بود که عقب نشینی سربازان شوروی ظرف ده ماه (۱۵ فبرور ۱۹۸۹) تکمیل می‌شود و محموله‌های تسلیحاتی شوروی و ایالات متحده در طول دوره خروج متقارن باقی می‌ماند (Howe, 1989:41). به عبارت دیگر، ایالات متحده آمریکا متعهد شد که با آغاز خروج نیروهای شوروی، تمامی کمک‌های نظامی به مجاهدین افغان را قطع کند. طبق توافق‌نامه ژنو، شوروی خروج نیروهای خویش را در موعد تعیین شده تکمیل و بدین ترتیب، آخرین سرباز جنگی شوروی (....) به تاریخ ۱۵ فبروری ۱۹۸۹ افغانستان را ترک و با عبور از دریای آمو به اتحاد جماهیر شوروی بازگشت.

توافق‌نامه ژنو، از چهار مورد ضروری ذکر شده در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نوامبر ۱۹۸۱، تنها یک مورد آن را برآورده کرد یعنی خود این توافقنامه‌ها علاوه بر تضمین خروج شوروی - که شوروی در وهله اول خواهان آن بود - هیچ مسئله مهم دیگری مانند بازگشت پناهندگان و نوع و شکل دولت آینده در افغانستان را حل نکرد.

۴,۱ عوامل خروج

شکست شوروی و یا به عبارت دیگر تصمیم شوروی برای عقب نشینی عمدتاً تحت تأثیر چهار عامل اصلی انجام شد: روحیه قوی دینی در بین افغان‌ها، وضعیت نظامی، فضای بین المللی و نگرانی‌های داخلی.

۱. موجودیت روحیه قوی دینی و حساسیت در برابر بیگانه‌ها در بین شهروندان افغان از عوامل کلیدی شکست شوروی در افغانستان دانسته می‌شود. افغان‌ها در طول تاریخ با داشتن همین روحیه توانسته‌اند در اوقات دشوار در برابر هر متجاوزی متحد گردیده و آنها را به شکست مواجه سازند، و اما پس از شکست دوباره دچار اختلاف شده و زمینه تجاوز دیگری را مساعد ساختند.

۲. از نظر نظامی، شوروی حتی پس از تحمل ۱۳۳۱۰ کشته؛ ۳۵۴۷۸ مجروح؛ و ۳۱۱ مفقود، نتوانست در جنگ علیه مقاومت افغانستان پیروز شود (Sliwinski, 1989:69). برعلاوه، جنگ طولانی در افغانستان بالای سربازان شوروی تأثیر منفی داشت و منجر به بی انگیزگی، اعتیاد به مواد مخدر و حتی فرار آنها از خدمت شد.

۳. حمایت جهانی از جهاد مردم افغانستان عامل دیگر شکست نیروهای شوروی در افغانستان بود. عرضه موشک‌های ضد هوایی استینگر توسط ایالات متحده در سال ۱۹۸۶، شوروی را از پشتیبانی هوایی نزدیک که تاکتیک‌های نظامی آنها به شدت به آن وابسته بود، محروم کرد. ضمناً شوروی، علی‌رغم فشارهای نظامی و دیپلماتیک، نتوانست پاکستان را از ایفای نقش به عنوان مجرای دستیابی مجاهدین به تسلیحات منصرف کند. علاوه بر آن، هزینه‌های سیاست خارجی که شوروی متحمل آن شد، نیز سنگین بود؛ چون با گذشت هر سال از زمان تهاجم، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اکثریت قاطع به خروج "نیروهای خارجی" از افغانستان رأی می‌داد. در این میان کشورهای غیر متعهد و اسلامی از تهاجم ناراض بودند و در مقابل از جهاد مردم افغانستان حمایت می‌نمودند. چین خروج را به‌عنوان پیش‌شرط بهبود روابط با اتحاد جماهیر شوروی اعلام کرده بود. ضمناً تلاش‌های شوروی برای بهبود روابط با ایالات

پوهنپار عنپات الله اكبرى

متحدہ و سائر كشورهای غربی تحت تأثیر نامطلوب قضیة افغانستان قرار گرفته بود (Nawaz, 1990: 97-98).

در داخل روسیه ، با افزایش تلفات سربازان شوروی، مخالفت با جنگ بیشتر شد. علاوهً سربازان بازگشت كنده با خود مواد مخدر و مشكلات روحی و روانی ناشی از جنگ را با خود به خانه باز می گردانیدند. نیاز گورباچف به حمایت عمومی از سیاست های داخلی اش، انگیزه ای را برای او فراهم كرد تا به چنین جنگ غیرمحبوبی پایان دهد كه او نیز علناً از آن به عنوان «زخم خون ریز» یاد كرد (Roy, 1989: 73). علاوه بر این، هزینه های اقتصادی و نظامی شوروی در طول سال های اشغال بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار بود و این به عنوان يك بار اضافی بر اقتصاد شوروی، كه قبلاً تحت فشار قرار گرفته بود و بیش از حد گسترش یافته بود، تلقی می شد (Rubin, 1995: 154).

بنابراین، شكست شوروی در افغانستان و خروج آنها از این كشور هژمونی و ابهت شوروی را در دنیا از بین برد و مردم كشورهای آسیای میانه و قفقاز را نیز برای گرفتن استقلال و بیرون آمدن از سیطره روسیه مصمم و امیدوار ساخت و سرانجام با اعلام استقلال كشورهای آسیای میانه و قفقاز از اتحاد جماهیر شوروی، عمر شوروی نیز به پایان رسید و این مسئله را ثابت ساخت كه افغانستان گورستان امپراطوری ها است و هر ابرقدرتی كه این جا پا گذاشته، سرانجام خوبی نداشته است.

۵,۱ پیامد های خروج شوروی از افغانستان

خروج خفت بار شوروی پس از ۹ سال و يك ماه و ۱۹ روز اشغال افغانستان پیامدهای ناگواری را برای مردم افغانستان بر جا گذاشت. خروج آن ها هر چند مورد استقبال مردم افغانستان قرار گرفت و مشخصاً موجب خشنودی كسانی گردید كه از زمان تهاجم دسامبر ۱۹۷۹ با نیروهای شوروی جنگیده بودند، آنها احساس غرور می كردند كه يك ابر قدرت مجبور به عقب نشینی شده است. اما از سوی دیگر، رنجی كه مردم افغانستان در طول يك دهه اشغال مجبور به تحمل آن شده بودند هیچ چیز، حتی خروج سربازان روسی نمی تواند آنرا جبران نماید (Maley, 2002:153). چون ده سال جنگ و اشغال و متعاقباً درگیری های داخلی میان سران جهادی موجب تخریب زیر ساخت های اقتصادی،

سياسي، و نظامي افغانستان گړديد. خسارات انساني آن اصلاً قابل پيمائش نښي. اينک در ذيل هر کدام آن به طور مفصل بررسي گړدیده است:

۱. تلفات انساني اسفناک

يکي از پيامدهای جدی و اساسی تجاوز و سپس خروج شوروی از افغانستان همانا برجا گذاشتن تلفات عظيم انساني می باشد که در نتیجه آن در حدود دو ميليون افغان شهيد، صدها هزار بيوه و يتيم، نیم ميليون معلول و شش ميليون ديگر به کشورهای پاکستان، ايران و ساير ممالک مهاجر گړديدند. قابل ذکر است که در ميان آنها هزارها افراد تحصيل کرده، دانشمند و متخصص بودند که می توانستند با دانش، تجربه و طرح های خويش افغانستان را از اين فقهرا نجات بدهند. به گفته خالد (۱۹۹۱) تجزيه و تحليل دقيق داده های جمع آوری شده در کمپ پناهندگان مربوط به الگوهای مرگ و مير ناشی از جنگ مبین آنست که بين سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۸۷ مرگ های غير طبيعي در افغانستان به ۸۷۶۸۲۵ نفر می رسيد. اين به طور متوسط نشان دهنده بيش از ۲۴۰ مرگ در هر روز برای ده سال متوالی يا بيش از ۶۰ مرگ افغان در برابر هر سرباز شوروی بود.

۲. مساعد شدن مداخله کشورهای بيگانه در امور داخلي افغانستان

تجاوز شوروی به افغانستان زمینه دخالت های غير مشروع بيگانه ها در امور داخلي افغانستان را مهيا ساخت که متاسفانه پس از خروج شوروی از افغانستان، منجر به شروع جنگ داخلي و نيابتي کشورهای منطقه در جغرافياي افغانستان گړديد. شايد پيش از تجاوز شوروی نیز کوشش هایی از سوی بيگانه ها برای اين امر صورت می گرفت، اما وسعت آن سعی و تلاش ها به حدی نمی رسيد که سرنوشت يک ملت به بازی گرفته شود. زمانی که ملت ما خواست تا در برابر تجاوز شوروی در افغانستان ايستادگی کند، مجبور شد برای تقويت موقف خويش دست مساعدت خواهی را به تمام جهان دراز کند، که همين امر بخشی از اسباب مداخلات بيگانه ها را در کشور ما فراهم آورد. اشغال افغانستان توسط شوروی، فرصت آغاز يک جنگ نيابتي در افغانستان عليه اتحاد جماهير شوروی را برای جبهه غرب با رهبری آمريکا فراهم ساخت. جنگ با جان فشانی و خون افغان ها به پیروزی رسيد و اما غربی ها بيشتر از آن نفع

پوهنیار عنایت الله اکبری

بردند. با شکست شوروی در افغانستان و سپس با فروپاشی آن، دوره جنگ سرد و نظام دوقطبی در صحنه جهان به پایان رسید و آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت جهان در صحنه باقی ماند.

۳. رسیدن پاکستان به اهداف دیرینه‌اش

یکی از پیامدهای خروج شوروی متعاقب شکست دولت نجیب همانا شکل‌گیری یک حکومت طرفدار اسلام آباد در کابل بود. با خروج شوروی از افغانستان فرصت تاریخی برای پاکستان به دست آمد تا یک حکومت دست‌نشانده و به شدت شکننده خود با رویکرد مذهبی در کابل را قرار دهد چرا که با اتحاد مذهبی می‌توانست مسائل ملی و مرزی را تحت الشعاع قرار دهد و از احساسات ملی‌گرایی افغان‌ها در خصوص ادعاهایی بر پشتونستان جلوگیری کند. به همین خاطر، پاکستان در مقاطع مختلف تاریخی با تحریک و تشویق گروه‌های ناراضی در تضعیف حکومت مرکزی و شکل‌گیری منازعه داخلی افغانستان تلاش نموده است. از این رو پاکستان همیشه از بحران افغانستان سود برده است. ضمناً پاکستان از زمان تجاوز شوروی الی سقوط دولت دوکتور نجیب مبلغ هنگفت کمک اقتصادی از آمریکا دریافت نمود. این در حالی بود که قبل از اشغال شوروی، پاکستان از تحریم‌های ایالت متحده رنج می‌برد، چون در سال ۱۹۷۲ با نقض کنوانسیون‌های سازمان ملل برای عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای شروع به تولید سلاح هسته‌ای کرده بود. در نتیجه، ایالات متحده تمام کمک‌های اقتصادی و همکاری‌های امنیتی با پاکستان را کنار گذاشت. از این رو، تا سال ۱۹۷۹، ارتش پاکستان به شدت ضعیف بود، اقتصاد آن در حال از بین رفتن بود، و هند تحت حمایت شوروی هم‌چنان آن را تهدید می‌کرد. بنابراین، پاکستان نیاز فوری به کمک اقتصادی و امنیتی ایالات متحده داشت. در دسامبر ۱۹۷۹، زمانی که اشغال شوروی اتفاق افتاد، ایالات متحده توانایی خود را برای نظارت بر آزمایش ICBM شوروی در آسیای مرکزی از دست داده بود، زیرا حکومت انقلابی ایران، ایالات متحده را از کشورشان بیرون کرده بود و بنابراین، ایالات متحده نیاز داشت تا جای پای خود را دوباره در منطقه باز کند. بنابر این، منافع استراتژیک ایالات متحده ایجاب می‌نمود تا خود را به پاکستان به منظور نظارت بر فعالیت‌های آزمایشی ICBM شوروی نزدیک کند تا آن‌که در آن‌جا استقرار یابد. برای دستیابی به این هدف، ایالات متحده در ارتباط با تامین امنیت یک پایگاه عملیاتی سیا دو بسته کمک اقتصادی به دولت پاکستان ارائه کرد. بسته شش ساله اول مجموعاً ۳٫۲ میلیارد دلار شامل فروش نظامی، کمک‌های

پوهنیاړ عنايت الله اکبري

بلاعوض و وام‌های دولتی با بهره ۲ درصد بود. بسته شش ساله دوم مجموعاً ۴,۲ میلیارد دلار بود. مجموع بسته کمک ۱۲ ساله از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۲ بالغ بر ۷,۴ میلیارد دلار بود.

۴. سقوط نظام هفتاد ساله، ارتش و پولیس و شروع جنگ داخلی

خروج شوروی ساختارهای امنیتی و نظامی افغانستان را که از سابقه هفتاد ساله برخوردار بود آسیب‌پذیر و بالاخره زمینه‌ی ازهم‌پاشی آن‌را فراهم ساخت. چنانچه، لغو کمک‌های نظامی و اقتصادی شوروی به حکومت دوکتور نجیب فوراً ارتش افغانستان را فلج کرد و به همین ترتیب، کمبود سوخت همه هواپیماها و وسایل نقلیه را زمین‌گیر ساخت. از هم‌پاشی نیروهای دفاعی و امنیتی در نهایت زمینه‌ساز جنگ داخلی میان گروه‌ها و احزاب مختلف و متخاصم جهادی گردید. افغانستان پس از اشغال شوروی وارد یک دوره جنگ داخلی شد که تا سال ۲۰۰۱ ادامه داشت. سپس حملات ۱۱ سپتامبر باعث شد تا افغانستان به هدفی برای دخالت آمریکا تبدیل شود. بنابراین، افغانستان دوازده سال پس از خروج شوروی از افغانستان بار دیگر توسط آمریکا اشغال گردید که سرانجام نیروهای امریکایی پس از گذشت ۲۰ سال به اساس توافق دوحه منعقد ۲۹ فبروی ۲۰۲۰ به تاریخ ۳۰ آگست ۲۰۲۱ از افغانستان خارج گردیدند.

۵. تضعیف ساختارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی

پس از خروج سربازان شوروی و در نتیجه جنگ‌های داخلی تمام زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور صدمه دیده و ازبین رفتند. تولیدات ملی به صفر نزدیک شد و طرح‌های اقتصادی برای رشد و توسعه کشور متوقف گردید. هزاران شهروند نخبه، متخصص، دانشمند و تحصیل کرده که قشر بالنده و سرمایه انسانی افغانستان را تشکیل می دادند یا کشته شدند و یا از کشور فرار نمودند. در نبود این سرمایه انسانی فرایند رشد و توسعه افغانستان برای سالیان متمادی عقب افتاد تا آنکه طی بیست سال آخر پس از هجوم نیروهای امریکایی به افغانستان باز فرصت ظرفیت‌سازی کدرهای جدید مهیا گردید اما متأسفانه امریکا با خروج‌اش از افغانستان این مغزهای روبه رشد و سرمایه انسانی تازه تاسیس را یک‌بار دیگر فرار داد. به‌صورت کلی می‌توان گفت که خروج شوروی از افغانستان باعث شد که این کشور برای سال‌ها از مسیر توسعه و نوسازی عقب بیفتد.

۶. منزوی شدن افغانستان

بعد از خروج شوروی از افغانستان و شروع جنگ‌های داخلی، افغانستان به عنوان یک کشور منزوی درآمد و روابطش با تمام کشورها قطع شد. پس از خروج شوروی در سال ۱۹۸۹، بسیاری از کشورها ماموریت و سفارت‌های خود در کابل را به دلیل بی‌ثباتی و درگیری‌های شدید تعطیل کردند. تنها برخی از کشورها مانند پاکستان و ایران و تعدادی از کشورهای غربی با افغانستان ارتباط داشتند. ارتباط آنها عمدتاً در حد فرستادن اسلحه و مواد غذایی بی کیفیت بود.

مناقشه

خروج قشون سرخ شوروی از افغانستان، هرچند که در نتیجه رشادت و جان‌فشانی‌های افغان‌ها صورت گرفت، اما از این خروج غربی‌ها نسبت به افغان‌ها بیشتر نفع بردند. برخلاف تصور رایج، خروج این نیروها از افغانستان پیروزی مردم افغانستان نه بلکه غلبه غرب بر شرق پنداشته می‌شود، چون با شکست شوروی در افغانستان و سپس با فروپاشی آن، دوره جنگ سرد و نظام دوقطبی در صحنه جهان به پایان رسید و آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت جهان در صحنه باقی ماند. در حالی که افغانستان دچار بی‌ثباتی سیاسی، هرج و مرج و جنگ داخلی گردید که تبعات آن برای مردم افغانستان بسیار ناامید کننده و زیان‌آور بود.

نتایج حاصله این پژوهش برخلاف کارهای انجام یافته در این خصوص مبین آنست که پس از خروج سربازان شوروی از افغانستان حکومت دوکتور نجیب‌الله با حمایت‌های اقتصادی و نظامی شوروی توانست برای مدت تقریباً سه سال به حیات خود ادامه داده و همین که این کمک‌ها قطع گردید حکومت افغانستان به رهبری دوکتور نجیب‌الله نتوانست بیشتر از چهار ماه در مقابل حملات گروه‌های مجاهدین دوام بیاورد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

اتحاد جماهیر شوروی سابق با توجه به موقعیت حساس ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک افغانستان به این کشور تهاجم نمود و سرانجام پس از گذشت ۹ سال و یک ماه و ۱۹ روز اشغال این کشور زیر فشارهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بر طبق توافقات کنوانسیون ژنو ۱۹۸۹ ناگذیر به خروج از این کشور گردید. خروج شوروی هرچند پیروزی بزرگ مردم افغانستان در برابر یک قدرت جهانی تلقی می‌شود و بیشتر مایه مباهات آنهایی دانسته می‌شود که در مقابل آنها با اندک‌ترین امکانات مجاهده، مقاومت و مبارزه نمودند، ولی خروج آنها متأسفانه تأثیرات منفی بر روال زندگی و اقتصاد مردم و نیز نظام سیاسی و سیستم حکومتی افغانستان داشت. چنانچه پس از خروج قشون سرخ شوروی سابق از افغانستان و متعاقب قطع کمک‌های نظامی و اقتصادی این کشور از حکومت دوکتور نجیب‌الله ساختارهای نظامی و امنیتی افغانستان که از سابقه هفتاد ساله برخوردار بود، متلاشی شد و جنگ‌های داخلی بر سر قدرت، ضمن آن که زیرساخت‌های اقتصادی را نابود نمود، موجب مهاجرت میلیون‌ها شهروند افغانستان به پاکستان و ایران و سایر کشورها شد و متأسفانه حالا هم پس از خروج سربازان آمریکایی این سناریو در حال تکرار است.

شوروی وقتی از طریق رویکردهای نظامی موفق به ختم جنگ، کسب مشروعیت برای رژیم کارمل و بازدارندگی شورشیان نگردید، به راه‌حل سیاسی رو آورده و با انجام مذاکرات و عقد توافق‌نامه‌ها ژنو زمینه خروج مصوون نیروهای خویش از افغانستان را مساعد و نیز تا سه سال بعد از خروج به حمایت از حکومت افغانستان به رهبری دوکتور نجیب‌الله ادامه داد. از زمان خروج تا دسامبر ۱۹۹۱، تخمین زده می‌شود که اتحاد جماهیر شوروی سالانه ۳ تا ۴ میلیارد دلار کمک اقتصادی و نظامی برای حمایت از رژیم نجیب‌الله در افغانستان صرف کرده است. صدها مشاور نظامی و پیمانکاران غیرنظامی تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در کشور باقی ماندند. در حقیقت، قطع حمایت مالی و نظامی مسکو منجر به متلاشی شدن رژیم نجیب‌الله گردید، چنانچه به محض قطع کمک‌های نظامی، اقتصادی و لجستیکی از رژیم وقت کابل، حکومت دوکتور نجیب‌الله زیر حملات گروه‌های جهادی مورد حمایت پاکستان نتوانست بیشتر از چهار ماه دوام بیاورد تا آنکه کاملاً شکست خورد و متلاشی شد. سپس جنگ بر سر به دست‌گیری حکومت و قدرت مرکزی کابل میان گروه‌های جهادی شروع و

پوهنپار عنپايت الله اكبرى

اين جنگ تا سال ۲۰۰۱ ادامه داشت، تا آن كه حملات ۱۱ سپتامبر باعث شد تا افغانستان به هدفى براى دخالت آمريكا تبديل شود. بنابر اين، در نتيجه پيامدهاى جنگ شوروى و خروج آن از افغانستان دوازده سال بعد اين كشور بار ديگر توسط امريكا اشغال گرديد كه سرانجام نيروهاى امريكايى نيز پس از گذشت ۲۰ سال به اساس توافق دوحه منعقد ۲۹ فبروى ۲۰۲۰ به تاريخ ۳۰ آگست ۲۰۲۱ از افغانستان خارج گرديدند.

براى جلوگيرى از سقوط و انحطاط حكومت‌ها در آينده پيشنهاد مى‌گردد تا زمام‌داران امور اولاً به خواست و رضايت مردم احترام گذاشته و از وابستگى به قدرت‌هاى خارجى خوددارى نمايند و سپس با درك موقعيت جغرافيايى و شكندگى اوضاع داخلى افغانستان، زمينه شكل‌گيرى اجماع داخلى و سياسى را فراهم نمايند تا بتوان با پشتوانه مردمى از وجود قدرت‌هاى خارجى در راستاى تحقق منافع مى استفاده نمود.

منابع

۱. پيشگاهي فرد، زهرا و رحيمي، سردار محمد. (زمستان ۱۳۸۷). جاينگاه افغانستان در ژئواستراتژي نظام نوين جهاني، نشریه تحقيقات کاربردی علوم جغرافيايي، ۱۱(۱)، ۹۹-۱۳۲.
<http://ensani.ir/file/download/article/20121215091900-9495-51.pdf>
۲. طنين، ظاهر، (۱۳۸۴)، افغانستان در قرن بيستم، تهران: محمد ابراهيم شريعتي افغانستاني.
۳. غبار، مير غلام محمد، (۱۳۸۸)، افغانستان در ميسر تاريخ، پيشاور: دارالسلام کتب خانه، ۱-۱۳۱.
4. Amstutz, B. J. (1986). Afghanistan: The First Five Years of Soviet Occupation. Washington, D.C.: NDU Press, 295.
5. Fivecoat, D.G. (2012). Leaving the Graveyard: The Soviet Union's Withdrawal from Afghanistan. *The US Army War College Quarterly: Parameters*, 42(2). 42-44, doi:10.55540/0031-1723.2632
6. Holloway, D. (1988/89). Gorbachev's New Thinking. *Foreign Affairs*. 68(1), 79. <https://www.foreignaffairs.com/articles/russia-fsu/1989-02-01/gorbachevs-new-thinking>.
7. Howe, G. (1989). Soviet Foreign Policy under Gorbachev. *The World Today*, 45(3), 40-45. <http://www.jstor.org/stable/40396089>
8. Kalinovsky, A. M. (2011). A Long Goodbye: The Soviet Withdrawal from Afghanistan. *Harvard University Press*, 16-90.
9. Maley, W. (2002). Consequences of the Soviet-Afghan War. In: *The Afghanistan Wars*. Palgrave, London, 153, doi.org/10.1007/978-1-4039-1840-6_8.
10. Nawaz Khan, K. (1990). Soviet Interests in Afghanistan and Implication upon Withdrawal. Master of Military Art and Science. Thesis, United State Army Command and General Staff College, Fort Leavenworth, Kansas, 10-100.

11. Roy, O. (1989). Afghanistan: Back to Tribalism or on to Lebanon? *Third World Quarterly*, 11(4), 70-82.
<http://www.jstor.org/stable/3992331>.
12. Rubin, B.R. (1995). The Fragmentation of Afghanistan: State Formation and Collapse in the International System. *Yale University Press*, 150-154.
13. Russia (Federation), Grau, L. W., & Gress, M. A. (2002). The Soviet-Afghan War: How a superpower fought and lost. *Lawrence, Kan: University Press of Kansas*, 10-160.
14. Slinwinski, M. (1989). Afghanistan: The Decimation of a People, 60-69.
15. York, Harry M. (2013). The Soviet Withdrawal from Afghanistan: Strategic Context. *School of Advanced Military Studies, United States Army Command and General Staff College, Fort Leavenworth, Kansas*, 14.
16. http://www.dailyafghanistan.com/opinion_detail.php?post_id=151209

مطالعه تطبیقی مسئولیت مبتنی بر تقصیر در نظام حقوقی افغانستان و ترکیه

پوهنیار سید عباس موسوی^(۱)*

پوهنمل محمد وسیم آرین^(۱)

(۱) استاد پوهنچی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون البیرونی.

(۱) * نویسنده مسؤول: ایمیل sayedabbasmosavi8324@gmail.com – شماره تماس: 00905343012708

چکیده

بر اساس ماده ۴۹ قانون تعهدات کشور ترکیه، در مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان‌بار اصولاً مسئولیت از نوع تقصیری بوده و تقصیر عموماً مهم‌ترین رکن تشکیل‌دهنده مسئولیت است. مسئولیت بدون تقصیر نیز به طور استثنائی و در حالات خاص پذیرفته شده است. در نظام حقوق افغانستان، در کنار مسئولیت بدون تقصیر یا اتلاف، تسبیب یا مسئولیت تقصیری نیز به طور استثناء پذیرفته شده است. (مسأله) تفاوت دیدگاه دو نظامی حقوقی راجع به مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر نشان‌دهنده وجود خلأ در این نوع سیستم می‌باشد. خلأ که هر نظام حقوقی به طور متفاوت اقدام به حل آن نموده است. با توجه به تفاوت سیستم‌های مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان‌بار و تفاوت در مفهوم و نوع پذیرفته شده تقصیر در هر دو نظام حقوقی، اهمیت و ضرورت تحقیق تطبیقی نمایان می‌گردد. فرض بر آن است که ظاهراً تفاوت معنی و مفهوم تقصیر در هر دو سیستم حقوقی مسئولیت بر آثار حقوقی و جبران خسارت وارده تأثیرگذار می‌باشد. در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی روش تحقیق کیفی و با به کار بردن روش بررسی اسنادی (منابع کتابخانه‌ای) جمع‌آوری داده‌ها به این نتیجه می‌رسیم که تفاوت سیستم‌ها و نوع تقصیر به کار برده شده در هر دو سیستم بر آثار و نتایج مرتب شده مسئولیت فعل زیان‌بار در هر دو نظام حقوقی متفاوت بوده و بعضاً زیان‌های به میان آمده قابل جبران نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تقصیر، تقصیر نوعی، تقصیر شخصی، مسئولیت تقصیری و مسئولیت بدون تقصیر.

Abstract

Based on 49 article of Turkish commitment law, civil liability for a harmful act was primarily a liability and in that element of fault is generally the most important element of responsibility. In addition to this type of liability, fault-free liability is anticipated for exceptionally and in the special cases. In the Afghan legal system, along with adoption of liability without fault or loss, Islamic jurisprudence is also accepted in principle. The difference between the views of two legal systems on fault-based civil liability indicates the existence of a vacuum in this system due to civil liability and harmful act which every legal system tried to solve the vacuum. The importance of this study is that given the differences in civil liability systems resulting from harmful acts and differences in the accepted concept and type of fault in both legal systems, the need for comparative research is apparent. In this regard, this hypothesis is presented that the difference in the meaning and concept of fault in both legal systems of liability affects the consequences and damages. The study uses librarian research with the descriptive-analytical method. Based on the results from this study, due to the differences between two legal systems and the type of fault, the effects and consequences of the liability arising from the harmful act are different in both legal systems and sometimes the damage is not compensable.

Key Words: Fault, generally fault, Personal fault, Fault liability and Liability without fault.

مقدمه

مسئولیت مدنی و جبران خسارت وارده و به تبع آن حقوق مسئولیت مدنی عمری به درازای تاریخ دارد. هر ضرر و زیان که به میان آمده است، متعاقباً بحث از میان برداشتن و جبران خسارت آن نیز مطرح شده است. نحوه جبران زیان وارده نیز در طول تاریخ طرق مختلف را پیموده است. در ابتدا به دلیل این که توجه به زیان وارده و جبران خسارت مطرح شده بوده است؛ لذا بدون توجه به زیان زنده و یا حالا و وضعیت او، او را مکلف به جبران خسارت وارده می نمود. چنانچه این نوع از مسئولیت در ادوار قدیم حتی برای غیر انسان نیز مطرح شده است. به این نوع از مسئولیت مدنی، مسئولیت مدنی بدون تقصیر گفته می شود. مسئولیت که در فقه اسلامی از آن با عنوان اتلاف یاد شده است. بر اساس این سیستم از مسئولیت مدنی که قدمت تاریخی زیادی دارد، وجود سه رکن برای تحقق مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان بار لازمی و کافی است. فعل زیان بار، ضرر و رابطه علیت بین فعل و زیان به میان آمده. در کناره این سیستم مسئولیت مدنی، عموماً در قرن ۱۹ نوع دیگری از سیستم مسئولیت مدنی مطرح شد که در آن عنصر تقصیر شرط و حتی بعضاً نسبت به سایر رکن ها از اهمیت بیشتر در تشکیل مسئولیت برخوردار گردید. بر اساس این سیستم، برای جبران خسارت وارده وجود عنصر تقصیر لازم است و کسی مکلف به جبران زیان به میان آمده است که در ایجاد آن تقصیر داشته است. هر دو سیستم مسئولیت مدنی امروزه هم پیروانی بسیاری دارد. در نظام حقوقی افغانستان سیستم مسئولیت مدنی بدون تقصیر با مبنائیت فقه اسلامی پذیرفته شده است. به این معنی که؛ نهاد حقوقی اتلاف مقتبس از فقه اسلامی در نظام حقوقی افغانستان به عنوان اصل در حقوق مسئولیت مدنی غیر قراردادی پذیرفته شده است. البته به طور استثنا مسئولیت مدنی تقصیری نیز با عنوان تسبیب مقتبس شده از فقه در حقوق افغانستان وجود دارد. در طرف مقابل، مسئولیت مدنی غیر قراردادی در نظام حقوقی ترکیه مبتنی بر سیستم دومی، یعنی مسئولیت مدنی تقصیری است. البته مسئولیت مدنی بدون تقصیر نیز به عنوان حالت استثنای پذیرفته شده است.

با توجه به مطالب فوق و چنانچه که خواهد آمد، مطالعه تطبیقی دو نظام حقوقی متفاوت مسئولیت مدنی و بررسی شرایط ایجاد مسئولیت مدنی در هر یک از سیستم ها، امری است بسی مهم و

ضروری؛ زیرا بررسی اینکه تفاوت این دو سیستم مسئولیت مدنی با توجه به تفاوت در مبانی آنها، سبب تفاوت در تشکیل مسئولیت مدنی و آثار و نتایج حقوقی هم شده می‌تواند یا خیر و اینکه در هر دو نظام حقوقی در کنار اصل، سیستم بعدی نیز به‌عنوان استثنا پذیرفته شده، کمک در رفع مشکلات مربوط به جبران خسارت وارده می‌تواند نماید یا خیر؟ ضرورت تحقیقی دارد که در این نوشته به آن پرداخته می‌شود.

بیان مسأله: با توجه به اینکه در ماده «۴۹» قانون تعهدات ترکیه، تقصیر از جمله مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده مسئولیت مدنی فعل زیان‌بار پیش‌بینی شده است؛ لذا مسئولیت تقصیری در نظام حقوقی ترکیه به‌عنوان اصل پذیرفته شده و مسئولیت بدون تقصیر در حالات استثنائی و به‌طور محصور پذیرفته شده است. در نظام حقوقی افغانستان بر اساس ماده «۷۵۸» و مواد بعدی آن، مسئولیت مدنی ورود ضرر به دیگری با عنوان‌های اتلاف و تسبیب پذیرفته شده است. اتلاف و تسبیب؛ دو نهاد حقوقی که از فقهی اسلامی مقتبس شده و اساس مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان‌بار را تشکیل می‌دهد. در مقام تفاوت این دو نهاد حقوقی فقهی، عنصر تقصیر را ذکر نموده است. عنصر که در تسبیب علاوه بر ارکان اتلاف، وجودش شرط تحقق مسئولیت بوده، در حالی که در نهاد حقوقی اتلاف نه تنها که شرط تشکیل‌دهنده نیست، بلکه وجود و فقدان اثر در تشکیل مسئولیت ندارد. با توجه به اطلاق مواد ۷۵۸ و ۷۵۹ و مواد مشابه دیگری قانون مدنی در باب اتلاف یا مسئولیت مدنی بدون تقصیر، برای تشکیل مسئولیت جبران خسارت وارده وجود سه رکن کافی است. فعل زیان‌بار، ضرر و رابطه سببیت. در نتیجه از آنجا که در نظام حقوقی افغانستان مسئولیت بدون تقصیر به‌عنوان اصل در حقوق مسئولیت مدنی و مسئولیت تقصیری در حالات استثنائی پذیرفته شده است، مفهوم و نقش تقصیر در تشکیل مسئولیت از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. از طرفی هم تفاوت دو نظام حقوقی در پیروی از دو سیستم مختلف تقصیری و بدون تقصیر مسئولیت مدنی به‌عنوان اصل و استثنا، ضرورت بررسی تفاوت در آثار حقوقی پیروی از دو سیستم را نیز مطرح می‌سازد؛ لذا در تحقیق موجود به بررسی این امر مهم پرداخته می‌شود.

هدف تحقيق: در نظام حقوقی افغانستان مسئولیت بدون تقصیر یا اتلاف به عنوان اصل و مسئولیت تقصیری یا تسبیب به عنوان استثنا پذیرفته شده است. در حالی که در حقوق ترکیه، مسئولیت تقصیری اصل و مسئولیت بدون تقصیر به عنوان استثنا می باشد؛ لذا هدف این تحقیق؛ بررسی تقصیر، دلیل تفاوت مبانی مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان بار و آثار حقوقی این تفاوت در هر دو نظام حقوقی می باشد.

فرضیه تحقیق: با توجه به تفاوت دو نظام حقوقی در پیروی از سیستم های متفاوت مرتبط به مسئولیت مدنی، به نظر می رسد که این تفاوت ناشی از تفاوت دیدگاه هر دو نظام حقوقی نسبت به جبران خسارت وارده بوده؛ لذا این تفاوت دیدگاه، منجر به تفاوت در آثار حقوقی این مسئولیت نیز می شود.

پیشینه تحقیق

در مورد مسئولیت مبتنی بر تقصیر در نظام حقوقی ترکیه کتب و مقالات بسیاری وجود دارد. اما در نظام حقوقی افغانستان در این موضوع تحقیق مستقل و جامع صورت نگرفته و یا نویسنده هنوز به آن دست نیافته است. نویسندگان چون؛ نظام الدین عبدالله (۱۳۹۴) در شرح قانون مدنی بخش «حقوق وجایب» در مورد موضوع، مبتنی بر فقه تحقیق نموده است؛ اما بررسی دقیق از مواد قانون مدنی و اینکه تفاوت سیستم قبول شده در حقوق افغانستان که در آن مسئولیت بدون تقصیر اصل و مسئولیت تقصیری استثنا است، با سیستم تقصیری در چه بوده و چه آثار حقوقی را در بردارد، توضیحات کافی ارائه نگردیده است. همچنان آیین و سامانی (۱۳۹۹) در مقاله تحت عنوان «بررسی مسئولیت مدنی افراد ناتوان ذهنی در حقوق ایران، هند و افغانستان» به بررسی یکی از مصادیق مسئولیت مدنی تقصیری پرداخته است. در این مقاله نیز مقایسه بین دو سیستم حقوقی مسئولیت مدنی و آثار و نتایج حقوقی آنها صورت نگرفته است. نظام حقوقی ایران از این حیث، در مقام بهتری قرار داشته، ضمن اینکه در موضوع از سوی حقوق دانان ایرانی تحقیقات زیادی صورت گرفته است، در نظام حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان بار از هر دو سیستم حقوقی استفاده صورت گرفته است. از جمله آثار تحقیقی در این موضوع قرار ذیل است:

امامی (۱۳۸۵) در کتاب خود تحت عنوان «حقوق مدنی»، طاهری (۱۳۸۸) در کتاب بنام «حقوقی مدنی» در مورد تقصیر و سیستم‌های موجود در مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان‌بار مطالب مفیدی را تذکر داده است. همچنان مقالات چون: امینی و سمیرا (۱۳۹۱) نقش تقصیر در مسئولیت مدنی و مقایسه آن با حقوق کامنلا؛ اصلانی (۱۳۸۴) مفهوم و جایگاه تقصیر؛ حاجی نوری (۱۳۹۱) نقش تقصیر در ضمان ناشی از تسبیب و بابائی (۱۳۹۵) جایگاه تفکیک اتلاف و تسبیب در حقوق مسئولیت مدنی، از جمله تحقیقاتی است که در مورد مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان‌بار و مسئولیت تقصیری و بدون تقصیر شده است؛ اما چنانچه ذکر شد، به‌طور کلی در هیچ‌کدام از تحقیقات مذکور، در مورد سیستم‌های مسئولیت مدنی پذیرفته شده در نظام حقوقی افغانستان و ترکیه اشاره نشده است و به‌طور خاص، در نظام حقوقی افغانستان تحقیق جامعی در مورد مسئولیت مبتنی بر تقصیر و بدون تقصیر صورت نگرفته است؛ لذا در این تحقیق تلاش می‌شود تا موضوعات ذکر شده مورد بررسی قرار داده شود.

روش تحقیق

در این تحقیق با استفاده از نوع توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای روش تحقیق کیفی و با به کار گیری روش اسنادی جمع‌آوری داده‌ها (بررسی اسناد) موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت. به این صورت که ابتدا مطالب مربوط از کتب و مقالات معتبر حقوقی مربوط به هر دو نظام حقوقی استخراج شده، مورد تحلیل قرار گرفته و به‌طور تطبیقی مورد تحریر قرار خواهد گرفت.

مسئولیت مدنی غیر قراردادی

مسئولیت مدنی معمولاً به سه مفهوم به کار می‌رود. به مفهوم عام؛ شامل جبران ضررهای می‌شود که از اعمال یا وقایع حقوقی به وجود می‌آید (Eren, 2018). به مفهوم خاص؛ شامل جبران خسارت‌های می‌شود که صرفاً از حادثه حقوقی ناشی شده است (طاهری، ۱۳۸۸) و به مفهوم اخص؛ شامل جبران خسارت وارده ناشی از فعل زیان‌بار می‌شود (Eren, 2018).

در نظام حقوقی افغانستان و ایران برای ایجاد مسئولیت مدنی به مفهوم اخص، در تمام فعل‌های زیان‌بار وجود حداقل سه عنصر لازمی می‌باشد (بابائی، ۱۳۹۵). این عناصر عبارت‌اند از: عمل خلاف

قانون (فعل زیان‌بار)، وجود ضرر و رابطه علیت بین ضرر و فعل زیان‌بار (اصلائی، ۱۳۸۴). در بعضی از حالات برای ایجاد مسئولیت مدنی وجود عنصر چهارمی هم شرط می‌باشد. به این عنصر متغیر، تقصیر گفته می‌شود. بعضاً به آن عنصر عارضی به رکن فعل زیان‌بار نیز می‌گویند؛ زیرا معیار تقصیر هرچه باشد، فعل مرتکب را باید با آن سنجید (اصلائی، ۱۳۸۴). در نتیجه، در نظام حقوقی افغانستان مسئولیت مدنی غیر قراردادی ناشی از فعل زیان‌بار به‌طور کلی به سه دسته تقسیم شده می‌تواند: ۱. مسئولیت مدنی مطلق؛ [مبتنی بر قاعده غصب]. ۲. مسئولیت مدنی بدون تقصیر؛ [مبتنی بر قاعده اتلاف]. ۳. مسئولیت مدنی تقصیری؛ مبتنی بر قاعده تسبیب (امینی و محمدی نژاد، ۱۳۹۱).

با توجه به توضیحات فوق، مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان‌بار به‌جز از غصب، در نظام حقوقی افغانستان به دودسته تقسیم می‌شود. مسئولیت مدنی بدون تقصیر که به‌طور اصل قبول شده است و مسئولیت مدنی تقصیری که در حالات و تحت شرایط خاص به وجود می‌آید.

در نظام حقوقی ترکیه نیز مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان‌بار (به‌جز از ضرر ناشی از غصب) به دودسته تقسیم می‌شود (Oğuzman & Turgut, ۲۰۱۸). مسئولیت مدنی با تقصیر که به‌طور اصل قبول شده است و مسئولیت مدنی بدون تقصیر که به‌عنوان استثنا و در حالات خاص و تحت شرایط خاص به وجود می‌آید (Eren, ۲۰۱۸). لذا، لازم است هریک از انواع مسئولیت‌های مذکور را به‌طور جداگانه مطالعه نمایم.

مسئولیت بدون تقصیر در نظام حقوقی افغانستان

این نوع از مسئولیت مدنی که در آن فاعل به شکل مستقیم به متضرر ضرر می‌رساند (بابائی، ۱۳۹۵)، در نظام حقوقی افغانستان مسما با نام اتلاف و مقتبس از فقه اسلامی می‌باشد (اسدی، ۱۳۹۷). در نظام حقوقی افغانستان و در قانون مدنی ایران (خادم رضوی و نوعی، ۱۳۹۴) مسئولیت بدون تقصیر یا اتلاف، یکی از مهم‌ترین نوع مسئولیت مدنی می‌باشد (امامی، ۱۳۸۵). بر اساس ماده ۳۲۸ قانون مدنی ایران و ۷۵۸ و ۷۵۹ قانون مدنی افغانستان، برای تشکیل مسئولیت مدنی بدون تقصیر یا اتلاف، وجود سه عنصر یا رکن لازم است (طاهری، ۱۳۸۸). فعل زیان‌بار، ضرر و رابطه سببیت. ماده ۷۵۸ قانون مدنی

پوهنیار سید عباس موسوی

افغانستان در زمینه چنین صراحت دارد: «شخصی که مال غیر را تلف نماید، بضمان ضرر ناشی از آن مکلف می‌باشد». همچنان ماده ۷۵۹ قانونی مدنی نیز در زمینه چنین تصریح می‌دارد: «شخصی که مال غیر را خواه در تصرف خودش باشد یا امین او، قصداً و یا بدون قصد تلف نماید، بضمان ضرر ناشی از عمل خود مکلف شناخته می‌شود». در این نوع از مسئولیت، تئوری فقهی علیت عرفی مطرح بوده؛ لذا وجود یا فقدان عنصر تقصیر هیچ اثر در تشکیل مسئولیت ندارد (امامی، ۱۳۸۵).

در نظام حقوقی افغانستان و مبتنی بر فقه، مسئولیت مدنی بدون تقصیر متکی بر دو قاعده مشهور، قاعده لاضرر (کاشف الغطاء، ۱۳۷۳) و قاعده اتلاف تأسیس شده است (امینی و محمدی نژاد، ۱۳۹۱). به موجب این قواعد هر ضرر که به میان آمده است، باید از میان برداشته شود. در از میان برداشتن ضرر ایجاد شده، چه کسی سزاوارتر از فاعل آن می‌باشد؛ لذا این ضرر توسط هرکسی واقع شده باشد، خود مسئول جبران آن می‌باشد. حکمی که از قاعده اتلاف ناشی می‌شود. وجود و فقدان تقصیر، قصد، آگاهی و... تأثیر در مسئولیت ندارد. چنانچه ماده ۷۶۲ قانون مدنی افغانستان در زمینه چنین صراحت دارد: «هرگاه صغیر ممیز یا غیر ممیز و یا شخصی که تابع حکم صغیر غیر ممیز پنداشته شود، مال غیر را تلف نماید، ضمان مال تلف شده از مال متعلق به خود وی لازم می‌گردد. در صورت نداشتن مال تا زمان داراشدن وی مهلت داده می‌شود؛ ولی وصی و قیم بضمان مال تلف شده مکلف پنداشته نمی‌شود، مگر در صورتی که محکمه آن‌ها را بضمان مال مکلف سازد. در این صورت، حق رجوع آن‌ها بر تلف کنند محفوظ می‌باشد». منظور از «شخصی که تابع حکم صغیر غیر ممیز است» مجنون می‌باشد که جنونش قدرت تمیز را سلب می‌نماید (آیین و سامانی، ۱۳۹۹).

در نظام حقوقی افغانستان، قصد و افعال اموری هستند که تأثیر بر مسئولیت اتلافی ندارد (اصلائی، ۱۳۸۴). چنانچه ماده ۷۵۹ قانون مدنی در زمینه چنین صراحت دارد: «شخصی که مال غیر را خواه در تصرف خودش باشد یا امین او، قصداً و یا بدون قصد تلف نماید، بضمان ضرر ناشی از عمل خود مکلف شناخته می‌شود»؛ لذا منظور از قصد که در ماده ۷۵۹ قانون مدنی به کار رفته است، تقصیر نیست بلکه به عنوان مثال به کار برده شده و منظور از آن انجام فعل زیان‌بار با قصد ضرر زدن به متضرر است (کاشف الغطاء، ۱۳۷۳)؛ زیرا در طبع نهاد حقوقی اتلاف، عنصر تقصیر، قصد و افعال جایگاه ندارد

(اسدی، ۱۳۹۷). ماده فوق ترجمه ماده ۹۱۲ مجله الاحکام العدلیه بوده که در شرح آن چنین آمده است: «اگر کسی مال شخصی دیگری را که بدست خودش یا بدست امینش بود قصداً و یا بدون قصد تلف کرد، تاوانش را باید بپردازد. ولی اگر شخصی مال مغضوب را که بدست غاصب قرار داشت تلف نمود، مغضوب منه اختیار دارد که تاوان آن را از غاصب بگیرد و...» (الاتاسی و الاتاسی، ۱۳۸۱). دلیلش هم چنان که ذکر گردید، تقصیر امری عرفی و نوعی بوده و امور چون قصد و اهماًل که شخصی و مبتنی بر احوال شخص است، بر آن تأثیر گذارد نمی‌باشد (کاشف الغطاء، ۱۳۷۳). همچنان اینکه فعل زیان‌بار در چه حالتی واقع شده باشد نیز در امر جبران خسارت اثر ندارد؛ لذا اگر شخصی در حال خواب به دیگری ضرر وارد سازد، مکلف به جبران خسارت آن می‌باشد (اسدی، ۱۳۹۷). در نظام حقوقی ایران که تقصیر مانندی نظام حقوقی افغانستان امری عرفی است، هرگاه فاقد اهلیت سبب ایجاد ضرر گردد، برای اینکه وی مسئول قلمداد شود، اثبات عنصر تقصیر امری الزامی می‌باشد (یزدانیان، ۱۳۹۳). (ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی ایران)

به‌طور خلاصه در حقوق افغانستان که مبتنی بر فقه اسلامی است، مهم‌ترین بحث در مسئولیت مدنی ناشی از اتلاف، جبران خسارت وارده می‌باشد؛ لذا این که ضرر توسط چه کسی وارد شود، اهمیتی ندارد. فاعل فعل زیان‌بار می‌تواند ناقص الاهلیت، فاقد الاهلیت و یا کامل الاهلیت باشد. مهم این است، ضرر که به طریق اتلاف وارد شده است، باید جبران گردد (طاهری، ۱۳۸۸)؛ لذا اگر شخص فاقد یا ناقص الاهلیت سبب ضرر به دیگری شود، مانند اینکه شیشه کلکین همسایه‌اش را بشکند، در صورت وجود ارکان اتلاف و بدون توجه به عنصر تقصیر، خود مکلف به جبران خسارت وارده می‌باشد. (امامی، ۱۳۸۵). ماده ۷۶۲ قانون مدنی افغانستان^۱

^۱ نکته قابل تأمل که در ماده ۹۶۲ قانون مدنی افغانستان آمده است اینکه، کلمه مسئول برای ناقص و یا فاقد الاهلیت در مسئولیت اتلافی به کار برده نشده است. صرف جبران خسارت از اموال آنها را قبول نموده است. ظاهراً مقنن کلمه مسئول را با مفهوم شخص دارای تقصیر شخصی قبول نموده است؛ لذا در افراد ناقص و فاقد اهلیت به نسبت عدم وجود تقصیر شخصی به دلیل فقدان تمیز، کلمه مسئول را به کار نبرده است.

مسئولیت بدون تقصیر در نظام حقوقی ترکیه

مسئولیت بدون تقصیر در نظام حقوقی ترکیه برخلاف نظام حقوقی افغانستان به عنوان استثنای پذیرفته شده است. به این معنی که در نظام حقوقی ترکیه بر اساس فقره اول ماده ۴۹ قانون تعهدات، اصل در مسئولیت مدنی، مسئولیت با تقصیر است. یعنی برای ایجاد مسئولیت مدنی، وجود تقصیر رکن است (Oğuzman & Turgut, 2018). مسئولیت‌های بدون تقصیر امری استثنای و لذا منوط به تصریح مقنن دارد (Başoğlu, 2016). در نظام حقوقی ترکیه و کشوری‌های که پیرو نظام مسئولیت مدنی غیر قراردادی مبتنی بر تقصیر می‌باشد، برای اینکه شخص مسئول ضرر ایجاد شده قلمداد گردد، باید عنصر تقصیر فاعل در کنار سایر عناصر تشکیل دهنده فعل زیان‌بار، اثبات گردد (طاهری، ۱۳۸۸). لذا برای مسئول قرار گرفتن شخص، عنصر تقصیر نسبت به سایر عناصر از اهمیت بیشتر برخوردار می‌باشد (Başoğlu, 2016). در نبود عنصر تقصیر، اصولاً مسئولیت و در نتیجه جبران خسارت وجود ندارد (طاهری، ۱۳۸۸). از نتایج مهم اصل تقصیر، اولاً اینکه؛ هر شخص به اندازه تقصیر خود مسئول در پرداخت و جبران خسارت است نه نسبت به تمام خسارت بمیان آمده (Oğuzman & Turgut, 2018). ثانیاً این که؛ اگر در زیان به میان آمده هیچ تقصیر وجود نداشته باشد، متضرر خود مکلف به متحمل شدن ضرر می‌باشد و جبران خسارت وجود نخواهد داشت (خادم رضوی و نوعی، ۱۳۹۴). با توجه به قانون مدنی و تعهدات ترکیه، مسئولیت مدنی بدون تقصیر شامل موارد محصور ذیل می‌باشد (Çağlar, 2000):

۱. **مسئولیت ناشی از اصل انصاف:** این نوع از مسئولیت بدون تقصیر، در دو حالت به وجود آمده می‌تواند. مسئولیت ضرر ناشی از حالت اضطرار و فاقد اهلیت که دارای داریی بیشتر از متضرر بوده و سبب ضرر گردد (Eren, 2018).

۲. **مسئولیت ناشی از توجه:** این نوع از مسئولیت مدنی، شامل مسئولیت کارفرما، مسئولیت رئیس خانه نسبت به افراد تحت اداره خودش، مسئولیت ناشی از اداره حیوان، مسئولیت مالک بنا و مسئولیت مالک اموال غیر منقول است.

۳. مسئولیت خطر (Çağlar, 2000).

در حالی که در نظام حقوقی افغانستان، مسئولیت بدون تقصیر به عنوان اصل و مسئولیت با تقصیر به عنوان استثنا قبول شده است (طاهری، ۱۳۸۸). در نظام حقوقی ایران نیز، بر اساس قانون مدنی مسئولیت بدون تقصیر اصل و مسئولیت تقصیری به عنوان استثنا قبول شده است (خادم رضوی و نوعی، ۱۳۹۴)؛ اما این رویکرد با وضع قانون مسئولیت مدنی ایران با تغییرات در حقوقی ایران مواجه شد که بر اساس آن نظریه تقصیری مسئولیت مدنی نسبت به نظریه بدون تقصیر مسئولیت مدنی در تشکیل مبنای حقوق مسئولیت مدنی از طرف داران بیشتر برخوردار گردیده است (خادم رضوی و نوعی، ۱۳۹۴). هر چند در این زمینه رویکرد سومی نیز تشکیل شده است که بر اساس آن مبنای نظام حقوقی مسئولیت مدنی را در حقوق ایران، مبنای مختلط می داند (هاشمی، ۱۳۸۴).

مسئولیت مبتنی بر تقصیر

چنانچه ذکر گردید، در نظام حقوقی ترکیه بر اساس ماده ۴۹ قانون تعهدات آن کشور مسئولیت تقصیری به عنوان اصل پذیرفته شده است (Eren, ۲۰۱۸). در حالی که بر اساس ماده ۷۶۰ و مواد بعدی قانون مدنی افغانستان، تسبیب یا مسئولیت تقصیری به عنوان استثنای بر اتلاف و در حالات خاص پذیرفته شده است. بررسی تفاوت نگاه دو نظام حقوقی را جمع به مسئولیت مدنی تقصیری، ضرورت بررسی معنی و مفهوم تقصیر را در هر دو نظام حقوقی ایجاب می نماید؛ لذا لازم است تا ابتدا به بررسی کلمه تقصیر در هر دو نظام حقوقی پرداخته شود.

تقصیر

تقصیر از لحاظ معنی، نوع و نتایج در نظام حقوقی افغانستان و ترکیه متفاوت است؛ لذا لازم است تا تقصیر را در هر یک از نظام حقوقی به طور جداگانه بررسی نمایم.

تقصیر در نظام حقوقی ترکیه. تقصیر، بر اساس فقره دوم ماده ۴۹ قانون تعهدات ترکیه به عنوان عنصر تشکیل دهنده مسئولیت مدنی پیش بینی شده است (Oğuzman & Turgut, ۲۰۱۸). بر اساس این ماده، فاعل فعل زیان بار (فعل خلاف قانون) در صورتی که رابطه علیت بین فعلش و ضرر

پوهنیار سید عباس موسوی

موجود باشد و مقصر باشد، مسئول جبران خسارات وارده می‌باشد (Oğuz, 2016). لذا بر اساس این ماده، اصولاً شخص در صورتیکه در ایجاد ضرر تقصیر داشته باشد، مسئول است (Başoğlu, 2016). در صورت عدم وجود تقصیر، مسئول ضرر وارده نمی‌باشد (Oğuz, 2016).

با وجود اینکه تقصیر به عنوان عنصر تشکیل دهنده مسئولیت مدنی پیش‌بینی شده است (Baş, 2018)، اما در قانون تعهدات ترکیه تعریف نشده؛ لذا سبب تفاوت دیدگاه در بین حقوقدانان ترکی در مورد تعریف آن شده است (Oğuzman & Turgut, 2018). در نتیجه دو تیوری متفاوت برای تعریف تقصیر به میان آمده است (Oğuz, 2016).

تیوری شخصی (Sübjektif teori). بر اساس دیدگاه طرف‌داران این نظریه، تقصیر عبارت‌اند از این که، فاعل نتیجه عمل خلاف قانون (فعل زیان‌بار) را بخواهد و یا حتی اگر نتیجه را هم نخواهد، به اندازه لازم از وجود آمدن آن نتیجه خودداری ننموده باشد (Oğuz, 2016). برای تعیین این نوع از تقصیر، قاضی وضعیت شخصی فاعل، سطح آگاهی، سواد و ... را دیده در زمینه حکم می‌کند (Baş, 2018).

تیوری عینی (Objektif teori). بر اساس دیدگاه طرف‌داران این نظریه، تقصیر مربوط به احوال شخص فاعل نمی‌شود. بلکه با توجه به وضعیت و احوال عمومی جامعه باید بررسی شود (Oğuz, 2016). لذا در زمان دریافت تقصیر، باید بجای وضعیت شخصی و روحی شخص فاعل، باید دیده شود که، افراد دارای عین ذکاوت، اطلاعات، سطح تحصیل و قدرت فیزیکی و عقلی، اگر در آن شرایط قرار می‌گرفت چه عمل معقولی را انجام می‌داد (Baş, 2018). اگر آن‌ها غیر از عمل مضره را انجام دهد (Eren, 2018)، در آن صورت مرتکب تقصیر داشته و مسئول ضرر وارده است (هاشمی، ۱۳۸۴). از این دو تیوری، ظاهراً در نظام حقوقی ترکیه از تیوری شخصی استفاده شده است (Oğuz, 2016). در این تیوری، تقصیر خود به دو دسته تقسیم می‌شود. که شامل قصد و اهمال می‌باشد.

قصد. تبارز تقصیر به شکل سنگین و شدید را شامل می‌شود (Oğuzman & Turgut, 2018). به این معنی که، شخص فاعل هم نتیجه فعل زیان‌بار (فعل خلاف قانون) را تصور کرده و هم آن نتیجه را خواسته و برای رسیدن به آن نتیجه اقدام به انجام فعل زیان‌بار می‌نماید (Eren, 2018).

اهمال. تبارز تقصیر به شکل خفیف را شامل می‌شود (Baş, 2018). به این معنی که، شخص نتیجه فعل زیان‌بار را نخواسته اما به اندازه لازم اراده خود را در عدم قوع نتیجه به کار نبرده است و در نتیجه ضرر به‌میان آمده است (Oğuz, 2016). بر این اساس در نظام حقوق ترکیه، برای اینکه شخص مسئول قلمداد شده بتواند باید قدرت تمیز را داشته باشد (Baş, 2018). یعنی ممیز بودن شرط تحقق عنصر تقصیر می‌باشد (Oğuzman & Turgut, 2018).

تقصیر در نظام حقوقی افغانستان. در قانون مدنی افغانستان تعریف از تقصیر نشده است، اما در فقه و بین حقوق دانان تعاریف متفاوت از تقصیر صورت گرفته است. بر اساس برخی دانشمندان حقوق، تقصیر عبارت از رفتار خلاف عملکرد انسان معمول و متعارف است (خادم رضوی و نوعی، ۱۳۹۴). بر اساس تعریف دیگر، تقصیر خروج متعارف از اذن قانونی یا عقدی می‌باشد (طاهری، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر، تقصیر اعم از تعدی و تفریط بوده (هاشمی، ۱۳۸۴) و به معنی اخلاف و عدم اجرای تعهدات می‌باشد (حاجی نوری، ۱۳۹۱). تقصیر انجام عمل قابل سرزنش است (طاهری، ۱۳۸۸). همچنان، رفتار خلاف آن‌گونه که باید رفتار شود (امامی، ۱۳۸۵). بر اساس یک تعریف مشهور دیگر، تقصیر عبارت‌اند از؛ فعل که از سوی عرف به عنوان فعل زیان‌بار قبول شده، فاعل آن به عنوان مقصر قابل توبیخ قبول شده باشد (حاجی نوری، ۱۳۹۱). تقصیر می‌تواند به شکل انجام یا امتناع از انجام عملی تبارز نماید (امامی، ۱۳۸۵).

هرچند در قانون مدنی افغانستان از تقصیر و مسئولیتی تقصیری صراحتاً ذکر به عمل نیامده است، اما وجود نهاد تسبیب که مقتبس از فقه اسلامی است و در آن شرط تحقق مسئولیت علاوه بر ارکان اتلاف، وجود رکن تقصیر نیز شرط می‌باشد، نشان‌دهنده پذیرش تقصیر در قانون مدنی افغانستان می‌باشد. در نتیجه با توجه به تعاریف فوق و با از تبعیت نهاد حقوقی تسبیب در فقه، در نظام حقوقی افغانستان نیز تقصیر را می‌توان عبارت از انجام فعل دانست که از سوی عرف به عنوان فعل زیان‌بار قبول شده و فاعل آن مسئول جبران خسارت وارده است. بر مبنای تعریف فوق، در نظام حقوقی افغانستان تقصیر امری شخصی و منوط به حالات و وضعیت شخص فاعل نمی‌باشد، بلکه امری عرفی است. به این معنی که در حقوق اسلام و مبتنی به آن در نظام حقوقی افغانستان، تقصیر از نوع عینی (Sübjektif) و

تابع عرف عمومی است (حاجی نوری، ۱۳۹۱)؛ لذا در مسئولیت مدنی تقصیری یا تسبیبی، ملاک تعیین تقصیر در انجام فعل، قضاوت عرف است. هرگاه عرف فعلی را زیان بار دانسته و فاعل آن را قابل سرزنش بداند، تقصیر مطرح می شود. در غیر آن، اگر عرف فعلی را زیان بار نداند حتی اگر منجر به ایجاد ضرر هم شود، فاعل به عنوان مقصر مطرح نشده و مکلف به جبران خسارت نمی باشد. ماندی حفر چاه در ملک خود. هرگاه شخصی در ملکیت خود چاهی را حفر نماید که از نظر عرف زیان بار نبوده مانند اینکه در گوشه ای دور از راه بوده، اگر شخصی داخل آن بیفتد و متضرر شود، حفرکننده چون عرفاً تقصیر نداشته؛ لذا مسئول خسارت وارده هم نمی باشد. هرچند در مواد ۷۶۰ و ۷۶۳ قانون مدنی، مقنن از قلمرو تقصیر به مفهوم نوعی و عرفی موجود در فقه خارج شده و در کنار آن اقدام به قبول تقصیر به مفهوم شخصی نیز نموده است؛ اما؛ این امر بعید به نظر می رسد که بتواند پذیرش قاعده تسبیب عرفی را در نظام حقوقی افغانستان کم رنگ بسازد.

بر اساس ماده ۷۶۰ قانون مدنی افغانستان تقصیر شخصی در کنار تقصیر عرفی یا نوعی به صراحت دیده می شود. چنانچه این ماده صراحت دارد: «طوری که ایجاد سبب اتلاف موجب ضمان می گردد، قصور در تهیه وسایل ممکنه رعایت احتیاط، نیز ضمان ضرر را لازم می گردانید.» چنانچه ملاحظه می گردد، در نگاه اول و با توجه به اطلاقیّت بخش اول ماده مذکور، قسمت اخیر ماده، امری اضافه در تقنین محسوب می شود؛ اما با دقت بیشتر می توان به این نتیجه رسید که؛ مقنن با تصریح بخش دوم جمله، در حقیقت قصد خروج از تقصیر عرفی و تمایل به پذیرش تقصیر شخصی را حداقل در این مورد خاص داشته است. همچنان ماده ۷۶۳ نیز در زمینه چنین صراحت دارد: «در صورت اجتماع مباشر و متسبب، هر یکی از آنها که متعدی یا متعمد باشد، ضامن شناخته می شود. در صورت اشتراک هر دو مشترکاً به تأدیه ضمان مکلف پنداشته می شوند.» اما چنانچه ذکر گردید، از آنجای که اصل نهاد حقوقی تسبیب فقهی و مبتنی بر تقصیر عرفی می باشد؛ لذا در حقوق افغانستان نیز در تسبیب عنصر تقصیر عرفی و نوعی است. وجود تقصیر شخصی نیز در موارد خاص و در کنار تقصیر عرفی مورد قبول قرار گرفته است.

مسئولیت مبتنی بر تقصیر در نظام حقوقی ترکیه

بر اساس ماده ۴۹ قانون تعهدات کشور ترکیه، اصل در مسئولیت مدنی قهری یا غیر قراردادی، مسئولیت با تقصیر است. (Oğuzman & Turgut, 2018). در این ماده، عنصر تقصیر در کنار سایر عناصر مسئولیت مدنی، به عنوان یکی از عناصر مهم تشکیل دهنده مسئولیت مدنی تقصیری محسوب شده است (Eren, 2018). این ماده چنین صراحت دارد: «کسی که با تقصیر و به وسیله عمل خلاف قانون به دیگری ضرر وارد نماید، مکلف به جبران خسارت وارده می باشد. فعل ضرر زننده حتی اگر برخلاف قانون نباشد اما برخلاف قاعده اخلاقی بوده و قصداً انجام شده باشد، باز هم فاعل مکلف به جبران خسارات وارد می باشد.» این که چرا در نظام حقوقی ترکیه اصل در مسئولیت مدنی غیر قراردادی، مسئولیت تقصیر است، برمی گردد به اینکه نظام حقوقی ترکیه در بحث مسئولیت مدنی، از سیستم تقصیری استفاده نموده است (Oğuzman & Turgut, 2018). در این سیستم مسئولیت، مبتنی بر قاعده تقصیر یا فاعل مقصر است (Başoğlu, 2016). یعنی در ضرر ایجاد شده، اصولاً جبران ضرر زمانی مطرح شده می تواند که فاعل تقصیر داشته باشد (Çağlar, 2000). در صورت عدم تقصیر، اصل بر این است که فاعل مسئول نمی باشد (طاهری، ۱۳۸۸، ص. ۲۳۷). از این رو در نظام حقوقی ترکیه برای تشکیل مسئولیت مدنی غیر قراردادی ناشی از فعل زیان بار، وجود چهار عنصر یا رکن الزامی می باشد. هر گاه یکی از عناصر موجود نباشد، بحث مسئولیت مطرح شده نمی تواند (Başoğlu, 2016). این عناصر عبارتند از: وجود فعل خلاف قانون (فعل زیان بار)، وجود ضرر، رابطه علیت بین فعل زیان بار و ضرر و وجود تقصیر (Oğuzman & Turgut, 2018).

مسئولیت مبتنی بر تقصیر در نظام حقوقی افغانستان

در نظام حقوقی افغانستان، مسئولیت تقصیری با عنوان تسبیب یعنی ایجاد ضرر به شکل غیرمستقیم (اسدی، ۱۳۹۷) قبول شده است. این نوع از مسئولیت در نظام حقوقی افغانستان به عنوان استثنای بر اصل مسئولیت بدون تقصیر پذیرفته شده است. در این مورد ماده ۷۶۰ قانون مدنی افغانستان چنین صراحت دارد: «طوری که ایجاد سبب اتلاف موجب ضمان می گردد، ...» در این نوع از

مسئولیت، چون ضرر به شکل غیرمستقیم واقع می‌شود (بابائی، ۱۳۹۵)؛ لذا برای مسئول قلمداد نمودن فاعل به جبران خسارت وارده، بر علاوه اثبات عناصر چون فعل زیان‌بار، ضرر و رابطه سببیت، باید تقصیر شخص نیز احراز گردد (طاهری، ۱۳۸۸)؛ لذا مسئولیت ولی وصی و اشخاص تابع حکم آن‌ها می‌باشد و نیز مسئولیت مالک حیوان، بنا و اموال غیرمنقول به‌عنوان مسئولیت تقصیری قبول شده است (امینی و محمدی نژاد، ۱۳۹۱). فرق اتلاف و تسبیب نیز در تقصیر است (اسدی، ۱۳۹۷). از آنجاکه در تسبیب، وجود عنصر تقصیر شرط ایجاد مسئولیت است (بابائی، ۱۳۹۵)، در صورت فقدان آن، بحث ایجاد مسئولیت نیز مطرح شده نمی‌تواند (امینی و محمدی نژاد، ۱۳۹۱). درحالی‌که در اتلاف عنصر تقصیر شرط نبوده (بابائی، ۱۳۹۵) و حتی در ایجاد مسئولیت هیچ نقشی نداشته است (اسدی، ۱۳۹۷)؛ لذا مسئولیت مدنی ناشی از اتلاف در موجودیت سه عنصر؛ فعل زیان‌بار، ضرر و رابطه علیت، به میان می‌آید (امینی و محمدی نژاد، ۱۳۹۱).

امری قابل توجه در قانون مدنی افغانستان در باب تسبیب یا مسئولیت تقصیری این است که؛ قانون مدنی در مواد ۷۶۰ و ۷۶۳ خود در کنار تقصیر نوعی یا عرفی، تقصیر شخصی را نیز پذیرفته است. چنانچه ماده ۷۶۰ در زمینه صراحت دارد: «... قصور در تهیه وسایل ممکنه رعایت احتیاط، نیز ضمان ضرر را لازم می‌گردانید». همچنان ماده ۷۶۳ نیز تصریح می‌دارد که: «در صورت اجتماع مباشر و متسبب، هریکی از آن‌ها که متعدی یا متعمد باشد، ضامن شناخته می‌شود. در صورت اشتراک هر دو مشترکاً به تأدیه ضمان کلف پنداشته می‌شوند». این خود نشان‌دهنده تمایل مقنن به پذیرش مسئولیت تقصیری در کنار اتلاف با وسعت قلمرو بیشتر است. هرچند پذیرش مسئولیت تقصیری و وسعت قلمرو بخشیدن به این نهاد حقوقی به‌وسیله پذیرش تقصیری نوعی و شخصی به‌طور هم‌زمان در رفع مشکلات ناشی از عدم جبران خسارت توسط نهاد حقوقی اتلاف کمک شایان می‌نماید؛ اما به‌هیچ‌وجه سبب تغییر جایگاه نهاد حقوقی اتلاف که به‌عنوان مبنای اصلی مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان‌بار می‌باشد، شده نمی‌تواند.

مناقشه

آنچه به نظر می‌رسد پیروی از هریک از سیستم‌های مسئولیت مدنی به تنهای، راه گشای کامل در جبران خسارت وارده نمی‌باشد؛ لذا ایجاد و پیروی نمودن از سیستم مختلط در زمینه مفدیت‌های بیشتر خواهد داشت. چنانچه در نظام حقوقی افغانستان برخلاف نظام حقوقی ترکیه، با اینکه اساس مسئولیت مدنی فعل زیا بار را اتلاف یا مسئولیت بدون تقصیر تشکیل داده است، پذیرش نهاد حقوقی - فقهی تسبیب یا مسئولیت مبتنی بر تقصیر در حالات خاص، نشان‌دهنده اهتمام بیشتر مقنن در جبران خسارت وارده است. با اینکه تقصیر در نهاد تسبیب با توجه به کاربرد فقهی آن از نوع تقصیر عرفی می‌باشد، اما مقنن خواسته است تا تقصیر شخصی را نیز در کنار تقصیر عرفی و به صورت مختلط پذیرفته تا در رفع اشکالات عدم جبران خسارت وارده در مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر اقدام نموده باشد؛ لذا برای فهمیدن هرچه بیشتر مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر، ضرورت است تا نظام حقوقی که در آن مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر می‌باشد مانند ترکیه، به طور تطبیقی با نظام حقوقی افغانستان مورد مطالعه قرار گیرد. امری در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته شده است.

در نظام حقوقی ترکیه چنان که گذشت، مسئولیت مدنی اصولاً مبتنی بر تقصیر از نوع تقصیر شخصی می‌باشد. همان طور که بیان شد در تقصیر شخصی، وضعیت و حالات شخص فاعل در هنگام فعل زیان بار مدنظر قرار می‌گیرد و بر اساس آن مسئولیت و عدم مسئولیت و حتی میزان مسئولیت و جبران خسارت را تعیین می‌نماید؛ لذا قصد و عدم قصد، وضعیت و حالت فاعل در تعیین میزان مسئولیتش نقش قوی را دارا می‌باشد. حال آنکه در نظام حقوقی افغانستان نهاد حقوقی تسبیب یا مسئولیت تقصیری به عنوان استثنا در مسئولیت مدنی فعل زیان بار پذیرفته شده است و منظور از عنصر تقصیر که در این نهاد شرط شده است، تقصیر عرفی یا نوعی می‌باشد که در آن بجای توجه به وضعیت و احوال فاعل، به عرف مراجعه صورت می‌گیرد. اینکه عرف فعلی را زیان بار بداند در تشکیل عنصر تقصیر کافی است. مقنن افغانی در کنار مفهوم فقهی تقصیر، در مواد ۷۶۰ و ۷۶۳ تقصیر شخصی را نیز پذیرفته است. این رویکرد مقنن سبب گردیده است تا زیان ناشی از فعل زیان بار در حداکثر میزان خود قابل جبران باشد.

نتیجه گیری

سیستم مسئولیت مدنی تقصیری با توجه به نوع تقصیر به کار برده شده در آن، در بین نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف از جایگاه متفاوت برخوردار می‌باشد. در نظام حقوقی ترکیه بر اساس ماده ۴۹ قانون تعهدات این کشور، مسئولیت تقصیری با به کار گرفته شدن تقصیر از نوع تقصیر شخصی؛ اساس حقوق مسئولیت مدنی غیر قراردادی را تشکیل می‌دهد. چنانچه ذکر گردید بر اساس ماده فوق، در کنار عناصر چون؛ عمل خلاف قانون، ضرر و رابطه سببیت، تقصیر از مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده مسئولیت بوده و فقدان آن به منزله عدم ایجاد مسئولیت و در نتیجه عدم جبران خسارت وارده است. در این نظام حقوقی با توجه به این که تقصیر از نوع شخصی به کار گرفته شده است؛ لذا میزان تقصیر در میزان مسئولیت تأثیر مستقیم دارد. بر این اصل تقصیری بودن مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان‌بار، استثناء و در حالات خاص مسئولیت مدنی بدون تقصیر نیز پذیرفته شده است. از آنجاکه مسئولیت بدون تقصیر استثنائی و محصور بوده؛ لذا تصریح آن در قانون لازم می‌باشد. قانون تعهدات ترکیه از ماده ۶۵ الی ۷۱ خود و سایر قوانین خاص، به تصریح این نوع از مسئولیت پرداخته است. مسئولیت ناشی از ریاست خانواده، مالکیت و ذوالیدی حیوان، مالکیت ساختمان و بنا، مالکیت زمین و مالکیت و عاملیت فعالیت‌های دارای خطر از جمله‌ی این نوع از مسئولیت بوده که در آن‌ها تنها موجودیت سه عنصر در تشکیل مسئولیت کافی است. فعل زیان‌بار، ضرر و رابطه سببیت. عنصر تقصیر شرط نبوده اما بعضاً در میزان جبران خسارت نقش دارد.

در نظام حقوقی افغانستان ائتلاف و تسبیب مقتبس شده از فقه اسلامی، اساس نظام مسئولیت مدنی فعل زیان‌بار را تشکیل می‌دهد. بر اساس ماده ۷۵۸ و ۷۵۹ و با توجه به اطلاقیات آن‌ها، ائتلاف یا مسئولیت بدون تقصیر به عنوان اصل و تسبیب یا مسئولیت مبتنی بر تقصیر که در آن علاوه از ارکان ائتلاف که شامل؛ فعل زیان‌بار، ضرر و رابطه سببیت می‌باشد، عنصر تقصیر نیز در تشکیل مسئولیت مدنی شرط است، به عنوان استثنای اصل مذکور پذیرفته شده است. هر چند در مواد چون؛ ۷۶۰، ۷۶۲، ۷۹۰، ۷۹۱ و مواد مشابه دیگر که مربوط به مسئولیت تسبیبی می‌باشد، ذکر از کلمه تقصیر نشده است؛ اما از آنجاکه این نهاد حقوقی مقتبس از فقه اسلامی بوده و در فقه بین اکثر فقها و در بین حقوق دانان در

مورد این که در تسبیب عنصر تقصیر شرط است و تقصیر تنها عامل تفکیک آن از اتلاف می‌باشد، هیچ شک وجود ندارد؛ لذا در قانون مدنی افغانستان نیز می‌توان شرط تقصیر را از عناصر تشکیل تسبیب پذیرفت. از طرفی هم به دلیل اینکه تعریفی از تقصیر در قانون مدنی نشده است، برای تشخیص نوع تقصیر به کار رفته در تسبیب نیز مجبورا به فقه مراجعه شود. آنچه که به نظر می‌رسد با تفاوت‌های که در تعریف تقصیر در فقه وجود دارد، نوع تقصیر به کار رفته در تسبیب در قانون مدنی افغانستان، تقصیری عرفی می‌باشد. فعل که از سوی عرف زیان‌آور تلقی شود، مرتکب آن مقصر و مسئول قلمداد می‌شود. هرچند ماده ۷۶۰ و ۷۶۳ قانون مدنی افغانستان در کنار تقصیر عرفی یا نوعی، تقصیری شخصی را نیز تا حدودی پذیرفته است. در قانون مدنی افغانستان مسئولیت‌های ناشی از فعل غیر، حیوان و اشیاء، بنا و زمین از جمله مسئولیت‌های تسبیبی یا مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر می‌باشد.

پیشنهادهای

با توجه به مطالب فوق، در مورد مسئولیت مدنی تقصیری یا تسبیب در نظام حقوقی افغانستان، پیشنهادهای ذیل صورت گرفته می‌تواند:

۱. یکی از عناصر مهم تسبیب که در فقه و هم در نظریات حقوق دانان به آن تصریح شده، عنصر تقصیر است. در حالی که قانون مدنی افغانستان ضمن پذیرش این نهاد مهم حقوقی، از عنصر تقصیر به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده آن، ذکر نشده است. در اینکه تقصیر از جمله عناصر مهم در تشکیل تسبیب و در حقیقت عنصر تفکیک کننده آن با اتلاف است، چنانچه ذکر گردید هیچ شکی نیست؛ لذا لازم است تا در متن مواد مربوط به این نوع از مسئولیت، به طور صریح و واضح، شرط تقصیری بودنش ذکر گردد.

۲. با توجه به تقصیری بودن مسئولیت تسبیب در قانون مدنی، ضرورت تعریف واضح از تقصیر و تصریح به پذیرش نوع تقصیر نیز لازم است. چنانچه در فقه تقصیر عرفی و در حقوق تقصیر نوعی و شخصی مطرح بوده؛ لذا تصریح به پذیرش نوع تقصیر با توجه به تفاوت در نتایج و آثار آن‌ها، امری لازم و ضروری می‌باشد. هرچند از محتوای مواد ۷۶۰ و ۷۶۳ می‌توان

برداشت نمود که قانون مدنی تقصیر عرفی و شخصی هر دو را پذیرفته است اما، این برداشت ضرورت تصریح را مرفوع نمی‌سازد.

۳. ضرورت به تصریح تکلیف اثبات تقصیر در مسئولیت مدنی تقصیری. این که، اثبات تقصیر لازم است یا خیر، اگر لازم باشد، طرف مقابل می‌تواند عدم تقصیرش را اثبات نماید؛ اگر نباشد در آن صورت اثبات عدم تقصیر امکان‌پذیر می‌باشد یا خیر؟ اموری که در بحث مسئولیت مدنی تقصیری بسی مهم و دارای آثار حقوقی بعضاً کاملاً متفاوت است؛ لذا ضرورت است تا مسئولیت اثبات تقصیر و امکان رد آن، در قانون تصریح گردد.

منابع

۱. آیین، علیرضا؛ سامانی، احسان. (۱۳۹۹). بررسی مسئولیت مدنی افراد ناتوان ذهنی در حقوق ایران، هند و افغانستان. فصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان. ۱۲ (۳۹)، ۹-۳۴. ص. ۱۲.
۲. اسدی، بهنام. (۱۳۹۷). اتلاف حکمی و موضوعی در حقوق ایران. فصلنامه علمی - حقوقی قانون‌یار. ۲ (۸)، ۵۵۵-۵۷۷. ص. ۲، ۴، ۷.
۳. اصلانی، حمیدرضا. (۱۳۸۴). مفهوم و جایگاه تقصیر. مجله تخصصی الهیات و حقوق. ۱۵ و ۱۶. ص. ۲۵، ۲۷.
۴. امامی، سید حسن. (۱۳۸۵). حقوق مدنی (نسخه بیست یکم، جلد دوم). تهران: انتشارات اسلامی. ص. ۳۹۲، ۳۹۵، ۳۹۸.
۵. امینی، عیسی؛ محمدی نژاد، سمیرا. (۱۳۹۱). نقش تقصیر در مسئولیت مدنی و مقایسه آن با حقوق کامن‌لا. تحقیقات حقوقی آزاد. ۵ (۱۸)، ۱-۲۲. ص. ۱۷، ۲۲.
۶. الاتاسی، محمد خالد؛ الاتاسی، محمد طاهر. (۱۳۸۱). شرح مجله الاحکام عدلیه. جلد دوم. (محمد عثمان، ژوبل، مترجم).
۷. بابائی، ایرج. (۱۳۹۵). جایگاه تفکیک اتلاف و تسبیب در حقوق مسئولیت مدنی. فصلنامه تحقیقات حقوقی. ۷۶. ص. ۵، ۱۸.
۸. حاجی نوری، غلامرضا. (۱۳۹۱). نقش تقصیر در ضمان ناشی از تسبیب. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۴۲ (۳)، ۱۴۳-۱۵۸. ص. ۷-۸، ۳۰.
۹. خادم رضوی، قاسم؛ نوعی، الیاس. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی مبانی مسئولیت مبتنی بر تقصیر و بدون تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی ایران و انگلستان. دوفصلنامه عملی تخصصی آموزه‌های حقوقی گواه. ۱ (۱)، ۸۱-۱۰۴. ص. ۲، ۷، ۱۲.
۱۰. طاهری، سید حبیب‌الله. (۱۳۸۸). حقوق مدنی (جلد دوم). قم: کتابخانه قائمیه. ص. ۲۱۴، ۲۳۱، ۲۳۷، ۲۴۵، ۲۴۷.

۱۱. کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۳۷۳). جلد سوم. تحریر المجله. تهران: المجمع العالی للتقريب بين المذاهب الاسلاميه - المعانيه الثقافيه.
۱۲. هاشمی، سید علی. (۱۳۸۷). تفاوت تقصیر در مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج قرارداد مطالعه تطبیقی در فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه. پژوهش نامه حقوق اسلامی. ۹ (۱)، ۶۷-۹۸. ص. ۱۰.
۱۳. یزدانیان، علیرضا. (۱۳۹۳). مسئولیت مدنی اشخاص مراقب نسبت به اعمال افراد تحت مراقبت و لزوم توسعه آن با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه. مجله حقوقی دادگستری. ۸۷ (۸۵)، ۱-۴۱. ص. ۱۱.
۱۴. منابع به زبان خارجی
15. Baş, A. (2018). Haksız fiil sorumluluğunda kusur unsur. İstanbul Barosu Dergisi, 224-235. P. 1, 3-4, 7, 9.
16. Başoğlu, B. (2016). sözleşme dışı kusursuz sorumluluk hukuku. Dokuz Eylül Üniversitesi Hukuk Fakültesi Dergisi, 6, 29-56. P. 1, 14.
17. Çağlar, Ö. (2000). Türk özel Hukukunda sözleşme dışı sorumluluk olgularına genel bakış. Hacettepe Üniversitesi İktisadi ve İdari Bilimler Fakültesi Dergisi, 18, 415-432. P. 3.
18. Eren, f. (2018). borçlar hukuku genel hükümler. Ankara: Yetkin Basımevi. P. 511, 563, 592, 600, 663.
19. Oğuz, H. (2016). Sorumluluk hukukunda kusur. Türkiye adalet akademisi Dergisi, 28, 273-286. P. 4-5.
20. Oğuzman, M., & M. Turgut, Ö. (2018). Borçlar hukuku genel hükümler (Vol. 2). İstanbul: Vedat Kitapçılık. P. 7, 11-12, 54, 56, 61, 120.

ریشه های منازعه فلسطین و اسرائیل

پوهنمل نورمحمد حشمت^(۱)*

پوهنپار عبید الله حمید^(۱)

(۱) استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه البیرونی

(۱) * نویسنده مسؤول: ایمیل: noormoh.hashmat@gmail.com - تلفون: ۰۰۹۳۷۹۹۴۷۴۶۹۰

چکیده

منازعه فلسطین اسرائیل در حوزه خاورمیانه، یک منازعه تاریخی بوده که زمینه مداخلات قدرت های بزرگ جهان شرق و غرب و کشورهای عربی را به این منطقه کشانده است. این منازعه پرورده دست بریتانیای کبیر است، که در سال ۱۹۱۷ با صدور اعلامیه بالفور، این دولت رسماً از تشکیل دولت یهود در فلسطین حمایت کرد. ریشه اصلی منازعه تسلط بر منطقه بیت المقدس می باشد. این مکان مورد توجه یهودیان، مسیحیان و مسلمانان بوده که سال ها به خاطر تسخیر و تسلط بر این منطقه با هم جنگ نموده اند. یهودیان از نقاط مختلف جهان توسط اروپائیان به خصوص انگلیس ها به این منطقه انتقال داده شده و هنوز هم هر روز یهودیان تحت چتر نظام سهیونیزم زمین های فلسطینیان را به زور تفنگ تصرف نموده و شهرک می سازند. هدف اصلی تحقیق دریافت ریشه اصلی منازعات میان اسرائیل و فلسطین است. این تحقیق می تواند نویسندگان و علاقه مندان موضوع فلسطین را کمک کند که پیرامون عوامل منازعه معلومات بیشتر کسب نمایند. برای جلب توجه کشور های جهان پیرامون موضوع، سفارش می گردد که تحقیقات بیشتر در مورد منازعه فلسطین- اسرائیل صورت گیرد و به زبان های مختلف در مجلات بین المللی نشر گردد. روش تحقیق در این مقاله علمی تحلیلی توصیفی است. شیوه گرد آوری مواد تحقیق به شکل کتابخانه ای بوده که از مهم ترین منابع فارسی و انگلیسی مورد استفاده قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: اسرائیل، جنگ، خاورمیانه، فلسطین و منازعه.

Abstract

Israel and Palestine Conflict is a historical conflict in the Middle East. This conflict paves the way for the great powers of the world consist of east and west and some other Arabic countries to interfere in the region. Great Britain issued the 1917 Belfour declaration to establish a Jewish state in the region of Palestine and have raised the conflict. The main root of the conflict is to dominate Jerusalem by any of the side. The Jewish, Christian and Muslim people are interested to dominate this place that's why they have war among each other for many years. The Jewish People are transferred by the Europeans and particularly England in to this region. Currently, day by day the Jewish men and women under the leadership of Israel government confiscate the lands of Palestine with the power of gun and they build cities there.

The goal of the research is to find the main root of the conflict among Israel and Palestine. Thus, this is a nonstop conflict in this strategic region; therefor it's important to research and to find the root of the conflict. This research will help the other scholars and interested people to find more information about the causes of the issue. In order to attract the countries of the world in regards to the issue of Israel – Palestine, I recommend to the other scholars to research more about it. It's good that the scholars publish their writings in different languages.

The method of the research is description- analytical. Technique of information gathering is librarian and the writer used important resources of both English and Persian.

Key words: Israel, War, Middle East, Palestine and Conflict.

مقدمه

در آغاز هزاره سوم، خاورمیانه یکی از مناطق بحران ساز و همچنان استراتژیک بوده که نسبت به سایر نقاط جهان از اهمیت فراوان برخوردار است. با توجه به اهمیت قابل ملاحظه این منطقه جنگ های طولانی را در چندین دهه قبل تجربه کرده است (شیرازی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱). این قسمتی از جهان با توجه به موقعیت استراتژیک و نفت خیز بودن آن محور بازی قدرت های بزرگ جهان قرار گرفته است. با وجودیکه در گذرگاه تاریخ این منطقه نفت خیز به گونه مستقل به حیات سیاسی و اجتماعی خویش ادامه میداد. اما طی قرون اخیر به خصوص بعد از فروپاشی امپراطور عثمانی و تقسیمات اراضی میان قدرت های استعماری منطقه خاور میانه، تحت نفوذ غرب قرار گرفت و بیشتر کشورها علاقه مند به داشتن رابطه با کشورهای این منطقه گردیده اند. هدف و انگیزه کشور های جهان به خصوص غرب، دستیابی به منابع و ذخایر این کشورها بوده است. انعقاد پیمان های امنیتی و نظامی کشورهای عربی با کشورهای غربی این منطقه را بیشتر حساس ساخته است. این پیمان ها باعث شده که تعدادی از کشورهای شرقی به شمول ایران و روسیه به دیده شک بنگرند. بدون شک این وضعیت عامل مداخله بیشتر کشورهای غربی می گردد. مداخلات بیشتر باعث بی ثباتی و منازعه در این منطقه حساس جهان می گردد. کشور هایی که در این منطقه خاور میانه موقعیت دارند به خاطر دفاع از منافع ملی و امنیت خویش، بیشتر به پیمان های امنیتی و استراتژیک با کشورهای قدرتمند مبادرت میورزند. این وضعیت باعث تشدید منازعه در این منطقه حساس جهان می گردد.

با ایجاد کشوری بنام اسرائیل در این منطقه پر از چالش، منازعات میان کشور های عربی تشدید می یابد. با تأسیس این دولت که به نام های صهیونیسم و رژیم اشغالگر نیز مشهور است، مردم فلسطین در دفاع از مناطق از دست رفته شان در مقابل این کشور ایستادگی کرده که تشدید منازعه از همین جا آغاز گردیده است.

بیان مسئله: بیت المقدس یکی از اماکن تاریخی در طول تاریخ مورد منازعه مردم فلسطین و یهودیان اسرائیل بوده است. اسرائیل با احداث شهرک های جدید در مناطق مختلف فلسطین به منازعات در این منطقه تشدید نموده است. مردم فلسطین نیز برای مقابله به برنامه های اسرائیل طی سال های متمادی از خود مقاومت نشان داده اند. تعدادی از کشور های غربی در تشدید بحران نقش اساسی داشته اند. ریشه یابی مسائل مطرح شده موضوع اصلی بحث را در این مقاله تشکیل می دهد.

پیشینه تحقیق

پیرامون بحران فلسطین و اسرائیل، نویسندگان و محققین از زوایای مختلف به موضوع پرداخته اند که به بعضی آنها اشاراتی خواهیم داشت.

دکتر عزت الله در کتاب "ژئوپولیتیک" پیرامون موضوع به گونه مختصر پرداخت است. عزتی معتقد است که اروپائیان و غربی ها با ایجاد و تعیین خطوط مرزی بسیار از یک واقعیت تاریخی پیش رفتند. ایجاد مرزهای سیاسی با مسائل فرهنگی و تاریخی منطقی نبود. عامل مشکلات همین بوده است. ایجاد مرزهای سیاسی در بخش های کشور های جهان اسلام به خصوص در فلسطین که توسط رژیم اشغالگر قدس پیچیدگی ها را تشدید کرده است. این رژیم در واقع طرفدار مرز های شناور است (عزتی، ۱۳۹۳: ۱۸۰).

سیمبر در کتابش پیرامون چگونگی خریداری اجباری زمین های فلسطینی های توسط اسرائیل بحث هایی نموده است. وی به این باور است که با شکل گیری رژیم اشغالگر اسرائیل در سال ۱۹۴۸ استراتژی بسط و توسعه جغرافیایی و سرزمینی خویش را در پیش داشته اند. خرید اجباری زمین های فلسطینی ها، تخریب منازل و اماکن فلسطینی ها و گسترش شهرک نشینی ها صهیونیستی و درخارج از فلسطین اشغال جنوب لبنان و بلندی های جولان و غیره نشان دهنده این واقعیت است (سیمبر و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۱).

کانون در مقاله اش به راه های صلح در این منطقه پرداخته است. وی تذکر داده است که با تداوم تجربه خشونت و منازعه مذهبی در این منطقه تمام متخصصین میانجیگری باید اولویت های شان را برای انکشاف راه های صلح میان اسرائیل و فلسطین متمرکز سازند (cannon, 2022: 1-16). این تحقیق پیرامون انکشاف اینکه چطور بتوانیم دیگران را به انسانگرایی دعوت کنیم که بتوانند مذاکرات و میانجیگری موفق را هدایت نمایند. تمرکز این نوشته روی نوسازی سیستم درسی اطفال برای همزیستی مسالمت آمیز و ایجاد دلسوزی به هم نوع شان در این منطقه می باشد.

کینت مانوساما نویسنده مقاله حقوق جنگ در منازعات فلسطین و اسرائیل، اثرات حقوقی وضعیت جدید فلسطین (به عنوان عضو ناظر سازمان ملل متحد) و حقوق بالقوه جنگ های آینده را به بحث گرفته است. نویسنده این مقاله پیرامون اینکه آیا فلسطین با عضو شدن ناظر سازمان ملل متحد می تواند در صحنه بین المللی منحصیث یک دولت مستقل دارای حاکمیت عرض اندام کند؟ (Manusama, 2013: 1-4).

پوهنمل نور محمد حشمت

کارنت اسکای بر این باور است که عامل منازعات مهاجرت پلان شده یهودیان در این منطقه بوده است. موصوف معتقد است که ایجاد سهیونیزم در اواخر ۱۸۰۰ میلادی، نتیجه آوردن مهاجرین یهودی از کشور های اروپائی در سرزمین فلسطینی ها توسط بریتانیایی ها بود (kornetsky, 2010: 1-12).

کتب و مقالات علمی نویسندگان به زبان های انگلیسی و فارسی مورد مطالعه قرار گرفت. نویسندگان حوزه سیاست به گونه مشخص پیرامون ریشه یابی موضوع، بحث نموده اند. برای روشن شدن قضیه ضرورت است که موضوع انکشاف داده شود.

اهداف تحقیق

- درک بهتر از عوامل اصلی منازعه میان فلسطین و اسرائیل.
- بررسی نقش کشور های قدرتمند در تشدید منازعه فلسطین و اسرائیل.

سوال تحقیق: عوامل اصلی منازعات میان فلسطین و اسرائیل چی بوده است؟
فرضیه تحقیق: به نظر می رسد که عامل اصلی ایجاد منازعه میان اسرائیل و فلسطین کشور های استعمارگر مثل بریتانیا و آمریکا بوده است. این دو کشور برای دستیابی به منافع خود شان تخم نفاق یعنی شهرک سازی یهودی نشین را در این منطقه جابجا نموده اند تا اینکه از این نقطه بر تمام خاورمیانه تسلط داشته باشند.

روش تحقیق

روش تحقیق تحلیلی توصیفی است. اسناد و مواد تحقیق به شیوه مرور (کتابخانه ای) از منابع معتبر انگلیسی و فارسی به شمول کتب، مقالات و مجلات علمی به دست خواهد آمد.

پیشینه تاریخی فلسطین و ریشه های منازعه

از نظر موقعیت جغرافیایی فلسطین در غرب قاره آسیا و جنوب سرزمین شام قرار دارد که قلب جهان عرب محسوب می شود. مساحت آن ۲۸ هزار و ۹ کیلومتر مربع یا ۱۰ هزار و ۴۲۹ میل مربع است و مشتمل بر منطقه ساحلی در کنار دریای مدیترانه، منطقه کوهستانی و دشت و منطقه صحرایی می باشد. برای سرزمینی به این کمی وسعت، شخص توقع آن ندارد که نقش بزرگی در تاریخ داشته باشد، یا پس از خود اثری، بزرگتر از اثر بابل و پارس و شاید بزرگتر از اثر مصر و یونان، برجای گذاشته باشد. ولی خوشبختی یا بد بختی فلسطین در آن بوده که در نیمه راه میان پایتخت های نیل و پایتخت های دجله و فرات قرار داشته، همین وضع جغرافیایی سبب آن بوده که فلسطین به صورت مرکز بازرگانی در اید و از همین راه جنگ به آن سرزمین کشیده شود (شیرازی، ۱۳۹۳: ۲۵۰).

این کشور سرزمین حاصلخیز دارای آب و هوای معتدل محل ظهور پیامبران بزرگی چون حضرت عیسی (ع) و حضرت موسی (ع) و محل عبور حضرت ابراهیم (ع) بوده طوریکه از نظر موقعیت ژئوپلیتیک نیز بسیار حساس و استراتژیک می باشد. شهر اورشلیم یا بیت المقدس قدیم بر فراز تپه ای بنا گردیده که با معبد یهود بر بالای کوه موریاء قرار دارد. بیت المقدس از اماکن مهم فلسطین است، که کوه صهیون و کوه زیتون از شرق و غرب آن را احاطه کرده اند. تاریخچه ی پر ماجرا فلسطین با یاد و نام انبیاء سلف آغاز می شود. نام حضرت یعقوب، اسرائیل بود و بنی اسرائیل فرزندان یعقوب هستند و حدود سیزده قرن قبل از میلاد معتقد بوده اند و در هنگام حکومت فرعون و پیش از ظهور موسی (ع) اسرائیلیان جمعیت انبوهی پیدا می کنند، چهار صد و سی سال پس از ورود یعقوب علیه السلام به حضرت موسی علیه السلام قوم بنی اسرائیل را از سرزمین مصر برای بردن به ارض موعود، به حرکت در آورد، که پیمان این مسافرت ۴۰ سال به طول انجامید. پس از بعثت حضرت محمد (ص) در سیزده سال اول بعثت که پیامبر (ص) در مکه زندگی می کرد، مسجد الاقصی در بیت المقدس به مسجد الحرام (خانه کعبه در مکه) تغییر یافت، چون یهودیان مسلمانان را به دلیل نماز گزاردن به قبله آنان تحقیر می کردند، از مهمترین دلایل آن بوده است. پس از رحلت پیامبر (ص)، در زمان خلیفه اول، او سپاهی را روانه سوریه و فلسطین کرد. با درگذشت او، در زمان خلیفه دوم سوریه و بیت المقدس به دست مسلمین افتاد و رومیان در آنجا شکست خوردند. از سال ۱۰۹۵ میلادی با تهاجم اروپائیان علیه مسلمانان جنگ های صلیبی آغاز شد. تا حدود نزدیک به دو قرن ادامه یافت. یکی از علت های جنگ های صلیبی را، مورخین، مسئله فلسطین و شهر بیت المقدس و ارج گذار بودن مسیحیان این شهر برای مسلمانان واحتمالا رفتار نامساعد با آنان می دانند (حمیدی، ۱۳۶۴: ۱۷۷).

در لابلای تاریخ، سرزمین فلسطین محل منازعه پیروان مذاهب مختلف یهودیت، عیسویت و اسلام بوده است. چون یهودی ها این سرزمین را محل موعود حضرت موسی (ع) می دانند، در حالی که عیسویان محل رفتن عیسی (ع) به آسمان ها می دانند اما مسلمانان این منطقه را محل اصلی مسلمانان می دانند که حضرت پیامبر اسلام (ص) از این منطقه به معراج رفته است. ریشه اصلی منازعات این سرزمین از بطن تاریخ هویدا می گردد. بدون شک منازعات فلسطین و اسرائیل بعد از قرن ۲۰ ناشی از اختلافات در گذرگاه تاریخ بوده است. با رویکار آمدن دولت اسرائیل به عنوان حکومت تحمیلی و فرآورده استعمار و استثمار در این منطقه استراتژیک خاور میانه منازعات گذشته، شدت یافته است. این منازعات قدرت های بزرگ شرق و غرب را وارد صحنه بازی های

بزرگ ساخته است. آمریکا، روسیه، ایران و سایر کشورهای اروپایی حامی اسرائیل و کشورهای عربی بازیگران اصلی قضیه اسرائیل و فلسطین شده اند. انعقاد پیمان های نظامی میان کشورهای عربی و آمریکا و دوستی استراتژیک ایران و روسیه نه تنها قضیه این کشورها را حل نکرده، بلکه شدت بخشیده است. آمریکا به عنوان بزرگترین حامی رژیم اسرائیل بیشترین سود را از این بازی ها می برد. آمریکا از یک طرف بیشترین نفع را از پول یهودیان جهان می برد و از جانب دیگر اسرائیل را منحیث یک تهدید بزرگ و قوه فشار بر علیه کشور روسیه و ایران و سایر کشورهای عربی که مخالف حضور قدرت نا مرئی آمریکا در سطح خاور میانه هستند استعمال می کند.

به طور قطع رژیم اسرائیل بزرگترین گیرنده کمک های اعطایی واشگتن و تنها کشوری است که بیشترین کمک های اقتصادی و نظامی آمریکا را دریافت کرده است. این بخش که حدوداً به ۷۰ میلیارد دالر در طول سالهای ۱۹۴۸ - ۲۰۰۰ بالغ گردید، نشان دهنده وابستگی رژیم اسرائیل به آمریکا بوده و استقلال دولت صهیونیستی را به شدت محدود می کند. در حقیقت اگر رابطه آمریکا و رژیم اسرائیل را رابطه ویژه بدانیم، این امر سبب می شود علت های صرفاً واقع گرایانه یا ساختار گرایانه در بررسی رابطه مبتنی بر منافع متقابل این دو کشور که حدود دو محور متغیرهای نرم و سخت شکل گرفته اند بی اثر شود. متغیر نرم در بررسی این رابطه، شناسایی رژیم اسرائیل بر اساس ارزشهای غربی و دموکراتیک به طور محسوس تر نفوذی را که یهودیان آمریکا و به ویژه گروههای لابی قدرتمند طرفدار رژیم اسرائیل در آمریکا اعمال می کنند در بر می گیرد. متغیر سخت نیز در درک تلاقی منافع استراتژیک رژیم اسرائیل و آمریکا دلالت دارد. وضعیتی که به هر حال، تا کنون در یک معاهده رسمی دفاعی یا استراتژیک بین این دو کشور حفظ شده است (همان، ۱۳۹۳: ۱۶۷).

تاریخچه شکل گیری دولت اسرائیل (صهیونیسم) در سرزمین فلسطین

در اوائل قرن ۱۹م بریتانیا بزرگترین دولت استعمارگر جهان را تشکیل می داد، برای جلوگیری از نفوذ روزافزون آلمان که با سرعتی چون برق سراسر دنیا را فرا می گرفت، سعی کرد تا سدی از انسان ها در برابر آلمان بسازد. در این زمینه ارتباطاتی با هریک از کشورهای جهان مانند: هالند، بلژیک، اسپانیا، پرتگال و ایتالیا برقرار کرد و در سال ۱۹۰۷ کنفرانسی از بزرگترین سیاستمداران این کشورها تشکیل داد. در پایان این کنفرانس که بیش از یک هفته طول کشید، چنین اعلام شد: بزرگترین خطری که ممکن است متوجه غرب شود، بیرون رفتن سواحل دریای مدیترانه از دست

بریتانیا می‌باشد. چون این دریا که حلقه اتصال بین شرق و غرب را تشکیل می‌دهد، در دست مسلمانان است و مسلمانان یک ملت واحدی هستند و دارای زمین های وسیع و سرشار از منابع می‌باشند و احتمال می‌رود که این ملت بزرگ یک باره به پا خواسته و از قید اسارت، خویش را آزاد کنند، لذا به کشورهای بزرگ توصیه می‌شود که این ملت واحد را متلاشی کرده و از اتحاد و بیداری آنها جلوگیری کنند و در مرحله اول باید آفریقا را از آسیا جدا و منفصل کرد و هرگونه اتحادی را بین این دو قاره از بین برد. این نخستین عاملی بود که دولت های استعماری را به فکر ایجاد یک دولت کاملاً اختلافی، آن هم در کنار دریای مدیترانه شدند، ولی تنها این را نمیتوان دلیل وجود اسرائیل دانست، زیرا یک عامل دیگری هم در این امر سهیم می شد و آن عامل دینی بود. ریشه های این عامل را در سه هزار سال پیش باید جستجو کرد، یهودیان در سالی که از فلسطین خارج شدند یعنی درست، سه هزار سال پیش بر فراق فلسطین گریه و زاری کردند، «حائط مبکی» یا دیوار نُدبه و گریه شاهد زنده براین گفتار است، این دیوار که در شهر بیت المقدس می باشد، ناظر گریه و زاری های زیادی بوده، که آخرین آنها، گریه های شوقی بود که از نخست وزیر، علما و سران یهود پس از شکست مسلمانان، پای آن شنیده شده است. البته به قول بزرگترین تاریخ دان عربی آقای فلیب حتی در تاریخ نامی از دولت اسرائیل برده نشده است. ولی بن گوریون می گوید: لازم نیست که نام اسرائیل در تاریخ درج شده باشد، همین قدر کافی است که ما این دولت را از هزارها سال پیش در قلب های خود بنا کرده ایم ما نام اسرائیل را از عصر یسوعا براین شهر نهادیم و در تاریخ هم اسم آن موجود است و آن بلاد (یهودا) است. هنگامی که ما ازاین شهر بسیار کوچک خارج شدیم، آن را در اعماق قلب های مان حمل کردیم و تا به حال نام هریک از کوه ها، دره ها و شهرهای آن را در ذهن داریم. در سال ۱۱۷ بارکوخیا بنی اسرائیل را جمع کرد تا به آن آرمان برسند، ولی شکست خورد و این آرزو را به گور برد. پس از این، حرکات مسلحانه برای تأسیس دولتی در این منطقه بسیار واقع شده، ولی هیچ یک پیروز نگشته، تا آن که در سال ۱۸۹۷ در شهر بال واقع در سویس کنفرانسی به ریاست تیو دور هر تسل تشکیل شده تا اولین گام ها را برای ایجاد آن دولت بردارند (کیالی، ۱۳۶۶: ۱۷۹).

با ایجاد رژیم اسرائیل، این کشور چندین استراتژی را در منطقه خاور میانه دنبال می کند که

عبارت اند از:

(۱) تلاش برای ایجاد دولت های کوچک که از نظر مذهبی و نژادی با هم تعارض داشته باشند. در این راستا سخن از تشکیل دولت کوچکی که شامل کردهای عراق، ترکیه و ایران است به میان می آید.

(۲) فراهم کردن شرایطی که نزاع های مسلحانه میان کشورهای عربی و غیر عربی رخ دهد تا این کشورها سرگرم نزاع های جانبی شوند و در نهایت فشار بر ضد این رژیم کاهش یابد. در همین چارچوب جنگ میان ایران، و عراق، نزاع سوریه و ترکیه بر سر آب و مسئله کردها قابل تحلیل است.

(۳) گسترش شهرک های رژیم اسرائیل در سرزمین های فلسطین اشغالی فلسطین (کرانه غربی رود اردن) و عربی مانند بلندی های جولان، تا آنها را مقابل امر انجام شده ای قرار دهد که حذف آن دشوار باشد (همان، ۱۳۹۳: ۱۷۰).

استراتژیی اخیر عامل اصلی منازعه میان فلسطین و اسرائیل است. چون فلسطینی ها در وضعیت دشواری قرار گرفته اند که حالا تاکید بر سرزمین از دست رفته شان نمی کنند، بلکه برای مردم فلسطین سرزمین های باقی مانده شان مهم است. چون این کشور اشغالگر هر روز به گسترش شرک های یهودی نشین در سرزمین فلسطینی ها ادامه میدهد. مردم فلسطین با تجهیزات ناچیز و دست خالی مانع این شهرک سازی ها می شوند. هر چند نتیجه موثری نمی دهد اما بلند کردن صدای شان به گوش جهانیان من حیث مردم محروم برای شان اهمیت قابل ملاحظه دارد که توجه سازمان ملل متحد را به این نقطه معطوف دارند. در پی گسترش نفوذ اسرائیل در این منطقه کشور های عربی جنگ های زیادی را مثل جنگ شش روزه با مصر، نبرد کرانه در سال ۱۹۶۸ در اردن، سوریه و لبنان، جنگ رمضان ۱۹۷۳ با مصر رخ داده است (همان، ۱۳۶۶: ۱۹-۲۲).

بن بست حل معضل فلسطین - اسرائیل

فلسطین در دوره پس از جنگ جهانی اول توسط انگلستان اشغال شد و این کشور به عنوان قابله ای برای تولد مستعمره فلسطین توسط یهودیان اروپایی و متعاقب آن به تائیس دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ عمل نمود. به رغم مخالفت تمامی اعراب و تقریباً کلیه دولت های آسیایی - آفریقایی عضو سازمان ملل متحد و تحت تاثیر جریان اروپایی - امریکایی حاکم بر این سازمان، شکل گیری اسرائیل بر حسب رای مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نوامبر ۱۹۴۸ محقق گردید و با این رای ۵۵ درصد خاک کشور به جامعه یهودیان در فلسطین واگذار شد. قطعنامه مذکور اگر چه مبن تقسیم فلسطین است اما شبیه تمامی قطعنامه های وضع شده توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد

پوهنمل نور محمد حشمت

، صرفاً توصیه نامه بوده و ذاتاً فاقد قدرت اجباری است. نکته قابل توجه آن است که اسرائیل و حامیان آن برای توجیه مشروعیت اسرائیل به عنوان یک دولت در قلب جهان عرب همواره به این قطعنامه اشاره می کنند.

اسرائیل در نتیجه آتش بس سال ۱۹۴۹ به دولت های عرب همسایه در گیر در جنگ (النکبه) سر انجام بر ۷۷٪ از کل سرزمین فلسطین سلطه یافت. جنگ یاد شده توسط فلسطینیان نکبت (مصیبت) نامیده می شود، به اخراج هزاران هزار عرب فلسطینی از خانه های شان منجر گردید. مجموعه ای از جنگ های اعراب و اسرائیل که در سال ۱۹۶۷ به اشغال کرانه باختری و غزه توسط اسرائیل انجامید، تداوم اسکان یهودیان در سرزمین های اشغالی فلسطینی و بن بست جاری را به دنبال داشت که چشم انداز راه حل دو دولت در مورد کشمکش اسرائیل - فلسطین را به شدت به مخاطره انداخته است. تا هنگامی که مذاکره بر سر تقسیم احتمالی سرزمین های اشغالی در چارچوب " فرایند به اصطلاح صلح" با حکومت ضعیف خود گردان فلسطین که مواضع رهبری آن به طور کامل در نظر مردمانش بی اعتبار است ادامه دارد و جمعیتی از اشغال ظالمانه و حيله گرانه ای (که به دنبال استعمار باقی مانده سرزمین های فلسطین است) رنج می برد، وضع جاری در فلسطین اشغالی غیر قابل دفاع گردیده است.

این نکته بایستی مورد توجه قرار گیرد که استعمار سرزمین های اشغالی با نقض آشکار حقوق بین الملل صورت پذیرفته است؛ به ویژه کنوانسیون چهارم ژنو که انتقال مردمان قدرت اشغالگر به سرزمین های اشغالی را به گونه ای که موجب تغییر ترکیب جمعیتی این سرزمین ها شود، ممنوع کرده است. در این زمینه بر آورد میشود که در حال حاضر بیش از ۳۵۰ هزار مهاجر یهودی در کرانه باختری و ۳۰۰ هزار نفر دیگر در بیت المقدس شرقی تحت اشغال وجود دارند.

اسرائیل در زمینه گسترش یهودیان در سرزمین های فلسطینی به ویژه پس از آغاز فرایند صلح اسلو در سال ۱۹۹۲ و به طور برجسته بواسطه رای ویتو محافظتی امریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد موفق بوده است. از ۸۳ رای ویتو داده شده توسط امریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد ۵۸ فقره در حمایت از اسرائیل می باشد. سیاست ویتویی یا تحدید به ویتو امریکا در خصوص تمامی قطعنامه های منتقد سیاست های اشغالی اسرائیل باعث حمایت همه جانبه اسرائیل گردیده است، تا این رژیم به استعمار غیر قانونی سرزمین های فلسطینی ادامه دهد (ایوب، ۱۳۹۴: ۵۳-۵۵)

سرسختی اسرائیل در مذاکرات صلح و سیاست های خشن و سرکوب گران آن، بسیاری از مردم فلسطین را به گروه های اسلام گرا نزدیک کرده است. این گروه ها بر این باور اند که سازمان

آزادبخش فلسطین پس از امضای توافقنامه اسلو و پیروی از شیوه گفتگو، مذاکره و معامله با دولت های پیاپی اسرائیل و دادن امتیاز به آنها، تنها توانسته است به اندکی نتایج مورد نظر خود دست یابد. افزون بر اینکه حکومت خود گردان فلسطین در مذاکرات خود با دولت اسرائیل نخواهد توانست قدس شرقی را از اسرائیلی ها باز پس گیرد و آن را به عنوان پایتخت دولت فلسطین تعیین کند، هم چنان که نمی تواند شهرک های اسرائیلی کرانه باختری و نوار غزه را نا بود سازد و آواره گان فلسطینی را از حق بازگشت به سرزمین شان برخوردار کند. علاوه بر همه این ها، نخواهد توانست دولت فلسطینی مستقلی تشکیل دهد که از حق حاکمیت ملی برخوردار باشد، چه آنکه این دولت در صورت شکل گیری نیز از جنبه های مختلف زیر نفوذ و نظارت مستقیم یا غیر مستقیم اسرائیل خواهد بود (ولدانی، ۱۳۹۴: ۱۲۸).

پایان راه حل دو دولت

بدیهی است که چنین راه حلی بیش از هر دوره دیگری جاذبه اش را برای فلسطینیان و اسرائیلیان به طور یکسان از دست داده و با چرخش فزاینده افکار عمومی اسرائیل به سمت جناح راست و تصمیم افراد قدیمی فتح و مهم تر از همه محمود عباس مبنی بر تغییر صحنه نمایش، چشم انداز دولت فلسطینی در کنار اسرائیل به سرعت در حال نا پدید شدن است. نفتالی بنت وزیر اقتصاد اسرائیل و رهبر حزب ملی گرا رادیکال خانه یهود، عقیده حاکم بردولت کنونی اسرائیل را به طور صریح در جملات ذیل جمع بندی نمود. (اندیشه تأسیس یک دولت فلسطینی در سرزمین اسرائیل به بن بست رسیده است. در تاریخ اسرائیل هرگز تعداد قابل ملاحظه ای از افراد اثری زیادی صرف امور بیهوده نکرده اند. مهمترین نکته در خصوص سرزمین اسرائیل ساختن و ساختن جهت اسکان یهودیان است).

چنین دیدگاه هایی که در درون اسرائیل و به طور خاص تر درون حکومت اسرائیل گسترش یافته است، احتمال وقوع جنگ داخلی در سراسر ناحیه در برگیرنده اسرائیل و سرزمین فلسطینی تحت اشغال را به همراه دارد. به نظر می رسد که علت اصلی در حال اشکار شدن است: وجود تنها یک دولت در منطقه ای که موسوم به قیمومیت بریتانیایی فلسطین بود. احتمالاً این دولت مبتنی برتری یهودیان و زیردستی فلسطینیان، به عبارت دیگر آپارتاید، خواهد بود. انتظار می رود که این طرح باعث افزایش درگیری ها شود، زیرا اعطا حقوق مدنی و سیاسی برابر به تمامی شهروندان آن بدان معنا خواهد بود که دولت، حتی اگر در ادامه اسرائیل نامیده شود، ویژگی منحصر به فرد یهودی اش را از دست خواهد داد، از این رو اهداف و دست آورد های صهیونیست نقض می گردد.

نتیجه ای که برای اکثریت قابل ملاحظه ای از جمعیت یهودیان اسرائیل قابل قبول نیست. یک دولت آپارتاید که به احتمال قوی نتیجه غایی سیاست های اسرائیل خواهد بود، دستورالعملی قاطع برای درگیری دائمی بین دو ملت ساکن در سرزمین بین رود خانه اردن و دریای مدیترانه خواهد بود. این وضعیت احتمالاً با تحقیر بین المللی و همچنین طرد جهانی اسرائیل ها می شود- بر آینده که حتی ایالات متحده به رغم قدرت و تو خود در شورای امنیت سازمان ملل متحد قادر به پیشگیری از آن نخواهد بود. علاوه بر این، درگیری درون اسرائیل دو ملیتی و در عین حال آپارتاید احتمالاً از مرزهای آن فراتر می رود و موجب شکل گیری یک تنش یا مجموعه ای از تنش های منطقه ای بزرگ می گردد. با توجه به خود داری اکید اسرائیل از توقف روند استعماری یهودیان در سرزمین های فلسطینی چنانچه نمایشنامه کشور دو ملیتی اجرایی گردد، خاور میانه گامی بزرگ به سوی انفجار بر خواهد داشت. می توان انتظار داشت که این وضعیت نتایج بسیار زیان بخش برای ایالات متحده آمریکا و دیگر قدرت های غربی داشته باشد که منافع استراتژیک و اقتصادی فراوانی در منطقه دارند؛ زیرا آنها به عنوان حامیان و دوستان اسرائیل در خاورمیانه دیده میشوند و براساس دلایل آشفته گی اعراب را مشروع می سازند (همان اثر، ۱۳۹۴: ۷۰-۷۱).

در حالیکه عده ای بر این باور اند که ایجاد دو دولت یگانه راه حل معضل است. باوجودیکه توسط فلسطینی ها و اسرائیل در سطح جهان و کشور های خاورمیانه پذیرفته نشده است. این راه حل توسط حمایت وسیع بین المللی از جمله آمریکا، اتحادیه اروپا سازمان ملل متحد می باشد. از آنجائیکه انعکاس این موضوع مذاکرات است. بعضی ناقدین به این باور اند که با توجه به وضعیت فعلی سیاست داخلی درجوامع اسرائیل و فلسطین برای رسیدن به یک توافق صلح مشکل است. هرچند، از جریانات و درک وضعیت بعد از ۱۹۸۸ چنین معلوم می گردد که ایجاد دو دولت یگانه راه حل مشکلات است (Berger, 2010: 2).

بعضی نویسندگان بر این باور اند که ریشه موانع صلح میان اسرائیل و فلسطین بر می گردد بر سرگذشت، ارزش ها، فرهنگ ها، ادیان و دیدگاه های مردم هر دو طرف. هم چنان ریشه این موانع ارتباط می گیرید به موانع سیاسی و حقایق استراتژیک (Bar-Siman-Tov, 2010: 20).

یافته ها و نتایج تحقیق

۱. ریشه منازعه فلسطین و اسرائیل بر می گردد به کشور های استعماری، به خصوص انگلستان که با کاشتن تخم نفاق در این منطقه، بر تشدید منازعه طی سالیان متمادی افزود.

۲. یافته نشان می دهد که یک عامل عمده منازعه، مذهبی بودن همین منطقه جغرافیایی است که یهودیان و مسلمانان به خاطر ارزش مذهب، در طول تاریخ با هم جنگ کرده اند.
۳. یافته ها نشان می دهد که منازعه اسرائیل و فلسطین ختم شدنی نیست. وقتی منازعه ختم می گردد که یک طرف منازعه از منطقه نابود گردد.
۴. یافته ها نشان می دهد که یک راه حل، ایجاد دو دولت است. هر دو طرف منازعه در این منازعه از خود خویشتن داری نشان بدهند.

مناقشه

با توجه به نتایج بدست آمده چنین تعبیر می شود که در منازعات فلسطین - اسرائیل، سازمان ملل متحد باید نقش بی طرفانه را می داشت که معضل این دو کشور بطور عادلانه پایان می یافت. اما این سازمان نیز نتوانست این ملت ها را به اساس قواعد حقوق بین المللی عمومی به حقوق شان برساند، در صورتی که منازعات حل نگردد، اسرائیل منحنی یک قدرت بزرگ منطقه با دندان های هستوی تهدید بزرگ برای جهان اسلام خواهند بود.

امروزه مسئله فلسطین نه تنها مسئله جهان اسلام، بلکه دغدغه همه کشورهای جهان است. به سخن دیگر، اگر در میان کشورهای اسلامی با نگاهی اسلامی یا ناسیونالیستی به این کشور وجود دارد، در میان سایر کشورهای جهان به ویژه کشورهای اروپایی و آمریکایی نگاه امنیتی به این کشورها و منازعات موجود بر سر آن، حاکم است. بدون شک نویسندگان در علوم سیاسی موضوعات مختلف را با توجه به نظریات و راهکارهای قبلی مورد تفسیر و تعبیر قرار می دهند.

نتیجه گیری

منازعه اسرائیل و فلسطین یکی از منازعات بزرگ در منطقه خاور میانه است. این منازعه ریشه در تاریخ این سرزمین دارد. هرچند این سرزمین از لحاظ مساحت بزرگ نیست اما از نقطه نظر موقعیت استراتژیک (تجارتی و اقتصادی) و گسترش مذاهب چون یهودیت، عیسویت و اسلام برای یهودیان، مسیحیان و مسلمانان ارزش قابل ملاحظه داشته است. چون پیروان این مذاهب به نوبه خویش این سرزمین را محل موعود آبا و اجداد شان می دانند.

سرزمین فلسطین با ایجاد دولت اسرائیل توسط بریتانیا بر اساس استعمار بیشتر محل منازعه قرار گرفت. منازعه این دو کشور در قرن ۲۱ منازعه منحصر به فرد این دو کشور نیست بلکه قدرت های بزرگ منطقه، غرب و شرق درگیر این منازعات هستند. جنگ های صلیبی، جنگ های اعراب بر علیه اسرائیل همه گواه این حقیقت است. در منازعه فلسطین - اسرائیل پای کشور های آمریکا،

روسیه ، ایران ، ترکیه و کشورهای عربی دخیل بوده است. با توجه به منافع هر کدام این کشور ها این دو ملت منحيث مهره ها و محور اصلی تمام بازی ها قرار گرفته اند. کشور اسرائیل منحيث بزرگترین عامل فشار بر علیه ایران ، سوریه و کشورهای عربی مورد استفاده قرار می گیرد. بدون شک حکومت خود گردان فلسطین نیز منحيث یک ابزار مهره دست کشور های خاورمیانه است. اما این یک حقیقت است که احزاب فلسطینی (جهاد اسلامی، حماس و فتح) منحيث مدافعین سرزمین ملت شان، مبارزات آزادی خواهی را انجام داده اند.

پیشنهادات

۱. بی طرفی شورای امنیت سازمان ملل متحد در پروسه های صلح منازعه اسرائیل - فلسطین.
۲. تاکید کشورهای عربی بر آوردن ثبات در منطقه خاور میانه از طریق دیپلماسی فعال با آمریکا.
۳. برجسته شدن و حضور فعال سازمان کنفرانس اسلامی در تحقق صلح این دو کشور.
۴. به رسمیت شناختن فلسطین به عنوان یک کشور مستقل توسط سازمان ملل متحد.
۵. قضاوت عادلانه کشورهای میانجیگر در قسمت تعیین مرزهای این دو کشور.
۶. اتحاد و همبستگی جنبش های آزادیخواه و ایجاد یک دیدگاه واحد به خاطر رفتن به میز مذاکرات.
۷. این تحقیق می تواند، مسیر تحقیقات بیشتر را پیرامون موضوع باز کند.
۸. اگر نویسندگان حوزه خاورمیانه که دسترسی به مردم و موقعیت جغرافیایی دارند، تحقیقات میدانی را انجام بدهند ممکن موثریت آن بیشتر باشد. با انجام تحقیقات میدانی، نویسندگان خاور میانه می توانند حقایق بیشتر را دریافت کنند. دریافت حقایق منجر به تعمق پیرامون راه حل های مناسب خواهند گردید.

منابع

۱. ایوب، محمد. (۱۳۹۴). خاورمیانه از فروپاشی تا نظم یابی، ترجمه مهدی زیبایی و سجاد بهرامی مقدم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. حمیدی، سید جعفر. (۱۳۶۴). تاریخ اورشلیم (بیت المقدس)، تهران: چاپخانه ی سپهر.
۳. دورانت، ویل. (۱۹۵۳). تاریخ تمدن، ترجمه احمد بطحائی و همکاران، تهران: چاپ دوم (۱۹۹۹).
۴. شیرازی، ابوالحسن حبیب الله و دیگران. (۱۳۹۳). سیاست و حکومت در خاور میانه، تهران: سمت.
۵. عزتی، عزت الله. (۱۳۹۳). ژئوپولیتیک، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت).
۶. کیالی، عبدالوهاب. (۱۳۶۶). تاریخ نوین فلسطین، ترجمه ی محمد جواهر کلام، تهران: چاپ سپهر.
۷. مفلح، محمد مختار. (۱۳۹۰). دورحم بر یک پیکر از کابل تا قدس: انتشارات کابل.
۸. ولدانی، اصغر جعفری. (۱۳۹۴). چالش ها و منازعات در خاور میانه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
9. Bar-Siman-Tov, Y. (2010). Israeli-Palestinian Conflict, The Jerusalem Institute for Israel Studies: Jerusalem.
10. Berger, A & others. (2010). Israel and Palestine- Two states for Two Peoples if not Now, When, Boston Study Group on Middle East Peace.
11. Kornedtsky, J. (2010). Socio-Psychological Discussion of the Evolution of the Israeli-Palestinian Conflict. <https://www.academkia.edu>.
12. Manusama, K. (2013). 'Law fare' in the Conflict between Israel and Palestine? , Amsterdam law Forum.
13. https://www.academia.edu/54562267/_Lawfare_in_the_Conflict_between_Israel_and_Palestine?sm=b.
14. Cannon. (2022). Literature Review of Humanization in Conflict Mediation: Case study of Israel and Palestine. https://www.academia.edu/76169214/Humanization_in_Conflict_Resolution_Case_Study_of_Israel_and_Palestine.

پوهنمل نور محمد حشمت

بررسی جرم اختلاس و مجازات آن در احکام شریعت اسلام و کد جزای ۱۳۹۶ هـ ش افغانستان

پوهنیار عبدالمالک صدیقی^(۱)*

پوهنمل زمری محمدی^(۱)

(۱) استاد پوهنځی حقوق و علوم سیاسي، پوهنتون البیروني.

(۱)* نویسنده مسؤول: ایمیل: afghanm462@gmail.com - تلفون: +۹۳۷۸۷۷۱۰۵۱۵

چکیده

جرم اختلاس نوع جرمی است که از جانب اشخاص بر علیه مال دولت و یا مال عام صورت می‌گیرد و به گونه‌ای اتفاق می‌افتد که صاحب مال توسط همدم اش غافل گردیده و بدین وسیله مالش را می‌رباید. وطوری که همه می‌دانند جرم اختلاس در این اواخر بیشتر از گذشته متداول گردیده است و سر زبان‌های خاص و عام قرار گرفته و مؤلفین دولتی بیشتر از افراد عادی دست به چنین جرمی می‌زنند؛ لذا جرم اختلاس، از آنجایی دارای اهمیت است که عصب حیات خوانده شده و همچنان دین مبین اسلام تجاوز بر مال و بالاخص مال عام را حرام قرار داده و این پدیده از سوی جامعه جهانی نیز به حیث جرم شناخته شده و در قوانین جزایی کشور ما به خصوص کد جزای ۱۳۹۶ هـ ش، به مثابه یک جرم عادی با آن برخورد صورت گرفته، ولی ازین که جرم اختلاس از جمله جرایم فلج کننده اقتصاد کشورها است و در وطن ما به کثرت اتفاق می‌افتد، لذا مستلزم دقت کافی و تشخیص راهکارهای مبارزه مناسب با این پدیده می‌باشد که در این راستا با توجه به قوانین کشور، بی میلی مقنن ما را هویدا می‌سازد. و قابل ذکر می‌دانم که در نگارش این مقاله، به حقوق معنوی دیگران احترام و با حفظ امانت‌داری علمی و به روش-کتابخانه‌یی روی موضوع بحث خواهم نمود.

واژه های کلیدی: اختلاس، جرم، حکم قانون، حکم شرع، مال عام، مجازات.

Abstract

The crime of embezzlement is a type of crime committed by individuals against the property of the government or the public property and is committed in such a way that the owner of the property is neglected by his companion and steal their property. . As everyone knows, the crime of embezzlement has recently become common and special topic, and government officials commit it more than ordinary people. Therefore, the crime of embezzlement and property is important because it is called the usurpation of life, and the religion of Islam prohibits trespassing on property, especially public property, and this phenomenon is recognized as a crime by the international community and is reflected in international legal document , and in the criminal laws of our country, especially the penal code of 2016 -1396, it is treated as a normal crime , but crime of embezzlement is one of the crime that cripples the economies of countries and it happens in our homeland excessively. Therefore, it requires sufficient precision and recognition of suitable strategies to combat this phenomenon, which in this regard according to the laws of the country, the reluctance of legislators are revealed and for this reason, we don't have a suitable mechanism to get rid of it or at least prevent its ever increasing scope. In writing this article, a library research method is conducted to investigate the subject by considering the spiritual rights of others and preserving the scientific trusteeship.

Keywords: embezzlement, crime, law, religious law, public property, punishmen

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، والعاقبة للمتقين، ولا عدوان إلا على الظالمين، والصلاة والسلام على المبعوث رحمة للعالمين، محمد بن عبدالله الصادق الأمين، وعلى آله وصحبه أجمعين، وعلى التابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

پدیده جرم یکی از خطرناک‌ترین پدیده‌های اجتماعی است که تهدید کننده‌ای ارزشها، امنیت و حیات انسان محسوب می‌شود. بناء دین مبین اسلام و علمای حقوق جزا، بر این موضوع اهتمام زیاد داشته‌اند. نگارنده بحث را پیرامون جرم اختلاس از دیدگاه شریعت و کد جزای سال ۱۳۹۶هـ افغانستان متمرکز نموده است، زیرا اکثر افراد که در دولت کار می‌کنند از حرمت این عمل بی‌خبر بوده و مال دولت را به مثابه مال خود دانسته و آن را مصرف می‌نمایند. آنچه هویدا است این که تجاوز بر مال عام یا دولت به وسیله جرم اختلاس گراف صعودی داشته و اذهان جامعه را جریحه دار ساخته و افرادی را که در دستگاه دولت کار می‌کنند، نزد مردم بی‌اعتبار ساخته و از این ناحیه فاصله بین دولت و مردم را ایجاد می‌نماید بناءً در این مقاله حرمت مال دولت (بیت المال) از دیدگاه شریعت شرح و توضیح گردیده تا جلو انجام چنین اعمال گرفته شود.

بیان مسأله: طوری که مبرهن است، اختلاس از جمله جرایم علیه مالکیت دولتی و بعضاً خصوصی به حساب می‌آید؛ از اینکه پدیده اختلاس در ادوار مختلف تاریخ اضرائی را متوجه جوامع بشری اعم از دینی و غیر دینی نموده است؛ کشور افغانستان نیز از این امر مستثنا نبوده و اضرائی زیادی را در عرصه‌های مختلف مادی و معنوی از این ناحیه متقبل گردیده است. چنانچه از لحاظ معنوی از آن جایی که در گزارشات معتبر ملی و بین‌المللی به نشر رسیده است، کشور ما از جمله فاسدترین کشورهای جهان معرفی گردیده و از این ناحیه اعتبار آن در سطح منطقه و جهان متأثر و خدشه‌دار گردیده است. علاوه بر آنچه ذکر گردید، از لحاظ مادی نیز پیامدهای ناگوار جرم متذکره در عمل عواقب زشت اقتصادی، اجتماعی و غیره... را، هم برای دولت و هم برای ملت، به بار آورده است. بنابراین با در نظر داشت مشکلات موجوده ایجاب می‌نماید تا اضرائی و خطرات اختلاس به شیوه‌های مختلف و با استفاده از

پوهنیار عبدالملک صدیقی

وسایل متعدد و به ویژه طی تحقیقات علمی و اکادمیک بازتاب یابد، اما تا جایی که دیده می‌شود، در کشور ما در این رابطه تحقیق لازم صورت نگرفته است، لذا لازم دانسته می‌شود تا از طریق انجام تحقیق و کار علمی شناخت بیشتر و اثرات منفی آن به آگاهی افراد جامعه رسانیده شود، تا باشد بدین وسیله جلو خطرات احتمالی آن گرفته شده و از اموال عامه (بیت المال) حمایت لازم صورت گیرد که تحقیق حاضر در همین راستا صورت گرفته است.

هدف اصلی تحقیق: بررسی جرم اختلاس و بازتاب آن در احکام دین مقدس اسلام و قانون جزای افغانستان و روی کرد عملی آن در کشور.

اهداف فرعی تحقیق

۱- شناسایی عارضه‌های قانونی با درنظر داشت تغییر نوع جرم و شرایط.

۲- ایجاد یک نوع هماهنگی و مطابقت روی کردهای عملی و نظری.

۳- معرفی جرم اختلاس و انواع آن.

۴- باز خورد به مجریان قانون.

پیشینه موضوع

به باور همگان اختلاس اموال دولت یکی از موضوعات بی‌نهایت چشم گیر و قابل توجه بوده که در اعصار قدیم حکام و سلاطین چه دینی و یا غیر دینی بخاطر حفظ و نگهداشت مال دولت قواعد و اصولی را وضع نموده بودند به گونه مثال یکی از جرایم مروج در ادوار قدیم خیانت در امانت است که تمامی ادیان سماوی پیروان خود را به رعایت آن سفارش کرده‌اند. درین زمینه دین مبین اسلام نیز در قدم نخست، موضوع گیری جدی و سخت گیرانه تری را اتخاذ نموده که در کتب و منابع دینی می‌توان عنوانی را به این نام پیدا کرد مثلاً در کتاب موسوعه فقه اسلامی و قضایای معاصر و تشریع جنایی اسلام و هم- چنان به یقین می‌توان گفت که در اکثر نزدیک به تمام قوانین جزایی کشورهای جهان چه اسلامی و چه غیر اسلامی بحثی راجع به این مسأله می‌توان یافت که از جمله کد جزای سال ۱۳۹۶ افغانستان و قانون جزای سال ۱۳۵۵ افغانستان را می‌توان نام برد. ولی به رغم مطالعه و بررسی منابع داخلی در حد دسترس

چیزی در سطح مقاله و یا رساله وجود ندارد بنابراین در این مقاله کوشش صورت گرفته که موضوع جرم اختلاس را مطابق به قوانین جزایی افغانستان و آموزه‌های دینی یکجا به بحث و بررسی گرفته و راهکار کارهای ای را که و مشکل فعلی اقتضا می‌نماید به رخ قانون‌گزاران کشور کشانیده شود.

اهمیت موضوع: مال در زندگی انسان‌ها نقش قابل ملاحظه‌ای را ایفاء می‌نماید و در موجودیت و عدم موجودیتش زندگی انسان را متحول می‌سازد، لذا انسان‌ها به خاطر به دست آوردن آن فراز و فرودهای را در طول حیات خود به تجربه می‌گیرند و در تحصیل آن نسبت به دیگر بخش‌های زندگی تلاش می‌ورزد و در از دست دادنش بقای خود را در اضمحلال و تلاطم می‌بیند. و بطور فشرده می‌توان اهمیت بحث را در چند مورد خلاصه نمود:

۱- حفاظت از مال عام و عدم اختلاس آن وجیهه دینی و اسلامی هر فرد جامعه بوده چنانچه پیغمبر اکرم صلی الله علیه وسلم چنین فرموده:

(إِنَّ رَجُلًا يَتَخَوَّضُونَ فِي مَالِ اللَّهِ بِغَيْرِ حَقٍّ، فَلَهُمُ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ) رواه بخاری.

۲- مال دولت مال عام مردم است و اختلاس و سوء استفاده آن خیانت ملی به شمار میرود.

۳- جرم اختلاس از جمله جرایم مالی است و یک جرم عالم گیر می‌باشد که می‌تواند اقتصاد یک جامعه را فلج کند.

۴- مال از دید آموزه‌های قرآنی فضلی و نعمت الهی است و در مورد اهمیت آن خداوند (ج) چنین می‌فرماید: ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا ۖ وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ [النساء: ۵-۴] .

سوالات اصلی تحقیق

۱- اختلاس یعنی چه؟

سوالات فرعی تحقیق

۱- زمینه‌های جرم اختلاس چه است؟

پوهنیار عبدالملک صدیقی

۲- رول شخصیت‌های حکمی در ارتکاب جرم اختلاس چه خواهد بود؟

فرضیه‌ها

۱- عموماً احتمال دارد اختلاس علیه مالکیت‌های عامه صورت گیرد.

۲- امکان دارد شخصیت‌های حکمی یکی از مرتکبین اختلاس باشند.

۳- شیوه‌های مبارزه با جرم اختلاس.

روش تحقیق

این تحقیق به اساس روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته نخست به توصیف موضوع اهتمام شده و سپس به تحلیل و بررسی آن تمرکز شده و اطلاعات از طریق روش کتابخانه‌ای گردآوری گردیده است.

جرم اختلاس

تعریف جرم اختلاس

اختلاس در لغت به معنای پول ربائی می‌باشد و نیز بالا کشیدن پول را بیان می‌دارد. (انصاف پور، ۱۳۸۴هـ: ۳۲) و یا برداشتن مال غیر از طریق خدعه. (لنگرودی، ۱۳۸۰هـ: ۱۹) و نیز توسط علمای حنفی چنین تعریف شده است: کسی که مال غیر را به زورنگی بریاید و یا اختطاف نماید. (أبو الحسن، ۱۳۹۹هـ: ۲۰۸).

تعریف اختلاس اصطلاحاً

ربودن چیزی از خانه و فرار نمودن همراه آن از نزد مالک آن. (ابن همام، ب ت: ۳۷۳) گرفتن مال به طور علنی به نیت فرار. (البکری، ۱۳۰۰هـ: ۱۵۹) علمای مالکی اختلاس را این گونه تعریف نموده اند: گرفتن و یا ربودن مال بدون نگهداری. (جزی الکلبی، ب ت: ۲۳۶) اختلاس عبارت از اینست که غافل ساختن صاحب مال توسط مختلس و ربودن مالش درحالی که همدم مختلس باشد و شامل می شود قایم مقام را مثل وکیل. (الدسوقی، ۱۴۳۵هـ ق و ۲۰۰۵م: ۵۳۱).

پوهنیار عبدالمالک صدیقی

و علمای شافعی اختلاس را به این شکل تعریف نموده اند: کسی که مالی را به طور عیان گرفته و فرار نماید مثل کسی که دست خود را بطرف منديل شخص دیگری دراز نماید و آنرا به قبضه خود در آورد. (النووی، ب ت : ۷۵/۲۰).

و علمای حنابلہ هم به نوبه خود اختلاس را طور ذیل تعریف نموده اند: نوعی از ربودن و فرار کردن است. (ابن قدامه، ۱۴۰۵ هـ ق: ۲۳۵) و مختلس کسی است که مالی را با خود بگیرد و قبل از گرفتن آن از آن آگاهی داشته باشد. (ابن تیمیه ۱۴۱۹ هـ ق: ۸۲).

حکم اختلاس

حرام گردانیده شده اختلاس به دلایلی از قرآن و سنت.

﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ أَفَمَنْ أَتَّبَعَ رِضْوَانُ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوِلُهُ جَهَنَّمُ وَبَنَسَ الْمَصِيرُ﴾ [آل عمران: ۱۶۲]

و نیست ممکن برای نبی که خیانت کند و کسی که خیانت کند پس آن چیز را روز قیامت با خود می-آورد. باز پوره داده شود هر نفسی را آنچه او کسب کرده است. و بالای هیچ کسی ستم کرده نمی شود.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَلٌ طَيِّبٌ ۚ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ [البقرة: ۱۶۸]

ای مردمان بخورید از آنچه در زمین است حلال پاکیزه و پیروی نکنید گام های شیطان را هر آئینه شما را دشمن آشکار است.

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبُطْلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقٌ مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۸]

و نخورید مال های خود را در بین خود به ناحق و رسانید آن مال را به سوی حاکمان تا بخورید یک حصه از مال های مردم به ستم و حال آنکه شما می دانید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحْمِلُوا ظُيُوتَ مَا أَحْلَى اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ [المائدة: ۸۷]

پوهنیار عبدالملک صدیقی

ای مومنان حرام مکیند آن پاکیزه اشیاء آنچه حلال کرده خداوند برای شما واز حد مگذرید هر آئینه خدا دوست نمی دارد از حد گذرندگان را.

دلایل از سنت

از جابر بن عبد الله رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در خطبه نماز کسوف فرمود: «ما من شیء توعدونه إلا قد رأیته فی الصلواتی هذه، لقد جئ بالنار، وذلکم حین رأیتمونی تأخرت مخافة أن یصیبنی من لفحها، وحتى رأیت فیها صاحب المحجن یجر قصبه فی النار کان یسرق الحاج بمحجنه، فإن فطن له قال: إنما تعلق بمحجنی، وإن غفل عنه ذهب به ...» رواه مسلم

از خوله انصاری نیز روایت است که گفت: شنیدم از رسول الله صلی الله علیه وسلم که گفت: «إن رجالا يتخوضون فی مال الله بغير حق، فلهم النار يوم القيامة» رواه البخاری

انواع جرم اختلاس

چنانچه علماء تعریف نموده اند اختلاس عبارت از این که دارنده مال سؤ استفاده نماید از مال پس او را برباید و بسرعت فرار نماید به صورت علنی، پس او کسی است که دست به فرار می زند. (زحیلی، ۱۴۳۸هـ: ۴۳)

تجاوز بر مال به ده نوع تقسیم می شود. که تمام آن حرام قرار داده شده.

۱- راه گیری ۲- غصب ۳- سرقت ۴- اختلاس ۵- خیانت ۶- اذلال ۷- تبهکاری در نزاع و دشمنی به انکار حق و دعوی باطل ۸- قمار ۹- رشوت ۱۰- فریبکاری و زبان تیزی. وهم چنان سرقت از لحاظ تعزیر بدو نوع است. (الغرناطی، ۱۴۳۴هـ: ۵۴۲)

اول: شامل تمام سرقت های می شود که مستحق حد می باشند و زمانی که شروط حد در آنها تکمیل نشد به اثر واقع شدن شبهه مانند مال اولاد و گرفتن مال مشترک و این مهم نیست که سرقت کوچک باشد یا بزرگ. (عوده، ۱۴۳۴هـ: ۴۳۴).

پوهنیار عبدالمالک صدیقی

دوم: این نوع سرقت شامل گرفتن مال غیر بدون خفیه و با وجود آگاهی متضرر و بدون رضایت او و بدون جبر و اکراه می‌شود؛ مانند اختلاس، غصب و به غارت بردن می‌باشد.

مجازات جرم اختلاس

مجازات جرم اختلاس عبارت اند از

۱- اعاده مال اختلاس شده از نزد مختلس در صورت امکان.

۲- تعزیر مختلس توسط قاضی آنچه مناسب حال مجرم باشد و قاضی می‌تواند که مجرم را حبس کند، دره بزند و یا شکنجه نماید. (البغدادی، ۱۴۲۹هـ.ق: ۵۰۴).

در معنای جرم اختلاس علماء اختلاف نظر دارند و اختلاس نزدیک به سرقت است و فرق بین مجازات سرقت و اختلاس از نظر فقهاء در چه می‌باشد؟ وطوری که قبلاً ذکر گردید سرقت به صورت عموم به دو نوع می‌باشد، یک سرقتی که مجازاتش حد است و دوم سرقتی که مجازاتش تعزیر است، و اختلاس از جمله جرایمی است که بالای آن تعزیر واجب می‌گردد. و شریعت اسلامی برایش حد تعیین ننموده است و مجازات آنرا به صلاحیت قاضی و اولی الامر گذاشته است. (عوده، ۱۴۳۴هـ.ق: ۴۳۵).

روی مجازات مختص به اختلاس از دیدگاه شریعت اسلامی به معنای فقهی آن و غل به معنای قانونی آن بحث خواهم نمود. درین زمینه سه قول از طرف علماء وجود دارد.

قول اول: رای جمهور اینست که دست مختلس قطع نشود و استدلال به این حدیث رسول الله صلی علیه وسلم دارند که می‌گوید: به این « لیس علی خائن ولا منتهب ولا مختلس قطع ». (سنن أبو داود، ب ت: ۲۳۸ رقم ۴۳۹۳).

وهم چنان از علی بن ابی طالب رضی الله عنه وارد است که می‌گوید: « لیس علی المختلس قطع » (عبد الرزاق، ۱۴۰۳هـ.ق: ۲۰۹).

قول دوم: اینست که باید دست مختلس باید قطع گردد و این قول ایاس بن معاویه است. (الرفاعی، ۱۴۳۷هـ.ق: ۳۴۱).

پوهنیار عبدالملک صدیقی

وایاس بن معاویه چنین استدلال می‌نماید «إن المختلس يستخفي بأخذه؛ فيكون سارقاً». (الشيباني، ۱۴۰۵ هـ ق: ۱۸۶).

وقول سوم: اینست که اگر مختلس به طور علنی وبدون خفیه از مردم اختلاس نماید دستش قطع نمی‌گردد و اگر مختلس در غیاب انتظار عامه یعنی به طور خفیه و پنهان دست به عمل اختلاس زد پس بالایش قطع دست لازم می‌گردد و این قول ابن حزم است. (البغدادی، ۱۴۲۹ هـ ق: ۵۰۲).

قول راجع: از بیان آنچه که گذشت قول راجع همان قول جمهور است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: لیس «علی خائن ولا منتهب ولا مختلس قطع» و این یک نص واضح است درین مورد. والله تعالی اعلم

اختلاس در کد جزای افغانستان

کد جزای افغانستان در فصل دوم باب چهارم خود این مسأله پرداخته و جزای را نیز پیشینی نموده است که ذیلاً به توضیح آن می‌پردازیم.

مفهوم اختلاس

کد جزا سال ۱۳۹۶ هـ در ماده ۳۸۸ خویش بعضی اعمال و حرکاتی را به حیث جرم اختلاس شناخته و بیان می‌دارد: «هرگاه مؤظف خدمات عامه یا مؤظف مؤسسه غیر دولتی، مؤسسه خصوصی یا جمعیت که از طرف دولت یا مؤسسه غیر دولتی یا خصوصی به انجام خدمات عامه استخدام شده یا خدمات عمومی را انجام می‌دهد یا مؤظف یکی از نهادهای خصوصی، وجوه، اوراق بهادار یا دارایی مرجع مربوط یا شخصی را که به حکم وظیفه به وی سپرده شده یا مکلف به اداره و حفاظت آن باشد، بدون حق، تحت تصرف مالکانه خود در آورد یا آن را از حساب مرجع مربوطه یا شخص به نفع خود یا شخص دیگری خارج یا پنهان یا حیف و میل نماید، مرتکب جرم اختلاس گردیده.» (کد جزا، ۱۳۹۶ هـ ش: ماده ۳۸۸)

پوهنیار عبدالمالک صدیقی

در نخست لازم دانسته می‌شود که مؤلف عامه را شناخت و به پاسخ این سوال پرداخت که چی کسی را موظف عام گفته می‌شود؟

در پاسخ باید گفت موظف خدمات عام طبق دستور ماده ۴ بند سوم کد جزای سال ۱۳۹۶ هـ شخصی است که به اجرای خدمات عامه توظیف گردیده و شامل اشخاص ذیل می‌باشد.

- کارکن دولت، تصدیها و شرکت‌های دولتی.

- کارکن مؤسسه‌های عامه یا تشبثاتی که خدمات عامه را انجام می‌دهند.

- اعضای ارگان‌های دولت و اعضای نهادهای انتخابی.

- قاضی، سارنوال، وکیل مدافع، حکم، اهل خبره و سایر اشخاصی که تصدیق شان معتبر دانسته شود.

- شخصی که رسماً به انجام خدمات عامه موظف شده باشد.

بناء مقصد از اختلاس ماده ۳۸۸ کد جزا اینست که مؤلف عامه و یا اشخاص فوق الذکر، مالی را که تحت حيازت و یا مالکیت وی به حکم وظیفه سپرده شده، که به آن حيازت ناقصه گفته می‌شود، آنرا به مالکیت تام تبدیل نموده و در آن تصرف مالکانه نماید، و جرم اختلاس واقع می‌شود به انجام هر فعل و یا تصرفی که دلالت کند به تغیر حيازتش از ملکیت ناقصه به ملکیت تامه و مال در این صورت ملکیت شخصی او محسوب می‌شود، چنانچه اگر بخاطر فروش یا گرو عرضه نماید و یا بفروشد یا گرو بدهد نیز جرم اختلاس را مرتکب شده است.

و هم چنان ماده ۳۸۹ کد جزا بعضی از اعمال را در زمره جرم اختلاس دانسته و می‌نگارد « هرگاه موظف خدمات عامه یا موظف مؤسسه غیر دولتی یا مؤسسه خصوصی یا جمعیت که در یک قرار داد یا سنجش یا تثبیت یا تحصیل محصول گمرکی، مالیات یا حقوق دولت یا مرجع مربوط مکلف به تأمین منفعت اداره مربوط باشد، حقوق مرجع مربوطه را به نفع خود یا شخص دیگری عمداً متضرر یا مختل سازد. عمل وی در حکم اختلاس شناخته شده، مرتکب با نظر داشت ضرر وارده بر منافع عامه مطابق احکام مندرج این فصل، مجازات می‌گردد.»

موضوع اختلاس

از متن ماده ۳۸۸ فهمیده می‌شود که موضوع مال مورد اختلاس منحصر به مال دولت نبوده، و شامل مال افراد خصوصی نیز می‌شود، پس گفته می‌توانیم که هر مالی که به سبب وظیفه به شخص تسلیم داده شده باشد، و به حفاظت و حیات از آن مکلف دانسته شده باشد فرقی نمی‌کند که مال دولت باشد و یا مال شخص، موضوع جرم اختلاس پنداشته می‌شود، و در عین حال در این ماده قانون واضح نشده که تکلیف اشخاص غیر موظف که شریک چنین جرم باشند چه خواهد شد؟ یعنی به این معنی که آیا مثل موظف عام مجازات خواهند شد و یا این که نوع جرمش اختلاس خواهد بود و یا خیر؟ و هم چنان موضوع جرم اختلاس طوری که در ماده فوق بیان شد شامل وجوه، اوراق بهادار یا دارائی می‌شود، با توجه به تعریف وجوه یا دارائی که در بند دوم ماده سوم قانون جلوگیری از پول شوئی و عواید ناشی از جرایم شده که در آن این گونه آمده است «وجوه و یا دارائی‌ها: هر نوع دارائی مادی و غیر مادی، منقول و غیر منقول، عینی و غیر عینی، مشروع و غیر مشروع و اسناد یا وسایل بشمول الکترونیکی یا دیجیتلی است که مالکیت یا داشتن منافع در چنین وجوه یا دارائی‌ها را ثابت نموده و طور نامقید شامل حواله‌های پولی، سهام، اسناد بهادار، اوراق قرضه، برات یا اعتبار نامه (لیتر اف کریدت) تکتانه، مفاد سهم یا سایر در آمد ها یا ارزش ناشی از چنین وجوه یا سایر دارائی‌ها می‌باشد.» پس در این ماده قانون به صورت واضح بیان نگردیده که موضوع جرم اختلاس شامل اموال منقول و غیر منقول می‌شود یا نه. و به همین منوال ماده ۳۹۰ قانون مذکور از افعالی یاد کرده که مرتکبین آنرا به حیث مختلس قابل مجازات دانسته که قرار ذیل می‌باشد. «هرگاه موظف خدمات عامه با ارایه گزارشات پروژه های خیالی یا ایجاد تشکیلات یا مقرری‌های عاری از حقیقت، به منظور کسب منفعت از بودجه اختصاصی مربوط مبادرت ورزد، عمل وی در حکم اختلاس شناخته شده مرتکب با نظر داشت کمیت و کیفیت جرم مرتکبه مطابق احکام مندرج این فصل، مجازات می‌شود.» با این حال نمونه این گونه از اعمال که در گذشته وجود داشت می‌توان نام برد، مثلاً وزارت معارف وقت بین سالهای ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ خورشیدی که در روز نامه‌های هشت صبح و اطلاعات که جز معتبرترین رسانه‌های وقت بودند به نشر رسیده، مثلاً در ۳۱ جواز

و به همین گونه ماده ۳۹۳ کد جزا بعضی مواردی را به حیث حالت مشدده جرم اختلاس پیش بینی نموده که قرار ذیل است. « هرگاه خزانه دار، تحویل دار، مأمور تحصیلی، صراف، گدام دار، معتمد نقدی یا جنسی یا سایر موظفینی که من حیث وظیفه به حفاظت اشیای اختلاس شده و یا پنهان شده مکلف باشند مرتکب جرم اختلاس گردند، به حداکثر مجازات جرم مرتکبه مندرج این فصل، محکوم می گردند. (کد جزا، سال ۱۳۹۶ ماده ۳۹۳)

طبیعت اموال موضوع اختلاس

باتوجه به متن مواد ۳۸۸ و ۳۸۹ کد جزا واضح می گردد که مقنن کشور ما موضوع جرم اختلاس را منحصر به مال عام ندانسته بلکه بر خلاف قوانین بعضی کشور ها اموال افراد خصوصی را نیز شامل می- شود، چنانچه در صفحات گذشته متن مواد قانون ذکر گردید، و در آن آمده است که موظفین خدمات عامه یا مؤسسات خصوصی یا جمعیت که از طرف دولت به خاطر انجام خدمات عامه استخدام شده باشند و یا یکی از موظف یکی از نهادهای خصوصی، وجوه، اوراق بهادار یا دارایی ارگان مربوطه یا شخصی را که به سبب وظیفه به وی سپرده شده و یا مکلف به اداره و حفاظت آن باشد، و به تصرف خود در آورد و یا حیف میل کند، در واقع جرم اختلاس را مرتکب شده است، که منظور از موظفین خدمات عامه در این جا افرادی است که در دولت کار می کنند و هر نوع حرکت به قصد تصرف، تخریب، حیف و میل مال اداره مذکور، به معنای اختلاس مال دولت است ولی در ادامه این متن نیز گفته شده اگر یکی از موظف نهادهای خصوصی، وجوه، اوراق بهادار یا دارایی ارگان مربوطه یا شخصی را که به سبب وظیفه به وی سپرده شده و یا مکلف به اداره و حفاظت آن باشد، به تصرف مالکانه خود در آورد و یا حیف میل کند، در حقیقت جرم اختلاس را مرتکب شده است. که از این مطلب می شود، که افرادی که در شرکت ها و یا انجوها شخصی به حیث کارگر استخدام می شود، هر گاهی اموال بنگاه و یا مؤسسه متذکره را مورد دست برد و یا نوع ضرری به آن وارد نماید، و یا بخاطر کسب منفعت از بودجه اختصاصی اقدام به عمل آورد، وی در حکم اختلاس شناخته شده و به صفت مختلس مورد محاکمه قرار می گیرد.

پوهنیار عبدالملک صدیقی

مجازات جرم اختلاس

مجازات اصلی جرم اختلاس

کد جزای افغانستان در ماده ۳۹۱ خویش مجازات جرم اختلاس را که مرتکب آن موظف خدمات عامه باشد بترتیب ذیل پیشبینی نموده است.

- ۱- در صورتی که وجه اختلاس شده تا یک صد هزار افغانی باشد، به حبس متوسط تا دو سال.
 - ۲- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از پنج صد هزار افغانی باشد، به حبس متوسط بیش از دو سال.
 - ۳- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از پنج صد هزار تا یک میلیون افغانی باشد، به حبس طویل تا ده سال.
 - ۴- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از یک میلیون تا ده میلیون افغانی باشد، به حد اکثر حبس طویل.
 - ۵- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از ده میلیون افغانی باشد، به حبس دوام درجه ۲.
- مجازات موظف مؤسسه غیر دولتی در صورت ارتکاب اختلاس
- موظف مؤسسه غیر دولتی، مؤسسه خصوصی یا جمعیت در صورت ارتکاب اختلاس، حسب احوال قرار ذیل مجازات می گردد:
- ۱- در صورتی که وجه اختلاس شده یک صد هزار افغانی باشد، به حبس متوسط تا دو سال.
 - ۲- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از یک صد هزار تا پنج صد هزار افغانی باشد، به حبس متوسط بیش از دو سال.
 - ۳- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از پنج صد هزار تا یک میلیون افغانی باشد، به حد اکثر حبس متوسط.

پوهنپار عبدالمالک صدیقی

۴- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از یک میلیون تا ده میلیون افغانی باشد، به حبس طویل تا هفت سال.

۵- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از ده میلیون افغانی باشد، به حبس طویل تا ده سال.» (کد جزا ۳۹۱ و ۳۹۲، ۱۳۹۶هـ)

مجازات تکمیلی جرم اختلاس

طبق ماده ۳۹۸ کد جزا مرتکب جرم اختلاس به جزای تکمیلی ذیل بر علاوه جزای های اصلی که قبلاً از آن یادآوری گردید، محکوم می گردد.

۱- مرتکب جرایم اختلاس علاوه بر مجازات معینه، به رد وجوه و دارایی حاصله و مصادره عواید ناشی از آن نیز محکوم می گردد.

۲- هرگاه وجه اختلاس شده بیش از یکصد هزار افغانی باشد، مرتکب به انفصال از وظیفه و طرد از مسلک، نیز محکوم می گردد.

۳- هرگاه مقامات ذیصلاح پیشنهاد کننده، شخصی را که مطابق احکام مندرج فقره (۲) این ماده به انفصال از وظیفه و طرد از مسلک محکوم گردیده، با وجود علم به محکومیت وی، تقرر او را به مقامات ذیصلاح منظور کننده پیشنهاد نماید، به حبس قصیر، محکوم می گردد.

نتیجه گیری

بعد از تحقیق و بررسی در مورد جرم اختلاس چنین نتیجه به دست آمده است که جرم اختلاس با جرم سرقت فرق دارد و جمهور فقها شخص مختلس را قابل قطع نمی دانند و نیز این نتیجه به دست آمده که تمام فقها اتفاق بر این دارند که اختلاس یک جرم قابل مجازات می باشد چه کم باشد چه زیاد و تجاوز بر مال به ده نوع می باشد و تمام آن حرام است، و قابل ذکر است که مجازات جرم اختلاس اعاده مال اختلاس شده از نزد مختلس در صورت امکان یک امر لازمی می باشد و هم چنان تعزیر مختلس توسط قاضی آنچه که مناسب حال مجرم باشد و قاضی می تواند که مجرم را محکوم به حبس دراز مدت

ویا دره ویا هم شکنجه کند و با توجه به نتایج به دست آمده اختلاس نه تنها که در مال عام صورت می - گیرد بلکه در مال خاص نیز صورت گرفته می تواند و در اخیر باید اذعان نمود که کد جزای افغانستان مشخص نساخته که اموال غیر منقول نیز مشمول جرم اختلاس می شوند یا خیر؟

پیشنهادات

مال یکی از پنج نوع ارزشهایی است که شریعت اسلام برای حفظ و حراست آن یک سلسله قواعد باز دارنده ای را وضع نموده تا از تجاوز خاص و عام در امان بماند، و شریعت اسلامی هر نوع تعرض و تعدی را علیه مال چه مال خاص باشد ویا عام و به هر اندازه ای که باشد منع قرار داده و مرتکب آنرا مستوجب مجازات دانسته است. با انتباه گرفتن از مسائل فوق به عنوان نگارنده بحث موارد آتی را برای کسانی که این مقاله را بدست می آورند و مطالعه می نمایند پیشنهاد می نمایم.

۱- ازین که تجاوز بر مال عام تجاوز بر پیکر اقتصاد مملکت شمرده شده و ضرر رسانیدن به آن بمعنای ضرر رسانیدن به منافع عامه است بناءً مورد تجاوز قرار نگیرد.

۲- مرتکب علیه اموال عامه مستلزم مجازات دینوی و اخروی می باشد بناءً برای خلاصی از عذاب دینوی و اخروی باید از تجاوز بر مال عام اجتناب صورت گیرد.

۳- برای تمام اتباع کشور لازم است تا در صورت مشاهده جرایم علیه اموال عام به ارگان های امنیتی، عدلی و قضائی اطلاع رسانی کنند. تا از اختلاس و سوء استفاده افراد مخرب در امان بماند.

۴- بخاطر جلوگیری از جرایم علیه مال عام که در این اواخر رو به افزایش است یک قانون جداگانه طرح و تصویب گردد.

۵- جهت رسیدگی به موقع قضایای مربوط به جرایم اموال عام ایجاب می نماید تا دستگاه خاص اعم از پولیس، حارنوالی و محاکم ایجاد گردد.

۶- قانون گزار باید موقف و جایگاه مال عام را در قانون اساسی افغانستان روشن بیان نماید. و بدین وسیله حمایت قاطع از مال عام صورت گیرد.

پوهنیار عبدالملک صدیقی

۱۵-دسوقی، محمد بن أحمد بن عرفه الدسوقی. (۱۴۳۵هـ). حاشیه الدسوقی علی الشرح الكبير. بیروت؛ دار الفکر.

۱۶-زحیلی، وهبه مصطفی الزحیلی. (۱۴۳۸هـ). موسوعه فقه الاسلامی وقضایا المعاصر. دمشق. دار الفکر.

۱۷- زهیری، أشجان خالص الزهیری. (۱۴۳۹هـ). شرح نظام الجزائی السعودی القسم الخاصصمان. دار الثقافه.

۱۸-عوده، عبدالقادر عوده. (۱۴۳۴هـ). التشریح الجنائی الاسلامی. الرياض.منتدى الثقافه.

۱۹- محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز ابن عابدين. (۱۴۱۲هـ). حاشیه رد المختار. بیروت؛ دار الفکر.

۲۰- محمد بن عبدالواحد السیواسی الشهير بابن الهمام. (ب ت). شرح فتح القدير. بیروت؛ دار الفکر.

۲۱- لنگرودی، محمد جعفر جعفری. (۱۳۸۰هـ ش). ترمینولوژی حقوق. تهران؛ کتابخانه گنج دانش.

پوهنیار عبدالمالک صدیقی

بازتاب حقوق و آزادی‌های عمومی در قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان

پوهنمل دکتور احمدحنیف حنیف^(۱)*

پوهنوال سیف الله ضیایی^(۱)

(۱) استاد دیپارتمنت اداری و دیپلوماسی (حقوق عامه) پوهنهی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون البیرونی

(۱) * نویسنده مسئول: ایمیل: haneefafg@gmail.com تلفون ۰۷۷۲۰۳۰۳۱۳

خلاصه

حقوق و آزادی‌های عمومی در کشور ما افغانستان همواره با چالش‌های فراوانی روبرو بوده است. درج این حقوق و آزادی‌ها در قوانین اساسی، زمینه رعایت و تطبیق عملی آن‌ها را در یک چارچوب حقوقی فراهم نموده و از نقض آن‌ها جلوگیری می‌نماید. از آن جایی که با روی کار آمدن امارت اسلامی افغانستان قانون اساسی قبلی (مصوب سال ۱۳۸۲) در حالت تعلیق قرار گرفته و تدوین قانون اساسی جدید روی دست است، درج حقوق و آزادی‌های عمومی در قانون اساسی آینده با الگو برداری از قوانین اساسی قبلی، منجمله قانون اساسی ۱۳۸۲، یکی از مباحث مهم و اساسی در پروسه تدوین قانون اساسی جدید به حساب می‌آید. از این رو ایجاب می‌نمود تا چگونگی این حقوق و آزادی‌ها در قانون اساسی ۱۳۸۲ با ژرف نگری لازم مورد بررسی همه جانبه قرار گیرند. برای یافتن راه حل مسأله مطرح شده، فرض بر این شد، چون قانون اساسی ۱۳۸۲ به سطح منطقه و جهان یکی از بهترین قوانین اساسی شناخته می‌شود، حقوق و آزادی‌های عمومی مصرّح در آن نیز می‌توانند در تدوین قانون اساسی جدید به عنوان الگو مورد استفاده قرار گیرند. در همین راستا حقوق و آزادی‌های مذکور، با رویکرد مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، با ژرف نگری لازم، مورد بررسی قرار گرفتند که در نتیجه تحلیل و تجزیه یافته‌های تحقیق، واضح گردید، از این که حقوق و آزادی‌های عمومی در قانون اساسی مذکور با رعایت ارزش‌های دینی، سنت‌های پسندیده اجتماعی و پیشرفت‌های معاصر بشری... درج گردیده‌اند، در تدوین قانون اساسی جدید نیز مورد استفاده قرار گرفته می‌توانند.

واژه‌های کلیدی: آزادی‌های عمومی، افغانستان، حقوق بشر، حقوق بنیادین، قانون اساسی ۱۳۸۲.

Abstract

In Afghanistan, public rights and freedoms are always facing many challenges. The insertion of mentioned values in the laws, especially in the constitution, provides a basic Legal framework for their practical implementation and prevents their violation. Since the establishment of the Islamic Emirate in Afghanistan, the 2003 constitution has been abrogated, and the new constitution will be underway. The insertion of public rights and freedoms in the upcoming constitution, with follows the example of the 2003 constitution, could be considered to be one of the essential issues in the process of drafting the new constitution. Thus, comprehensively revising the 2003 Constitution's public rights and freedoms is necessary. So the current research has been done in this regard. To find a solution for the mentioned issue it was hypothesized that the public rights and freedoms in the 2003 constitution, can meet the desires of the present day as well because it includes Islamic values, acceptable social traditions, and modern human developments. In this regard, the research used a descriptive-analytical method with comprehensive librarian studies. Finally it is concluded that, since the 2003 constitution was counted one of the best constitutions in the region and the world, in line with the observance of public rights and freedoms, it can used as a good example during the drafting of the new constitution in the country.

Keywords: Afghanistan, freedoms, Human Rights, Law, 1382 Constitution.

مقدمه

بيان مسأله: رعايت حقوق و آزادي‌هاي عمومي به عنوان مهم‌ترين ارزش‌هاي انساني در جوامع بشري همواره با چالش‌هاي جدي مواجهه بوده است که تا امروز نيز ادامه دارد... (رسولي، ۱۳۹۱: ۱۶۴)؛ کشور ما افغانستان نيز از اين امر مستثني نبوده، حقوق و آزادي‌هاي عمومي همواره در آن با مشکلات فراواني روبرو بوده است. (سروري، ۱۳۹۳: ۳۰). با روي کار آمدن امارت اسلامي در افغانستان، که قانون اساسي دوران جمهوريت (مصوب سال ۱۳۸۲) از اعتبار افتيده است و قانون اساسي جديد در کشور ما تدوين خواهد شد، چگونگي درج حقوق و آزادي‌هاي عمومي در قانون اساسي آينده، با الگو برداري از قوانين اساسي قبلي، يکي از مباحث اساسي در پروسه تدوين قانون اساسي جديد به شمار مي‌آيد. بنابر اين، تحقيق حاضر در صدد آن است تا چگونگي بازتاب حقوق و آزادي‌هاي عمومي در قانون اساسي سال ۱۳۸۲ را به عنوان راه حل مسأله به شيوه علمي و اکادميک به بحث و بررسي گرفته و با معرفي آن‌ها، از طريق نشر اين مقاله، زمينه درج آن‌ها را در قانون اساسي جديد فراهم سازد. مبرهن است که از طريق درج حقوق و آزادي‌هاي عمومي در قانون اساسي جديد، زمينه رعايت و تطبيق عملي آن‌ها در آينده مساعد گرديده و تا حد زيادي از نقض آن‌ها در جامعه جلوگیری بعمل خواهد آمد.

اهميت موضوع: يکي از اساسي‌ترين موضوعات مورد بحث قوانين اساسي کشورها، حقوق و آزادي‌هاي عمومي اتباع است که بنابر همين مناسبت، در نام قوانين مذکور پسوند «اساسي» اضافه گرديده است. پس گفته مي‌توانيم که حقوق بشر و قانون اساسي، در طول تاريخ باهم پيوند ناگسستي داشته و همواره دوشا دوش يکديگر سير انکشافی خود را پيموده اند. باوجود همي اين انکشافات، دولت‌ها نتوانسته اند طوري که شاين است، مشکلات موجود در عرصه حقوق بشري را در قلمرو مربوطه شان مرفوع سازند. از اين رو براي پژوهش در موضوعات حقوق بشري در سطح ملي و بين‌المللي مجال بيش تری وجود داشته و گفته مي‌شود که اين موضوع در کل يکي از مهم‌ترين مباحث علوم انساني به حساب مي‌آيد. حال اگر اين ارزش‌ها در کشور جنگ زده و عقب مانده‌اي چون افغانستان، که همواره در آن حقوق بشر مورد تعرض و تجاوز قرار مي‌گيرد، در قوانين اساسي آن درج گردد، بدون شک از ارزش و اهميت ويژه‌اي برخوردار خواهد بود؛ چون از يکطرف چنين پژوهشي ارزش‌هاي حقوق بشري مصرح در قانون اساسي

پوهنمل دکتور احمد حنیف حنیف

سال ۱۳۸۲ افغانستان را برجسته تر می سازد تا مقنن در تدوین قانون اساسی آینده به آن‌ها توجه بیش تر مبدول دارد، و از سوی دیگر در نتیجه چنین پژوهش‌ها خلاهای موجود در رابطه به درج ارزش‌های بیش تر حقوق بشری در قانون اساسی برملا گردیده، مقنن را کمک خواهد کرد تا در آینده چنین خلاهایی را تکمیل نماید.

سوالات تحقیق: سؤال اصلی در این تحقیق مختصر چنین است که حقوق و آزادی‌های عمومی در قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان از چه جایگاهی برخوردار اند؟ در ضمن، سؤالات فرعی دیگری نیز در این تحقیق پاسخ خواهد یافت؛ مانند این که حقوق و آزادی‌های عمومی در زندگی اجتماعی چگونه است؟ حقوق و آزادی‌های عمومی در زندگی فردی چگونه است؟ حقوق و آزادی‌های عمومی در عرصه عدلی و قضایی چگونه است؟

فرضیه‌های تحقیق: در قسمت فرضیه‌های تحقیق معلومات مقدماتی نشاندهنده آن است که در کل حقوق و آزادی‌های عمومی در قانون اساسی سال ۱۳۸۲ از جایگاه خوبی برخوردار بوده، از این که قانون اساسی مذکور با رعایت ارزش‌های دینی، سنت‌های پسندیده اجتماعی و پیشرفت‌های معاصر بشری... درج گردیده اند، جوابگوی نیازمندی‌های عصر حاضر نیز بوده می‌توانند. (محمدعلی، ۱۳۸۸: ۲۷).

پیشینه تحقیق

تا جایی که مطالعه گردید، در رابطه به عنوان تحقیق حاضر «بازتاب حقوق و آزادی‌های عمومی در قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان» کدام تحقیق مستقلی صورت نگرفته است؛ اما در رابطه به موضوعات مورد بحث تحقیق حاضر که شامل مباحث مرتبط با حقوق بشر می‌گردد، نوشته‌هایی به چشم می‌خورد که در ضمن آن‌ها دیدگاه‌های دانشمندان در رابطه به قضیه نیز به مشاهده می‌رسد که مهم‌ترین آن‌ها قرار ذیل است:

جایگاه حقوق بشر در قانون اساسی افغانستان؛ نوشته غلام حیدر علامه که توسط مرکز نشر عرفان در سال ۱۳۸۷ در شهر کابل به چاپ رسیده است. در این اثر موارد حقوق بشری مصرح در قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان در ضمن تحلیل‌های خود نویسنده و سایر نویسندگان مورد بحث قرار گرفته است که در بعضی از موارد می‌تواند به عنوان منبع مناسبی برای تحقیق حاضر به کار گرفته شود.

پوهنمل دكتور احمد حنيف حنيف

حقوق و آزادی‌های اشخاص در قانون اساسی در پرتو اسناد بین‌المللی حقوق بشر؛ اثر دیگری است که توسط آقای نجرمان مسعودی به رشته تحریر در آمده و توسط انتشارات سعید در سال ۱۳۹۴ در شهر کابل به چاپ رسیده است. اثر مذکور همانطوری که از نام آن پیداست، بیش‌تر به جنبه‌های تطبیقی جایگاه حقوق و آزادی‌های اشخاص در قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان و اسناد بین‌المللی حقوق بشر توجه نموده و رابطه نزدیک حقوق بشر در قانون اساسی یاد شده را با اسناد بین‌المللی و به ویژه اسناد بین‌المللی حقوق بشر انعکاس می‌دهد.

مروری بر حقوق اساسی شهروندان: چالش‌ها و فرصت‌ها؛ نوشته دیگری است که توسط آقای رنگین دادفر سپنتا به رشته تحریر در آمده و توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۱۳۹۳ در شهر کابل منتشر گردیده است. نوشته یاد شده نیز حاوی تبصره‌ها و تحلیل‌هایی است که بیش‌تر بازتاب دهنده مشکلات و فرصت‌هایی برای شهروندان افغانستان در عرصه حقوق اساسی آن زمان می‌باشد. نویسنده که در آن موقع در پست‌های کلیدی دولت ایفای وظیفه نموده، کوشیده است تا از بالا به قضایای مربوطه توجه نموده و در ضمن ابراز نظرهای شخصی و دیدگاه سایر نویسندگان و اهل نظر موضوع را به بحث و بررسی بگیرد.

سنجش نظری قانون اساسی جدید افغانستان با دموکراسی؛ مقاله علمی یی است که توسط عباس منوچهری و صفورا مزاری نگاشته شده و در شماره چهارم دوره ۳۹ فصلنامه سیاست مجله علمی دانشگاه تربیت مدرس ایران در سال ۱۳۸۸ به نشر رسیده است. در این نوشتار نویسندگان بیش‌تر به ارزش‌ها و ویژگی‌های دموکراسی و بررسی جایگاه آن‌ها در قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان پرداخته اند که بدون شک تعدادی از حق‌های بشری مصرح در قانون اساسی مذکور به عنوان مؤلفه‌های دموکراسی توضیح داده شده اند.

علاوه بر آثار یاد شده، نوشته‌های دیگری که قسماً با موضوع مقاله حاضر مرتبط استند، نیز به چشم می‌خورد که در این مختصر به ذکر آن‌ها لزومی دیده نه می‌شود. لازم به یادآوری است که در آثار مذکور از زوایایی به قضیه پرداخته شده که ما را از تحقیق حاضر بی‌نیاز ساخته نمی‌تواند؛ زیرا در تحقیق

پوهنمل دکتور احمد حنیف حنیف

حاضر بصورت مشخص چگونگی بازتاب حقوق و آزادی‌های عمومی در قانون اساسی سال ۱۳۸۲ برای استفاده در قانون اساسی آینده مورد بحث قرار گرفته است.

مواد و روش

در این نوشتار در کل از روش کیفی توصیفی- تحلیلی استفاده بعمل آمده است. جمع آوری معلومات تحقیق به شیوه کتابخانه‌یی صورت گرفته و در قسمت تحلیل و تجزیه یافته‌های تحقیق، روش تحلیل محتوی استفاده شده است. باید اذعان نمود که در مقاله حاضر، با توجه به محدود بودن موضوع مورد بحث به حقوق و آزادی‌های عمومی مصرّح در قانون اساسی سال ۱۳۸۲، مباحث تحقیق نیز بیش‌تر به مواد یاد شده متمرکز می‌باشد؛ اما در کنار آن از سایر منابع مرتبط با موضوع، که منعکس کننده دیدگاه‌ها و نظریات دانشمندان در خصوص مسأله بوده و در لابلای کتب و مقالات علمی درج شده اند، نیز استفاده بعمل آمده است.

اول - مفهوم و اهمیت آزادی

الف - مفهوم آزادی: «عبارت است از توانایی انجام دادن هر کاری که به دیگران زیان نرساند؛ بنابراین، اجرای حقوق طبیعی هیچ یک از افراد دارای حد و مرزی نیست، مگر حدودی که استفاده از همان حقوق را برای سایر اعضای جامعه تضمین کرده باشد. این حدود و مرز را فقط قانون می‌تواند تعیین کند». (سپنتا، ۱۳۹۳: ۲۷) به بیان دیگر، آزادی‌ها که در واقع بخش اساسی ارزش‌های حقوق بشری را تشکیل می‌دهند، مبین جایگاه رفیع انسان (منحیث اشرف مخلوقات) بوده و مشمول نسل اول حقوق بشر می‌شوند که این حقوق قابل انحصار و محدودیت نبوده، با مرور زمان و پیشرفت‌های بیش‌تر جامعه، توسعه نموده و بیش‌تر می‌شوند. (مسعودی، ۱۳۹۴: ۷) حقوق و آزادی‌های عمومی شامل مواردی از حق‌های طبیعی بشری می‌شوند که شهروندان بدون لحاظ جنس، مذهب، قوم، زبان و امثال آن‌ها... صرف به عنوان یک انسان، از آن‌ها برخوردار بوده و هیچ کس به شمول دولت نمی‌تواند چنین حقوقی را از ایشان سلب نماید.

موضوع مهم در بحث آزادی‌های بشری این است که برای رعایت درست آن‌ها، باید آزادی‌ها به عنوان حقوق بشری مطرح شوند تا رعایت و تأمین آن‌ها برای دیگران الزامی و یک وجبیه و تکلیف

پوهنمل دكتور احمد حنيف حنيف

باشد. آن هم به مفهوم حق به معنی داشتن نه به عنوان حق به معنی بودن؛ زیرا حقی که در ترکیب وصفی بودن بکار می رود، در موارد ارزشی از قبیل خوب و بد معنی می یابد که انسان را در حالت عادی نشان می دهد، در حالی که حق به معنی داشتن، دارنده حق را از موقعیت عادی فراتر برده و دیگران را به رعایت حقوق آن مکلف می سازد. (سید فاطمی، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۶)

ب - اهمیت آزادی: آزادی ها به عنوان بخش اساسی حق های بشری نسل اول، از اهمیت فراوانی برخوردار هستند، از همین جاست که در قوانین اساسی کشورها و هم چنان اسناد و کنوانسیون های بین المللی درج گردیده و دولت ها به حمایت و رعایت آن ها در سراسر سرزمین خویش مکلف گردیده اند. ویژگی اساسی این نسل از حقوق بشر خاصیت سلبی بودن آن ها است که دولت باید به این آزادی ها نه خود لطمه وارد نماید و نه به کارمندان و اتباع خود چنین اجازه ای را بدهد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ۲۰۳). در این میان، با پیروی از اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق ها و کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر، قانون اساسی افغانستان نیز همانطوری که در ابتدا ذکر گردید، به حقوق و آزادی های افراد اهمیت ویژه ای قایل گردیده و تعدیل آن ها را تنها در جهت منافع افراد، یعنی با ازدیاد آزادی ها مجاز دانسته است و بس. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۱۴۹)

دوم - حق حیات، آزادی شخصی و کرامت انسانی

یکی از حقوق بنیادین بشر حق حیات و امنیت شخص است. (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۳) این حق قبل از تمام حقوق و آزادی های بشری دیگر حائز اهمیت است، زیرا اولین چیزی که انسان به آن نیاز دارد، این است که احساس امنیت نموده و زندگی و امنیت او مورد تهدید قرار نداشته باشد. در قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان به شیوه های مختلف بار بار به آن تأکید شده است. چنانچه به شیوه خیلی عالی، زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان معرفی گردیده که هیچ کس بدون مجوز قانونی از آن

۲ Right to have

۳ Right to be

۴ - به عنوان مثال مواد (۱-۲۰) اعلامیه جهانی حقوق بشر حاوی حقوق و آزادی های عمومی است که اکثریت آنها بعداً در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۳۶۶ سازمان ملل متحد تسجیل گردیده و کشورهای امضاء کننده این میثاق در قبال اجرای این آزادی ها مسئولیت ملی و بین المللی دارند.

پوهنمل دکتور احمد حنیف حنیف

محروم نمی‌گردد. چون در کشور افغانستان کیفر اعدام در برابر بعضی از جرایم هنوز موجود است، قید مجوز قانونی در این ماده قانون به مشاهده می‌رسد. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۲۳)

مورد دیگر از آزادی‌های عمومی، آزادی شخصی است که به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری مطرح بوده و آزادی خواهان جهان در طول تاریخ برای بدست آوردن آن مبارزات طولانی و قربانی‌های زیادی را متقبل گردیده‌اند تا این که این حق برای تمامی انسان‌ها، قطع نظر از رنگ، نژاد، زبان، قوم، مذهب و امثال آن‌ها... به رسمیت شناخته شده و وارد اسناد حقوقی داخلی و بین‌المللی گردیده است. در رابطه به منع تملک انسان برای نخستین بار نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان که در ۱۴ میزان سال ۱۳۰۲ به تصویب رسید چنین مشعر است: «...در افغانستان اصول اسارت بکلی موقوف است از زن و مرد هیچ کس دیگری را بطور اسارت استخدام کرده نمی‌تواند». (نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان، ماده ۱۰) نکته قابل تذکر این است که ماده متذکره انقلاب بزرگی را در حیات اجتماعی مردم افغانستان عملاً بوجود آورد. چنانچه خرید و فروش کنیز و غلام منع قرار داده شد، در حالی که قبل از این اشراف به داشتن کنیز و غلام مبادرت می‌ورزیدند. سایر قوانین اساسی از جمله قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان نیز این حق را به رسمیت شناخته (منوچهری و مزاری، ۱۳۸۸: ۲۱-۲۲). قانون اساسی مذکور، آزادی را حق طبیعی انسان معرفی نموده که جز آزادی دیگران و مصالح عامه (آن‌هم بر اساس قانون) حدودی ندارد و هم آزادی و کرامت انسان را از تعرض مصئون دانسته و اکیداً دولت را به احترام و حمایت از آزادی و کرامت انسان مکلف می‌سازد. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۲۴)

به رسمیت شناختن کرامت و منزلت انسانی، نیز از اساسی‌ترین اصولی است که سایر حق‌ها را صرف در موجودیت آن می‌توان برای انسان در نظر گرفت. حقوق بشر به مفهوم واقعی آن بر این اصل استوار است که انسان را بدون لحاظ تعلقات گروهی و جایگاه و موقعیت اجتماعی و اقتصادی، صرف با صفت انسان بودن وی، دارای کرامت ذاتی بدانیم. (دانش، ۱۳۸۹: ۳۴۳) این امور در واقع از عمده ترین مواردی اند که نظام‌های مردمی مبتنی بر قانون را از جوامع بدوی و رژیم‌های اقتدارگرا متمایز می‌سازد. خداوند ج در قرآن کریم انسان‌ها را، قطع نظر از ارزش‌های مکتسبه ایشان، دارای کرامت معرفی نموده و در قرآن کریم می‌فرماید: «و لقد کَرَّمنا بنی آدم» یعنی ما فرزندان آدم (انسان) را کرامت دادیم. (قرآن کریم،

پوهنمل دكتور احمد حنيف حنيف

سورة بنی اسرائیل، آیه ۷۰). در قانون اساسی ۱۳۸۲ دولت برای ایجاد جامعه مرفه بر اساس عدالت اجتماعی و حفظ کرامت انسانی مکلف گردیده، (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۶) و مضافاً در ماده (۲۹) نیز جزای مخالف کرامت انسانی را، حتی برای مجرمین و محکومین، منع قرار داده است. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۲۹).

سوم - آزادی بیان، مطبوعات و اجتماعات

قانون اساسی ۱۳۸۲ در کنار سایر آزادی‌ها به آزادی بیان و مطبوعات، که در واقع کنترل کننده غیر مستقیم اعمال حکومت می‌باشند، و در رژیم‌های مبتنی بر اراده مردم نقش خیلی بزرگی را در راستای تحقق آرمان‌های مردم و جلوگیری از اتلاف حق ایشان ایفا می‌نمایند، توجه جدی مبذول داشته است. بعضی‌ها آزادی تشکیل احزاب، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی عقیده و آزادی انتخابات را از اصول جدید نظام‌های مردمی می‌دانند. (روستار تره کی، ۱۳۷۷: ۸۹) این آزادی‌ها در قانون اساسی سال ۱۳۸۲ به صورت خیلی شیوا و کامل تصریح گردیده که مطابق به آن هر افغان می‌تواند، با رعایت احکام مندرج قانون اساسی، فکر خود را با استفاده از وسایل مختلف گفتاری، نوشتاری و تصویری ابراز کرده و بدون ارائه قبلی به مقامات دولتی آن را نشر نماید. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۳۴)

متقابلاً وظیفه دولت این است که به در خواست‌های مردم پاسخ دهد و احتیاجات آن‌ها را مرفوع سازد. روی این منظور اطلاع از خواست‌ها و تمایلات جامعه ضروری بوده و کسب اطلاعات مؤثق ممکن نیست، مگر اینکه مردم آنچه می‌خواهند آزادانه بگویند، بنویسند و منتشر کنند. علاوه بر آن تا حکومت از پایه و عمق مورد انتقاد قرار نگیرد، هیچ وقت نخواهد توانست اطلاعات صحیح و مؤثق از نتایج تصمیمات و اعمال خود در میان مردم را بدست آورد و بر آثار آن پی برد. بسا از برنامه‌های دولت می‌باشد که مردم آنرا مردود و حتی خطرناک می‌شمارند؛ اگر برای ابراز نظر فرصت نیابند، ممکن به عکس العمل منفی دست بزنند که عواقب ناگواری را در قبال داشته باشد.

همچنان مردم می‌توانند برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز، بدون حمل سلاح، طبق قانون، اجتماع و تظاهرات نمایند. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۳۶). منظور از اجتماع نه تنها گردآمدن یک عده مردم در زمان معین و در محل مخصوص برای انجام مقاصد مختلف است، بلکه شرکت‌ها، مؤسسات و

پوهنمل دکتور احمد حنیف حنیف

اتحادیه هایی که به منظور جلب یا انجام مقاصد خیریه تشکیل میشوند، نیز اجتماع محسوب گردیده و مشارکت در ایجاد یا اداره یا هرگونه فعالیت در آنها، از جمله حقوق و آزادی های فردی به شمار می-آید. از جمله انجمن های فوق که در قرن حاضر بصورت وزنه مؤثری در صحنه سیاست و اقتصاد کشورهای بزرگ فعالیت می کنند، اتحادیه های کارگری است. البته اجحاف (ظلم و بی داد گری) کار فرمایان سبب ایجاد اتحادیه ها گردیده و عدم تکافوی مقررات و اقدامات دولت موجب توسعه روز افزون آنها می شود و موجبات اعتصابات، طغیان و بر خوردها را میان طبقات مختلف به وجود می آورد.

چهارم - آزادی کار و انتخاب شغل و پیشه

مسأله مهم دیگری که به آزادی انسان ها ارتباط می گیرد، همانا آزادی کار و یا منع کار اجباری می-باشد که در قانون اساسی ۱۳۸۲ به آن پرداخته شده است. در قانون اساسی سال ۱۳۸۲ کار حق هر افغان معرفی گردیده و هر شخص آزاد است تا برای خود شغل و یا حرفه ای را انتخاب نماید. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۴۸). هم چنان از این که عدم اجبار افراد به کار کردن از جمله حقوق بنیادین بشری به حساب می آید، کار اجباری منع گردیده است. منع تحمیل کار بر اطفال نکته مهم دیگری است که در قانون اساسی افغانستان به چشم می خورد. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۴۹). در اینجا به مشاهده می رسد که مقنن صرف به عدم تحمیل کار بر اطفال اکتفا نموده و آن را کاملاً منع نه کرده است. دلیل آن این است که چون در کشور افغانستان بالاثثر جنگ های متوالی و سایر عوامل... تعداد زیادی از اطفال، نان آوران فامیل شان می باشند، بنابر این نوعی تسامح در این امر به مشاهده می رسد.

پنجم - آزادی حریم خصوصی، تشکیل خانواده، انتخاب مسکن و مسافرت

یکی دیگر از ارزش های حقوق بشری که در تمام سیستم های حقوقی جهان و ادیان الهی از جمله دین مقدس اسلام نیز به رسمیت شناخته شده، حریم خصوصی افراد است. انسان ها به طبع بشری خویش نیاز دارند تا خود را در محیط عاری از مداخله دیگران و در یک فضای آرام بیابند. قانون اساسی افغانستان نیز به این امر مهم توجه مبذول داشته و طی مواد متعدد، حریم خصوصی افراد را از هر نوع مداخله محفوظ دانسته است. این قانون اساسی یکی از این حریم های خصوصی را که عبارت از مراسلات

پوهنمل دكتور احمد حنيف حنيف

و مخابرات اشخاص می باشد، چه به صورت مکتوب و یا غیر مکتوب، و با استفاده از هر وسیله ای مانند تلفون، تلگراف و سایر وسایلی که ممکن است با در نظر داشت پیشرفت های تکنولوژیکی در آینده اختراع گردیده و در مراسلات و مخابرات مورد استفاده افراد و اشخاص قرار گیرد، مشمول این مصئونیت دانسته است. این ممنوعیت شامل حال دولت نیز می شود، چون بدون مجوز قانونی، افراد دولتی نیز نه می توانند تا به تفتیش مراسلات و مکاتبات مردم بپردازند. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۳۷).

هم چنان، مطابق حکم صریح قانون اساسی ۱۳۸۲ هر افغان حق دارد که خانواده تشکیل دهد و دولت مکلف است تا از آن حمایت نماید. این امر شامل حق آزادی افراد برای انتخاب همسر می شود که نباید بدون رضایت شخص با اکراه به ازدواج مجبور ساخته شود. طوری که رضایت در هر عقدی شرط اساسی مشروعیت آن عقد به حساب می آید، زدواج که از مهم ترین عقود به شمار می رود، در صورت عدم موجودیت رضایت یکی از طرفین، باطل شمرده می شود. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۵۴). این امور در اسناد معتبر بین المللی حقوق بشری، مانند اعلامیه حقوق بشر اسلامی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به رسمیت شناخته شده است. (اعلامیه حقوق بشر اسلامی ماده ۵، اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده ۱۶ و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ماده ۲۳). یکی دیگر از آزادی هایی که این قانون اساسی به رسمیت شناخته، آزادی های انتخاب مسکن و مسافرت به داخل و خارج کشور است. بر اساس قانون اساسی ۱۳۸۲ هر افغان حق دارد که در هر نقطه از کشور اقامت گزیند و یا هم به هر منطقه از کشور که بخواهد سفر نماید. همانطوری که می تواند به خارج از کشور سفر نموده و یا عودت نماید. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۳۹).

ششم - حقوق و آزادی ها در مراکز عدلی و قضایی

مهم ترین موقع خطر سلب و یا محدودیت حقوق و آزادی های افراد هنگامی است که آنها از حالت عادی خارج شده و مظنون، متهم یا محکوم قرار گیرند؛ چون در چنین حالات انسان در برابر کسانی قرار می گیرد که در حالت عادی معمولاً با وی کاری نداشته و نه می توانستند به وی آسیبی رسانده و حقوق و آزادی های او را پامال کنند. در هر یکی از موقعیت های فوق، به ترتیب، انسان های تحت توقیف زمانی که به عنوان مظنون، متهم و یا در هنگام محاکمه، تحت سیطره پولیس، سارنوال و قاضی قرار می گیرند،

پوهنمل دکتور احمد حنیف حنیف

خطر ضیاع حقوق و آزادی‌های اساسی آن‌ها بیش‌تر از هر وقت دیگر متصور است. تاریخ گواه آن بوده که اکثراً در چنین حالاتی به حقوق و آزادی‌های افراد، بیش‌تر از حالات عادی تجاوز صورت گرفته است. عده‌ای از این حقوق نیز از جمله حقوق بنیادین یا همان هسته سخت حقوق بشر بشمار رفته (ذاکریان، ۱۳۸۹: ۱۱۹) و بر همین اساس در تعداد زیادی از کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی درج شده‌اند. (انصاری، ۱۳۹۵: ۷۹). قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان نیز طی مواد متعددی به این امر مهم توجه جدی مبذول داشته و این حقوق و آزادی‌ها را طور شایسته تضمین نموده که عمده‌ترین موارد حقوق و آزادی‌های ناشی از اجرای عدالت قرار ذیل است:

الف - حقوق و آزادی‌ها در مرحله تعقیب: این مرحله در واقع اولین گام در جهت محدودیت و یا سلب آزادی افراد به حساب می‌آید. چون شخص مظنون قرار گرفته است، پس لازم است تا مطابق قانون اساسی ۱۳۸۲ که وظیفه کشف جرایم را به پولیس تفویض نموده است، تحت تعقیب پولیس مسئول قرار گیرد. در این صورت، با موجودیت شواهد و قراین، شخص مظنون توسط پولیس توقیف شده و مورد بازجویی ابتدایی قرار می‌گیرد. بنا بر این، چون این مرحله نقطه سرآغاز خطر تحدید و یا سلب حقوق و آزادی شخص است، پس لازم است تا رعایت حقوق و آزادی‌های بشری وی نیز از همین مرحله آغاز گردد. بر اساس قانون اساسی ۱۳۸۲ که قبلاً در بحث حریم خصوصی افراد نیز از آن تذکر رفت، پولیس باید مجوز توقیف و بازجویی چنین فرد مظنون را از محکمه با صلاحیت حاصل نموده باشد تا بتواند به چنین اقدامی دست بزند. در غیر آن حق ندارد آزادی افراد را که از حقوق بنیادین آن‌ها است، سلب نماید. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۳۸).

از سوی دیگر قانون اساسی ۱۳۸۲ صراحت دارد که براءت ذمه به عنوان حالت اصلی باید رعایت گردیده و شخص بری الذمه تلقی گردد. علاوه بر این، باید در هنگام توقیف حیثیت و کرامت انسانی شخص مورد تعرض و تجاوز افراد پولیس قرار نگرفته و جز خود شخص کس دیگری از نزدیکان و یا همکاران و دوستان وی مورد توقیف و بازجویی قرار نگیرد. قانون اساسی ۱۳۸۲ تصریح می‌نماید که جرم یک عمل شخصی است و به شخص دیگری سرایت نمی‌کند. هم‌چنان پولیس باید شخص توقیف شده را از اتهام وارده با خبر بسازد. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، مواد ۱۳۴، ۳۸، ۲۵، ۲۶ و ۳۱).

ب - حقوق و آزادی‌ها در مرحله تحقیق: در این مرحله نیز باید حقوق و آزادی‌های فرد متهم، به عنوان یک انسان، در نظر گرفته شود. بر اساس قانون اساسی ۱۳۸۲ تحقیق از متهم وظیفه سارنوال است. کوچک‌ترین اشتباه توسط سارنوال، از قبیل نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های یک شخص، بالای مرحله بعدی یا محاکمه فرد متهم تأثیر گذار خواهد بود. بعضاً دیده می‌شود که افراد در هنگام استنطاق به خاطر کشف حقایق مورد آزار و اذیت جسمی و روحی، که مخالف حیثیت و کرامت انسانی است، قرار می‌گیرند. این امر بر خلاف همه موازین بشری بوده و قانون اساسی سال ۱۳۸۲ افغانستان تصریح می‌نماید که هیچ شخصی نمی‌تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگری که تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف... به تعذیب او اقدام نماید. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۲۹). قانون اساسی ۱۳۸۲ با قاطعیت تمام اقرار و شهادتی را که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه به دست آورده شود، فاقد اعتبار دانسته است. اقرار به جرم «عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل، در حضور محکمه باصلاحیت». (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۳۰). متهم حق دارد تا برای دفع اتهام و یا برای اثبات حق خود وکیل مدافع انتخاب کند. در قضایای جنایی اگر متهم شخص بی بضاعت بوده و توان‌مندی انتخاب وکیل را نداشته باشد، دولت مکلف است تا برای وی وکیل تعیین نماید تا حق وی ضایع نگردد. مضافاً محرمیت مکالمات، مراسلات و مخابرات میان متهم و وکیل مدافع وی از هر نوع تعرض مصئون است. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۳۱).

ج - حقوق و آزادی‌ها در مرحله محاکمه (رعایت موازین محاکمه عادلانه): در واقع تمام مراحل سه گانه تعقیب، تحقیق و محاکمه باهم رابطه تنگاتنگ دارد. همان‌طوری که یک مظنون در نزد پولیس از حقوق و آزادی‌های انسانی خود برخوردار بوده و باید کرامت انسانی وی رعایت گردد، در مرحله تحقیق و محاکمه نیز چنین است. بنا بر این مواد مرتبط قانون اساسی در این رابطه بعضاً به طور عام و یا با ذکر هر سه مرحله تسجیل یافته و هر سه مرحله را شامل می‌شوند. چنانچه قانون اساسی به وضاحت تصریح می‌دارد: «هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود مگر به حاکم قانونی که قبل از ارتکاب آن (جرم) نافذ گردیده باشد. هیچ شخص را نمی‌توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون. هیچ شخص را نمی‌توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل

پوهنمل دكتور احمد حنيف حنيف

از ارتكاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.» (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۲۷). اما موارد خاصی هم وجود دارد که صرف مربوط به مرحله محاکمه می شود. چنانچه قانون اساسی سال ۱۳۸۲ علنی بودن محاکمه را در تمام محاکم افغانستان مقرر نموده و هم حضور هر شخصی را با رعایت احکام قانون در جریان محاکمه آزاد می شمارد. حتی اگر بنابر دلایل قانونی هم محاکمه سری دایر گردد، اعلام حکم حتماً باید علنی باشد. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۱۲۸).

این امر نشان دهنده آن است که در فیصله های علنی و در حضور عام مردم (بخصوص رسانه ها) امکان سوء استفاده از مقام قضاء و بی عدالتی خیلی کاهش می یابد و محاکم نمی توانند هر آنچه که خواسته باشند در عقب درهای بسته اجرا نمایند. علاوه بر این، قانون اساسی مذکور محکمه را مکلف می سازد تا اسباب صدور حکم را در فیصله ذکر نماید تا واضح باشد که شخص متهم بنابر کدام دلایل الزام محکوم گردیده است. و هم این که در قانون اساسی مذکور فیصله های قطعی محاکم، به استثنای حکم اعدام، لازم الرعایه دانسته شده است. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۱۲۹). چون در حالت حکم به اعدام، از این که جزا به حق حیات شخص خاتمه می دهد، بناءً ایجاب دقت و احتیاط بیش تر را می نماید؛ بنا بر این، باید چنین حکمی توسط رئیس جمهور کشور منظور گردد. دیگر این که محاکم می بایست در تمام مراحل تنها قوانین نافذ را مطمع نظر خویش قرار دهند. اگر اسباب حکمی موجود نباشد به احکام فقه حنفی مراجعه کرده می توانند، مگر در هر صورت باید توجه داشته باشند تا عدالت را به بهترین وجه تأمین نمایند. زیرا هر محکمه ای که فاقد این معیارها و استانداردها باشد، صالح به صدور حکم نخواهد بود. (علامه، ۱۳۸۷: ۷۸).

هفتم - آزادی مذهب

دیانت و مذهب که با سرشت و طبیعت انسان ها گره خورده است یکی دیگر از حقوق طبیعی انسان ها می باشد که مردم باید بدون کدام ممانعت بتوانند در محضر عام آنرا ابراز دارند و دیگران را بسوی آن دعوت کنند. پیروان مذاهب همچنان در انجام تشریفات و مراسم مذهبی دارای آزادی کامل اند. لیکن هرگاه تحت پوشش مذهب افراد و یا گروه ها به ارتکاب جرایم دست بزنند، نمی توانند در پناه آزادی مذهب از عواقب کیفری اعمال مذکور مصئون بمانند. معمولاً کشورها حق دارند با در نظر داشت

پوهنمل دکتور احمد حنیف حنیف

کثرت پیروان یک مذهب در قوانین اساسی خویش دین اکثریت را دین رسمی معرفی نمایند. چنانچه در رابطه به آزادی مذهب در قانون اساسی ۱۳۸۲ دین مقدس اسلام به رسمیت شناخته شده و پیروان سایر ادیان، در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون، آزاد می‌باشند. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، مواد ۲ و ۳). حدود آزادی مذهب یک بحث مهم فقهی می‌باشد که در اینجا بحث مفصل آن جا ندارد؛ اما در کل از این که موضوع دین و مذهب از لحاظ عقیدتی متعلق به قلب انسان است، بجز ذات الله تبارک و تعالی هیچ کس قادر نیست تا با اعمال زور و اکراه کسی را به پذیرش دین خاصی مجبور سازد. خداوند (ج) در قرآن کریم به شیوه های مختلف این مطلب مهم را بیان نموده و هم چنان از سنت نبوی (ص) و تاریخ خلفای اسلام نیز چنین استنباط می‌شود که هیچ کسی را نمی‌توان به جبر و اکراه به پذیرش دین مبین اسلام وادار نمود. در صورتی که شخصی بعد از اثبات ایمان به اشیای مومن به از اسلام رو گرداند، برای ایشان (مرتد) گفته شده و طی شرایط خاص سه روز وقت داده می‌شود تا دوباره به اسلام برگردد. در این مدت لازم است تا دوباره به دین مبین اسلام دعوت داده شده و شبهات وی مرفوع گردد... در صورتی که شخص مذکور به کفر خود اصرار نماید، جزای مرتد که همان اعدام است، بالای وی تطبیق می‌گردد.

هشتم - حقوق و آزادی‌های مالی

حدود مداخله دولت در اموال و دارائی افراد یکی از مهم‌ترین وسایلی است که دولت‌ها در قرون اخیر به آن مواجه بوده‌اند و در حال حاضر هم فرق میان دولت‌هایی که به گروه شرق و غرب تقسیم شده‌اند، در وسعت اختیارات دولت نسبت به تملک اشیاء است که بین دو قطب مذکور مراتب مختلف و متفاوت وجود داشته و گاهی به افزایش و یا کاهش اختیارات دولت منتهی می‌گردد. اما در کشورهایی که ملکیت افراد اصل و تملک افراد استثناء است باز هم به دولت اجازه داده می‌شود تا در حدودی که قانون صراحت دارد، از افراد سلب مالکیت نماید. موارد مذکور یکی مالیات و دیگری تصرف و تملک

۶- اشیای مومن به به چیزهایی اطلاق می‌گردد که یک مسلمان مؤمن باید به آنها ایمان بیاورد که مهمترین آنها عبارت‌اند از: ایمان آوردن به الله ج، ایمان آوردن به ملائکه ها، ایمان آوردن به کتابهای آسمانی، ایمان آوردن به پیامبران الهی، ایمان آوردن به روز آخرت، ایمان آوردن به اینکه اندازه خیر و شر از جانب الله ج است و ایمان آوردن به زندگی بعد از مرگ.

پوهنمل دکتور احمد حنیف حنیف

اموال برای منافع عمومی است. علاوه بر آن مداخله دولت در دارائی و مالکیت افراد، بدون اینکه مستلزم سلب مالکیت آنان باشد، جنبه نظارت و کنترل را به خود می‌گیرد. در باره حصول مالکیت باید گفت: از اینکه تأسیس و اداره دستگاه دولت محتاج به هزینه است، باید از راه حصول مالیات و عوارض دولتی تأمین شود. بناءً پرداخت مالیات از تکالیف ثابت و قطعی افراد است؛ اما مشکل عمده در زمینه این است که اگر در مقدار و نحوه پرداخت آن رضایت عامه در نظر گرفته نشود، ممکن است مالیه دهنده‌گان به ستوه آمده، زمینه نزاع و احیاناً انقلاب فراهم شود. قانون اساسی ۱۳۸۲ تصریح می‌دارد که هر افغان مکلف است مطابق به احکام قانون به دولت مالیه و محصول تادیه کند. هیچ نوع مالیه و محصول، بدون حکم قانون، و وضع نمی‌شود. اندازه مالیه و محصول و طرز تادیه آن، با رعایت عدالت اجتماعی، توسط قانون تعیین می‌گردد. این حکم در مورد اشخاص و موسسات خارجی نیز تطبیق می‌شود. هر نوع مالیه، محصول و عواید تادیه شده، به حساب واحد دولتی تحویل داده می‌شود. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۴۲).

در مورد سلب مالکیت افراد، همانطوری که در سایر کشورها دولت با توجه به منافع عمومی گاهی ملک را با پرداخت قیمت عادلانه آن از تصرف و تملک اشخاص خارج می‌سازد و به نفع عمومی مورد استفاده قرار می‌دهد، در قانون اساسی ۱۳۸۲ نیز ملکیت از تعرض مصئون است. هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی‌شود، مگر در حدود احکام قانون. ملکیت هیچ شخص، بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت مصادره نمی‌شود. استملاک ملکیت شخص، تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل تعویض قبلی و عادلانه، به موجب قانون مجاز می‌باشد. تفتیش و اعلان دارایی شخص، تنها به حکم قانون صورت می‌گیرد. (قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، ماده ۴۰).

نتیجه گیری و پیشنهادات

از تحلیل و تجزیه یافته‌های تحقیق می‌توان چنین نتیجه گرفت که حقوق و آزادی‌های عمومی شامل مواردی از حق‌های طبیعی بشری می‌شوند که شهروندان بدون لحاظ جنس، مذهب، قوم، زبان و امثال آن‌ها... صرف به عنوان یک انسان، از آن‌ها برخوردار بوده و هیچ کس به شمول دولت نمی‌تواند چنین حقوقی را از ایشان سلب نماید. از این که در کشور ما افغانستان به دلایل مختلف (از جمله جنگ زدگی،

پوهنمل دكتور احمد حنيف حنيف

فقر و پايين بودن سطح سواد) حقوق و آزادي‌هاي عمومي بيش تر از ساير كشورها آسيب پذير اند، قانون اساسي سال ۱۳۸۲ افغانستان كه همگام با انكشافات اخير جهان، در اولين سال‌هاي قرن ۲۱ (سال ۲۰۰۳ ميلادي) به تصويب رسيده است، به حقوق و آزادي‌هاي ياد شده اهميت ويژه‌اي قايل گرديده و يك فصل مستقلي را بنام (حقوق اساسي و وجايب اتباع) كه جمعاً شامل بيش از ۶۰ مورد از ارزش‌هاي حقوق بشري مي‌شود، به اين امر اختصاص داده است.

تحليل و ارزيابي داده‌هاي تحقيق هم‌چنان مي‌رساند، از اين كه حقوق و آزادي‌هاي عمومي مصرّح در قانون اساسي سال ۱۳۸۲ افغانستان بصورت جامع و همه‌جانبه در نظر گرفته شده‌اند، در شرايط موجود نيز مي‌توانند در عرصه حقوق بشر جوابگوي نيازمندي‌هاي جامعه افغاني باشند؛ زيرا حقوق و آزادي‌هاي مذكور شامل حق‌هاي سلبی نسل اول (آزادي‌ها)، حق‌هاي ايجابي نسل دوم (برابري) و حق‌هاي ايجابي نسل سوم (همبستگي) مي‌شوند كه بصورت فردي و جمعي و با رعايت ارزش‌هاي دين مابين اسلام و سنت‌هاي پسنديده ملي در نظر گرفته شده‌اند.

در نهايت پيشنهاد مي‌شود، در صورتي كه قانون اساسي جديد در راستاي حقوق و آزادي‌هاي عمومي از مندرجات حقوق و آزادي‌هاي مصرّح در قانون اساسي سال ۱۳۸۲ در چارچوب ارزش‌هاي دين مابين اسلام الگو برداري نمايد، زمينه رعايت و تطبيق عملي اين حقوق و آزادي‌ها در جامعه مساعد گرديده، با توجه به وضعيت نا بسامان حقوق بشر در کشور ما افغانستان، مشكلات موجود تا حد زيادي کاهش خواهد يافت.

منابع

۱. قرآن کریم؛
۲. ابراهیمی، محمدعلی. (۱۳۸۸). جایگاه حقوق بشر در نظام حقوقی افغانستان. سفیر نور، شماره ۱۲.
۳. اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد؛
۴. اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب سال ۱۳۹۰ قاهره توسط کشورهای اسلامی؛
۵. انصاری، باقر. (۱۳۹۵). اسناد بین‌المللی حقوق بشر (مجموعه کامل اسناد جهانی از ۱۹۲۴ تا ۲۰۱۵) جلد اول، ایران، تهران، چاپ خرسندی؛
۶. جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۲). پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان (ALEP) مبادی حقوق اساسی افغانستان. پی دی اف نشر شده در سایت دانشکده حقوق دانشگاه استانفورد، ایالات متحده امریکا؛
۷. دانش، محمدسرور. (۱۳۸۹). حقوق اساسی افغانستان. افغانستان، کابل، نشر دانشگاه ابن سینا، چاپ اول.
۸. رسولی، محمد اشرف. (۱۳۹۱). تحلیل و نقد قانون اساسی افغانستان. افغانستان، کابل، نشر انتشارات سعید، چاپ دوم.
۹. روستار تره کی، محمد عثمان. (۱۳۷۷). ساختارهای قدرت از نظر جامعه شناسی در افغانستان. پاکستان، پشاور، نشر دپشتی فرهنگی دودی او پراختیا تولنه.
۱۰. سپنتا، رنگین دادفر. (۱۳۹۳). مروری بر حقوق اساسی شهروندان: چالش ها و فرصت ها. افغانستان، کابل، نشریه موردی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان.
۱۱. سروری، عبدالقادر. (۱۳۹۴). تاریخچه حقوق بشر. افغانستان، کابل، نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، چاپ دوم.
۱۲. سید فاطمی، سید محمدقاری. (۱۳۹۳). حقوق بشر در جهان معاصر. ایران، تهران، چاپ شهردانش، دفتر یکم.

پوهنمل دکتور احمد حنیف حنیف

۱۳. علامه، غلام حیدر. (۱۳۸۷). جایگاه حقوق بشر در قانون اساسی افغانستان. افغانستان، کابل، چاپ انتشارات عرفان.

۱۴. قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، جریده رسمی شماره (۸۱۸) وزارت عدلیه افغانستان، سال ۱۳۸۲؛

۱۵. مسعودی، نجمان. (۱۳۹۴). حقوق و آزادی‌های اشخاص در قانون اساسی افغانستان در پرتو اسناد بین‌المللی. افغانستان، کابل، چاپ انتشارات سعید.

۱۶. منوچهری، عباس و مزاری، صفورا. (۱۳۸۸) سنجش نظری قانون اساسی جدید افغانستان با دموکراسی. ایران، تهران، نشر فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۳۹، شماره ۴.

۱۷. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد.

۱۸. نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان، چاپ مطبوعه دائره تحریرات مجلس عالی وزراء، سال ۱۳۰۳.

بررسی حکمت های امامت پیامبر صلی الله علیه وسلم در شب معراج

پوهنیار صبغت الله جلیلی^(۱)*

پوهندوی دکتور عبد الرافع علیمی^(۲)

(۱) استاد دیپارتمنت تعلیمات اسلامی پوهنحی شرعیات، پوهنتون البیرونی

(۱) * نویسنده مسؤول: ایمیل sebghatullah_jalili@yahoo.com شماره تماس 0784922784

چکیده

رسول الله صلی الله علیه وسلم بندهی الله و مانند ما بشر بود، اما ایمان راستین که نسبت به خالق داشت سبب شد تا جایگاه عظیمی را میان انسان ها و منزلت بزرگ را نزد الله متعال کسب کند که بالآخره به جای گاه (سدره المنتهی) دعوت می شود که هیچ کس به آنجا تشریف نه برده است نه در خواب و نه هم در بیداری، در همین سفر پیامبر بزرگوار ما صلی الله علیه وسلم به امامت خود دو رکعت نماز را برای انبیاء علیهم السلام در مسجد الاقصی اولین قبله مسلمانان اداء می کند، که امامت وی خود اشاره به جای- گاه بلند وی دارد.

سفر اسراء و معراج پیامبر صلی الله علیه وسلم از جمله معجزات او می باشد که سفر اسراء، شب هنگام از مکه شروع و با ادای دو رکعت نماز در بیت المقدس پایان می یابد، و سفر معراج از بیت المقدس شروع و به سدره المنتهی که فوق آسمان هفتم می باشد پایان می یابد.

قول راجح در مورد این سفر این است که: یک بار قبل از هجرت پیامبر صلی الله علیه وسلم، جسماً و روحاً در بیداری همراه با جبریل امین علیه السلام صورت گرفته است.

موضوع را به شکل تحلیلی و توصیفی بیان می دارم و ابزار گردآوری معلومات به شکل کتاب خانه ای می باشد؛ تا اسرار و حکمت های نهفته در این سفر برملا گردد.

واژه های کلیدی: اسراء، براق، سدره المنتهی، مسجد الاقصی و معراج.

Abstract

Messenger of Allah, peace be upon him, was a servant of Allah and a human like us, but had true faith towards the creator, which is the reason why he gained a great position among people and a great dignity in the sight of almighty Allah, who will ultimately be invited to the place Sidrat Al-Muntaha (the lote tree of utmost boundary) that no one has visited, neither in sleep nor in waking life, during this journey our noble prophet (saw) led two rak'ahs of prayer for the prophets with his imamate, the two rak'ahs of prayer were performed for the Prophets in Al-Aqsa Mosque, the first Qiblah of the muslims, which his imamate refers to his high position. The ascension journey of the Prophet, peace and blessings of Allah be upon him is a miracle of the prophet. The ascension journey starts from Makkah at night and ends with two rak'ahs of prayers in Jerusalem, and the ascension journey starts from Jerusalem and ends at Sidra al-Muntahi (the lote tree of utmost boundary), which is above the seventh heaven. Popular statement about this trip is that it was done once before the emigration of the prophet (saw) physically and mentally in a wake with the guidance of Jibril Amin (peace be upon him). In writing this article, a library research method is conducted to investigate the subject analytically and descriptively in order to reveal the secrets and wisdoms hidden in this journey.

Keywords: Isra (night journey), Buraaq (winged horse), Sidrat Al-Muntaha (lote tree of utmost boundary), Miraj (ascension to heaven)

الحمد لله رب العلمین القائل [سبحان الذی أسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى الذی بارکنا حوله لنریه من آیاتنا إنه هو السميع البصیر] {الإسراء: ۱} والعاقبة للمتقین و الصلاة والسلام علی محمد بن عبدالله، صاحب الاسراء و المعراج و علی آله وصحبه و من تبعهم علی نهجه أجمعین .

اما بعد : یقیناً سفر اسراء و معراج از جمله معتقدات امت مسلمه و یکی از معجزات است که از جانب «الله متعال» به پیامبر آخر زمان تهیه گردیده است . از این که علمای کرام در مورد چگونگی این سفر مبارک باهم اختلاف دارند و اینکه چرا پیامبر صلی الله علیه وسلم به این سفر دعوت می شود، چه حکمت های در این سفر و جود داشته؟ از این جهت مناسب دیدم تا موضوع را بیش تر مو شگافی نموده و آنچه که در این زمینه بدست می آید با دیگران شریک سازم، ضمناً اسرار و حکمت های امامت پیامبر صلی الله علیه وسلم برای انبیاء علیهم السلام را بررسی نموده و یکا یک آن را بیان خواهیم کرد.

بیان مسأله: در مورد سفر اسراء و معراج رسول الله صلی الله علیه وسلم قول محقق این است که این سفر با جسد و روح و ادای دو رکعت نماز به امامت پیامبر صلی الله علیه وسلم برای پیامبران علیهم السلام صورت گرفته است که این همه دارای حکمت های زیادی می باشد. دریافت حکمت ها و اسرار نهفته در امامت مذکور پیامبر علیه السلام ، موضوع اصلی بحث را در این مقاله تشکیل می دهد.

اهمیت تحقیق: سفر اسراء و معراج پیامبر صلی الله علیه وسلم یکی از معجزات است که در تصدیق آن، ماده پرستان فکر مادی دارند از این جهت منکر آن می باشند و شبه های را پیرامون این سفر ارایه می کنند که در نتیجه بسیاری از اموری که پیامبر صلی الله علیه وسلم از آن خبر داده به خصوص فرضیت نماز پنج وقت مورد سوال قرار می گیرد، از این لحاظ ایجاب می کند موضوع به گونه همه جانبه بررسی و تحقیق گردد تا حقیقت این سفر مبارک به جامعه انسانی هویدا و حکمت های نهفته در این سفر روشن گردد، مقاله هذا به همین مقصد به رشته تحریر در آورده شده است تا پاسخ درست برای منکرین آن ارایه گردد.

پوهنیار صبغت الله جلیلی

اهداف تحقیق:

۱- درک حقیقت این سفر و دانستن وقائع مهم؛ چون امامت نبی علیه السلام برای انبیاء علیهم السلام.

۲- بررسی حکمت‌های امامت پیامبر علیه السلام برای انبیاء علیهم السلام در بیت المقدس.

سوال تحقیق: موضوع چگونگی سفر اسراء و معراج رسول الله صلی الله علیه وسلم و اینکه این سفر چه حکمت‌های را در پی دارد؟ آیا این سفر روحاً بدون جسد صورت گرفته است؟ و یا این که با جسد و روح هر دو صورت گرفته است؟ قول محقق در زمینه چیست؟ برای این سوالات پاسخ‌های منطقی و تحقیقی ارائه خواهیم کرد تا حقیقت این سفر بگونه‌ای علمی و تحقیقی برای خواننده گان روشن گردد و از شبه‌های ملحدین در زمینه جلوگیری به عمل آمده باشد.

فرضیه تحقیق: به نظر می‌رسد که پیامبر صلی الله علیه وسلم در این سفر مبارک به منظور توحید رسالت پیامبران علیهم السلام به امامت خود دو رکعت نماز را در حضور انبیاء علیهم السلام ادا کرده است.

و نیز امامت وی و اقتدای سایر پیامبران الهی به ایشان، یک تحول سیاسی اساسی به شمار می‌رود، زمام رهبری از دست بنی اسرائیل خارج و به امت محمدی صلی الله علیه وسلم واگذار شد و به سبب آن عمل به اصول تحریف شده منسوخ شد.

پیشینه تحقیق

در زمینه رساله‌ی مستقل و یا کتاب که موضوع را تحقیقی با بیان حکمت‌های امامت پیامبر صلی الله علیه وسلم در این سفر، به رشته تحریر در آورده باشد دریافت نمودم؛ اما علمای کرام در تألیفات خود چون تفسیر، حدیث و کتب سیرت منحیث یک موضوع فرعی از آن تذکر به عمل آورده اند؛ ضمناً رساله‌های مستقل در زمینه به زبان عربی به رشته تحریر در آمده است از جمله الإسراء والمعراج و ذکر أحادیثهما وتخریجها و بیان صحیحها (۱۴۲۰) محمد ناصر الدین الألبانی المكتبة الإسلامية، عمان - الأردن، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م که صرف به جمع آوری احادیث اسراء اکتفا نموده است.

پوهنیار صبغت الله جلیلی

و الأحكام والآداب المستفادة من سورة الإسراء. أحمد محمد بوقرين - ماستر در اصول دین پوهنتون امریکائی که به زبان عربی تحریر گردیده است .

و هو بالأفق الأعلى و يليه الانوار البهيّة من إسراء و معراج خير البرية. تأليف السيد محمد بن علوي المالكي المكي الحسيني. که اکثر احاديث و اقوال علماء را در زمينه اسراء و معراج جمع آوری نموده است. که حدوداً ۴۳ تألیف را در زمينه تا الحال در يافت کرده ام، که همه اين کتاب ها و يا اکثر آن به زبان عربی میباشد.

روش تحقيق

مسلماً هر تحقيق بر اساس يك اصول بنا يافته است که در اين تحقيق از روش کتابخانه‌ای استفاده گردیده است که در زمينه با تمام امانت‌داری، رعایت اخلاق کتاب‌نویسی به کتب معتبر سلف (گذشته-گان) و معاصر سر زده موضوع فوق را مو شگافی نموده‌ام و به زبان ساده و آسان خدمت خواننده عزیز به رشته تحریر در آوردم تا حقیقت و حکمت‌های این سفر با برکت در زندگی ایشان رو نما گردد .

تعريف اسراء

تعريف اسراء از نظر لغت و شريعت :

اسراء در لغت از (السرى) گرفته شده و به معنی سير و سفر کردن در عموم شب، برابر است که این سفر در قسمت اول شب باشد يا در وسط شب و يا هم در آخر شب . (الزبيدي ، ب.ت ۳۶ / ۲۶۱).

اسراء هنگامی که در شرع به کار می‌رود مراد از آن : سير نمودن و انتقال رسول الله صلی الله عليه و سلم در شب از مسجدالحرام در مکه به سوی بیت المقدس می‌باشد. (عمر، ۱۴۲۹ هـ (۲ / ۱۰۶۲).

حقيقت اسراء پيامبر صلی الله عليه وسلم و قصه مختصر آن

اسراء نشانه‌ی بزرگ است که خداوند متعال به وسیله آن پيامبر صلی الله عليه وسلم را قبل از هجرت تأييد و تقويت نمود به گونه‌ای که شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی سوار بر براق با هم صحبتی جبریل عليه السلام سير داده شد تا به بیت المقدس رسید . براق را به حلقه‌ای در مسجد بست سپس داخل مسجد شد و با پيامبران عليهم السلام در حالیکه امام آن‌ها بود، نماز خواند . سپس جبریل

پوهنیار صبغت الله جلیلی

علیه السلام با ظرفی از شراب و ظرفی از شیر پیش او آمد و پیامبر صلی الله علیه وسلم شیر را بر شراب اختیار نمود. جبریل علیه السلام به او فرمود: هدایت را برای فطرت برگزیدی (نخبة گان از اهل علم، ۱۴۲۱ هـ. ص: ۱۸۸).

دلایل اسراء

ثبوت و دلیل اسراء، کتاب الله و سنت رسول الله می باشند. الله متعال می فرماید: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الإسراء: ۱]. «پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که اطراف آن را برکت داده ایم، سیر داد تا از نشانه های خود بر ما بنمایاند که همانا او شنوای بیناست.

از سنت، حدیث انس بن مالک است که امام مسلم رحمه الله در صحیحش از طریق ثابت بنانی او نیز از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت می کند که فرمود: «أَتَيْتُ بِالْبُرَاقِ وَهُوَ دَابَّةٌ أَبْيَضٌ طَوِيلٌ فَوْقَ الْحِمَارِ وَدُونَ الْبُغْلِ يَضَعُ خَافِرَهُ عِنْدَ مُنْتَهَى طَرَفِهِ قَالَ فَرَكَبْتُهُ حَتَّى أَتَيْتُ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ قَالَ فَرَبَطْتُهُ بِالْخُلُقَةِ الَّتِي يَرِبُطُ بِهَا الْأَنْبِيَاءُ قَالَ ثُمَّ دَخَلْتُ الْمَسْجِدَ فَصَلَّيْتُ فِيهِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ خَرَجْتُ فَجَاءَنِي جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِإِنَاءٍ مِنْ خَمْرٍ وَإِنَاءٍ مِنْ لَبَنٍ فَاخْتَرْتُ اللَّبَنَ فَقَالَ جِبْرِيلُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اخْتَرْتَ الْفِطْرَةَ» (النيسابوري، ب، ت ۱/ ۱۴۵).

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: براق را برایم آوردند که حیوانی سفید و دراز و بزرگتر از الاغ و کوچکتر از قاطر بود و سمش را در انتهای دید چشمش می گذاشت. «بر او سوار شدم تا به بیت المقدس رسیدیم. او را به حلقه دری که انبیاء به آن می بستند، بستم. سپس داخل مسجد شدم و در آن دو رکعت نماز خواندم سپس خارج شدم و جبریل علیه السلام با ظرفی از شراب و ظرفی از شیر پیش من آمد و من شیر را انتخاب کردم. جبریل علیه السلام گفت: فطرت را انتخاب کردی. سپس بقیه حدیث را ذکر نمود.

همچنان احادیث که دلیل بر اسراء رسول الله صلی الله علیه و سلم می باشد در صحیحین، سنن و غیره کتاب های سنت آمده است و اصحابی که از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت نموده اند، تعداد شان به حدود سی نفر می رسد، سپس آن را کسانی که تعداد شان را جز خدا نمی داند از راویان سنت و امامان دین روایت نموده اند. (نخبة گان از اهل علم، ۱۴۲۱ هـ. ص: ۱۸۸).

در مورد اسراء و معراج احادیث متعدد آمده است که مشتمل بر تفصیل دقیق است که کتاب الله متعال به بیان آن نپرداخته است، حافظ ابن کثیر به جمع آوری تمام طرق این احادیث با اختلاف درجات آن به گونه ای نیکوی در حدود بیست صفحه پرداخته است که خلاصه آن را ابن کثیر رحمه الله چنین بیان می دارد: از مجموع این احادیث خواه صحیح باشد یا حسن و یا هم ضعیف بر می آید که سخن درست این است که سفر اسراء در حالت بیداری از مکه مکرمه الی بیت المقدس توسط براق (چهار پای سفید رنگی تابان بدن) یک بار صورت گرفته است؛ هنگامی که به مسجد اقصی داخل شد دو رکعت نماز را به گونه تحیه المسجد در قبله آن ادا کرد، سپس برایش معراج (اله بود مانند زینه، دارای درجه ها که انسان در آن بالا میشود) آورده شد که در آن به آسمان دنیا و آسمانهای هفت گانه دیگر بالا شد، شماری از در هر آسمان ملائکه مقرب آن از وی استقبال نمودند، و بالای شمار از انبیاء علیهم السلام بنا بر منازل و موقعیت شان در آسمان سلام تقدیم کرد و بالا رفت تا به جای رسید که صدای نوشتاری قلم ها (قلم که مقدرات را می نوشت) شنیده می شد، و سدره المنتهی، بیت المعمور، جنت و دوزخ را دید و در همین جا پنجاه وقت نماز بالای پیامبر صلی الله علیه وسلم فرض گردید، سپس الله متعال آن را به پنج وقت از روی رحمت و شفقت بر بنده گانش تخفیف نمود و از همین جا توجه به شرافت و عظمت نماز هویدا می گردد.

سپس به بیت المقدس با همراهی پیامبران علیهم السلام فرود آمدند و در وقت نماز به ایشان نماز ادا کرد، سپس از بیت المقدس بیرون شد و بر براق سوار شده در تاریکی شب به مکه مکرمه برگشت . و این سفر یکسال قبل از هجرت به وقوع پیوسته بود .

سپس ابن کثیر رحمه الله میگوید : اکثر علماء بر این قایل هستند که این سفر با روح و جسد مبارک رسول الله صلی الله علیه وسلم در حالت بیداری صورت گرفته است و نیز منکر رؤیت این سفر در خواب نمی باشند و آن را رد نمی کنند طوری که این سفر برای نخست در خواب رسول الله صلی الله علیه وسلم و سپس در بیداری وی صورت گرفته است. چون رسول الله صلی الله علیه وسلم هیچ خواب نمی دید مگر این که همانطور به وقوع می پیوست؛ گویا در روز روشن آن را دیده است. خلاصه سخن ابن کثیر تمام شد.

پوهنیار صبغت الله جلیلی

اما قول که اسراء پیامبر صلی الله علیه وسلم را در خواب میدانند که بعدا در بیداری صورت گرفته است، مشابه به آغاز وحی می‌داند که ملک الوحی ابتداء به پیامبر صلی الله علیه وسلم در خواب می‌آمد سپس در بیداری. ابن کثیر ۱۹۹۹م ۴۲/۵-۴۳ و الناصری (۱۹۸۵م. ۳/۳۷۵).

قاضی ابوبکر (ابن العربی) حکمت از سفر تدریجی اسراء را که پیامبر صلی الله علیه وسلم ابتداء آنرا در خواب دید سپس در بیداری صورت گرفت، چنین بیان می‌دارد: حکمت از خواب دیدن این بود تا که این خواب ثبات و استواری درونی برای پیامبر صلی الله علیه وسلم ایجاد بکند، چون اگر این سفر در حال ناگهانی به وی رخ می‌داد، بالای نفس رسول الله سخت و دشوار تمام می‌شد به خاطر عجز قوای بشری در تقابل به صورت ملکی. (ابن العربی، ۱۴۲۴ هـ ۳/۱۸۱)

معراج و حقیقت آن:

حدیث معراج همراه با حدیث اسراء در نصوص و کلام اهل علم آمده است و شایسته است که همراه آن آورده شود تا فایده مکمل گردد.

معراج بر وزن مفعال از باب عروج است. یعنی وسیله که توسط آن بالا رفته می‌شود. و آن به منزله نردبانی است که کیفیت آن را نمی‌دانیم. منظور از معراج که در شرع به کار می‌رود، بالا رفتن پیامبر صلی الله علیه و سلم همراه با جبریل علیه السلام از بیت المقدس به آسمان دنیا سپس سایر آسمان‌ها تا آسمان هفتم و دیدن پیامبران در آسمانها بر منازلشان و سلام نمودن بر آنها و خوش آمدی گفتن آنها به او، سپس بالا رفتن او به سوی سدره المنتهی و دیدن جبریل علیه السلام بر صورتی که خداوند عز و جل او را بر آن خلق کرده است، سپس خداوند متعال در آن شب پنج وقت نماز را بر او فرض نمود و نیز به خاطر آن با او سخن گفت، سپس به سوی زمین برگشت، که این واقعه در شب اسراء به وقوع پیوست. (نخبة گان از اهل علم، ۱۴۲۱ هـ. ص: ۱۸۹-۱۹۱).

دلایل معراج از قرآن و سنت:

کتاب و سنت بر معراج شاهد اند. در قرآن ذکر بعضی از نشانه ها و آیات بزرگ که برای پیامبر صلی الله علیه و سلم در شب معراج حاصل گشته، آمده است مانند این سخن الله متعال که می فرماید: ﴿أَفْتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ (۱۲) وَلَقَدْ رَأَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ (۱۳) عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ (۱۴) عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ (۱۵) إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ (۱۶) مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ (۱۷) لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ﴾ [النجم: ۱۲-۱۸] آیا در آنچه دیده است با او جدل می کنید؟ قطعاً بار دیگر او را دیده است، نزدیک سدره المنتهی در همانجا که جنه المأوی است آنگاه که درخت سدر، آنچه را که پوشیده بود، می پوشاند دیده منحرف نشد و در نگذشت برآستی که برخی از آیات بزرگ پروردگار خود را دید.

الله متعال در این آیه نشانه ها و آیات بزرگ که به وسیله آن رسولش صلی الله علیه و سلم را در شب معراج اکرام نمود مانند دیدن جبریل علیه السلام کنار سدره المنتهی و دیدن سدره المنتهی و آنچه از امر خداوند بود و آن را پوشانده بود. ابن عباس و مسروق می گویند: « غشیها فراش من ذهب » با فرش هایی از طلا آن را پوشانده بود. (الصابونی، ۱۴۱۷ هـ. ۳ / ۲۵۶).

و در سنت خبر معراج به تفصیل بیش تر آمده است که از آن جمله حدیث انس رضی الله عنه است که در داستان اسراء آنچه مربوط به اسراء بود گفته شد، سپس پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: سپس ما را به آسمان بالا برد جبریل از (دریان) خواست که در را باز کند. گفته شد: تو کیستی؟ گفت: جبریل... گفته شد: چه کسی با توست؟ گفت: محمد صلی الله علیه و سلم. گفته شد: دعوت شده است؟ گفت: بله، دعوت شده است. پس در را برایمان باز کرد در این هنگام با آدم علیه السلام روبه رو شدم به من خوش آمد گفت و برایم دعای خیر کرد. (سپس بالا رفتن او به آسمان ها و ملاقاتش با انبیاء را ذکر می کند تا آنجا که فرمود): سپس مرا به سدره المنتهی برد که دیدم برگ هایش هم چون گوش های فیل و میوه هایش هم چون کوزه های بزرگ می باشند. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: وقتی آن به امر خداوند چیزی را فرا می گیرد دگرگون می شود و از زیبایی آن، هیچ یک از آفریده گان خداوند نمی تواند توصیف کند. پس به من وحی کرد آنچه وحی می کرد و بر من پنجاه نماز در شبانه روز واجب کرد آنگاه به سمت پایین به طرف موسی علیه السلام برگشتم. گفت: پروردگارت چه چیزی

پوهنیار صبغت الله جلیلی

را بر امت واجب کرد؟ گفتم: پنجاه نماز. گفت: به سوی پروردگارت برگرد و از او تخفیف بخواه، زیرا امت نمی تواند آن را انجام دهد که من بنی اسرائیل را آزمایش کرده ام. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: نزد پروردگارم برگشتم و گفتم: خدایا بر امتم تخفیف بده، پس پنج نوبت از آن را برایم تخفیف داد. نزد موسی برگشتم و گفتم: پنج فرض را برایم تخفیف داد، گفت: امت نمی تواند آن را انجام دهد، نزد پروردگارت برگرد و از او تخفیف بخواه. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: همچنان بین پروردگار متعال و موسی علیه السلام در رفت و آمد بودم تا اینکه خداوند فرمود: ای محمد در هر شبانه روز پنج نوبت نمازند و برای هر فرض نماز ده اجر قرار دادم، پس پنجاه نماز فرض می شود. (النیسابوری، ب، ت، ۱/ ۱۴۵)

چگونگی عقیده داشتن نسبت به اسراء و معراج

اسراء و معراج از نشانه های بزرگی هستند که خداوند به وسیله آن پیامبرش صلی الله علیه و سلم را تکریم نمود و بر مسلمانان واجب است که به درستی آنها اعتقاد داشته باشند و اینکه آن دو صفات بزرگی هستند که خداوند در میان رسولان به پیامبر ما صلی الله علیه و سلم اختصاص نموده است و جایز نیست برای یاد اسراء و معراج جشن برپا نمود همچنانکه جایز نیست برای آن دو نماز خاصی تشریع کرد بدینگونه که بعضی از مسلمانان عوام انجام می دهند بلکه تمام آنها بدعت منکری هستند که پیامبر صلی الله علیه و سلم تشریع ننموده و احدی از سلف آن را انجام نداده است و از احدی از اهل علم نقل نشده تا به آن اقتدا کنند (نخبه گان از اهل علم ۱۴۲۱هـ ص: ۱۹۱).

علمای اهل سنت در بیان نماز شب بیست و هفتم از ماه رجب و مانند این ها می گویند: (من البدع التي أحدثت في دين الله، وأنه عمل غير مشروع باتفاق أئمة الإسلام ولا ينشئ مثل هذا إلا جاهل مبتدع) «از جمله بدعت هایی است که در دین خداوند به وجود آمده و به اتفاق امامان دین عملی غیر مشروع است و مانند این جز از انسان جاهل بدعت گذار بوجود نمی آید». رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید: «مَنْ أَخَذَتْ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ فَهُوَ زِدٌّ». البخاري ۱۴۲۲هـ. ۳/ ۱۸۴) هر کس در دین ما چیزی را که جزء آن نیست ایجاد کند باطل و مردود است. (الحوامدی ۱۳۵۲هـ ص: ۱۴۳) و (نخبه گان از اهل علم ۱۴۲۱هـ ص: ۱۹۲).

اقوال علماء کرام در مورد حقیقت اسراء و معراج :

ابن ابی العز الحنفی می گوید: از حدیث اسراء اینگونه بر می آید که او با جسمش در بیداری از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی شب روی نمود . و قاضی عیاض تأکید می کند که آن همان چیزی است که همه اهل علم از صحابه و کسانی که بعد از آنها آمده اند، بر آن هستند « و بیشتر بزرگان سلف و مسلمانان بر این عقیده هستند که اسراء با جسم و در بیداری صورت گرفته است و این حق می باشد. و این قول ابن عباس، جابر، انس، حذیفه، عمر، ابوهریره، مالک بن صعصعه، ابوحبه بدری، ابن مسعود، ضحاک، سعید بن جبیر، قتاده، ابن مسیب، ابن شهاب، ابن زید، حسن و ابراهیم، مسروق، مجاهد، عکرمه، ابن جریج، و قول عائشه، طبری، ابن حنبل، دسته بزرگی از مسلمانان و سخن بیشتر متأخرین از فقهاء و محدثین، متکلمین و مفسران است . (نخبه گان از اهل علم ۱۴۲۱ هـ ص: ۱۸۸).

واقعۀ اسراء و معراج، با جسم و روح، هر دو بود و جمهور مسلمانان، از متقدمین و متأخرین، همه بر این مسأله اتفاق نظر دارند .

امام نووی رحمه الله، در شرح مسلم می گوید : حقیقتی که بیشتر مردم و اکثریت سلف و عامه‌ی متأخرین از فقهاء محدثان متکلمان بر این باور هستند که پیامبر صلی الله علیه وسلم با جسم به اسراء برده شده است و آثار و روایات هم ، برای آن کسانی که به تحقیق و مطالعه‌ی آن ها می پردازند، بر همین دلالت دارند و بدون دلیل هم نمی توان از ظاهر آیین آثار عدول کرد و در حمل این آثار بر معنی ظاهری نیز امر محالی و جود ندارد که نیازمند تأویل باشد. (الهروی، ۱۴۳۰ هـ ۱۶۶/۴).

ابن حجر رحمه الله در شرح خود بر بخاری می گوید : در واقع ، اسراء و معراج هردو، در یک شب و در حالت بیداری و با جسم و روح پیامبر صلی الله علیه وسلم اتفاق افتادند و جمهور علمای حدیث و فقهاء و متکلمان نیز بر همین نظر هستند و ظاهر روایات صحیح هم بر همان وارد است و نباید از آن ها عدول شود زیرا عقل آن را محال نمی داند تا نیازمند تأویل باشد. (البویطی، ۱۳۹۳ هـ . ۱۸۷-۱۸۸).

علمای سلف و خلف مسلمانان اتفاق نظر دارند بر صحت و درستی اسراء رسول الله صلی الله علیه وسلم و اجماع دارند که آن حق است. چنانچه قاضی عیاض در مورد اجماع بر آن ، در کتاب خود (

پوهنیار صبغت الله جلیلی

(الشفاء) تحریر داشته میگوید: اسراء پیامبر صلی الله علیه و سلم با روح و جسم و در بیداری بوده است و این چیزی است که نصوص صحیح، تمام صحابه، امامان اهل سنت و محققان اهل علم بر آن دلالت دارند. (أبو الفضل، ۱۴۰۷ هـ. ۱/ ۳۶۲).

قال القاضي عبد الجبار في كتابه "تنزيه القرآن عن المطاعن" : (ربما قيل : كيف يصح قطع هذه المسافة في هذه الأوقات القصيرة ؟ وجوابنا أن ذلك من معجزاته صلى الله عليه وسلم ، كما جعل الله تعالى معجزة سليمان "الريح" بقوله تعالى ﴿وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عُدُوهُمَا نَهَرَ وَرَوَّاحُهَا شَهْرٌ...﴾ [سبأ: ۱۲]

قاضی عبد الجبار در کتاب خود (تنزيه القرآن عن المطاعن) میگوید: شاید کسی بگوید: چگونه امکان دارد که این فاصله بزرگ در وقت کوتاه انجام شود؟ جواب ما این است که این یکی از معجزات پیامبر صلی الله علیه و سلم می باشد همانطوری که الله متعال باد را برای سلیمان علیه السلام معجزه قرار داده بود. چنانچه می فرماید: ﴿وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عُدُوهُمَا نَهَرَ وَرَوَّاحُهَا شَهْرٌ...﴾ [سبأ: ۱۲] و باد را مسخر سلیمان کردیم که صبحگاهان مسیر یک ماه را می پیمود، و شامگاهان مسیر یک ماه را. (قاضی، ۲۰۰۶ م. ۱/ ۲۵۰).

تنها یکی از محققین در نقدش بر کسی که گمان می کند اسراء دو بار روی داده می گوید: « و درست این است که محدثان بر آن هستند که اسراء یک بار در مکه بعد از بعثت بوده است. و جای تعجب است برای کسانی که گمان می کنند که آن بارها تکرار شده است چگونه برای آنها رواست که هم چون گمانی ببرند که در هر بار پنجاه نماز براو فرض شده است؛ سپس او در بین الله جل جلاله و موسی علیه السلام در رفت و آمد بوده تا اینکه به پنج نماز انجامید، سپس می گوید: « واجبم را تأیید کردم و آن را بر بندگانم تخفیف دادم سپس در مرتبه دوم به پنجاه برگردانده و ده ده از آن کم نموده است. (القاسمی ۱۴۱۸ هـ. ۶/ ۴۳۱).

حکمت و فلسفه امامت پیامبر صلی الله علیه و سلم برای انبیاء علیهم السلام در بیت المقدس.

در این شکی نیست که الله متعال با سپردن معجزات به انبیاء علیهم السلام میخواهد به آنها فرصت را تهیه کند تا از قدرت و عظمت الله متعال بیشتر آگاه شوند تا هنگام روبه رو شدن با نیروی کفار، بیش از

پوهنپار صبغت الله جلیلی

بیش قلوبشان از اطمینان و توکل به الله متعال لبریز شده باشد و به همین منظور سفر اسراء و معراج صورت گرفت. دانشمندان اسلامی سفر مبارک فوق را بر رسی نموده و حکمت‌های ذیل را پیامد این سفر میدانند. اینکه چرا رسول الله صلی الله علیه وسلم سفرش را به بیت المقدس شروع کرد و مستقیم به سدره المنتهی نرفت؟ این مسئله ما را به بحثی تاریخی می‌کشاند: در طول تاریخ و برای مدت‌های مدید، نبوت و ارسال پیامبران، مخصوص بنی اسرائیل بود و بیت المقدس مکان نزول وحی بود، و نور وحی از آن‌جا به گوشه و کنار سرزمین خدا پر توافشانی می‌کرد و بیت المقدس، شهر و وطن مورد علاقه ملت برگزیده خدا بود.

از آن‌جایی که قوم یهود احترام و بزرگ داشت وحی را بیاد دادند، و احکام ایمانی را نادیده گرفته و زیر پا نهادند، نفرین الله جل جلاله بر آنان وارد و مقرر شد، و برای همیشه نبوت از آن‌ها گرفته شد، به-همین جهت اعطای رسالت به محمد، به معنای انتقال قیادت و رهبری روحی جهان، از ملتی به ملتی دیگر و از شهری به شهری دیگر بود، از ذریت و نسل اسرائیل به ذریه و نسل اسماعیل بود.

آتش کینه و قهر یهود، از این تحول، شعله ور بود که همین غضب و کینه آنها را به مخالفت و انکار نبوت محمد صلی الله علیه وسلم وادار می‌کرد، اما اراده الله متعال جاری شد، و ملت تازه بار مسئولیت رسالت را تقبل و تحمل نمود، پس از آن مشیئت الهی بر این قرار گرفت، که پیامبران پیشین، پرچمداران هدایت، در این سرزمین گردهم آیندس و به استقبال صاحب خاتم رسالات بروند.

در حدیث صحیح آمده است که پیامبر در مسجد اقصی با پیامبران، برادرانش، دو رکعت نماز رابه جماعت خوانده است. این امامت به وضوح آشکار می‌سازد که اسلام آخرین پیام کلمه خدا خطاب به خلق خود می‌باشد. که بعد از پذیرفتن آن از جانب بنده گان صالح خدا، یعنی پیامبران پیشین، به دست محمد صلی الله علیه وسلم خاتمه یافت و عملی شد. (غزالی، محمد ۱۳۸۸هـ. ص: ۱۸۲-۱۸۳) با اختصار و تصرف.

ابعاد سه گانه سفر اسراء و معراج:

دکتر محمد رواس قلعه جی در کتابش نگرشی سیاسی بر سیره پیامبر می‌نویسد: این سفر در سه بعد آثار ملموس و حکمت-های از خود بجا گذاشت که به شرح ذیل بیان می‌شود.

پوهنیار صبغت الله جلیلی

۱- بُعد سیاسی

۲- بُعد اجتماعی

۳- بُعد روحی

بُعد سیاسی:

الف: زمام رهبری دنیا تا وقوع حادثه اسراء و معراج به دست بنی اسرائیل بود، زیرا دین هایی که از ادیان آسمانی باقی مانده بودند - یهودیت و مسیحیت - از ادیان بنی اسرائیل بودند، اما حاملان این ادیان شایستگی رهبری جهان را نداشتند، زیرا اصول و مبادی را به بازیچه گرفتند و آن را با بهای اندک فروختند، دین را تحریف کردند، لذا می بایست که زمام رهبری از دست آنان خارج شده و به قوم دیگری که خداوند متعال آنان را برای حمل این امانت بر می گزید، واگذار شود. و این گونه تغییر یک نکته اتفاقی برای رهبری و حکومت داری جهان است.

ب: امامت پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز جماعت و اقتدای سایر پیامبران الهی به ایشان، یک تحول سیاسی اساسی به شمار می رود، زمام رهبری از دست بنی اسرائیل خارج و به امت محمدی صلی الله علیه وسلم واگذار شد و به سبب آن عمل به اصول تحریف شده منسوخ شد، تا ارزشها و تعالیم جدید اسلامی که ارزشهایی فطری و عادلانه هستند، جایگزین آن شود. این یک تغییر و تحول مشروع و قانونی است و نمایندگان و عقلای امت ها که پیامبران معصوم هستند، آن را تبریک گفته اند. لذا هر گونه اعتراض به آن غیر مشروع بوده و هر نوع مقاومتی در برابر آن مقاومتی پست و زبون است که می خواهد باطل را یاری کند و نور حق را خاموش نماید. چنین مقاومتی به منزله ی سرپیچی و خروج از قانون بوده و باید آن را ریشه کن کرد. مخصوصا مقاومت یهودیان در مدینه ی منوره و حومه ی آن که پیامبر صلی الله علیه وسلم برنامه ی دقیقی برای پاک سازی آن تنظیم کرد که آغاز اجرای این برنامه سال سوم هجری بوده است.

ج: اسرای پیامبر به بیت المقدس و اقامه ی نماز جماعت با سایر پیامبران الهی به امامت حضرت محمد و از همان جا عروج به آسمان، به این معنی است که بیت المقدس جزئی از سرزمین های اسلامی در آینده به شمار می رود، زیرا حق امامت برای صاحب خانه محفوظ است. امامت پیامبر در نماز جماعت

پوهنیار صبغت الله جلیلی

در بیت المقدس دلیل بر آن است که رسول خدا صاحب خانه می باشد و اقتدا پیامبران الهی به او مهر تأییدی است بر این که بیت المقدس گوشه ای از سر زمین های اسلامی است که پرچم شریعت اسلامی بر فراز آن به اهتزاز در خواهد آمد.

بعد اجتماعی

اقامه نماز جماعت با سایر پیامبران الهی با ملیت ها و نژادهای مختلف، بدین معنی است که دولت اسلامی سایه ی اصول و مبادی خود را بر سر همه ی مؤمنان می گستراند و بین سیاه و سفید و عرب و غیر عرب فرقی قائل نمی شود. نژادها و ملیت ها همگی در کوره ی ایمان ذوب می شوند و در قالب امتثال از شریعت خداوند عزوجل شکل می گیرند. فرصت برتری جویی و رقابت در این دولت به اندازه مساوی برای همه میسر و در های دولت برای ارتقای کسانی که برتری خود را به اثبات برسانند، باز است، مثل فراهم بودن فرصت به صورت مساوی برای نماز گزاران و بازبودن در های آسمانی برای پذیرش اعمال آنان. بدین شکل معجزه اسراء، پایه های جدیدی برای تأسیس جامعه ای که نو ایجاد آن در سایه ی اصول و دولت اسلامی مورد نظر بود، بنا کرد. (قلعه جی، ۱۳۹۰ هـ. ۱۲۶-۱۲۷).

بعد روحی

باید به خاطر داشته باشیم که این سفر با برکت بعد از یک سلسله مصایب و آزار و اذیت که به رسول الله وارد شده بود اتفاق افتاد، از جمله مرگ عمویش ابو طالب که همیشه رسول الله را از آزار مشرکین نجات میداد، و فات همسرش خدیجه رضی الله عنها که عزم و اراده اش را محکم تر می نمود، و به دنبال آن شدت یافتن آزار و اذیت مشرکین علیه پیامبر صلی الله وسلم تا جایی که آن سال را (عام الحزن) یعنی سال حزن و اندوه نامیده اند. پس خداوند خواست که خاطر اندوهگین پیامبرش را تسلیت بخشد، لذا این سفر مبارک اتفاق افتاد که در اثنای آن، در بیت المقدس، پیامبران الهی به او اقتداء کردند، گویی که خداوند به پیامبر محبوبش می گوید: ای محمد! آینده از آن تو و امت تو می باشد و قلمرو دولت ات از مرز بیت المقدس نیز خواهد گذشت و میراث ادیان گذشته تحت پوشش آن در خواهد آمد. گویی پیامبران الهی در حالی که در پشت سرش نماز می گذارند، به او می گویند: ای! محمد صلی الله علیه وسلم، به سوی پروردگارت حرکت کن که ما نیز با تو هستیم. و گویی که ملائکه الله جل جلاله در

پوهنیار صبغت الله جلیلی

حالی که پیامبر صلی الله علیه وسلم در آسمان عروج می کند، به او می گویند: اگر زمین بر تو تنگ آمده، اینک آسمان آغوش خود را به روی تو گشوده است، اگر سفیهان و سرکشان زمین، تو را آزرده اند، اهل آسمان برای استقبال از تو صف کشیده اند، که همه این موارد روح رسول الله صلی الله علیه وسلم و روح مؤمنین را تازه نموده و به دعوت به دین الله عزوجل با تمام توان خود ادامه داد. (قلعه جی، ۱۳۹۰ هـ ص ۱۲۷).

نتائج تحقیق

۱- اسراء و معراج یکی از معجزه های پیامبر صلی الله علیه وسلم بود، که یکبار جسماً و روحاً صورت گرفته است، همان طوری که باد، معجزه سلیمان علیه السلام بود.

۲- اسراء و معراج به کتاب الله متعال، سنت رسول الله و اجماع امت ثابت گردیده است که هیچ مؤمن نمی تواند از آن انکار نماید.

۳- بعد از تحقیق دریافتیم که اسراء و معراج از مسائل مومن به است، و از معجزه های پیامبر شمرده می شود که در طول عمرش یکبار با جسم و روح در بیداری صورت گرفته است و نیز ثابت گردید که امامت از مسائل مهم شرعی بوده؛ چون پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم دو رکعت نماز را به امامت خود به تماماً انبیاء علیهم السلام در مسجد اقصی ادا نموده است که به سنت رسول الله و اجماع علماء ثابت گردیده است، و این امامت دارای حکمتهای زیادی می باشد.

۴- سفر مذکور و امامت پیامبر صلی الله علیه وسلم برای انبیاء نوعی احترام و تکریم و انس دادن به شخص پیامبر می باشد

۵- در داستان اسراء و معراج بنیان و اساس نزدیکی و اخوت، در میان عموم پیامبران اشکار است. و یکی از مفاهیم اصولی اسلام هم همین است.

۶- سفر اسراء رسول الله صلی الله علیه وسلم دلالت دارد بر اینکه پیام الله جل جلاله برای انسانها یکی است که همانا اسلام است. ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ [آل عمران: ۱۹] و این پیام همه انبیاء علیهم السلام از آدم تا خاتم علیهم السلام می باشد. و اینکه پیامبر امامت انبیاء علیهم السلام را در مسجد اقصی

پوهنیار صبغت الله جلیلی

انجام می‌دهد این خود به اهمیت مسجد اقصی و مسجد الحرام می‌افزاید پس اگر قبله تغییر کرده است پس محمد صلی الله علیه وسلم خاتم انبیاء امام آن می‌باشد.

مناقشه

با در نظر داشت نتایج بدست آمده از تحقیق چنین تعبیر می‌شود که مسائل مربوط به عقیده از جمله معجزات پیامبران که بسا اوقات عقل از درک آن عاجز می‌باشد. از مسلمات دینی است که به آن باید بدون کمی و زیادت ایمان آورد. قاضی عبد الجبار در کتاب خود (تنزیه القرآن عن المطاعن) می‌گوید: شاید کسی بگوید: چگونه امکان دارد که این فاصله بزرگ در وقت کوتاه انجام شود؟ جواب ما این است که این یکی از معجزات پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌باشد همانطوری که الله متعال باد را برای سلیمان علیه السلام معجزه قرار داده بود. چنانچه می‌فرماید: ﴿وَلَسَلِمَانَ الرَّيْحَ غَدُوَهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ...﴾ [سبأ: ۱۲] و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که صبحگاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود و عصرگاهان مسیر یک ماه را...)

به اتفاق علماء کرام این سفر مبارک معجزه بود برای پیامبر آخر زمان، و با جسد و روح در بیداری صورت گرفته است، زیرا اگر این سفر در خواب به وقوع می‌پیوست چنانچه بعضی‌ها به این باور اند، تردید از جانب کفار نمی‌بود چون در خواب هر کس می‌تواند به یک جا سفر می‌داشته باشد.

سفر اسراء رسول الله صلی الله علیه وسلم داری حکمت‌های زیادی است، اما درخشش این حکمت‌ها در سه بعد ذیل خوبتر به وضاحت دیده می‌شود.

۱- بُعد سیاسی

۲- بُعد اجتماعی

۳- بُعد روحی

نتیجه گیری

سفر اسراء و معراج در زمان صورت می گیرد که رسول الله در ابتداء دعوت خود قرار دارد، عدم پذیرش دعوت توسط مشرکین از یک طرف و وفات عم و زوجه مطهره او از طرف دیگر به اندوه رسول الله صلی الله علیه وسلم می افزاید، در این مرحله حساس الله متعال می خواهد پیامبر را روحا تداوی نماید و به سفر اسمانها ویرا دعوت میکند تا اثر از اندوه به وی باقی نماند، آغاز و ختم این سفر در بیداری و در یک شب با روح و جسد با معیت جبریل علیه السلام صورت گرفته است، در این سفر الله متعال پرده ای را از نشانه های قدرت خود در برابر پیامبر صلی الله علیه وسلم بر می دارد، در این سفر همه انبیاء علیهم السلام مقتدی و رسول الله صلی الله علیه وسلم مقتدا قرار میگیرد.

اینکه این سفر از مکه شروع و به بیت المقدس پایان می یابد خود دلالت دارد بر اینکه پیام الله جل جلاله برای همه انبیاء علیهم السلام از آدم تا خاتم علیهم السلام یکی میباشد که همانا اسلام است ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ [آل عمران: ۱۹]. و اینکه پیامبر امامت انبیاء علیهم السلام را در مسجد اقصی انجام میدهد این خود به اهمیت مسجد اقصی و مسجد الحرام می افزاید پس اگر قبله تغییر کرده است پس محمد صلی الله علیه وسلم خاتم انبیاء امام هر دو آن میباشد.

پیشنها دات:

بنده در مورد موضوع فوق و مشابه به آن چند پیشنهاد دارم.

- ۱- به محققین پیشنهاد دارم که مسائل همچون امکانیت اسراء و معراج را با تطابق به علوم معاصر تحقیق نمایند. تا به قناعت کسانی پرداخته شود که همه چیز را عقلی فکر می کنند.
- ۲- محققین باید با تحقیق همه جانبه ای خود به حل آن عده مسائل دینی پردازند که دشمنان از آن جهت علیه دین مبین اسلام شبهه ها وارد می کنند.
- ۳- به ائمه دین و رهبران پیشنهاد دارم که در رهبری مردم، رسول الله صلی الله علیه وسلم را الگو قرار داده و از وی پیروی کنند.
- ۴- از اینکه امامت یک وظیفه مقدس و کار انبیاء علیهم السلام است، باید قداست آن توسط امامان حفظ گردد.

پوهنځار صبغت الله جليلی

منابع

القرآن الكريم

۱. ابن العربي، القاضي محمد بن عبد الله أبو بكر بن العربي المعافري الاشيلي المالكي. (١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣). أحكام القرآن. الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان. الطبعة: الثالثة، يحدد الأجزاء: ٤.
۲. ابن كثير، ابوالفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي. (١٩٩٩م). تفسير القرآن العظيم
۳. أبو الفضل، عياض بن موسى بن عياض بن عمرو بن اليحصبي السبتي. (١٤٠٧ هـ .). الشفا بتعريف حقوق المصطفى. الناشر: دار الفيحاء - عمان. الطبعة: الثانية .. عدد الأجزاء: ٢.
۴. البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبد الله الجعفي. (١٤٢٢هـ). صحيح البخاري. المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر. الناشر: دار طوق النجاة. (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي). الطبعة: الأولى، عدد الأجزاء: ٩.
۵. البويطي، محمد سعيد رمضان. (١٣٩٢). فقه السيرة النبوية. ناشر: سندج، كردستان.
۶. القاضي، عبد الجبار. (٢٠٠٦م). تنزيه القرآن عن المطاعن. تحقيق: د: احمد عبدالرحيم السايح. الناشر: مكتبة الناظف.
۷. النيسابوري، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري. (ب ، ت). الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم. تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي. الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت. عدد الأجزاء: ١.
۸. الهروي الشافعي، محمد الأمين بن عبد الله الأرمي العلوي. (١٤٣٠ هـ). الكوكب الوهاج شرح صحيح مسلم. مراجعة: لجنة من العلماء برئاسة البرفسور هاشم محمد علي مهدي. المستشار برابطة العالم الإسلامي - مكة المكرمة. الناشر: دار المنهاج - دار طوق النجاة. الطبعة: الأولى. عدد الأجزاء: ٢٦.
۹. عمر، د أحمد مختار عبد الحميد. بمساعدة فريق عمل. (١٤٢٩هـ). معجم اللغة العربية المعاصرة. ناشر: عالم الكتب. طبعة: الأولى. عدد الأجزاء: ٤ (٣) ومجلد للفهارس) في ترقيم مسلسل واحد.
۱۰. غزالي، محمد المصري. (١٣٨٨). فقه السيرة. الناشر: نشر احسان. تهران.
۱۱. قلعه جي، محمد رواس نگرش سياسي بر سيرة پیامبر صلى الله عليه وسلم. ناشر: زانس - آراس. المحقق: سامي بن محمد سلامة. الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع. الطبعة: الثانية ١٤٢٠ هـ - . عدد الأجزاء: ٨.

پوهنځار صبغت الله جليلی

۱۲. مرتضی الزبیدی ، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسینی أبو الفیض . (ب ، ت) . تاج العروس من جواهر القاموس . محقق : مجموعه من المحققين . ناشر : دار الهدایه . عدد الاجزاء ۴۰ .

نقش جنسیت در اعتبار شهادت

پوهنمل عبدالقهار صمیمیم^{(۱)*}

پوهندوی دکتور عبدالرافع علیمی^(۱)

(۱) استاد دیپارتمنت ثقافت اسلامی پوهنځی شرعیات، پوهنتون البیرونی.

(۱) * نویسنده مسؤول: ایمیل: Samimabdulqahar@gmail.com شماره تماس: ۰۷۰۷۶۱۶۶۷۵

چکیده

اساساً نظام حقوقی اسلام بر مبنای عدالت، مصلحت، ساختارهای فیزیولوژیکی و هماهنگی میان نظام تشریعی و تکوینی استوار است نه مساوات، بنابراین از منظر نظام حقوقی اسلام هرگزینه‌ی که بتواند عدالت را بوجه احسن در بین اتباع خود اعم از زن و مرد تأمین نماید یا با مصالح اجتماعی سازگار باشد و یا هم در تبانی با ساختارهای فیزیولوژیکی قرار داشته باشد و یا از هماهنگی میان نظام تشریعی و تکوینی تبعیت و پیروی نماید، همان‌گزینه در جامعه اسلامی قابل تطبیق است، فرق نمی‌کند که چه کسانی با این اصل موافق‌اند و چه کسانی مخالف، آزادیخواهان در مورد اسلام چه قضاوت می‌کند، دین ستیزان چگونه اسلام را به نقض حقوق زن متهم می‌کنند، روشنفکران چه تعبیر از حقوق زن دارند، جوامع شرقی و غربی به زنان چه نوع حقوقی قائل‌اند، و سران کشورهای اسلامی خواهان تطبیق چه نوع حقوقی در کشورهای خود هستند. بناءً در این مقاله در رابطه به عدم تأثیرگذاری جنسیت در اعتبار شهادت و تأثیرگذاری مصالح اجتماعی، شغلی، تخصصی، ساحه کاری، تفاوت‌های فیزیولوژیکی، و هماهنگی‌های نظام تشریعی و تکوینی روی شهادت تحقیق و پژوهش صورت می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: تکلیف، جنسیت، حقوق، شهادت، اسلام، زن و مرد.

Abstract

Basically, the Islamic legal system is based on justice, expediency, physiological structures, and the coordination between the legislative and formative systems, not equality. Therefore, from the viewpoint of the Islamic legal system, any choice that is capable of providing justice among the citizens, both men and women, or it is in adherence to social interests, or it accords with the physiological structures, or obeys the coordination between the legislative and formative systems, that choice is applied to Islamic society. No matter who agrees or opposes this principle, how democrats judge Islam, how the anti-religionists accuse Islam of violating women's rights, how the intellectuals construe women's rights, what kind of rights are given to women by the Eastern and Western societies, and what kind of rights the leaders of Islamic countries want to apply in their homelands. Therefore, this article is aimed at investigating the lack of influence of gender on the validity of witnesses and the effect of social interests, occupation, specialization, work area, physiological differences, and the impact of conformity between the legislative and formative system on testimony.

Key word: obligations, gender, rights, witness, Islam, Woman and Man.

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد و على آله و اصحابه اجمعين

و بعد:

بعد از جرقه های نظام دموکراسی در افغانستان یکی از مسائل مهمی که بیشتر محور بحث و گفتگوی حقوق دانان، روشنفکران، فعالان جامعه مدنی، دانشجویان دانشکده های حقوق و شرعیات و رسانه های چاپی، تصویری، صوتی قرار داشت «نقش جنسیت در اعتبار شهادت» بود، این موضوع به حدی جدی و بحث بر انگیز گردیده بود که برخی از روشنفکران، فعالان جامعه مدنی، نهاد های اجتماعی، دانشجویان و رسانه ها ستمگران، اسلام را به تبعیض جنسیتی و نقض حقوق زن متهم می نموده اند و برخی از گماشتگان، اسلام را به عنوان آئین زن ستیز، قرآن را به عنوان کتاب زن ستیز، پیامبر را به عنوان پیامبر زن ستیز معرفی نمودند، با این حرف ها نه تنها آتش عداوت و کینه توزی های شان خاموش نشد، بلکه با یک سلسله اراجیف و شایعه پراگنی ها در رابطه با آموزه های اصیل اسلام وارد میدان شدند، و به تعبیر خود شان مثالهای واقعی از نوع تبعیض جنسیتی را در نصوص قرآن و سنت و فقه اسلامی جستجو نموده و برای اتباع شان پیشکش نمودند، از آنجمله موضوع نقش جنسیت در اعتبار شهادت و یا عدم تساوی شهادت زن و مرد در نظام حقوقی اسلام است.

بیان مسأله: اصل موضوع از این قرار است که در بعضی از آیات و احادیث شهادت دو زن مساوی با شهادت یک مرد قرار داده شده است، ما چرا از همین جا آغاز شد برخی ها اسلام را به تبعیض جنسیتی و نقض حقوق زنان متهم کردند و گفتند: اسلام از لحاظ عملی و نظری در مورد حقوق زنان از در پیچه تبعیض پیش آمده و شهادت دو زن را مساوی با شهادت یک مرد دانسته است، و بدون تحقیق و بررسی پیرامون موضوع عامل آن را تبعیض جنسیتی و زن بودن عنوان کردند، بنأ خواستم برای تبیین مسأله و نقطه پایان گذاشتن به مناقشه بین اهل مدرسه و مکتب، روحانی و روشنفکر، متخصصان حوزه علوم شرعی و علوم عصری، تحقیقی علمی را پیرامون موضوع انجام دهم.

اهمیت تحقیق: بدون شک زن در جامعه اسلامی از جایگاه ویژه‌ی برخوردار است، از همین جهت برای تفسیر واقعی نقش جنسیت در اعتبار شهادت نیاز شدید به ترتیب و تهیه مقاله علمی پیرامون موضوع بود، تا مسأله را به شکل علمی، تحقیقی و بی طرفانه در روشنی آموزه‌های اسلامی، پزشکی و روان شناختی مورد بحث قرار گرفته و در خدمت علاقه‌مندان قرار داده شود، بدین وسیله از یک سو به مقام والای زن ارج گذاشته شود، و از سوی هم جلوی افراط و تفریط، توهین به مقدسات، شایعه پراگنی‌ها و... گرفته شود، و زمینه‌ارایه دیدگاه معقول، منطقی و معتدلی که برای تمام طرف‌ها قابل پذیرش باشد مساعد گردد. بنأ این مسئولیت بزرگ را بدوش گرفتم و خواستم موضوع را به شکل دقیق و همه‌جانبه مورد بحث و بررسی قرار دهم تا دیگر هیچ اشکال در زمینه باقی نماند.

اهداف تحقیق: بلا تردید هر اثر علمی از خود اهداف می‌داشته باشد، اثر هذا در محور اهداف ذیل می‌چرخد:

- ۱- بیان خط اعتدالی اسلام در باب حقوق زن و بویژه نقش جنسیت در اعتبار شهادت است، می‌خواهم با ترتیب این اثر خط مشی عدالت محور اسلام را برای خوانندگان واضح سازم.
- ۲- بیان هماهنگی نظام حقوقی اسلام بین نظام تشریعی و نظام تکوینی است، می‌خواهم با ترتیب این اثر هماهنگی بین نظام تشریعی و تکوینی در نظام حقوقی اسلام را واضح سازم، یعنی همانگونه‌ی که میان مرد و زن از لحاظ نظام تکوینی مانند: تفاوت‌های فیزیولوژیکی و... وجود دارد، به همین منوال از لحاظ نظام تشریعی مانند: تفاوت‌های حقوق میراث، شهادت و.. نیز وجود دارد، و اگر نظام تشریعی هماهنگ با نظام تکوینی نباشد فاقد ارزش است.
- ۳- بیان تفاوت‌های نسبی بین حقوق و تکالیف زن و مرد در نظام حقوقی اسلام است، می‌خواهم با ترتیب این اثر واضح سازم که نظام حقوقی اسلام در همه موارد حقوق و تکالیف یکنواخت برای مرد و زن در نظر نه گرفته است، بلکه مطابق طبیعت و سرشت، تخصص و مصلحت آنها حقوق و تکالیف را وضع نموده است.

پیشینه تحقیق

نظر به واقعیت های عینی جامعه پیشینه تاریخی موضوع متفاوت است ، و قتی که ما بر متون کتب تفسیر ، حدیث و فقه اسلامی مراجعه می نمایم در می یابیم ، این موضوع به اندازه ی که امروز در میان نویسندگان ، قلم بدستان ، دانشگاهیان و روشنفکران داغ است در گذشته چنین نبوده است؛ زیرا گذشتگان بدین بارو بودند هرآنچه که در قرآن و سنت و فقه امت اسلامی آمده خالی از حکمت نیست پس جای برای بحث وجدال نیست، اما در جوامع امروزی به یکی از بحث بر انگیز ترین موضوعات بین شرع دانان و حقوق دانا ، غرب مشرب ها و شرق مشرب ها، اسلام گریان و اسلام ستیزان تبدیل شد است، یکی برای خدا و دیگری برای ریا ، یکی برای دفاع از اسلام و دیگری برای دفاع از دموکراسی مقاله می نویسد، یکی اسلام را نقد می کند و دیگری اسلام را به باد انتقاد می گیرد، و تعدادی هم تلاش و رزیدند تا در میان اسلام و دموکراسی و قوانین شرعی و وضعی تلفیق بیاورند مانند» عدالت در حقوق مرد و زن از دیدگاه شریعت اسلامی و قوانین نافذه افغانستان « نبشته محمد ظریف علم (ستانکزی) و « بررسی ارزش اثباتی شهادت زنان و حکمت آن « حسین هوشمند فروز آبادی ، و « تفاوت شهادت زن و مرد در فقه و حقوق » طاهر علی محمدی، ولی هیچ کدام نتوانست مسیر اعتدالی را در مورد نصوص شرعی مشعر به تفاوت های نسبی حقوق و تکالیف مرد و زن در باب شهادت انتخاب نمایند، و یا حد اقل نصوص را به گونه تحلیل نمایند که قابل قبول بر طرفین باشد آنچه من می خواهم در این رساله متفاوت تر از دیگران بحث نمایم این است در قدم نخست می خواهم موضوع را به گونه علمی در خط اعتدالی اسلام به پیش ببرم نه افراط باشد و نه تفریط ، نه برای زن بالاتر از مقامش جایگاه قائل شویم و نه از حقوق و جایگاه آن بکاهیم آنچه که الله در نظام تکوینی و تشریعی برای زنان قائل شده است، ما هم همان حق را برایش قائل می شویم. و در قدم دوم می خواهم نصوص مرتبط به موضوع را به گونه تحلیل و ارزیابی نمایم که با سازمان آفرینش و مکانیسم خلقت سازگار باشد و در عین حال در نصوص هیچ نوع تحریف و تاویل به میان بیاید.

سوالات اصلی : آیا از نظر نظام حقوقی اسلام جنسیت در اعتبار شهادت نقش دارد؟

سوالات فرعی

پوهنمل عبدالقهار صمیم

ب- آیا در تمام ابواب دین شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد است؟

ج- آیا از نظر اسلام نظام تشریعی هماهنگ با نظام تکوینی به پیش می رود؟

فرضیه های تحقیق:

- اگر نظام حقوقی اسلام جنسیت را در اعتبار شهادت نقش می داد آنگاه ستیزه گران می توانستند اسلام را به تبعیض جنسیتی متهم نمایند.
- اگر تفاوت های نسبی میان مردم و زن پذیرفته نشود در واقع هماهنگی میان نظام تشریعی و تکوینی از بین می رود.

روش تحقیق

در تهیه و ترتیب این مقاله از روش مروری و کتابخانه ی و از نوع توصیفی و تحلیلی استفاده

نموده ایم.

هماهنگی نظام تکوینی و تشریعی در سیستم حقوقی اسلام

آیا شهادت دو زن مساوی با شهادت یک مرد است؟



کسانیکه طبل حقوق زن، حقوق بشر و تساوی جنسیت را می کوبند، بزرگترین عامل تأثیر گذار روی اعتبار شهادت زن را جنسیت می دانند، از دید آنها فقط به جرم زن بودن شهادت دو نفر آنها معادل شهادت یک نفر مرد قرار داده شده است، این در حال است که از نظر اسلام نه جنسیت در اعتبار شهادت نقش دارد، و نه اسلام حقوق زنان را زیر پا نهاده است، و نه در اسلام همیشه شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد است، بلکه شهادت شان از هم متفاوت است، و این تفاوت بر مبنایی عدالت است، و عدالت در اسلام به گونه خود کار عیار شده است، هر کسی که خود را در قالب و چارچوب نظام حقوقی اسلام قرار دهد اعم از زن و مرد، کافر و مسلمان، غلام و آزاد، پیر و جوان و... جایگاه خود را به گونه منظم و عادلانه در می یابد، از دیدگاه نظام حقوقی اسلام زن و مرد از لحاظ

فیزیولوژیکی از هم متفاوت استند، و نظر به تفاوت های فیزیولوژیکی، استعداد فکری، قدرت جسمی، حقوق و تکالیف و مسؤولیت ها متفاوت می باشد، مبنای این عدالت، سخن پروردگار است می فرماید:

﴿لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (انعام: ۱۵۲). ما هیچ کسی را به انجام چیزی جز به اندازه توانش مؤظف نمی سازیم و جز به اندازه استعداد فکری و جسمی و امکاناتش انتظار نداریم.

وهمچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم هم بر این اصل تاکید نموده اند: «عَلَيْكُمْ بِمَا تُطِيقُونَ فَوَاللَّهِ لَا يَمْلِكُ اللَّهُ حَتَّى تَمْلُؤُوا» (بخاری، ۱۴۲۲). همان قدر اعمال را که توانایی دارید انجام دهید، زیرا خداوند از دادن پاداش اعمال خسته نمی شود، مگر اینکه شما از انجام طاعت و بندگی خسته شوید.

اگر نظام حقوق اسلام چارچوب منظم نمی داشت و تفاوت حقوق و مسؤولیت بر مبنای تفاوت آفرینش و مکانیسم استوار نمی بود، گلیم عدالت از جهان برچیده و بساط ظلم و استبداد گسترانیده می شد.

برای درک بهتر عدالت در نظام حقوق اسلامی میخوامم توجه شما را به یک مثال زنده جلب نمایم، عدالت واقعی و سیستماتیک در نظام حقوقی اسلام به زندگی یک انسان از مرحله طفولیت تا مرحله کهنسخت می ماند، نظام به گونه تنظیم گردیده است به مجرد که یک انسان پا به عرصه وجود می گذارد به گونه خود کار در مرحله طفولیت از یک سلسله حقوق مانند: حق رضاعت، حق حضانت، حق تعلیم، حق تربیت حق نفقه و... برخوردار می گردد، اما هیچ نوع مسؤولیت متوجه او نمی شود نه مسؤولیت جنایی، نه مسؤولیت مدنی و نه مسؤولیت عبادی و... اگر قصداً و عمدتاً جرمی را هم مرتکب شود مسؤولیت آن متوجه کسی می گردد که در ادای حقوق آن سهل انگاری نموده است، اما زمانی که به مرحله اهلیت می رسد به گونه خود کار و سیستماتیک روند تغییر می کند یک سری حقوق از وی کاسته می شود مانند: حق حضانت، حق نفقه، حق رضاعت و... اما تمام مسؤولیت ها متوجه او می گردد، و قتیکه به مرحله کهنسخت می رسد به گونه سیستماتیک در مسؤولیت های وی تخفیف می آید، اگر روزه گرفته نمی تواند فدیة می دهد، اگر توان قیام در نماز را ندارد نشسته نماز می خواند و... و در عین حال از یک سلسله حقوق مانند: حق احترام، حق سلام، حق خدمت، حق نفقه برخوردار می گردد. مطابق تغییرات فیزیولوژیکی انسان حقوق و مسؤولیت های وی به گونه اتوماتیک تغییر می کند، اما اگر

پوهنمل عبدالقهار صمیم

موضوع مساوات مطرح می بود باید مانند: ظروف شیشه ی از یک کارخانه بیرون آمده یکنواخت و یکسان بوده ، و در هر سه مرحله از یک نوع حقوق و تکالیف برخوردار می بودند و همه ما و شما می دانیم که این امر در تضاد با طبیعت ، سرشت و سازمان آفرینش انسان است .

تفاوت مرد و زن در نظام حقوقی اسلام از همین قبیل است نظر به سازمان آفرینش و ساختار خلقت مرد و زن حقوق و تکالیف در نظر گرفته شده است، تا در میان نظام تشریعی و تکوینی هماهنگی ایجاد گردد ، مقصود از نظام تشریعی ، قوانین و مقرراتی است که برنامه حیات انسان را تنظیم می نماید ، و منظور از نظام تکوینی ، قوانین و مقرراتی است که ساختار فیزیکی انسان را تنظیم می نماید، زیرا اگر این دو نظام با هم هماهنگ نباشند فاقد ارزش می باشند، ارزش و توانمندی نظام تشریعی به اندازه توانمندی و ظرفیت های موجود در نظام تکوینی است. بر مبنای این اصل امروز در تمام نظام های حقوقی جهان حقوقدانان قوانین را در مطابقت با ساختار های فیزیکی ، ارزشها و ظرفیت های موجود در جامعه وضع می نمایند در غیر آن هیچ ارزش حقوقی نخواهد داشت، زمانی که این اصل در نظام های حقوقی وضعی بشری قابل استفاده باشد، پس در نظام حقوقی اسلام این اصل چگونه نادیده گرفته می شود، بطور مثال قوانین کار تمام کشور های جهان و بخصوص افغانستان در مطابقت با ساختار خلقتی و تکوینی انسانها وضع شده است ، یک خانم بعد از ولادت به مدت سه ماه رخصت است بر علاوه از آن همانند مردان از رخصتی های ضروری ، سالانه ، ازدواج و فریضه حج نیز مستفید می شود، اما مردان از آن سه ماه محروم اند، در حالیکه هر دو از یک جنس هستند، اما از لحاظ تکوینی باهم مساوی نیستند، اینک در ذیل به برخی از تفاوت های تکوینی که بزرگترین بیولوژیستان ، پزشکان و روانشان دنیا بر آن معترف اند به گونه مختصر اشاره می نمایم:

۱- **از لحاظ فیزیولوژی :** این دو جنس در تمام اعضای بدن با یکدیگر اختلاف دارند از رویش مو در بدن گرفته تا ضخامت پوست ، شکل و وزن حجم استخوان ها ، شکل هندسی ، حجم و وزن مغز ، وزن قلب ، ضربان نبض ، تعداد تنفس در دقیقه ، قد ، وزن ، میزان گلبول های سفید و قرمز در خون و عضوی جنسیتی و... حتی در تار موی از هم متفاوت اند (صبوری، ۱۳۹۲).

۲- از لحاظ عواطف و مهر ورزی : از نظر روشناسی زنان از ویژگیهای عاطفی، مهر ورزی، محبت، دوست داشتن، نرمش و خود گذری بر خور دار استند، برعکس مردان از ویژگیهای پر خاشگری، خشونت آمیزی، خشم، قهر، غضب، سخت گیری، استقلال طلبی و سطله گرایی بر خور دار می باشند (افشاری، ۱۳۹۷).

۳- از لحاظ هوش و استعداد : ضریب هوشی در حد نوابع میان پسران ۵۷ در صد و در میان دختران ۴۳ در صد است، از ۵۶ تحقیقی که در آمریکا صورت گرفته است برتری هوشی پسران مشاهده می گردد، زیرا در این تحقیقات در ۲۸ مورد پسران برتری داشته اند و برتری دختران بر پسران ۲۵ مورد بود، و در میان نوابغ رشته های علوم مختلف تعداد زنان نسبت به مردان خیلی ها اندک است (حسینی، ب ت).

۴- از لحاظ اندازه مغز : مغز مردان نسبت به زنان بیشتر است، دانشمندان هالند در مقیاس بزرگ اندازه مغز مردان و زنان را با استفاده از Time New Roman مقایسه کرده اند، و در نتیجه مغز مردان به اندازه ۱۴ در صد از حد متوسط مغز زنان بیشتر نشان داده اند، در این مقایسه تفاوت هوشی بین مغز مردان و زنان ۴ در صد نشان داده شده است، این نتیجه در اثر تحقیقات چند دهه حتی یک قرن دانشمندان هالند بدست آمده است.

۵- از لحاظ تظاهر و نمایشگری : ناز و کرشمه، جلوه نمایی، دلربایی، آرایش گری، مد پرستی، تجمل گرایی و استفاده از لباس های زیبا، طلاء، نقره، انگشتر، دست بند، حلقه، گوشواره و دیگر امور زینتی از ویژگیهای زنان است، از همین رو پوشیدن لباس ابریشم و طلاء در اسلام برای زنان مجاز و برای مردان حرام است.

۶- از لحاظ خورده گیری : نطق، تقلید، خورده گیری، تدبیر، طفره، بهانه، گریز و... از ویژگیهای زنان است، دختران بطور معمول در تقلید، خورده گیری، تدبیر و بهانه تراشی و.. نسبت به پسران برتری دارند (حسینی، ب ت).

همانگونه ی که از نظر بیولوژیست ها، فیزیولوژیست ها، پزشکان و روانشناسان زن و مرد از لحاظ تکوینی متفاوت استند به همین منوال از لحاظ تکالیف و احکام تشریعی نیز متفاوت اند. پس

همانگونه ی که بدون اعتراض نظام تکوینی را پذیرفته اند، و تا هنوز زنی اعتراض نکرده است که چرا زن آفریده شده است؟ چرا مسئولیت مادر شدن به وی سپرده شده است؟ چرا مسئولیت کارهای خانه به وی سپرده شده است؟ همچنان تا هنوز هیچ مردی اعتراض نکرده است چرا مرد آفریده شده است؟ چرا نفقه خانواده به وی سپرده شده است؟ چرا پوشیدن طلا بر وی حرام است؟ چرا ریش دارد؟ چرا دفاع از حریم خانواده و کشور به دوش وی گذاشته شده است؟ به همین منوال باید نظام تشریعی را بپذیرند، اگر نظام تشریعی قابل پذیرش نیست پس باید نظام تکوینی هم قابل پذیرش نباشد، اگر نظام تکوینی قابل پذیرش است باید نظام تشریعی هم قابل پذیرش باشد، و همانگونه ی که نظریات دانشمندان بیولوژیست، فیزیولوژیست، پزشک و روانشناس را می پذیرند، باید نظریات اسلام را نیز بپذیرند زیرا هر دو دیدگاه به تفاوت های تکوینی و تشریعی مرد و زن توافق دارند، ولی مستاسفانه بر خورد دوگانه وجود دارد حرف بنده ها را می پذیرند اما حرف ها پروردگار را نمی پذیرند، حرف های بندگان را عین حقوق و حرف های پروردگار نقض حقوق می پندارند.

تفاوت حقوق و تکالیف در مطابقت با ظرفیت ارگانسیم

نظام حقوقی اسلام همیشه، قانون، حقوق و تکالیف را مطابق ظرفیت ارگانسیم و ساختار شخصیت انسان وضع می کند، با رعایت این اصل نظام حقوقی اسلام در تمام موارد برای زنان و مردان یک نوع حقوق و یک نوع تکالیف را در نظر نه گرفته است، بلکه پاره ی از حقوق و تکالیف را نظر به ساختار شخصیتی شان برای مردان مناسب تر دانسته، و پاره ی از حقوق و تکالیف را برای زنان مناسب تر دانسته، و در موارد حقوق و تکالیف مشابهی برای مردان و زنان در نظر گرفته است، و در موارد دیگری حقوق و تکالیف نسبی را برای مردان و زنان به رسمیت شناخته است.

الف- تشابه زن و مرد در حقوق و تکالیف

نظام حقوقی اسلام در پاره از مسائل زنان و مردان را از حقوق و تکالیف مشابه برخوردار دانسته، و از همان حقوق که مردان برخوردارند عین همان حقوق برای زنان در نظر گرفته شده است، الله سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿وَكُنَّ مِثْلَ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (بقره: ۲۲۸). برای همسران (حقوق و

واجباتی) است (که باید شوهران اداء بکنند) همانگونه که بر آنان (حقوق و واجباتی) است (که باید همسران اداء بکنند) بگونه شایسته ای (که برابر عرف مردمان و موافق با شریعت اسلام باشد).
ورسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ » (ترمذی، ۱۳۹۵ ه.ق). زنان در قبال احکام همانند مردان از حقوق و تکالیف مساوی بر خور دار هستند. همانگونه ی که بعد از جنابت غسل بالای مردان فرض است بالای زنان نیز فرض است (الاثیوبی، ۱۹۹۶).
برخی از مثالهای که زنان و مردان در آن از حقوق و تکالیف مشابه بر خور دارند قرار ذیل است:

۱- حق حیات : مرد وزن از حق حیات به گونه مشابه بر خور دار اند ، زیرا حق زندگی در اسلام برای زن و مرد محترم و محفوظ است و تجاوز به آنها بدون سبب روا نیست و از گناهان کبیره به شمار می آید ، خداوند می فرماید: ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَعَزَاوُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَعَصَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾ (نساء / ۹۳). و کسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد، (و از ایمان او باخبر بوده و تجاوزکارانه او را به قتل برساند و چنین قتلی را حلال بداند، کافر به شمار می آید و) کیفر او دوزخ است و جاودانه در آنجا می ماند و خداوند بر او خشم می گیرد و او را از رحمت خود محروم می سازد و برای او عذاب بزرگی آماده می کند.

۲- حق کرامت انسانی : تمام انسانیت اعم از مرد وزن از حق کرامت انسانی مشابه بر خور دار استند، الله جل جلاله در مورد این حق می فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ (اسراء / ۷۰). ما یقیناً برای بنی آدم کرامت و حیثیت بخشیدیم.

۳- حق تعلیم : در باب کسب علم و دانش مرد و زن از حقوق مشابه بر خور دارند، چنانچه ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت می کند که زنی نزد پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - آمد و گفت: ای رسول خدا! تنها مردان به بهره گیری از سخن شما توفیق یافته اند و ما زنان بی نصیبیم، پس برای ما هم روزی را برای تحصیل علم و دانش تخصیص دهید، فرمودند: «اجْتَمِعْنَ فِي يَوْمٍ كَذَا وَكَذَا، فِي مَكَانٍ كَذَا وَكَذَا فَاجْتَمِعْنَ فَأَتَاهُنَّ رَسُولُ اللَّهِ - صلی الله علیه وسلم -، فَعَلَّمَهُنَّ يَوْمًا عَلَّمَهُ اللَّهُ» (بخاری، ۱۴۲۲). «فلان روز جمع

پوهنمل عبدالقهار صمیم

شوید»، زنان، (در آن روز) جمع شدند و پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - نزد آنها رفت و از آن چه خداوند به او آموخته بود، به آنها آموختاند.

۴- حق ملکیت: زنان در جامعه اسلامی همانند مردان از حق کسب ملکیت و استقلال مالی برخوردار هستند. هر چیزی را که بخواهند میتوانند به ملکیت خود در آورند و هر گونه که خواسته باشند در دارایی خود دخل و تصرف نمایند، فرق نمی کند که این اموالی را از طریق ارث، بخشش، نفقه بدست می آورند یا از طریق کار و فعالیت های اقتصادی. خداوند متعال در این باره میفرماید: { لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ } (نساء / ۳۲). مردان نصیبی دارند از آنچه فراچنگ می آورند و زنان (هم) نصیبی دارند از آنچه به دست می آورند.

۵- حق ازدواج: مرد و زن از حق ازدواج به گونه مشابه برخوردارند، دستور اسلام برای پسران و دختران جوان این است که به محض فراهم شدن اسباب ازدواج عروسی کنند، رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم که فرمود: « يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ؛ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ وَأَخْصَنُ لِلْفَرْجِ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ » (بخاری، ۱۴۲۲). ای جوانان هر کسی از شما هزینه ازدواج دارد باید ازدواج کند، زیرا ازدواج سبب حفاظت چشم و مآیه ی پاکی و عفت است. هر کس که توان ازدواج ندارد روزه بگیرد؛ زیرا روزه شهوت را از بین برده و نیروی جنسی را کنترل می کند.

۶- تکالیف عبادی: زن و مرد از تمام تکالیف شرعی و عبادی به گونه مشابه برخوردارند، مگر اینکه از لحاظ فیزیولوژیکی مشکل داشته باشند، بنابراین همانگونه ی که مردان مکلف به ادای نماز، گرفتن روزه، پرداخت زکات، ادای حج بیت الله در صورت توان و... هستند زنان نیز مکلف به ادای این عبادات هستند، الله سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۝ ﴾ (توبه: ۷۱). مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند، همدیگر را به کار نیک می خوانند و از کار بد باز می دارند، و نماز را چنان که باید می گزارند، و زکات را می پردازند، و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می کنند.

۷- تکالیف مسؤولیت های مدنی و کیفری: زن و مرد از تمام مسؤولیت های مدنی، کیفری و جزایی به طور مشابه بر خور دارند، اگر دزدی کردند دست شان بریده می شود اگر مرتکب جرمه زنا شدند حد زنا بالای شان تطبیق می گردد، چنانچه الله سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِئَةً جَلْدَةً﴾ (نور/ ۲). به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید. و ده ها مثال دیگر در نصوص قرآن و سنت موجود است که از تشابه حقوق و تکالیف زنان و مردان پرده بر می دارد.

ب- حقوق و تکالیف مناسب تر برای مردان

نظام حقوقی اسلام پاره ی از حقوق و تکالیف را برای مردان مناسب تر دانسته است، الله می فرماید: ﴿وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (بقره: ۲۲۸). و مردان بر آنان برتری دارند، و الله توانمند و با حکمت است.

برخی از مثالهای که برای مردان حقوق و تکالیف مناسب تر در نظر گرفته شده است:

۱- حق ثبوت نسب: نظام حقوقی اسلام بخاطر جلوگیری از اختلاط نسب، بستن دروازه های فحشا، مسؤولیت پذیری و توانای تأمین نفقه حق ثبوت نسب را برای مردان مناسب تر دانسته است، و نمی خواهد یک زن جوان بخاطر یک طفل اش سال ها در گوشه خانه باقی بماند و تمام خواسته هایش به خاک یکسان شود، مسؤولیت را به پدر اجداد وی واگذار می کند و برای خانم اجازه می دهد تا ازدواج کند و زندگی آینده خود را بسازد، اما بخاطر مصلحت طفل حق حضانت را برای زنان مناسب تر دانسته است زیرا نسبت به پدر، مادر خوبتر می تواند از طفل مراقبت نماید.

۲- حق طلاق: نظام حقوقی اسلام بخاطر بقای کانون گرم خانواده حق طلاق را برای مرد مناسب تر دانسته است، زیرا مرد برای بدست آوردن خانم مصارف کلان را متحمل شده است، لذا بقای ازدواج برایش اهمیت بسزای دارد و نمی خواهد به سادگی خانم خود را از دست دهد و با ازدواج مجدد هزینه سنگین دیگری متقبل شود، ولی اگر این حق به خانم واگذار شود چون در تهیه مصارف عروسی تأمین نفقه و مهر کدام زحمت ندیده است بدون درنگ از این حق استفاده نموده و به زندگی زنا شوی پایان می دهد و از سوی هم زنان زوتر خشم می گیرند و نسبت به مردان به شتاب زدگی تصمیم گرفته نظام خانواده را برهم می زنند بنابر این صلاحیت طلاق به مردان واگذار شده است. الله سبحانه و تعالی می

پوهنمل عبدالقهار صمیم

فرماید: ﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ﴾ (بقره: ۲۳۱). و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به آخر عده خود رسیدند یا به شیوه صحیح و عادلانه ای آنان را نگاه دارید و با ایشان آشتی کنید و یا آنان را به شیوه پسندیده و دادگرانه ای رها سازید.

۳- حق قیمومیت: نظام حقوقی اسلام بخاطر نظم اجتماع، توانایی های جسمی و اداری و تأمین هزینه مالی قیمومیت را برای مردان مناسب تر دانسته است، زیرا دفاع از حریم خانواده به بازو توانا نیاز دارد تا در برابر هر قاتل و رهن شمشیر بردارد و تأمین هزینه مالی نیاز به انجام کار های شاقه دارد تا بتواند مصارف شبانه روزی فامیل خویش را بدست بیاورد و انجام کارهای شاقه تنها از توان مردان است، روی همین مصلحت سرپرستی خانواده را به مردان واگذار شده است، می فرماید: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ (نساء / ۳۴). مردان (در برابر زنان دارای مسئولیتهای بسیاری میباشند) و حق سرپرستی را بر آنها دارند، بدین خاطر که خداوند (به خاطر نظم اجتماع، توانایی های جسمی و اداری مردان را در برخی صفات بر زنان برتری بخشیده و) بعضی را بر بعضی فضیلت داده است، و نیز بدان خاطر که (معمولاً مردان رنج می کشند و پول به دست می آورند و) از اموال خود (برای خانواده) خرج می کنند.

۴- حق خلافت و رهبری: نظام حقوقی اسلام بخاطر استقلالیت، تمامیت ارضی و مصالح علیای کشور، حق خلافت و رهبری را برای مردان مناسب تر دانسته است، زیرا در نظام سیاسی اسلام خلیفه مکلف است بخاطر تأمین امنیت و حراست از قلمروامت اسلامی به عنوان فرمانده بزرگ در خط مقدم نبرد قرار داشته جنگ و حرب را مدیریت نماید همانگونه ی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در غزوات متعدد به صفت فرمانده بزرگ جنگ را مدیریت نمودند و در برخی از آنها رسول شخصاً وارد صحنه نبرد شد (ابن سعد، ۱۴۰۸). و لی خانم ها از لحاظ فیزیولوژیکی برای محاربه آفریده نشده اند و بخصوص دوران حاملگی و بار داری و... نمی توانند در مقابل دشمن استادگی نمایند، علاوه بر این موضوع حجاب و محرمیت مطرح است و در عین حال خلیفه به صفت پیش نماز مردم است و لی عذر های معقول و منطقی بخصوص دوران حیض و نفاس مانع این عمل می شود. رسول الله صلی الله علیه

وسلم می فرماید: «لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمَرَهُمْ امْرَأَةٌ» (بخاری ، ۱۴۲۲). قومی که کارشان را به زنی بسپارند هرگز کامیاب نخواهند شد.

علامه ابن حزم میگوید: « ولایتی که زنان از آن ممنوع گردیده اند، ولایت عظمی، همانا خلافت و ریاست دولت است (ابن حزم ، ب ت) و تمام فقها بر آن اجماع نموده اند» (ابن قدامه ، ۱۹۶۸).
۵- **تکلیف جهاد:** نظام حقوقی اسلام تکلیف جهاد بالسیف علیه متجاوزان ، اشغال گران ، فتنه گران و اعتلای دین الله در زمین و برچیدن ریشه های شرک و کفر را برای مردان مناسب تر دانسته است .الله سبحانه وتعالی می فرماید: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾ (أنفال: ۳۹). با آنان پیکار کنید تا فتنه ای باقی نماند و دین خالصانه از الله گردد.

اما نظر به مشکلات و صعوبت های که در جهاد ، مبارزه و پیکار وجود دارد تکلیف فرضیت جهاد بالسیف از زنان برداشته شده است ، اما جهاد به قلم ، زبان مال و... تا روز قیامت باقی است.

ج- حقوق و تکالیف مناسب تر برای زنان

نظام حقوقی اسلام پاره ی از حقوق و تکالیف را برای زنان مناسب تر دانسته است ، برخی از آنها قرار ذیل است:

۱- **حق نفقه :** نظام حقوقی اسلام حق نفقه را برای زنان مناسب تر دانسته است ، با در نظر داشت این حق شوهران مکلف به تهیه ما یحتاج و لوازم زندگی همسران از قبیل: خوراک، پوشاک، مسکن و خدمات درمانی می باشند ، الله سبحانه وتعالی می فرماید: ﴿وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (بقره: ۲۳۳). و بر پدر لازم است خوراک و پوشاک مادران را (در آن مدت به اندازه توانائی) به گونه شایسته بپردازد.

زیرا تأمین نفقه نیاز به انجام کار های شاقه دارد اما خانم بنابر ساختار فیزیولوژیکی ، دوران حاملگی و بیماری های ولادی نمی تواند به کار های شاقه توصل ورزد ، نفقه تنها در مسائل زوجیت بالای مردان لازم نیست بلکه در حقوق خانواده نیز مکلف به تهیه نفقه خانواده استند مانند نفقه والدین کهن سال ، اولاد های زیر سن و خواهران و....

۲- **حق مهریه** : نظام حقوقی اسلام بخاطر ارج گذاری به مقام والای زن حق مهریه را برای زنان مناسب تر دانسته است ، و شوهران بلا منازعه مکلف به پرداخت عندالموقع آن استند ، الله سبحانه وتعالی می فرماید: ﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا﴾ (نساء: ۴). و مهریه های زنان را به عنوان هدیه ای خالصانه و فریضه ای خدایانه بپردازید، پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود را به شما بخشیدند ، آن را (دریافت دارید و) حلال و گوارا مصرف کنید.

۳- **حق خلع** : نظام حقوقی اسلام بخاطر رعایت عدالت حق خلع را برای زنان مناسب تر دانسته است ، و قتیکه اسلام حق طلاق را برای مردان به رسمیت شناخت ، امکان آن می رفت که مردان خانم های خود لت و کوب کنند و بر آنها ظلم روا دارند بر بالای آن زن بگیرند ولی خانم های نخست خود را طلاق ندهند و آنها ناگزیر مانند برده های زر خرید در آتش ظلم و تعدی بسوزند اسلام بخاطر جلوگیری از سوء استفاده از صلاحیت شوهران حق خلع را برای خانم ها به رسمیت شناخت، هرگاه مورد ظلم قرار گرفتند با پرداخت مهریه به شوهرشان سند آزادی خویش را بدست بیاورند، و از آتش ظلم نجات یافته و از قفس های تنگ رسم و رواج های خانوادگی برای همیشه آزاد شوند، رسول الله صلی الله علیه وسلم برای خانم ثابت بن قیس همین حق را تثبیت نموده فرمود: «أُثِّرْتُ عَلَى خَدِيقَتِهِ» (بخاری ۱۴۲۲). آیا باغی را که شوهرت به تو داده بود دوبار به وی می دهید.

۴- **حق حضانت** : نظام حقوقی اسلام بر مبنای اصل مصلحت گرایی حق حضانت و پرورش طفل را برای زنان مناسب تر دانسته است ، زیرا زنان نسبت به مردان مهربان تر و عاطفی تر استند و موضوع حضانت و پرورش را خوب تر می داند از همین رو اسلام این حق را تنها برای زنان اختصاص داده است.

۵- **تکلیف سپری نمودن عدت** : نظام حقوقی اسلام نظر به ساختار فیزیولوژیکی زنان ، استبراء رحیم ، ارج گذاری به مقام شوهر ، فرصت رجوع برای شوهر در صورت طلاق رجعی ، مساعد شدن فرصت برای ازدواج دوم، انتظار وضع حمل و.. تکلیف ومسئولیت عدت گذراندن را برای خانم ها مناسب تر دانسته است، خداوند می فرماید: ﴿وَالْمُطَلَّاتُ يَرْبِضْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾ (بقره: ۲۲۸). زنان

مطلقه به مدت سه حیض انتظار کنند. البته عدت از خود انواع دارد زنان مطابق آن عدت خود را سپری می نمایند.

۶- تکلیف رعایت حجاب : نظام حقوقی اسلام بخاطر مصئون ماندن در ها در صدف ، حفظ عفت ، عزت زنان و جلوگیری بر آشفته‌گی جوانان و نوجوانان تکلیف رعایت حجاب را برای زنان مناسب تر دانسته است ، الله سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ...﴾ (احزاب: ۵۹). ای پیامبر! به همسران و دختران خود و به زنان مؤمنان بگو که ردهای خود را جمع و جور بر خویش فرو افکنند . تا این که (از زنان بی بندوبار و آلوده) دست کم باز شناخته شوند و در نتیجه مورد اذیت و آزار (اوباش) قرار نگیرند. علاوه بر این ده ها حقوق و تکالیف دیگری نیز وجود دارد که اسلام آنها را برای زنان مناسب تر دانسته است.

د- تشابه ها و تفاوت های نسبی بین حقوق و تکالیف زن و مرد

نظام حقوقی اسلام همواره حقوق و تکالیف را به گونه عادلانه، دادگرانه و متناسب با طبیعت ، سرشت ، ساختار فیزیکی و فیزیولوژیکی مرد وزن در نظر گرفته است، بنابر این در همه موارد حقوق و تکالیف مرد و زن به گونه مساویانه نیست ، و نه مساوات در همه امور عدالت است، بلکه نظام حقوقی اسلام با رعایت اصل تأمین عدالت ، حفظ حقوق مردم ، مصالح عمومی و تفاوت های ساختاری، برخی از حقوق و تکالیف را به گونه نسبی برای زن و مرد به رسمیت شناخته است به این مفهوم که از یک جهت حقوق و تکالیف زن و مرد با هم مشابه و از جهت دیگر از هم متفاوت است، بطور مثال تفاوت در شهادت ، دیت ، میراث ، تعدد زوجات ، عقیقه (عباد: ۱۰۴). غسل بول رضیع ، نحوه اقامه نماز جنازه و تصفیق و تسبیح در نماز ... از نوع حقوق و تکالیف نسبی اند ، در این مقطع فقط تفاوت شهادت مرد وزن را به بررسی می گیریم:

همانگونه ی که اشاره شد نظام حقوقی اسلام در پاره از مسائل برای زنان و مردان حقوق و تکالیف نسبی قائل شده است طوریکه می دانید نصوص قرآن و سنت در قضایای مالی شهادت یک زن را معادل نصف شهادت مرد قرار داده است ، الله سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿وَاسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى﴾

پوهنمل عبدالقهار صمیم

(بقره / ۲۸۲). و دو نفر از مردان خود را به گواهی گیرید، و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن از گواهانی که می پسندید، تا اگر یکی از آن دو (زن) فراموش کرد دیگری به او یادآوری کند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «أَلَيْسَ شَهَادَةُ الْمَرْأَةِ مِثْلَ نَصْفِ شَهَادَةِ الرَّجُلِ» (بخاری

۱۴۲۲). آیا شهادت یک زن معادل نصف شهادت یک مرد نیست؟

این نصوص به مثابه خار مغیلان برای غربی ها، داعیه داران دروغین حقوق بشر، حقوق زن، فعالان جامعه مدنی تمام شده است، گاه و بیگاه، وقت و بی وقت آه و فریاد می کشند، اسلام را به تبعیض جنسیتی، نقض حقوق بشر، نابرابری و بی عدالتی متهم می کنند، درحالیکه نظام حقوقی اسلام بخاطر تطبیق عدالت، حفظ حقوق بشر و رعایت مصالح عمومی پا به میدان گذاشته و حقوق و تکالیف مرد و زن را در هماهنگی بین نظام تکوینی و تشریعی، حقائق عینی جامعه، و معیار های علمی، تخصصی، شغلی، اخلاقی، عاطفی وضع نموده است، بنابر این در بسا قضایا بین حقوق و تکالیف مرد و زن تشابه ها و تفاوت ها نسبی وجود دارد، قضیه شهادت هم یکی از همین نوع حقوق و تکالیف است، از یک سوی بین حقوق و تکالیف مرد و زن مشابهت وجود دارد زیرا اسلام نفس شهادت را به عنوان یک حق و تکلیف^(۷) برای مرد و زن بطور یکسان پذیرفته است، اما از سوی دیگر با تعیین نصاب شهادت و وضع برخی از محدودیت ها حقوق و تکالیف مرد و زن را از هم متمایز نموده است، ولی این تمایز بر مبنای تفاوت های جنسیتی استوار نیست بلکه بر مبنای تفاوت های شغلی، تخصصی، ارزشی، مصلحتی، ساحت کاری و فیز یولوژیکی استوار است، به طور مثال:

۱. **شهادت چهار نفر مرد:** نظام حقوقی اسلام در جرمه زنا فقط شهادت چهار نفر مرد را به رسمیت شناخته است، حتی شهادت سه مرد هم قابل پذیرش نیست، تعیین نصاب بخاطر اطمینان برای دستگاه قضا است، قاضی می تواند باشهادت چهار نفر مرد عادل اطمینان حاصل نموده و بر مبنای آن عادلانه قضاوت نماید، اختصاص مردان بخاطر حفظ ارزشهای اخلاقی و عفت زنان است، زیرا برای شهادت در جرمه زنا حضور عینی شاهدان و مشاهده همزمان چهار نفر از جریان عملیه زنا شرط است، این کار خلاف عفت، عزت و اخلاق والای زنان است و طبیعت خانم ها به گونه است هرگز زن برای دیدن چنین صحنه

۷ - تحمل شهادت حق است و اداء شهادت تکلیف و مسؤولیت است،

پوهنمل عبدالقهار صمیم

های دلخراش وعفت ستیز حاضر نمی شوند چه رسد بر این که این گونه صحنه را در داد گاه نزد مردم دوباره بازتاب دهد" الا مارحم ربی "(طیار، ۱۴۳۲).

۲. **شهادت سه نفر مرد صاحب رسوخ** : نظام حقوقی اسلام برای تصدیق و رشکستگی اقتصادی، آسیب دیدگان، و کفیل ها، سه نفر مرد عادل و صاحب رسوخ را نصاب تعیین نموده است، بعد از تأیید آنها می توانند از مردم سوال کنند، تعیین سه نفر صاحب رسوخ بخاطر جلوگیری از جعل کاری، استحقاق حق طلب و حصول اطمینان برای کمک کنندگان است، شهادت مردان عادی هم در این مورد قابل پذیرش نیست؛ زیرا امکان دارد خود شان طراحان اصلی قضیه باشند، چون افراد عادی از آبرو ریزی فردا نمی هراسند، اما افراد صاحب رسوخ بخاطر موقف و جایگاه اجتماعی شان دست به چنین کار نمی زنند (تویجری، ۱۴۳۰).

۳. **شهادت دومرد عادل** : نظام حقوقی اسلام بر علاوه از جریمه زنا در دیگر حدود مانند: سرقت، قذف، حراجه، شرب خمر، قصاص، تعزیر، ارتداد و موارد غیر مالی که مردان نسبت به زنان برآن اطلاع بیشتر دارند، یا ساحه کاری شان است و یا هم خانم ها طرف هستند مانند: نکاح، طلاق، رجوع، ایلاء وظهار دو نفر مرد عادل را نصاب تعیین نموده است، تعیین نصاب دو نفر بخاطر اطمینان دستگاه قضاء و تأمین عدالت است، اما اختصاص مردان بخاطر آن است که خانم ها به مراتب نسبت به مردان نرم دل، مهربان، دلسوز و عاطفی تر اند امکان دارد هنگام اجرای قصاص، سرزدن مرتد، قطع دست دزد، تازیانه زدن شراب خور و تهمت گران و به دار اویختن قطاع طریق جنبه های عاطفی و مهریزی شان غالب آمده از شهادت امتناع ورزند و عدالت تأمین نشود، و در قضایای نکاح، طلاق، رجوع،ظهار و ایلاء و... در میان مردان صورت می گیرد و خانم ها دخیل نیستند و از سوی هم خانم ها طرف هستند امکان دارد نظر به بعد عاطفی شان آه و فریاد هم نوعان شان را شنیده به نفع خانم ها شهادت دهند و عدالت زیر پا شود (نووی، ۱۴۱۲).

۴. **شهادت یک مرد و دو زن** : نظام حقوقی اسلام برای اثبات دعاوی حقوقی و مالی مانند: دیون، میراث، وصیت، امانت، بیع، اجاره، هبه، کفاله، حواله، وقف، وکالت .. دو نفر مرد یا یک نفر مرد و دو نفر زن را نصاب تعیین نموده است.

a. تعیین نصاب بخاطر حفظ حقوق مردم است ، اما معادله شهادت دو نفر خانم با شهادت یک نفر مرد بخاطر آن است خانم ها در قضایای تجاری، اقتصادی، ترتیب قبالة ، خرید و فروش ، وثیقه بیع و شراء ، داد و ستد، تقسیم میراث ، ترتیب وصیت نامه و ترتیب بخشش خط و... زیاد دخیل نیستند. اگر احياناً در نبود مردان به عنوان شاهد قرار گیرند امکان دارد باگذشت زمان فراموش کنند لهذا باید بخاطر یادمانی خانم دو مین درکنارش باشد تا در صورت فراموشی برایش یاد دهانی نماید و حقوق مردم محفوظ بماند.

۵. **شهادت یک زن:** نظام حقوق اسلام در مسائل پوشیده ی زنانه و موارد دیگری که مربوط به ساحه کار و تخصص زنان می شود مانند: قضیه بکارت ، ولادت در شفاخانه، قضایای حمام زنانه ، حیض ، نفاس ، عدت، رضاعت و سقط جنین و... بخاطر تأمین عدالت شهادت یک زن را به رسمیت شناخته است ، و اگر بر عکس در چنین قضایای صد مرد هم شهادت دهد برای نظام حقوقی اسلام قابل قبول نیست، چون مردان به چنین قضایای سر و کاری ندارند ، و نه مربوط مسلک و تخصص شان است (مجموعه مولفان ، ب ت).

۶. **شهادت یک مرد :** نظام حقوق اسلام بخاطر اثبات حقوق مادی و معنوی مردم و تأمین عدالت شهادت یک مرد را هم به رسمیت شناخته است مانند: شهادت رؤیت هلال رمضان ، قاتل در قضیه سلب ، طیب در مورد جراحات مجروحین ، داکتر حیوانات بر مریضی چهارپایان ، ترجمان نزد قاضی ، انجینر ورکشاپ بر خرابی موتر و وسائل الکترونیکی ... در تمام این موارد یک نفر شاهد کافی است (ابن القيم ، ب ت).

۷. **شهادت یک زن مساوی با یک مرد :** نظام حقوقی اسلام در قضیه لعان شهادت یک زن را معادل شهادت یک مرد دانسته است ، بخاطریکه در این قضیه نه مصلحت دیگران نهفته است و نه مربوط به ساحه کار و تخصص دیگران است و نه خلاف ارزشهای اخلاقی است؛ بلکه کاملاً یک قضیه داخلی است و هرکدام برای احقاق حق خویش تلاش می نمایند عدالت ایجاب می نماید همانگونه ی که در انسانیت با هم مساوی اند باید در شهادت هم مساوی باشند تا عدالت بگونه درست تأمین گردد (شلتوت، ۱۴۰۰).

همین مفهوم عدالت نظام حقوقی اسلام است نظر به تفاوت های تکوینی که دانشمندان بیولوژی، فیزیولوژی، طبیبان و روان شناسان بعد از تحقیقات طویل المدت بر آن دست یافتند، اسلام چهارده صدسال قبل از امروز به آن اشاره نموده و حقوق و تکالیف شرعی را مطابق تفاوت آفرینش تنظیم نموده است.

مناقشه

در مورد مساوی بودن شهادت دو زن با یک مرد در آموزه های اسلامی از سوی دانشمندان تفسیر های متفاوت صورت گرفته است، هر کدام به نوبه خویش تلاش کردن تا درمیان واقعیت های عینی زنان و داده های قرآن و سنت وفق دهند، برخی ها گفته اند: شهادت یک مسئولیت است نه حق، آنانکه میگویند: حق زن درین عرصه پایمال شده باید این حقیقت را درک کنند که شهادت حق است و یا تکلیف و مسئولیت. اسلام در مسئله شهادت حق زنان را محدود نه بلکه مسئولیت شانرا سبکتر ساخته. و برخی ها گفته اند در میان شهادت و اشهاد تفاوت است، قرآن کریم از اشهاد حرف زده نه از شهادت، اشهاد به مفهوم شاهد قرار دادن دو نفر مرد یا یک نفر مرد و دو نفر زن از سوی صاحب دین جهت نگهداری دین است تاحق شان تلف نشود، نه به مفهوم شهادت در دادگاه نزد قاضی، آنانکه میگویند: اسلام حق زن را پایمال کرده است باید این حقیقت را درک کنند که شهادت امری است و اشهاد امر دیگری... ولی این تفاسیر نمی تواند قناعت خوانندگان را فراهم کند زیرا تحمل شهادت حق است اما اداء آن مسئولیت است. و از سوی هم اگرچه واژه اشهاد و شهادت ازهم متفاوت اند اما نتیجه هر دو یکی است، زیرا اشهاد هم برای ادای شهادت نزد قاضی است، پس تعبیر درست که می تواند وضعیت های عینی جامعه را بازتاب دهد و میان آموزه های اصیل اسلام و ساختار شخصیت زنان وفق دهد همانا هماهنگی میان نظام تکوینی و تشریعی است.

نتیجه گیری و سفارشات

بعد از تحقیق و بررسی نصوص صریح قرآن و سنت و دیدگاه های بیولوژیکی ، فیزیولوژیکی ، پزشکی و روان شناسی به این نتیجه رسیدم که تفاوت های حقوق و تکالیف زنان و مردان بر مبنای تفاوت های جنیست استوار نیست، بلکه بر مبنای تفاوت های شغلی ، تخصصی ، ارزشی ، مصلحتی ، ساحه کاری ، بیالوژیکی و فیزیو لوژیکی استوار است، البته این تفاوت ها موجب برتری یکی بر دیگری نمی شود بلکه موجب کمال آنها است ، کمال مرد در این است که از خصوصیات مردانگی بر خور دار باشد و کمال زن در این است که با ویژه گی های زنانگی آراسته باشد، زن ظریف آفریده شده و این ظرافت برای زن کمال است، بنابر این کارهای ظریف و عاطفی مانند: تربیت ، پرورش ، آرایش ، رسیدگی به تدبیر منزل ، تهیه غذا و.. به او واگذار شده است. و مرد نسبتاً خشن آفریده شده و این خشن بودن و قوه جسمانی برای مرد کمال است، بنابر این کارهای خشن ، سنگین و طاقت فرسای خارج از منزل بدوش مردان گذاشته شده است، در نهایت گفته می توانیم در میان دیدگاه اسلام دانشمندان محقق در مورد تفاوت های زن و مرد هیچ تفاوت وجود ندارد، همانگونه ی که امروز در دنیا طبق تفاوت های تکوینی زن و مرد قانون وضع می گردد نظام اسلام از قبل طبق آن قوانین و وضع نموده است.

سفارش : اگر ما ها همانگونه ی که قانون تکوینی را بدون چون و چرا پذیرفته ایم ، قانون تشریعی را هم بپذیریم هیچ مشکل فرا راه امت اسلامی باقی نخواهد ماند ، و در غیر آن این کار ما به مثابه واگذار کردن وظایف شب برای روز و واز روز برای شب ، و ظایف آسمان برای زمین و از زمین برای آسمان ، و وظایف مردان برای زنان و از زنان برای مردان می ماند که هیچ منطق سلیم آن را نمی پذیرد.

منابع

- ۱- ابن سعد ، محمد بن سعد (۱۹۶۹) طبقات الكبرى، ناشر: دار صادر- بيروت، ج ۲ ص ۵-۶
 - ۲- ابن حزم ، علی بن احمد (بی تا) المحلی بالآثار، ناشر: دار الفكر - بيروت ، ج ۹ ص ۲۶۵ .
 - ۳- ابن القيم ، محمد بن أبی بکر (بی تا) الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة، ناشر: مکتبة دار البیان ، ص، ۹۸، ۱۱۳، ۱۲۳.
 - ۴- بخاری ، محمد بن إسماعیل (۱۴۲۲)، صحیح البخاری، ناشر: دار طوق النجاة ، طبع ، ۱، حدیث شماره (۷۳۱۰)، حدیث شماره (۵۰۶۵)، و حدیث شماره (۵۲۷۳) ، حدیث شماره (۱۸۶۲)، و حدیث شماره (۷۰۹۹).
 - ۵- ترمذی ، محمد بن عسی (۱۳۹۵) سنن الترمذی ، ناشر : مکتبه مصطفى البابي الحلبي - مصر ، ج ۱ ص ۱۷۳ ، شماره حدیث ۱۱۳.
 - ۶- تویجری ، محمد بن إبراهیم (۱۴۳۰) موسوعة الفقه الإسلامی ، ناشر : بیت الافکار الدولیة ، ط، ۱، ج ۵، ص ۲۴۵.
 - ۷- الإثوبی ، محمد بن علی (۱۴۱۶) ذخیرة العقبی فی شرح المجتبى، ناشر: دار المعراج الدولیة للنشر، ط، ۱، ج ۱ ص ۴۷۶.
 - ۸- شلتوت ، محمود (۱۴۰۰). الإسلام عقیده وشریعة، ناشر: طبعه القاهرة، ص، ۲۳۹ - ۲۴۱.
 - ۹- طیار ، عبدالله بن محمد (۱۴۳۲) الفقه المیسر ، ناشر: مدار الوطن للنشر - ریاض، ج، ۸، ص ۱۱۷
 - ۱۰- عباد، عبدالمحسن (بی تا) شرح سنن ابی داود ، موقع الشبكة الاسلامیة ، ج ۳، ص ۵۲۵.
 - ۱۱- نووی ، یحیی بن شرف (۱۴۱۲) روضة الطالبین ، ناشر: المکتب الاسلامی - بیروت ، ط، ۲، ج ۱۱ ص ۲۵۳.
 - ۱۲- مجموعه مؤلفان (بی تا) شبهات المشککین ، وزارة الأوقاف المصریة ، ج، ۱ ص ۱۲۸.
- انترنت:
- ۱۳- افشاری ، محمد حسین . (۱۳۹۷) مهترین تفاوت زنان ومردان از دید روانشناسی . برگرفته شده به تاریخ ۱۴۰۰/۸/۶ از وب سایت www.rasekh00n.net/lifestyli/shoow.

۱۴- حسینی، سید هادی. (بی تا) تفاوت های بیولوژیک زن و مرد « بدن، روان و هوش ». برگرفته شده

به تاریخ ۱۴۰۰/۷/۱۶ از وب - سایت [www. Library.tebyan.net](http://www.Library.tebyan.net)

۱۵- صبوری، حسین. (۱۳۹۲). تفاوت های فیزیولوژیکی زن و مرد . برگرفته شده به تاریخ ۱۴۰۰ / ۸/۶

از وب - سایت www.rasekh00n.net.

۱۶- (۲۰۱۷/۵/۸) مغز مردان بیشتر از زنان است . برگرفته شده به تاریخ ۱۴۰۰/۷/ ۱۰ از وب -

سایت www.af.sputniknews.com.

Ministry of Higher Education

Al-Beroni University

Scholarly–Research Journal of Al-Beroni

Chief Editor: Pohandoi Dr. Mahboob Ur Rahman Safi

Associate Editor: Jawad Rahimi

Editorial Board Members:

Pohanmal Shafiullah Musleh V/C of the Academic Affairs.

Pohanwal Fazlrab Aria Academic Member of the Faculty of Agriculture.

Pohandoi Dr. Abdul Rafi Alimi Academic Member of the Faculty of Islamic Studies.

Pohandoi Dr. Sayed Taslim Kawyan Academic Member of the Faculty of Languages and Literature.

Pohandoi Abdul Mateen Haqbeen A Member of the Faculty of Engineering.

Pohanmal Abdul Qahar Qarluq A Member of the Faculty of Agriculture.

Pohanmal Dr. Ahmad Hanif Hanif Academic Member of the Faculty of Law and Political Sciences.

Pohanmal Dr. Ahmad Mustafa Rahimi Academic Member of the Faculty of Medical Sciences.

Pohanyar Rohullah Fajr Academic Member of the Faculty of Education.

Pohanyar Asadulla Aria Academic Member of the Faculty of Journalism.

Contact:

Tel: 0797100896 - 0777118025

E- mail: jawadrahimi2030@gmail.com & vc.academic@au.edu.af

Add: Al-Beroni University, Kapisa Province, Afghanistan.



Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
Al-Beroni University

Scholarly-Research Journal of Al-Beroni

Year 5: Volume 21: Fall 2022